جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ - ۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
سال بیست‌وهفتم- شماره ۷۳۱۸ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

ادعای انقلابی بودن را از کجا آوردید؟!

رحیم زیادعلی
دبیر گروه سیاسی

یک دسته و فرقه سیاسی که هم در مجلس و هم در برخی دستگاه‌ها و رسانه‌ها هستند و خود را فریبکارانه عدالتخواه و ولایتمدار می‌نامند، در این فرصتی که کشور فضای خوبی دارد و از اختلافات جناحی که زمانی با جریان اصلاحات، اوج گرفته بود، خبری نیست، گویا می‌خواهند این خلأ را پر کنند و دوقطبی‌های نامیمون سیاسی را به اوج برسانند! اکنون خود اصلاح‌طلبان می‌گویند از «ستیز با حکومت» عبور کرده‌اند (عباس عبدی در گفت‌وگوی اخیر)، اما یک دسته که خود را اصولگرا می‌نامند، ظاهراً به جایگاه سابق آنان طمع و حسد کرده‌اند! بدون استدلال محکم و فقط برای منافع فرقه و دسته و گروه خود، هم رئیسان سه قوه را به بهای اندک تخریب می‌کنند، هم فرماندهان ارشد نظامی را زیرسؤال‌های پوچ می‌برند و هم با رفتارهای عجیب و غریب خود برای نظام هزینه‌تراشی می‌کنند.

آیا همین چند روز پیش سخنان رهبری را در جمع استانداران نشنیدند؟! «خوشبختانه الان در کشور فرصت‌ها هم زیاد است؛ یعنی حالا که نوبت شما شده، فرصت در کشور زیاد است. «فرصت» یعنی چه؟ یعنی در فضای عمومی کشور مسئله خاصی وجود ندارد؛ نه جنگ داریم، نه بیماری داریم... نه یک مشکل امنیتی حادی داریم... اختلافات جناحی و سیاسی آن‌چنانی‌ای [هم] که یک روزهایی خیلی اوج داشت، نداریم. بنابراین، فضای کلی کشور الان یک فضای خوبی است.»

توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به استفاده از «فرصت» کنونی کشور برای کار و تلاش، اگرچه به طور خاص، استانداران و مجموعه دستگاه‌های اجرایی کشور را خطاب قرار می‌دهد، اما در کلان موضوع همه قوای کشور و دستگاه‌های حاکمیتی نظام مورد خطاب و توصیه رهبری انقلاب قرار دارند.

تصریح معظم‌له به این مهم که اکنون اختلافات جناحی و سیاسی آنچنانی‌ای نداریم، ناظر به ادوار تلخی است که برخی جریان‌های سیاسی در داخل که احیاناً در حاکمیت هم بودند، با تدارک فتنه‌هایی که بعضاً ریشه خارجی داشت یا انگیزه‌های سیاسی مزمن پشت آن بود، چنان اوضاع کشور را به چالش کشیدند، که راه هرگونه مفاهمه، کار و تلاش و توسعه کشور را مسدود کرده بود و اگر نبود تدابیر حکیمانه رهبر انقلاب و صد البته بصیرت و هوشمندی ملت، شاید هیچ چشم‌اندازی را نمی‌شد برای آینده کشور تصور کرد.

با این اوصاف مدتی است برخی که خود را با وصف «انقلابی» و «ولایتمداری» تعریف می‌کنند، برخلاف آنچه از خود می‌نمایانند، درست برخلاف مشی و مرام رهبری حرکت می‌کنند. این جریان که رگه‌هایی از عناصر آنها در مجلس شورای اسلامی، برخی نهادها و دستگاه‌ها دیده می‌شود و از رسانه‌های متعدد و البته پرخاشگر برخوردارند، اگرچه در اقلیت هستند، اما صدای‌شان در بوق است.

در قاموس این جماعت، گویی امنیت ملی، مصالح کشور و منافع مردم از اهمیت چندانی برخوردار نیست. یک روز رئیس‌جمهور را مورد هجمه قرار می‌دهند که چرا راجع به فلان مسئله یا بهمان موضوع سکوت یا اظهارنظری کرده، روز دیگر رئیس مجلس را به مصلحت اندیشی و وادادگی متهم می‌کنند و روز دیگر به بهانه‌ای دیگر رئیس قوه قضائیه را. رفتار این قبیله در برخورد با فرماندهان ارشد دفاعی و امنیتی و دستگاه‌های حاکمیتی هم از همین روش تخریبی بهره می‌گیرد. حب و بغض آنها به اشخاص، نه بر اساس حق و عدالت که در دوری و نزدیکی مواضع آنها به اهداف تندروانه این جماعت تعریف شده است و طبیعی است که هرچه دورتر، حمله و هجمه بیشتر. و شوربختانه اینکه، چنانکه گفته شد، این حملات رسانه‌ای، ذیل مفاهیمی چون «عدالتخواهی» سازماندهی و پمپاژ می‌شود. رفتار اینان را شاید بتوان مصداق این مصرع دانست که «یکی برسر شاخ بن می‌برید». شمایی که خود را انقلابی، عدالتخواه و پیرو ولایت‌فقیه می‌دانید، اگر آگاهید با این رفتارهای تفرقه افکنانه و فرصت‌سوز چه بر سر کشور می‌آورید، وصفی جز خیانت و نفاق را نمی‌شود برایتان آورد و اگر نمی‌دانید و از سر ناآگاهی آب به آسیاب دشمن می‌ریزید که به خود آیید و جبران کنید، شاید خدا از سر تقصیراتتان بگذرد. به قول شاعر: آینه چون نقش تو بنمود راست/ خود شکن آیینه شکستن خطاست.

بین‌الملل

دروغ انگلیسی در مسیر توافق!

کار وزارت خارجه ایران شده است تکذیب دروغ‌های رویترز، خبرگزاری انگلیسی که سابقه دروغ‌پردازی را به بخشی از تاریخچه غیرقابل‌انکار خود بدل ساخته است. از فوت رهبری ایران که چند سال پیش منتشر کرد تا حالا که هر خبرش درباره توافق از طرف وزارت خارجه ایران تکذیب می‌شود یا بعداً حتی از طرف امریکایی‌ها خلاف آن گفته می‌شود. دیروز سخنگوی وزارت خارجه دو بار خبرسازی رویترز درباره مسائل ایران را تکذیب کرد، یک‌بار درباره محتوای پیام عربستان به ایران در موضوع توافق با امریکا و یک‌بار هم درباره توقف کامل غنی‌سازی. رویترز مدعی است در سفر وزیر دفاع عربستان به ایران، از مقامات ایرانی خواسته شده که مذاکره با امریکا را برای پرهیز از حمله احتمالی اسرائیل مدنظر قرار دهند. خبرگزاری رویترز همچنین به نقل از دو منبع ایرانی نوشت اگر امریکا حق ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم با اهداف غیرنظامی به رسمیت بشناسد، ایران ممکن است با توقف موقتی فعالیت‌های غنی‌سازی هسته‌ای موافقت کند. این دو خبر تکذیب شد. به نظر می‌رسد غرب مذاکرات را از طریق رسانه‌ها پیش می‌برد چون به اهمیت آن واقف است، با این وضع وقتی عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران می‌گوید «مسیر توافق از میز مذاکره می‌گذرد، نه از طریق رسانه‌ها»، معلوم است که این سخن کافی نیست و دردی را دوا نمی‌کند. وزارت خارجه ایران نباید یک تکذیب‌کننده صرف باشد. قبلاً پیشنهاد دادیم که شخص وزیر خارجه با سردبیران روزنامه‌های اصلی برای هدایت رسانه‌ای مذاکرات گروهی را تشکیل دهد اما بی‌توجهی به این امر کار را به آنجا رسانده است که حالا بیشتر کنش‌های وزیر و وزارتخانه مقابل خبرهای تازه، فقط واکنش است تا کنش. مردم نیز خبرهای خارجی را ده‌ها بار بیشتر از خبرهای داخلی می‌شنوند و تحلیل‌شان بر همان اساس پیش می‌رود. «دروغ انگلیسی» در تاریخ کار خودش را با عوام کرده است، حتی خواص را گرفتار خود ساخته. حالا که انگلیس ظاهراً از چرخه مذاکرات خارج است، این دروغ‌ها شدیدتر هم خواهد شد. وزارت خارجه باید جز تریبون تکذیب‌ها، تریبون دیگری را هم روشن کند |بقیه در صفحه ۱۵

مرضیه موسوی | ایرنا

یک کنکور را صد کنکور کردند!

مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

دبیر فیزیک در گفت‌وگو با «جوان»: دانش‌آموزان مدارس دولتی با این سطح سختی امتحانات حتی اگر عالی هم درس بخوانند، باز هم نمی‌توانند از پس سؤالات بربیایند

امتحانات نهایی هر سال سختی خود را داشته است، اما امسال روایت متفاوتی دارد. دانش‌آموزان احساس می‌کنند در یک آزمون نابرابر قرار گرفته‌اند؛ جایی که نه تنها دانش، بلکه شرایط، امکانات، سبک سؤالات و نحوه برگزاری آزمون‌ها در نتیجه و تعیین آینده آنها تأثیرگذار بوده‌است؛ موضوعی که به دغدغه عمده دانش‌آموزان، والدین و معلمان تبدیل‌شده و آنها را به اعتراض واداشته است |صفحه ۳

۳۰۰ هنرمند انگلیسی خطاب به نخست وزیر این کشور:

همدستی انگلیس در وحشت غزه را فوراً پایان بدهید

بندیکت کامبربچ، آصف کاپادیا، ریز احمد و آنی لنوکس از جمله ۳۰۰ امضاکننده نامه‌ای هستند که در آن از نخست وزیر انگلیس، خواسته شده از همدستی در بحران انسانی غزه دست بردارد. در این نامه آمده‌است: ما از شما می‌خواهیم فوراً برای پایان دادن به همدستی انگلیس در وحشت غزه اقدام کنید. در حال حاضر، کودکان غزه در حالی که غذا و دارو تنها چند دقیقه با آنها فاصله دارد و در مرز مسدود شده، دارند از گرسنگی می‌میرند. استفاده از واژه‌ها کودکان فلسطینی را سیر نمی‌کند، ما به عمل نیاز داریم. هر یک از ۲/۱ میلیون نفر جمعیت غزه، همین الان که شما این متن را می‌خوانید، در خطر گرسنگی هستند. در ادامه نامه آمده‌است: مادران، پدران، نوزادان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها - تمام مردم غزه پیش چشم جهان گرسنه مانده‌اند. ۲۹۰ هزار کودک در آستانه مرگ هستند - دولت اسرائیل بیش از ۷۰ روز است که گرسنگی را به آنها تحمیل کرده‌است. امضاکنندگان این نامه همچنین خواستار تعلیق فوری تمام فروش‌های تسلیحاتی بریتانیا به اسرائیل، دسترسی فوری سازمان‌های امدادرسان باتجربه به مناطق آسیب‌دیده و تعهد دولت بریتانیا برای کمک به برقراری آتش‌بس شدند. پیش ازاین جمعی از وکلا و نویسندگان انگلیس و ایرلند نیز نامه مشابهی به نخست‌وزیر انگلیس نوشته بودند |صفحه ۱۶

۸۰درصد مردم قدرت نظامی ایران را بازدارنده می‌دانند

حیدرضا نیک‌عهد | جوان

سردار علی‌محمد نائینی، سخنگوی سپاه: بر اساس نظرسنجی‌های معتبر، حدود ۸۰درصد مردم قدرت نظامی ایران را بازدارنده می‌دانند. این باور عمومی، یک سرمایه راهبردی است. در عین حال، فقط حدود ۲۰درصد به پایبندی امریکا به تعهداتش اعتماد دارند که نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی نسبت به دشمن و موفقیت روایت‌سازی داخلی است |صفحه ۶

آیه جهاد که آمد بابا اجازه داد به جبهه بروم

تاریخ دفاع مقدس پر است از فداکاری و ایثار جوانان و نوجوانانی که از سنین کم به جبهه‌های جنگ می‌رفتند و در فضای جبهه‌ها رشد و تربیت جسمی و روحی می‌یافتند. سیدعبدالکریم محمدی به عنوان یک جانباز ۵۰درصد یکی از همین نوجوانانی است که در سن ۱۵سالگی برای اولین بار به جبهه رفته بود |صفحه ۷

جام حذفی خود را به استقلال رساند

دنیا حیدری | خبرنگار گروه ورزشی

جباری برخلاف سایرین از همان نخستین روز حضورش روی نیمکت استقلال چسبید به کار. او نه شو و نمایش اجرا کرد و نه حتی گلایه از شرایط موجود. جباری در سکوت به کار خود ادامه داد و شاید به همین دلیل هم بود که از نخستین روزهای حضورش روی نیمکت آبی‌پوشان حمایت صددرصدی هواداران را داشت و دست‌آخر هم با صید طلا از اقیانوس سختی‌ها ثابت کرد فوتبال فقط حاشیه نیست. جباری خوب می‌دانست کنار زدن ملوان برای رسیدن به جام کار سختی است. تیمی مستحکم در خط دفاعی و خطرناک در ضدحملات که با تکیه بر همین تاکتیک، سپاهان مدعی و سپس گل‌گهر را حذف کرده بود. به همین دلیل مهم بود که استقلال با سیستم ۴-۱-۴-۱ راهی میدان شود تا بتواند از عهده انزلی‌چی‌ها برآید. جباری طی این مدت توانسته بود با کاهش فاصله خطوط استقلال، نظم قابل توجهی به تیم بدهد و در مصاف با ملوان هم با تکیه بر این مهم، تمرکز خود را روی خط دفاع و هافبک‌های دفاعی گذاشته بود تا قبل از هر چیزی دروازه تیمش را بسته نگه دارد. شاید به همین دلیل هم بود که در طول ۹۰ دقیقه توپی از خط دروازه‌ها عبور نکرد و هم تفکرات دفاعی مازیار زارع جواب داد و هم تفکر مشابه مجتبی جباری. مجتبی جباری بعد از ۹۰ دقیقه دفاع متقابل برابر ملوان، دست به تغییر تاکتیک زد و با تعویضی طلایی، شرایط را به سود تیم خود تغییر داد تا کارش را با کسب جام به پایان ببرد |صفحه ۱۳

یادداشت سیاسی

جعفر حسن خانی

تفاوت‌شناسی مذاکرات ۱۳۹۲ با ۱۴۰۴

مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا در سال ۱۴۰۴، در بستری متفاوت از سال ۱۳۹۲ قرار دارد. تحولات جغرافیای قدرت، از جمله کاهش نفوذ امریکا، ظهور بلوک‌های جدید و بحران‌های اقتصادی اروپا، همراه با تغییرات داخلی ایران، از جمله همگرایی در تصمیم‌گیری و بلوغ اجتماعی، فرصت‌هایی نو برای دیپلماسی ایران فراهم آورده‌اند. موفقیت این مذاکرات، نه در امضای یک توافق صوری، بلکه در پیگیری استراتژی جامعی نهفته است که شامل تقویت توان داخلی، بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی و روایت‌سازی فعال باشد |صفحه ۲

یادداشت سیاسی

رسول سنائی‌راد

استکبارستیزی در اندیشه و گفتمان امام راحل

امریکا با نگاه استکباری از رژیم استبدادی پهلوی حمایت کرد و تبعید حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۳ حاصل مخالفت ایشان با کاپیتولاسیون یعنی نماد سلطه استکباری امریکا در ایران قبل از انقلاب اسلامی بود و پیش از آن هم کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شناخت دقیق ماهیت استعماری و استکباری امریکا و تأثیر آن بر چپاول کشور و تشدید استضعاف ملت بزرگ ایران کمک کرده‌بود. مداخلات مستقیم دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران به توسعه و تعمیق این شناخت در اندیشه سیاسی حضرت امام منجر شده بود |صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

پول همین‌جا بود!

۴۶هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان پول رسماً معوق، در سکوت سال‌های گذشته، در حساب‌های شرکت‌های دولتی تلنبار شده بود؛ پولی که نه تحریم مانع وصولش بود، نه فقدان قانون. فقط مدیرانی نبودند که بخواهند آن را به خزانه کشور بازگردانند. حالا دیوان محاسبات اعلام کرده است با اجرای حساب واحد خزانه، این رقم سرسام‌آور بالاخره وصول شده است. یک اقدام ساده، یک پیگیری حقوقی و یک اراده اداری کافی بود تا پرده از واقعیتی تلخ کنار برود: کشورمان در گریز فقر منابع نیست، گرفتار فقر مدیریت است |صفحه ۴

یادداشت ورزشی

فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

قراردادهای میلیاردی عیب اصلی فوتبال

فصلی که پشت سر گذاشته شد از نظر اخلاقی فاجعه‌بار بود. از نظر مسائل فنی هم فوتبال باشگاهی‌مان در پایین‌ترین رده‌های فوتبال قرار داشت این را ما نمی‌گوییم، این را کاهش سهمیه ایران در لیگ نخبگان و حتی لیگ دسته دوم آسیا فریاد می‌زند! حالا چرا باید برای چنین فوتبال و فوتبالیست‌هایی از بیت‌المال و پول مردم میلیاردی خرج کرد و تازه برای فصل بعد هم ۳۰ درصد آن را افزایش داد؟! مگر این جماعت چه گلی بر سر ورزش ایران زده‌اند که هر فصل متوقع‌تر از فصل قبل می‌شوند |صفحه ۱۳

۲

انتقاد رئیس عدلیه از کثرت آرای خلاف شرع قضات

سخنان رئیس قوه قضائیه در اختتامیه همایش رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور، یک خبر خوش داشت و یک انتقاد جدی. خبر خوش از اینکه دستگاه عدلیه اراده کرده افراد خوش فکر، جوان و پرانرژی در ساختار قضایی‌اش وارد کند و انتقاد از اینکه درخواست زیاد اعمال ماده ۴۷۷ ریشه در صدور آرای خلاف بین شرع است، که باید آسیب شناسی شود

۱۶

محمدمهدی صافی | جوان

صفار هرندی:

سلیمی‌نمین آدم حسابی مطبوعات است

محمدحسین صفارهرندی در مراسم بزرگداشت عباس سلیمی نمین: او هرگز از اصول خود کوتاه نیامده‌است. در تمام این مدت، من ایشان را خط استوار اصلی دیدم. خداوند را شکر می‌کنم که انسان در طول دوران عمرش با کسانی مواجه شود که بتواند آنها را آدم حسابی و آدم کافی بنامد. سلیمی نمین، ترازی از نقد را در رسانه به نمایش گذاشت که قابل تدریس در کلاس‌های روزنامه‌نگاری است

ستون شنبه‌ها

مهدی مولایی

مراقب فرزندان خود باشید!

اگر خدای ناکرده از فرزندانتان تخلفی، بزرگ یا کوچک، سر زد و افکار عمومی جامعه تصور تبعیض و تفاوت میان فرزندان خود و فرزندان شما کردند، از خدا تقوا کنید و مقابلشان بایستید و عدالت را اجرا کنید؛ که فرزندان شما عزیزتر از فرزندان علی نیستند. اگر تخلف و لغزشی از نزدیکانتان به اثبات رسید، بگذارید همه در برابر قانون برابر باشند و کسی به پشتوانه نام پدر بر گرده‌های مردم نتازد. که نزدیک بود زبیر از اهل‌بیت شود، تا وقتی پسرش پا به جوانی گذاشت! |صفحه ۳

۳

امیدهای جدید با کاهش ۳۵درصدی مهاجرت پرستاران

زهرا جیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

پس از کاهشی‌شدن روند مهاجرت پزشکان، این‌بار نوبت پرستاران است که روند مهاجرتشان کاهشی شود و ماندن در کشور را به مهاجرت ترجیح بدهند. طبق آمارهای ارائه‌شده از شهریور تا پایان اسفند ۱۴۰۳ به ترتیب روند مهاجرت پرستاران و پزشکان ۴۴، ۲۸، ۵۷، ۶۷، ۴۳، ۵۴ و ۵۴ درصد کاهش داشته است. در مجموع و در سال ۱۴۰۳ نیز مهاجرت پرستاران کاهشی ۳۵درصدی داشت که بر خلاف روندی افزایشی در سال‌های گذشته است؛ موضوعی که از جهات مختلفی قابل تحلیل است

۴

نان آزاد می‌شود یا آجر؟!

بهناز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

نان گران شد. اکنون در کمتر از سه ماه بار دیگر نانوایان برای افزایش قیمت خیز برداشته‌اند. اخیراً قیمت آرد برای نانوایان آزادپز از ۱۲هزار تومان به ۲۱هزارو ۷۰۰ تومان افزایش یافته، از این رو نانوایان نان سنگک با هماهنگی اتحادیه‌شان قیمت نان را ۴۸درصد گران کرده‌اند. همزمان برخی از نانوایان دولتی نیز در این آشفته‌بازار نان، قیمت‌ها را افزایش داده‌اند. دولت با وعده ساماندهی نان تا پایان تابستان، ترجیح می‌دهد افزایش قیمت‌ها در فضای غیررسانه‌ای انجام شود و در موعد مقرر از سامانه‌ای رونمایی کند که بر اساس آن قرار است، قیمت نان آزاد و یارانه آن مستقیماً به حساب سرپرست خانوار واریز شود

۱۴

برخورد قاطع پلیس با شوتی‌ها

سردار احمدرضا رادان، در سفر به شهرکرد: شوتی‌ها با تخلفات سرعتی و قاچاق کالا و گاهی مواد مخدر، نه‌تنها اقتصاد کشور را دچار آسیب جدی می‌کنند، بلکه جان صدها نفر را در جاده‌ها به خطر می‌اندازند. سال گذشته بیش از ۵۰۰ نفر در اثر حوادث مرتبط با خودروهای شوتی جان خود را از دست داده‌اند که این آماری هشداردهنده است. برنامه ما برای مقابله با این پدیده، افزایش هزینه اقدامات مجرمانه برای این افراد است. در همین راستا، طرح‌هایی در مسیر تصویب نهایی در شورای عالی امنیت ملی قرار دارد تا علاوه بر توقیف‌های بلندمدت، اقدامات بازدارنده دیگری نیز در دستور کار قرار گیرد. همچنین، پیشنهادهایی برای تشدید جرائم و اصلاح قوانین مقابله با شوتی‌ها در حال پیگیری است

نهج‌الامامة

نهج البلاغه در کلام امام خامنه‌ای

زمانه بعثت

امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) فرمود: «أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ» (خطبه ۸۹): بعثتِ در هنگامی اتفاق افتاد که دوران طولانی‌ای بود بشریت از حضور انبیای الهی محروم بود. از ظهور حضرت عیسی حدود ششصد سال می‌گذشت. صدها سال بود که بشر در میان خود سفیر الهی ندیده بود. نتیجه چه بود؟ «وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ»؛ دنیا تاریک بود، ظلمانی بود، معنویت رخت بربسته بود، بشر در جهالت و گمراهی و غرور به سر می‌برد. در یک چنین شرائطی، خدای متعال پیغمبر را فرستاد. نبی مکرم، آن عنصر شایسته‌ای بود که برای یک چنین حرکت عظیمی، برای طول تاریخ بشریت، خداوند او را آماده کرده بود.

۱۳۹۰/۰۴/۰۹

یادداشت

استکبارستیزی در اندیشه و گفتمان امام راحل

رسول سنائی‌راد

کارشناس سیاسی

استکبارستیزی یکی از مفاهیم کلیدی و پربسامد در اندیشه و مکتب الهی-سیاسی حضرت امام خمینی (ره) است که سفارش به این امر در وصیت‌نامه الهی-سیاسی، جایگاه مهم آن را نزد حضرتش نمایان می‌سازد.

ایشان در این باره نوشته‌اند «وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند... ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید.» خاستگاه این مفهوم محوری در اندیشه و گفتمان امام خمینی را که رد آن در گفتار و رفتار ایشان همواره پیداست، می‌توان به موارد زیر مرتبط دانست:

۱- جهان‌بینی اسلامی و الهی ایشان که در آن تنها ذات مقدس خداوندی است که فاعل علی‌الاطلاق و مسبب‌الاسباب است و همگی باید تابع و فرماندار او باشند. در این جهان‌بینی هرگونه سلطه‌طلبی بر انسان‌ها و استعلاجویی، ادامه همان خوی شیطانی است که از تکبر او ریشه گرفته است. بر اساس همین جهان‌بینی مستکبر کسی است که خود را برتر از دیگران بداند و برای این برتری‌طلبی با ایجاد نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مستکبرانه، دیگران را به استضعاف می‌کشاند و بر آنها ظلم و تعدی می‌کند. ۲- تجارب سیاسی و آگاهی برآمده از سال‌ها مبارزه با طاغوت پهلوی و مطالعه و آشنایی با تحولات سیاسی-اجتماعی جهان و منطقه که نه تنها امریکا با نگاه استکباری از رژیم استبدادی و دیکتاتوری پهلوی حمایت کرد و تبعید حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۳ حاصل مخالفت ایشان با کاپیتولاسیون یعنی نماد سلطه استکباری امریکا در ایران قبل از انقلاب اسلامی بود و پیش از آن هم کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب جنبش ملی‌سازی نفت به شناخت دقیق ماهیت استعماری و استکباری امریکا و تأثیر آن بر چپاول کشور و تشدید استضعاف ملت بزرگ ایران کمک کرده بود. مداخلات مستقیم دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران برای بازگرداندن ایران به همان تسلط و تحمیل استعمار و نفی استقلال کشورمان به توسعه و تعمیق این شناخت در اندیشه سیاسی حضرت امام منجر شده بود. ۳- شهامت اعلام مخالفت به استکبار پس از شناخت ماهیت شیطانی استکبار که به ابعاد فکری و اندیشه سیاسی امام خمینی بعد عملی داده و او را به عنوان یک الگوی مبارزه شجاعانه در برابر دنیای استکبار مطرح کرده است.

ایشان نه تنها دیگران را به مبارزه با استکبار و نهراسیدن از ابهت ظاهری و هیاهوی تبلیغاتی آن فرا می‌خواند، بلکه پس از دیدن جنایت‌های استکبار برای سرکوب و تهدیدات آن، به صراحت فریاد برآورد که «اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خدا -که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک‌پرستی است- ادامه می‌دهد». همچنین ایشان مبارزه با استکبار را برای نجات مظلومان از ستم و محرومیت تحمیل شده بر آنان یک تکلیف دانسته و با صراحت اعلام فرمود: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمومنین علیه‌السلام در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: «کونا للظّالم خصماً و للمظلوم عوناً». ۴- پیوند عواطف انسانی و غیرت درونی امام خمینی به رهایی از استکبار که تحمل آن را نوعی ننگ و ذلت پذیری به حساب می‌آورد به تحمل آن را مغایر آزادی و استقلال می‌دانست. از این رو فریاد می‌زد «آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با این همه سرمایه انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه مستکبران و دزدان دریایی و زمینی بدهند.»

ایشان رفع این ذلت را در گرو مبارزه عملی با مستکبران دانسته و تصریح می‌فرمودند: «تا قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب مبارزات آشتی‌ناپذیر ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد.»

حضرت امام خمینی مستکبران را عامل اصلی استضعاف دیگران دانسته و به وجود دو جبهه مستکبرین و مستضعفین و مبارزه دائمی بین آن دو جبهه اعتقاد داشتند و البته پایان این مبارزه در پیوند با اندیشه الهی حضرتش حکومت صالحان بر زمین و پایان حاکمیت مستکبران است.

خبر آخر

خطیب موقت تهران:

دنبال بمب اتم نیستیم از حق هسته‌ای هم کوتاه نمی‌آییم

امام جمعه موقت تهران با تأکید بر اینکه ایران به دنبال ساخت بمب اتم نیست، گفت: این ملت از حق مسلم خود در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای کوتاه نخواهد آمد؛ ما غنی‌سازی کرده‌ایم، می‌کنیم و خواهیم کرد.

حجت‌الاسلام سیداحمد خاتمی، در خطبه‌های نماز عبادی-سیاسی جمعه در دانشگاه تهران، با اشاره به سی و ششمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) گفت: سخن از ارزش‌هایی است که امام خمینی احیا کرد، ما نیز نباید این تکریم و حضور در مرقد امام و بیعت با او را دست کم بگیریم، این بیعت با مسیر مقدس امام (ره) است و امیدوارم که خداوند توفیق ادامه این راه را به ما عنایت بفرماید.

خطیب موقت نماز جمعه تهران در ادامه با تأکید بر اینکه انرژی هسته‌ای در عرصه علوم پزشکی و غیر پزشکی و تولید برق، سازنده آینده جهان است، گفت: آنها نگران دستیابی ما به فن آوری هستند و به حمد الله این فناوری در ایران بومی‌سازی شده و ملت ما در حد نیاز خود غنی‌سازی کرده و خواهد کرد و دشمنان نیز هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. خطیب نماز جمعه تهران تأکید کرد: گفتند که غنی‌سازی یک درصدی نمی‌توانید بکنید، غلط می‌کنید! این ملت از حق مسلم خود در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای کوتاه نخواهد آمد. ما غنی‌سازی کرده‌ایم، می‌کنیم و خواهیم کرد البته بمب اتم نیز نداریم.

قضائی

در همایش رؤسای دادگستری‌های کشور عنوان شد

انتقاد رئیس عدلیه از کثرت آرای خلاف شرع قضات

سخنان رئیس قوه قضائیه در اختتامیه همایش رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور، یک خبر خوش داشت و یک انتقاد جدی. خبر خوش از اینکه دستگاه عدلیه اراده کرده افراد خوش فکر، جوان و پرانرژی در ساختار قضایی‌اش وارد کند و انتقاد از اینکه درخواست زیاد اعمال ماده ۴۷۷ ریشه در صدور آرای خلاف بین شرع است، که باید آسیب شناسی شود.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، طی سخنانی در اختتامیه همایش رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور با محوریت نحوه نظارت و ایجاد وحدت رویه قضایی دیوان‌عالی کشور ضمن تبیین و تشریح روش‌های جلوگیری از اطاله دادرسی و کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی گفت: کوتاه کردن فرایندهای قضایی یک اصل اساسی در راستای تسهیل و تسریع دسترسی مردم به عدالت است. برخی از این تقلیل فرایندها نیازمند وضع و اصلاح قانون است، اما بسیاری از آنها را نیز می‌توان با اتخاذ تدابیر و تمهیداتی، انجام داد.

قاضی‌القضات بیان داشت: بعضاً به قضات ما، دو تا سه ابلاغ مضاعف می‌شود و قاضی ما با این حجم از پرونده‌هایی که زیر دست دارد باید با دقت، سرعت و جامعیت مبادرت به صدور رأی کند. اینجاست که ارزش روحیه جهادی یک قاضی و دلسوزی و دغدغه‌مندی و علم او آشکار می‌شود. ما نیز در این میان موظفیم که شرایط را برای ارائه آموزش‌های روزآمد و آموزش‌های حین‌خدمت به قضات فراهم آوریم. باید در ارائه آموزش به قضات، نوآوری و ابتکار به خرج دهیم و اقتضائات فناورانه روز را در نظر بگیریم. نمی‌توان با شیوه‌های ۱۰ سال پیش، قضات را آموزش داد.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای اظهار کرد: ما در ساختار قضایی به صورت صددرصدی فضا را باز می‌کنیم تا افراد خوش‌فکر، جوان، پرانرژی و آگاه به مقتضیات زمان به روی کار بیایند. ما این اعتقاد را داریم که لزوماً فردی که در یک سمت بالاتر قضایی است از درک و فهم قضایی و حقوقی بیشتری نسبت به همکاران خود برخوردار نیست.

انتقاد مهم به مسائل پیرامون درخواست ماده ۴۷۷

رئیس دستگاه قضا با آسیب‌شناسی مقوله ارائه درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷، گفت: همواره به تمامی مقامات قضایی ذی‌صلاح تأکید دارم که وقتی مراجع قضایی زیر مجموعه‌شان به کرات آرای خلاف بین شرع صادر می‌کنند و به موجب آن، درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷ ازدیاد می‌یابد، حتماً موضوع را آسیب‌شناسی متقن کنند و به راحتی از مقابل آن نگذرند. بعضاً در خصوص آنکه آیا یک رأی صادر شده، خلاف بین شرع است یا خیر، میان مرجع صادر کننده و مرجع بالاتر، اختلاف‌نظر وجود دارد. باید با بحث و فحص زیاد، از دامنه این اختلافات کاست.

رئیس عدلیه بیان داشت: یکی از روش‌های کوتاه کردن فرآیندهای دادرسی و جلوگیری از اطاله دادرسی‌ها، اتقان امور در تعیین صلاحیت‌ها است. نباید این‌گونه باشد که یک قاضی پرونده‌ای را دو ماه نزد خود نگه دارد و پس از آن اعلام کند که رسیدگی به این پرونده در صلاحیت او نیست! خب در همان ابتدا که پرونده به قاضی ارجاع می‌شود، او بررسی دقیق به عمل آورد که آیا رسیدگی به پرونده مزبور در صلاحیت او می‌باشد یا خیر؟

قاضی‌القضات در پایان به ارائه توصیه‌هایی خطاب به مقامات قضایی پرداخت و گفت: همه مقامات، مسئولان و همکاران قضایی به امر صیانت از مجموعه قضایی توجه ویژه داشته باشند. چنانچه دیدیم همکار ما در آستانه لغزش قرار دارد، دست او را بگیریم و به او تذکر دهیم و این کار را نه با هدف مچ‌گیری و زمین زدن او بلکه با نیت خیرخواهانه انجام دهیم.

خبر

احمدیان در حاشیه اجلاس بین‌المللی امنیتی مسکو:

رژیم صهیونیستی تهدیدی برای امنیت جهان است

دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگویی در حاشیه سیزدهمین اجلاس بین‌المللی مقامات بلندپایه امنیتی در مسکو تأکید کرد: رژیم غاصب اسرائیل، برای همه کشورهای منطقه، آسیای جنوب غربی و حتی برای جهان، عامل تهدید و ناامنی محسوب می‌شود.

به گزارش ایرنا، علی‌اکبر احمدیان این سخنان را در پایان سفر دو روزه به مسکو و در مصاحبه با شبکه راشاتودی مطرح کرد. احمدیان در پاسخ به این سؤال که چالش اصلی امنیتی امروز کشور ایران چیست و با توجه به سطح بالای تعاملات دوجانبه مسکو - تهران، روسیه چه کمکی می‌تواند در این زمینه داشته باشد، گفت: حقیقتاً ما چالش امنیتی بزرگی برای خود قائل نیستیم. امنیت ایران، امنیت خوبی است و ما به توان خود متکی هستیم. به خدا توکل داریم و نگران تهدیدی نیستیم.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در عین حال تصریح کرد: به صورت طبیعی، رژیم غاصب اسرائیل برای همه منطقه آسیای جنوب غربی و همه کشورهای منطقه و حتی برای جهان، یک تهدید و ناامنی به حساب می‌آید و هرجایی که این رژیم حضور پیدا کند و اعمال قدرتی داشته باشد، آنجا محل شرارت و ناامنی است، بنابراین خطر ناامنی از ناحیه این رژیم برای همه وجود دارد.

دبیر شورای عالی امنیت در پاسخ به سؤال دیگری درباره نقش کشورهای جنوب جهانی در معماری امنیت دنیای مدرن امروز اضافه کرد: ناکارآمدی نظم گذشته امروز هویدا شده است و اینکه سازوکارهای موجود قادر نیست که هیچ یک از مسائل جهانی را حل کند. وی ادامه داد: بارزترین نمونه ناکارآمدی نظم کنونی جهان در موضوع کشتار مردم غزه دیده می‌شود، جایی که سازوکارهای موجود در برابر آن ساکت مانده و اقدام عملی انجام نداده‌اند. بنابراین، جهان به نظم جدیدی نیاز دارد که در این سازوکار جدید، کشورهای جنوب و شرق، نقش تعیین‌کننده‌ای را خواهند داشت. احمدیان افزود: در این نظم جدید، همه کشورها باید سهم و نقش خود را داشته باشند، نه اینکه اداره امور بین‌الملل تنها در اختیار برخی کشورهای محدود باشد. وی تأکید کرد: در این میان، روسیه، ایران و چین در ایجاد این نظم جدید نقش جدی ایفا می‌کنند، به خصوص ایران که طی دهه‌های گذشته هزینه‌های پیگیری این نظم جدید را پرداخته است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی، که با هدف شرکت در سیزدهمین اجلاس بین‌المللی مقام‌های بلندپایه امنیتی به مسکو سفر کرده بود، در پایان این سفر دو روزه در جمع خبرنگاران گفت: ما به این اجلاس آمدیم تا ارزش‌های بنیادین ملت ایران را که برخاسته از یک تمدن بزرگ و آموزه‌های عظیم اسلامی است، به جهان امروز ارائه کنیم. وی خاطرنشان کرد: امروز ناکارآمدی سازوکارهای بین‌المللی به وضوح آشکار شده و اینکه این سازوکارها سالیان سال توسط نظام سلطه به گروگان گرفته شده‌اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: نظام سلطه، اجازه نمی‌دهد که این سازوکارها، اثرگذار باشند، نمونه بارز آن که همه وجدان‌ها را در جهان به درد آورده است، بی‌عملی و ناتوانی آنها در حل مسئله غزه در طول ۱۹ ماه است. وی افزود: وقایع غزه، یک حادثه تاریخی است. می‌توان گفت که در تاریخ کمتر این اتفاق افتاده است که یک ملت اینگونه به طور کامل قتل عام شوند. زن و کودک، پیر و جوان در مدت ۱۹ ماه بدون اینکه سلاحی در دست داشته باشند، هدف بمباران شوند، گرسنگی داده شوند و نسل‌کشی به تمام معنا انجام شود. احمدیان ادامه داد: این وضعیت نشان می‌دهد که همین‌طور که همه دنیا می‌خواهند و حتی مسئولان سیاسی هم مجبور شده‌اند به آن اعتراف کنند، ما به نظام جدید امنیتی و سیاسی در عرصه بین‌المللی نیاز داریم.

احمدیان گفت: نظام جدید بین‌المللی باید مبتنی بر پرهیز از ظلم‌پذیری، ظلم‌کردن و مبتنی بر عدالت و مشارکت جمعی و برخورداری همه کشورها و همه انسان‌ها از امکان مساوی پیشرفت باشد. این موارد، ارزش‌هایی است که انقلاب اسلامی به ارمغان آورد و صدای آن در جهان پیچید، امروز می‌تواند در این سازوکار جدید تعبیه شود. وی خاطرنشان کرد: البته شکل‌گیری نظام جدید بین‌المللی، یک رخداد فوری و سریع نیست، بلکه این گونه اجلاس‌ها و فرصت‌هایی همانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری چنین نظمی باشند. احمدیان گفت: این نظم جدید پس از دوره‌ای طولانی عملیاتی خواهد شد اما چنین نشست‌هایی فرصتی برای ارائه دیدگاه‌ها درباره این موضوع است.

دولت

معاون اول رئیس‌جمهور:

روابط سیاسی ایران و تاجیکستان در بهترین شرایط قرار دارد

معاون اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه ایران و تاجیکستان از نظر روابط سیاسی در بهترین شرایط قرار دارد، گفت: مواضع مشترک دو کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی و همچنین همکاری‌ها در اتحادیه‌های منطقه‌ای نویدبخش توسعه روابط فی‌مابین در همه زمینه‌ها است.

به گزارش ایرنا، محمدرضا عارف در جریان سفر به تاجیکستان و در مراسم امضا و تبادل اسناد همکاری ایران و تاجیکستان با بیان اینکه گفت‌وگوها بین دو طرف در فضایی بسیار صمیمی، دوستانه و با هدف مشترک برگزار شد و قابل پیش‌بینی هم بود، گفت: ما از نظر سیاسی در بهترین شرایط قرار داریم. روابط سیاسی دو کشور عالی است. وی با اشاره به مواضع مشترک دو کشور در مسائل منطقه‌ای و جهانی و همچنین همکاری‌های خوب دو کشور در اتحادیه‌های منطقه‌ای و جهانی، اظهار کرد: این مشترکات نویدبخش توسعه روابط در سایر زمینه‌ها است.

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به اسناد مبادله شده، تصریح کرد: البته نباید به تبادل اسناد دل ببندیم. باید اجرایی شدن اسناد پیگیری شود. این وظیفه‌ای است که در وهله اول به عهده کمیسیون مشترک است که پیگیری کند که هم اسناد مبادله شده و هم زمینه‌هایی که در بیانات نخست وزیر بود، اجرایی شود.

عارف تأکید کرد: ما هم اعتقاد داریم که زمینه‌های علمی و صنعتی وجود دارد که باید به صورت جدی مورد مشورت و بحث قرار گیرد، تا نحوه همکاری در این زمینه‌ها مشخص شود. این وظیفه در وهله اول به عهده کمیسیون مشترک و سپس به عهده وزرا و مسئولان ذی‌ربط است. وی با بیان اینکه انتظار من از وزرا و مسئولان دو طرف این است که با رفت و آمد و مبادله هیئت‌ها تلاش کنند تا شناخت بیشتری از امکانات و نیازهای دو طرف پیدا کنند، افزود: بدین ترتیب با نگاه مکملی به امکانات می‌توانیم از ظرفیت‌های یکدیگر استفاده کنیم. معاون اول رئیس‌جمهور در پایان با تأکید بر اینکه ما برای همکاری در همه بخش‌ها از جمله حوزه‌های گردشگری و تمدنی آمادگی کامل داریم، گفت: تلاش می‌کنیم این میراث را نه فقط در منطقه، بلکه در سطح جهانی معرفی کنیم.

«قاهره رسول‌زاده» نخست‌وزیر تاجیکستان نیز در این نشست خبری با قدردانی از توجه خاص جمهوری اسلامی ایران نسبت به جمهوری تاجیکستان و برگزاری مذاکرات نشست مشترک هیئت‌های عالی رتبه دو کشور در فضای دوستانه و صمیمانه گفت: رفت و آمدهای دیپلماتیک و نشست‌های سران دو کشور، نقشی مهم در تقویت مناسبات دوجانبه دارد و در راستای توجه رهبران دو کشور برای تعمیق روابط فی‌مابین است. وی تأکید کرد: اطمینان داریم که توافقات حاصل شده بین ایران و تاجیکستان نقشی مهم در گسترش روابط در حوزه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سلامت و علم و فناوری دارد که کمیسیون‌های مشترک همکاری و همچنین کمیته‌های مرتبط در تحکیم روابط ایران و تاجیکستان حائز اهمیت اساسی است. نخست‌وزیر تاجیکستان، تبادل یادداشت‌های تفاهم همکاری بین ایران و تاجیکستان در این سفر را مثبت ارزیابی کرد و افزود: باید همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری دو کشور دوست و برادر به سطوح بالاتری برسد و جمهوری تاجیکستان بر پیگیری تلاش‌های فی‌مابین برای اجرای برنامه دراز مدت همکاری‌های اقتصادی و تجاری تا سال ۲۰۳۰ و نقشه راه آن تأکید دارد.

رسول‌زاده با تأکید بر بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های مختلف صنعتی، داروسازی و سلامت، معدنی و راه و شهرسازی گفت: از جمهوری اسلامی ایران برای حل مسائل مرتبط با نیروگاه‌های برقی و آبی قدردانی می‌کنیم و باید همکاری‌های علم و فناوری گسترش یابد. وی با اشاره به برپایی نمایشگاه صنایع دستی و برگزاری روزهای فرهنگی در ایران و تاجیکستان، گفت: ایران و تاجیکستان در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری‌های بسیار خوبی دارند و برای مردم صاحب تمدن ایران همواره آرزوی صلح و ثبات داریم. در پایان با تأکید بر اینکه ما برای همکاری در همه بخش‌ها از جمله حوزه‌های گردشگری و تمدنی آمادگی کامل داریم، گفت: تلاش می‌کنیم این میراث را نه فقط در منطقه، بلکه در سطح جهانی معرفی کنیم.

یادداشت

تفاوت‌شناسی مذاکرات ۱۳۹۲ با ۱۴۰۴

جعفر حسن‌خانی

کارشناس سیاسی

در دو دهه اخیر، روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا تحت تأثیر منازعات هسته‌ای، تنش‌های ژئوپلیتیک، و تحولات جهانی قرار داشته است. از گفت‌وگوهای اولیه هسته‌ای در دهه ۱۳۸۰ تا توافق برجام در سال ۱۳۹۴ و خروج امریکا از آن در ۱۳۹۷، این روابط در بستری پویا و متغیر شکل گرفته است. با توجه به مذاکرات غیرمستقیم کنونی، بازخوانی تجربه‌های گذشته و تحلیل شرایط حاضر، نیازمند بررسی تطبیقی تفاوت‌ها در وضعیت جهانی و داخلی ایران در دو مقطع ۱۳۹۲ و ۱۴۰۴ است. این یادداشت با رویکردی تحلیلی و با تکیه بر تحولات ساختاری پرداخته و ملاحظات نهایی را پیش از پایان مذاکرات پیشنهاد می‌دهد.

دگرگونی در نظم بین‌الملل

۱. تغییر سیاست خارجی امریکا: در سال ۱۳۹۲، ایالات متحده تحت رهبری باراک اوباما با بهره‌گیری از دیپلماسی چندجانبه، اجماع جهانی علیه ایران را تقویت کرد. اما از دوره دونالد ترامپ (۱۳۹۶-۱۴۰۰) و پس از آن، رویکرد واشینگتن به سوی یکجانبه‌گرایی و ملی‌گرایی سوق یافت. درگیری امریکا در بحران اوکراین (۲۰۲۲ به بعد) و تمرکز بر رقابت با چین، توان اجماع‌سازی این کشور را کاهش داده است. داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که تحریم‌های یکپارچه علیه ایران، به دلیل عدم همراهی کامل متحدان سنتی امریکا، از اثربخشی پیشین برخوردار نیستند (گزارش شورای آتلانتیک، ۲۰۲۴).

۲. تحولات اروپا و بحران انرژی: اروپا به دلیل وابستگی به منابع انرژی و فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ اوکراین، از سیاست فشار حداکثری امریکا فاصله گرفته است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که بحران انرژی، کشورهای اروپایی را به‌سوی تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، از جمله ایران، سوق داده است. این وضعیت، فرصتی برای ایران در جهت تقویت دیپلماسی اقتصادی فراهم می‌کند.

۳. ظهور بلوک‌های جدید جهانی: جنگ اوکراین، شکاف میان روسیه و غرب را تعمیق کرد و مسکو را به چین نزدیک‌تر ساخت. چین، به عنوان بازیگری کلیدی در اقتصاد جهانی، با راهبردهایی نظیر ابتکار کمربند و جاده، به تقویت بلوک کشورهایی که در برابر تحریم‌های غربی مقاومت می‌کنند، پرداخته است. گزارش مؤسسه بروکینگز (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که همکاری‌های اقتصادی ایران با چین و روسیه، به‌ویژه در حوزه انرژی و زیرساخت، از سال ۲۰۲۰ رشد چشمگیری داشته است. این تحولات، بستری برای کاهش وابستگی ایران به غرب ایجاد کرده است.

تحولات در سیاست داخلی ایران:

۱. همگرایی در سیاستگذاری: دولت مسعود پزشکیان (۱۴۰۳ به بعد) با رویکردی متفاوت از دولت روحانی نسبت به سیاست‌های کلان نظام، عمل می‌کند. در این دولت شکاف‌های تصمیم‌گیری کاهش پیدا کرده است. برخلاف دولت حسن روحانی که بعضاً با ایده‌های شخصی در دیپلماسی عمل می‌کرد، تیم مذاکره‌کننده کنونی، به رهبری عباس عراقچی، با ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری هم‌راستاست. این همگرایی، قدرت چانه‌زنی ایران را در مذاکرات تقویت کرده است.

۲. تغییر انتظارات اجتماعی: تجربه ناکامی‌های پسابرجام، انتظارات عمومی از مذاکرات را واقع‌بینانه‌تر کرده است. برخلاف سال ۱۳۹۲ که توافق هسته‌ای به‌عنوان کلید حل مشکلات اقتصادی تلقی می‌شد، نظرسنجی‌های داخلی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که اکثریت جامعه، تأثیرات توافقات دیپلماتیک را محدود و مشروط به اصلاحات داخلی می‌دانند. این بلوغ اجتماعی، فشار روانی بر مذاکره‌کنندگان را کاهش داده است.

ملاحظات مذاکرات غیرمستقیم: در جریان مذاکرات کنونی که در واپسین لحظات خود قرار دارد، پنج اصل کلیدی را باید جدی گرفت که مبتنی بر تجربه‌های گذشته و واقعیت‌های کنونی هستند:

۱. پرهیز از سیاسی‌سازی: تجربه مذاکرات ۱۳۹۲ نشان داد که رسانه‌ای شدن بیش‌ازحد گفت‌وگوها، به بهره‌برداری رسانه‌های معاند و ایجاد شکاف‌های داخلی منجر شد. تحلیل محتوای رسانه‌های غربی (مانند بی‌بی‌سی، ۲۰۱۵) نشان می‌دهد که سیاسی‌سازی مذاکرات، قدرت چانه‌زنی ایران را تضعیف کرد. مذاکرات باید در سطح نهادهای تخصصی و با کم‌ترین حاشیه رسانه‌ای پیگیری شوند. این به معنای نا محرم دانستن جامعه نیست بلکه در جهت جلوگیری از بسیج عواطف علیه منافع ملی است.

۲. استقلال اقتصاد از مذاکرات: وابستگی معیشت عمومی به نتایج مذاکرات، آسیب‌پذیری روانی جامعه را افزایش می‌دهد. تقویت اقتصاد مقاومتی، تنوع‌بخشی به شرکای تجاری (مانند قراردادهای اخیر با اعضای بریکس) و توسعه زیرساخت‌های داخلی، باید به‌صورت موازی با مذاکرات پیش روند و درباره آن پیام‌های آشکاری از وزارت خارجه به جامعه ارسال شود. گزارش بانک جهانی (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که کشورهایی با اقتصاد متنوع، در برابر تحریم‌ها مقاوم‌ترند.

۳. روایت‌سازی فعال: در عصر جنگ روایت‌ها، دستگاه دیپلماسی باید با ارائه روایت‌های پیش‌دستانه و دست اول، از تحریف رسانه‌های معاند جلوگیری کند. تجربه مذاکرات وین (۲۰۲۱) نشان داد که فقدان روایت رسمی، به بزرگ‌نمایی شکست‌ها در افکار عمومی منجر شد. ایجاد یک تیم رسانه‌ای منسجم برای اطلاع‌رسانی هدفمند، ضروری است.

۴. بازسازی تصویر اقتدار ایران: برخی محافل غربی، به‌ویژه پس از ترور سردار قاسم سلیمانی (۲۰۲۰)، تلاش کرده‌اند ایران را کشوری تضعیف‌شده جلوه دهند. اقدامات میدانی، مانند تقویت حضور منطقه‌ای و نمایش توان دفاعی، مانند رزمایش‌های اخیر در خلیج‌فارس در سال ۱۴۰۳، می‌تواند این تصویر را اصلاح کند. گزارش مؤسسه صلح استکهلم در سال ۲۰۲۴ تأیید می‌کند که ایران همچنان یکی از قدرت‌های برتر نظامی منطقه است.

۵. هم‌افزایی با جریان‌های داخلی: جریان انقلابی، به‌عنوان بخشی از بدنه نظام، نسبت به توافقات غیرمطمئن حساسیت دارد. دولت باید این حساسیت را به‌عنوان اهرمی در مذاکرات به کار گیرد، نه آنکه در تقابل با آن قرار گیرد. تجربه مذاکرات ۲۰۱۵ نشان داد که همگرایی داخلی، قدرت دیپلماتیک ایران را افزایش می‌دهد.

نقش راهبردی رهبری در سیاست خارجی: رهبر انقلاب، به‌عنوان محور ثبات سیاست خارجی ایران، نقشی بی‌بدیل در هدایت راهبردی کشور ایفا می‌کنند. در جهانی پرتلاطم و با دولتی غیرقابل‌پیش‌بینی در امریکا، وجود مرجعی با چشم‌انداز بلندمدت، از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده جلوگیری می‌کند. سخنان ایشان در دی‌ماه ۱۴۰۳ که بر لزوم «حفظ عزت ملی» و «واقع‌بینی در مذاکرات» تأکید داشت، چارچوبی روشن برای دیپلماسی کنونی ارائه می‌دهد.

فرجام سخن: مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا در سال ۱۴۰۴، در بستری متفاوت از سال ۱۳۹۲ قرار دارد. تحولات جغرافیای قدرت، از جمله کاهش نفوذ امریکا، ظهور بلوک‌های جدید و بحران‌های اقتصادی اروپا، همراه با تغییرات داخلی ایران، از جمله همگرایی در تصمیم‌گیری و بلوغ اجتماعی، فرصت‌هایی نو برای دیپلماسی ایران فراهم آورده‌اند. موفقیت این مذاکرات، نه در امضای یک توافق صوری، بلکه در پیگیری استراتژی جامعی نهفته است که شامل تقویت توان داخلی، بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی و روایت‌سازی فعال باشد. در این مسیر، حفظ اصول عزت، حکمت و مصلحت، به‌عنوان میراث دیپلماسی انقلابی ایران، ضرورتی انکارناپذیر است.

گزارش ۲

زهرا چیذری

امیدهای جدید با کاهش ۳۵ درصدی مهاجرت پرستاران

پس از کاهشی شدن روند مهاجرت پزشکان، این‌بار نوبت پرستاران است که روند مهاجرتشان کاهشی شود و ماندن در کشور را به مهاجرت ترجیح بدهند. طبق آمارهای ارائه‌شده از شهریور تا پایان اسفند ۱۴۰۳ به ترتیب روند مهاجرت پرستاران و پزشکان ۴۴، ۲۸، ۵۷، ۶۷، ۴۳، ۵۴ و ۵۴ درصد کاهش داشته است. در مجموع و در سال ۱۴۰۳ نیز مهاجرت پرستاران کاهشی ۳۵ درصدی داشت که بر خلاف روندی افزایشی در سال‌های گذشته است؛ موضوعی که از جهات مختلفی قابل تحلیل است. همچنان که برخی معتقدند سیاست‌های دولت چهاردهم در حوزه سلامت باعث کاهش روند مهاجرت و امیدواری کادر درمان برای ماندن در کشور شده‌است، اما شاید نگاه واقع‌بینانه‌تری هم به این ماجرا وجود داشته‌باشد. مثلاً اینکه بر خلاف تصور غالب در جامعه، آن سوی آب‌ها برای پزشکان و پرستاران ایرانی فرش قرمز پهن نکرده‌اند! همچنان که سال گذشته شخص وزیر بهداشت اذعان کرده‌بود ۸۰ درصد از پزشکان مهاجر ایرانی نمی‌توانند از استانداردهای سختگیرانه‌ای که برخی کشورهای اروپایی یا امریکا و کانادا برای تأیید مدرک یا گذراندن دوره‌های کارآموزی در نظر گرفته‌اند، به سادگی عبور کنند و همین مسئله موجب می‌شود در دل غربت، طبابت را رها کنند و به شغل دیگری روی بیاورند! به گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت، اشتغال پرستاران هم در سایر کشورها چندان ساده نیست، به گونه‌ای که از ۳ هزار پرستاری که طی سال‌های اخیر به دانمارک رفته‌اند، فقط یک‌سومشان موفق به دریافت مجوز برای فعالیت در حرفه پرستاری شده‌اند.

مهاجرت پزشکان و پرستاران به یکی از برجسته‌ترین اخبار حوزه سلامت در سال‌های اخیر تبدیل شده‌بود و آمار و ارقام عجیبی از سوی برخی چهره‌ها و صاحب‌نظران در این خصوص اعلام می‌شد. به طور نمونه آمار مهاجرت ۱۰هزار پزشک طی سال‌های اخیر یا مهاجرت سالانه ۳هزار پرستار که وضعیت نامساعدی را به تصویر می‌کشید و هشدارآمیز شده‌بود. هر چند همان موقع هم نهادهای رسمی تری مانند وزارت بهداشت و نظام پزشکی از ارائه آمارهای این‌چنینی خودداری می‌کردند و کمی محتاطانه با آمارهای مهاجرت مواجه می‌شدند. سال گذشته اما محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت برای نخستین‌بار از واقعیت مهاجرت پزشکان پرده برداشت و گفت: «مهاجرت به کشورهای عربی را بیشتر می‌توان کاریابی دانست که به دلیل شرایط اقتصادی و ارزش پول صورت می‌گیرد، اما در مورد مهاجرت به کشورهایی مانند امریکا و کانادا، بالای ۸۰درصد پزشکان مجبور به ترک حرفه پزشکی می‌شوند، زیرا امکان فعالیت حرفه‌ای پزشکی در آن کشورها برای این افراد فراهم نیست و مبنای اقتصادی ندارد.»

کاهش چشمگیر مهاجرت

آنطور که محمدرضا ظفرقندی در جلسه هیئت دولت گزارشی از روند مهاجرت، پرستاران، پزشکان و متخصصان ارائه و اعلام کرد که این آمار در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ با کاهش چشمگیر روبه‌رو بوده‌است.

در همین راستا، آمار مقایسه‌ای از مهاجرت پزشکان در هفت سال اخیر با استناد به آمار منتشرشده از سوی سازمان نظام پزشکی و همچنین مرجع صدور گواهی عدم سوءپیشینه فعالیت پزشکی GOOD STANDING مورد بررسی قرار گرفت. این آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ و در مقایسه با سال ۱۳۹۷، روند مهاجرت پزشکان، ۲۳۲ درصد رشد داشته‌است. در سال ۱۳۹۹ و همزمان با سال نخست شیوع کرونا این آمار کاهش حدود ۸ درصدی در مقایسه با سال قبل داشت.

از سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۲ روند مهاجرت پزشکان شتاب بیشتری به خود گرفت، به طوری که به ترتیب در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ آمار مهاجرت این افراد به خارج از کشور به ترتیب، ۱۰۲، ۴۲ و ۶ درصد در مقایسه با سال قبل خود افزایش داشت.

در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۳ گرچه روند مهاجرت پزشکان کاهش اندکی داشت، اما آمارها نشان می‌دهد که در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ روند مهاجرت آنان به خارج از کشور کاهش چشمگیری پیدا کرده‌است. به طوری که در نتیجه این روند، بعد از حدود پنج سال در مجموع سال ۱۴۰۳ کاهش ۱۸ درصدی آمار مهاجرت پزشکان به خارج از کشور به ثبت رسید. این آمار به تأیید سازمان نظام پزشکی هم رسیده‌است.

آمارهای سازمان نظام پرستاری از مهاجرت پرستاران نیز حاکی از کاهش چشمگیر روند مهاجرت آنان است. به عنوان مثال در ماه‌های شهریور تا پایان اسفند ۱۴۰۳ به ترتیب روند مهاجرت پرستاران و پزشکان ۴۴، ۲۸، ۵۷، ۶۷، ۴۳، ۵۴ و ۵۴ درصد کاهش داشته‌است. در مجموع و در سال ۱۴۰۳ نیز مهاجرت پرستاران کاهشی ۳۵ درصدی داشت که بر خلاف روندی افزایشی در سال‌های گذشته است.

برخی معتقدند در سال ۱۴۰۳ برخی از سیاست‌های حاکم بر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با به روی کار آمدن دولت چهاردهم تغییرات محسوسی یافت. همین رویکرد در تسهیل بازگشت پرستاران و پزشکان مهاجرت کرده به داخل کشور نیز مورد توجه قرار دارد، اما به نظر می‌رسد چنین نگاهی کمی ساده‌انگارانه باشد، چراکه با فرض بهبود شرایط و سیاستگذاری‌های درست، به ثمر نشستن این سیاست‌ها زمان‌بر است و صرف سپری‌شدن یک سال و اندی از یک دولت تازه نمی‌تواند این چنین تأثیر عمیقی بر چالشی همچون مهاجرت پزشکان داشته باشد. پس لازم است کمی واقع بینانه‌تر و عمیق‌تر ماجرا را تحلیل کرد.

تحلیل واقع بینانه از کاهش مهاجرت کادر درمان

بخشی از واقعیت مهاجرت پزشکان و پرستاران، مواجهه با استانداردهای سختگیرانه کشورهای اروپایی، کانادا و امریکاست که بنا به تأکید وزیر بهداشت موجب می‌شود ۸۰ درصد از پزشکان مهاجر دست از طبابت بکشند و به شغل دیگری روی بیاورند.

پزشکان و پرستارانی که البته در کشورهای عربی هنوز هم خریدار دارند، اما کار کردن در این کشورها هم آنقدرها که به نظر می‌رسد، ساده نیست و دست‌کم نیاز است پزشک و پرستار مورد نظر در کنار توانمندی نسبی در کار خودش، بتواند بر زبان عربی مسلط شود و با فرهنگ کشور جدید کنار بیاید. در واقع، انگار روند رو به رشد مهاجرت در میان سفیدپوشان عرصه سلامت موجب رویارویی بخشی از آنها با واقعیت‌های آن سوی آب شده و حالا متوجه شده‌اند مهاجرت آنقدرها هم ساده نیست و از همه مهم‌تر کشورهای دیگر فقط از نیروی انسانی متخصص و با کارایی بالا استقبال می‌کنند و پزشکان و پرستارانی که به اندازه کافی توانمند نیستند در کشورهای دیگر هم جایی ندارند.

پای شرکت‌های مهاجرتی در میان است!

عباس عبادی، معاون پرستاری وزارت بهداشت هم با اشاره به روند نزولی مهاجرت کادر درمان، به‌ویژه پرستاران می‌گوید: «این کاهش چشمگیر به‌ویژه در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ کاملاً محسوس بوده و آمارها نشان می‌دهد روند صعودی مهاجرت در ماه‌های پایانی سال گذشته تقریباً متوقف شده‌است.» وی در ادامه با اشاره به وضعیت پرستاران مهاجرت کرده طی سال‌های اخیر تأکید می‌کند: «بر اساس گزارش وزارت امور خارجه و سفیر جمهوری اسلامی ایران در دانمارک، در چهار تا پنج سال گذشته حدود ۳هزار پرستار ایرانی به این کشور مهاجرت کرده‌اند، اما متأسفانه کمتر از یک‌سوم این افراد موفق به دریافت مجوز رسمی اشتغال در حرفه پرستاری شده‌اند.»

به گفته عبادی، دشواری فراگیری زبان، هزینه‌های بالای زندگی و محدودیت‌های جدی در زمینه اشتغال تخصصی از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که موجب شده بیش از ۲هزار نفر از پرستاران ایرانی در دانمارک، همچنان امکان فعالیت در حرفه تخصصی خود را نداشته‌باشند و برای تأمین معیشت، به مشاغل سطح پایین روی آورند.

گزارش یک

مهسا گربندی

امیر صادقیان | تسنیم

آزمونی که از کنکور هم سخت‌تر شد!

یک کنکور را صد کنکور کردند!

دبیر فیزیک در گفت‌وگو با «جوان»: دانش‌آموزان مدارس دولتی با این سطح سختی امتحانات حتی اگر عالی هم درس بخوانند، باز هم نمی‌توانند از پس سؤالات بربیایند

برگه‌های امتحانی با دستان لرزان دانش‌آموزان، ورق می‌خورد. سکوتی سنگین حاکم است و با هر حرکت قلم، اضطراب‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. چهره‌های خسته و رنگ‌پریده و چشم‌های بی‌خوابی کشیده، بعد از گذر از شب‌های طولانی مطالعه، حالا فقط در تلاشند آنچه را که خوانده‌اند، یادشان نرود. قلب‌ها با هر سؤال، محکم‌تر از قبل می‌تپد؛ این آزمون، سرنوشت بسیاری را تعیین می‌کند. انگار نتیجه یک سال تحصیلی، در گرو همین لحظات است.

در گوشه‌ای از کلاس، دانش‌آموزی سرش را میان دستانش گرفته‌است. ذهنش یاری نمی‌کند، نگاهش روی برگه می‌چرخد، اما هیچ چیز برایش آشنا نیست. کنار او، کسی که روزها و شب‌ها را با مطالعه گذرانده، زیر لب دعا می‌خواند و دستش هنوز از استرس می‌لرزد. در میان این اضطراب، کسی به ساعت نگاه می‌کند؛ زمان به سرعت می‌گذرد، اما او هم پاسخ‌ها را پیدا نکرده‌است.

آنچه در این لحظات می‌گذرد، فراتر از یک آزمون است. این لحظات، محکی است برای تحمل فشار روانی و استرس، برای درک این حقیقت که پاسخ به هر سؤال، می‌تواند به آینده‌ای متفاوت ختم شود، اما آیا واقعاً این سختی، یک معیار واقعی برای سنجش توانایی‌های دانش‌آموزان است؟ بدون شک نه!

سنجش دانش یا افزایش استرس؟

امتحانات نهایی هر سال سختی خود را داشته است، اما امسال روایت متفاوتی دارد. دانش‌آموزان احساس می‌کنند در یک آزمون نابرابر قرار گرفته‌اند؛ جایی که نه‌تنها دانش، بلکه شرایط، امکانات، سبک سؤالات و نحوه برگزاری آزمون‌ها در نتیجه و تعیین آینده آنها تأثیرگذار بوده‌است؛ موضوعی که به دغدغه عمده دانش‌آموزان، والدین و معلمان تبدیل‌شده و آنها را به اعتراض واداشته است.

هادی یکی از شرکت‌کنندگان امتحانات نهایی، در حالی که به آینده خود را نامعلوم می‌داند به «جوان» می‌گوید: «از سختی امتحان نهایی گلایه داریم، امتحانی که تأثیر معدلش در کنکور ۶۰ درصد است، اما سؤال مهم من از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی این است که آنها می‌گفتند تأثیر معدل در کنکور برای کسی که در مناطق محروم مثل سیستان و بلوچستان و اهواز است، امکانات ندارد، خوب است و او را به عدالت آموزشی نزدیک می‌کند، اما وقتی یک نفر در پایتخت و در بهترین مدرسه از پاسخ به سؤالات آزمون‌ها مانده، چه توقعی از دانش‌آموزی که در مناطق محروم درس می‌خواند می‌توان داشت؟»

متین یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در امتحانات نهایی است. او در حالی که استرس چندین هفته بی‌خوابی و اضطراب را به دوش می‌کشد، می‌گوید: «نهایی‌ها دارند از کنکور هم سخت‌تر می‌شوند! قبلاً اگر کنکور سخت بود، حداقل یک روز بود، یک بار استرس می‌کشیدیم و تمام می‌شد. حالا این تغییراتی که مسئولان به وجود آورده‌اند، باعث شده دو ماه استرس بکشیم و بی‌خوابی داشته‌باشیم. در نهایت، سر جلسه امتحان می‌بینیم که سؤالات بیش از حد سخت و مفهومی‌اند و انگیزه‌ای برای امتحان بعدی باقی نمی‌ماند. آیا هدف آقایان تصمیم‌گیرنده از این تغییرات این بود که بچه‌ها در آرامش بیشتری تلاش کنند و نتیجه بهتری بگیرند، یا هدف دیگری داشته و دارند؟!»

دانش‌آموز دیگری به نام علی که با حجم بالای سؤالات آزمون زبان در شوک قرار گرفته نیز این‌گونه حال و هوایش را توضیح می‌دهد: «۶۶ سؤال درس زبان را تحویل دادید، بعد ادعایتان این بود که کنکور را دو مرحله‌ای کنیم تا استرس کم شود؟ امتحان نهایی چندین برابر سخت‌تر از کنکور شده! تازه در برخی حوزه‌های امتحانی، برگه‌های امتحانی اشتباه دست دانش‌آموزان رسید و زمان آزمون را از دست دادند. نکند ما میدان آزمایش این سیستم آموزشی شده‌ایم و خبر نداریم؟! بزرگ‌ترین جوک سال این بود که گفتند با این تصمیمات جدید قرار است استرس دانش‌آموزان کمتر شود!»

خارج شدن امتحانات نهایی از معیارهای تعیین‌شده

در میان موج اعتراضات دانش‌آموزان، دبیران و کارشناسان آموزشی نیز انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. هادی سنگیان، دبیر فیزیک که سال‌ها با دانش‌آموزان نمونه، تیزهوشان و شاهد کار کرده، معتقد است که حتی دانش‌آموزان با وجود سطح علمی بالا از سختی امتحانات نهایی گلایه دارند. او توضیح می‌دهد: «پارسال بخشنامه‌ای صادر شده‌بود که ۴/۵ نمره از آزمون شامل سؤالات سخت و مفهومی باشد تا سطح‌بندی مشخصی بین دانش‌آموزانی که متوسط خوانده‌اند و آنهایی که حرفه‌ای مطالعه کرده‌اند، ایجاد شود، اما امسال این قاعده رعایت نشده، چراکه در بسیاری از امتحانات، دانش‌آموزان با ۸ تا ۱۰ نمره سخت مواجه شدند. این یعنی کسی که خیلی خوب هم درس خوانده، نمی‌تواند نمره بالایی بگیرد.»

سنگیان با اشاره به تفاوت سطح آموزشی در مدارس دولتی و خصوصی ادامه می‌دهد: «دانش‌آموزان مدارس دولتی با این سطح سختی امتحانات، حتی اگر عالی هم درس بخوانند، باز هم نمی‌توانند از پس سؤالات بربیایند. بسیاری از دانش‌آموزان به من گفته‌اند که با مرور امتحانات نهایی سال‌های قبل و موفقیت در آزمون‌های شبه‌نهایی، فکر می‌کردند آمادگی کافی دارند، اما امتحانات نهایی امسال به قول خودشان تبدیل به «امتحانات ناکجاآباد» شده‌است!»

او در انتقاد به روند طراحی سؤالات اظهار می‌دارد: «در امتحان فیزیک، که قرار بود پنج نمره سخت داشته باشد، حالا ۶/۵ نمره سخت شده‌است. این یعنی از قاعده‌ای که تعیین شده‌بود، کاملاً خارج شدند! چنین وضعیتی باعث‌شده بسیاری از دانش‌آموزان دلسرد شوند. برای مثال آنهایی که امتحان قبلی را با سختی پشت سر گذاشتند، انگیزه‌ای برای تلاش در امتحانات بعدی را از دست داده‌اند، چراکه حس می‌کنند نتیجه زحمتشان مشخص نیست.»

سنگیان معتقد است که تغییرات مکرر و تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ در نظام آموزشی فشار زیادی بر دانش‌آموزان وارد کرده و آنها را امسال به شدت اذیت کرده‌است: «امسال چندین‌بار روی تأثیر معدل تغییرات ایجاد شد. یک بار اعلام شد که پایه دهم لحاظ نمی‌شود، سپس گفتند یازدهم شامل شش درس است و دوازدهم کامل محاسبه خواهد شد، اما ناگهان شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم دیگری گرفت و اعلام کرد یازدهم باید به‌طور کامل در معدل لحاظ شود. این ناهماهنگی‌ها در حالی که دانش‌آموزان درگیر درس و امتحانات بودند، باعث شد هفته‌ها سردرگمی و نگرانی داشته‌باشند و حالا سختی امتحانات نهایی برای بار دیگر شوک به این دانش‌آموزان وارد کرده‌است.»

او با انتقاد از روند تصمیم‌گیری‌ها می‌گوید: «در این روند تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که حرف مسئولان قابل اتکا نیست، زیرا مدام تغییر می‌کند. این روی شخصیت اجتماعی و رفتاری آنها اثر می‌گذارد. نوجوانان نیاز به ثبات دارند تا بتوانند برای آینده‌شان برنامه‌ریزی کنند، نه اینکه هر روز منتظر یک تغییر جدید باشند.»

سنگیان تأکید دارد که نبود کارشناسان خبره در تصمیم‌گیری‌های آموزشی یکی از دلایل اصلی این مشکلات است: «ما نیاز داریم که در هر رشته حداقل چهار یا پنج متخصص واقعی تصمیم‌گیری کنند و روند طراحی سؤالات و امتحانات را تحت نظارت علمی قرار دهند، اما متأسفانه برخی افراد صرفاً به دنبال نمایش قدرت و ریاست هستند، بدون اینکه تخصص لازم را داشته باشند. همین تصمیم‌گیری‌های اشتباه، به دانش‌آموزان آسیب می‌زند.»

فاصله تصمیم‌گیران با واقعیت‌های آموزش

علی سینایی‌فر، دبیر زبان نیز، نگاه انتقادی خود را به موضوع عدالت آموزشی در این آزمون‌ها مطرح می‌کند. او صریح و بی‌پرده توضیح می‌دهد: «می‌گویند بحث عدالت آموزشی و مناطق محروم را در نظر گرفته‌اند، اما این فقط در قالب تئوری قشنگ است. در عمل، این سطح امتحان گرفتن تنها به نفع کسانی است که دسترسی به مؤسسات آموزشی و منابع کمک‌درسی دارند. خانواده‌هایی که توان مالی ندارند، عملاً هیچ شانسی برای رقابت ندارند. این روش نه‌تنها عدالت آموزشی را تأمین نکرده، بلکه یک نوع رانت آموزشی ایجاد و این نابرابری را تشدید کرده‌است.»

او با اشاره به تفاوت سطح آموزشی در مناطق محروم تأکید می‌کند: «میانگین نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی سال‌های گذشته، قابل‌قبول نبوده‌است. امسال فکر نمی‌کنم معدل‌های دانش‌آموزان مناطق محروم، از پنج یا شش بالاتر برود. این امتحانات قرار بود عدالت را برقرار کند، اما حالا فقط فاصله را بیشتر کرده است. این منطقی نیست!»

سینایی‌فر از مشکلات طراحی برخی سؤالات نیز انتقاد می‌کند و می‌گوید: «بعد از برگزاری آزمون، من با چندین دبیر دیگر بحث کردم. بعضی از سؤالات امتحان زبان برای خود ما هم گنگ بود! نمی‌دانستیم دقیقاً چه پاسخی مدنظر طراح بوده است. بعد که کلید پاسخ آمد، فهمیدیم که هدف سؤال چه بوده. وقتی دبیران هم دچار سردرگمی هستند، دیگر وای به حال دانش‌آموزان!»

او معتقد است که نظام آموزشی نباید آزمون و خطا را روی دانش‌آموزان اجرا کند: «ما مسیر آزمون و خطا را داریم طی می‌کنیم. امتحانات نهایی امسال علمی نبوده، فقط استرس ایجاد کرده‌است. شما به سیستم‌های آموزشی موفق دنیا نگاه کنید. در بسیاری از کشورهای اسکاندیناوی، دانش‌آموزان از ابتدایی تا پایان دبیرستان امتحان ندارند. چرا؟ چون امتحان فقط حافظه کوتاه‌مدت را درگیر می‌کند، بدون آنکه به تفکر عمیق یا درک مفهومی کمک کند.»

سینایی‌فر انتقادی جدی نسبت به ماهیت تئوریک آموزش در کلاس‌های درس دارد و می‌گوید: «کتاب‌های درسی فقط محض و تئوریک هستند. هیچ‌کدام برای یک زندگی واقعی در سطح بالای آینده طراحی نشده‌اند. زبان خارجی هم قربانی این رویکرد شده است. زبان، یک مهارت است، نه یک درس تئوریک! باید کاری کنیم که دانش‌آموزان بعد از گرفتن دیپلم مسلط به زبان انگلیسی باشند، اما با این روش آموزش، حتی اگر ۱۰ سال هم درس بخوانند، نمی‌توانند روان صحبت کنند.»

اما نکته‌ای که او به‌وضوح بر آن تأکید دارد، فاصله عمیق میان تصمیم‌گیران و مجریان آموزش در مدارس است: «مسئولان تصمیم‌گیرنده در بالا نشسته‌اند، از کف مدارس خبری ندارند. ناگهان به ذهنشان می‌رسد که یک تغییر ایجاد کنند، بدون آنکه در مدارس نظرخواهی کنند. اگر واقعاً می‌خواهند تغییرات اثرگذار باشد، باید از خط مقدم یعنی مدارس، تصمیم‌گیری را آغاز کنند. مثل یک کارخانه که قبل از تغییرات مدیریتی، از کارگران نظر می‌پرسد، اما در آموزش، مدیران به‌تنهایی تصمیم می‌گیرند و نسل جوان را پر از استرس و دغدغه می‌کنند، بدون آنکه نتیجه مثبتی از این تصمیمات حاصل شود.»

آیا زمان تغییر فرا نرسیده؟

صدای اعتراض دانش‌آموزان بلند است، معلمان و کارشناسان نیز نگرانی‌هایشان را بیان می‌کنند و هشدار می‌دهند. بی‌تردید این روند آزمون‌گیری نه‌تنها باعث سنجش واقعی دانش‌آموزان نشده، بلکه آنها را در چرخه‌ای از استرس، ناامیدی و بی‌انگیزگی گرفتار کرده‌است. همچنین تصمیمات ناهماهنگ و تغییرات بی‌برنامه، محصلان را از مسیر یادگیری واقعی دور کرده و آنها را به جای تفکر و تحلیل، به سمت حفظیات و اضطراب سوق داده‌است.

امتحانات نهایی امسال نشان داد که دانش‌آموزان، تنها با حجم دروس و سختی امتحانات دست‌وپنجه نرم نمی‌کنند، بلکه درگیر یک سیستم آموزشی هستند که هنوز تکلیف خود را با آنها مشخص نکرده‌است. حال سؤالات مهمی وجود دارد؛ اینکه آیا هدف از این روند، آموزش بهتر و عدالت تحصیلی است، یا صرفاً آزمونی برای محک زدن آستانه تحمل دانش‌آموزان؟! آیا مسئولان تصمیم‌گیرنده، آماده‌اند تا از صدای دانش‌آموزان، معلمان و کارشناسان درس بگیرند یا همچنان بر مسیر آزمون و خطا ادامه می‌دهند؟ اینها سؤالاتی است که باید بدان پاسخ دقیق و شفافی داده‌شود.

طریق علی (ع)

مهدی مولایی

مراقب فرزندان خود باشید!

از جنگ بصره بازگشته بودند. با فتح و پیروزی و با غنیمت‌های بسیار. از طلا و نقره و جواهر و شمشیر و مرکب. خزانه کوفه مالامال از غنیمت‌های قیمتی و پر زرق بود. کیسه‌هایی مملو از سکه و صندوقچه‌هایی لبریز از خلخال‌ها و گردن‌آویزها و انگشترهای طلا. سهم رزمندگان و مجاهدان تقسیم شده‌بود و الباقی، ذخیره در خزانه حکومت بود. پیکی از دختر خلیفه، دختر امیرالمؤمنین، نزد علی‌بن‌ابی رافع رسید. «خانم فرمودند شنیده‌ایم که گردن‌آویزی از مروارید سپید در خزانه دارید که چشم همه سپاهیان را گرفته؛ اگر امکان دارد سه روز امانتش بدهید که در عید قربان خود را به آن زینت دهیم. اگر آسیبی به آن رسید، خود ضامن جبران آن هستیم». ابن‌ابی رافع گردنبند را امانت سپرد و فردای آن روز، امیرالمؤمنین گردن‌آویز را بر گلوی دخترک شناخت. پرسیدند چطور به دستش آوردی؟ عرض کرد: به صورت عاریه از علی‌بن‌ابی رافع، خزانه‌دار حکومت خواستمش. حضرت به دنبال او فرستاد که «اتخون المسلمین؟» آیا به مسلمانان خیانت می‌کنی؟ به لرز صدا گفت که هیهات! به خدا پناه می‌برم از خیانت بر مسلمین! فرمود: چگونه بدون اذن من و رضایت مسلمین به دختر امیرالمؤمنین عاریه داده‌ای؟ عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! او دختر توست؛ از من خواست که عاریه‌ای به او بدهم و من هم به صورت عاریه مضمونه مردوده به او داده‌ام، من آن را از اموال خودم ضمانت کردم و بر من واجب است که سالم آن را به بیت‌المال برگردانم. حضرت فرمود: همین امروز آن را برگردان و برحذر باش از اینکه دوباره چنین کنی، که در آن صورت تو را عقوبت خواهم کرد. سپس فرمود: اگر دخترم گردنبند را به صورت عاریه مضمونه مردوده نمی‌گرفت، نخستین فرد هاشمی بود که دستش را به خاطر دزدی قطع می‌کردم!

این تنها بیان حاکی از قاطعیت و سختگیری حضرت در برابر تخلف فرزندان و نزدیکان خودشان نیست. در خطبه ۴۱ کتاب شریف نهج‌البلاغه خطاب به عبدالله بن زمعه، کارگزار متخلف حکومت امیرالمؤمنین، هم حضرت قاطعانه به وی گوشزد می‌کنند که «به خدا سوگند، اگر حسن و حسین کاری را که توانجام دادی مرتکب می‌شدند، از من هیچ نرمشی نمی‌دیدند و به خواسته خود (برای بخشش یا چشم‌پوشی) نمی‌رسیدند، تا اینکه حق را از آنها بازستانم و باطلی را که از ظلمشان پدید آمده نابود کنم.» ماجرای عقیل‌بن‌ابوطالب، برادر امیرالمؤمنین و درخواست مالی وی از حضرت و واکنش ایشان را هم همه به کرات شنیده و بر آن آگاهند. تاریخ پر فراز و نشیب اسلام و حتی انقلاب اسلامی مملو است از تخلفات و استفاده فرزندان و بستگان مسئولان از جایگاه آنها که گاه با برخوردهای عادلانه و قاطعانه سختی در برابر این لغزش‌ها ایستادگی شده‌است؛ از برخورد قاطعانه معروف آیت‌الله محمدی گیلانی با فرزند خود که منجر به اعدام وی شد تا برخورد آیت‌الله حسنی امام‌جمعه ارومیه و آیت‌الله جنتی با فرزندان و بستگان خود. گاه خدای ناکرده فرزندان مشئومی می‌توانند سابقه مجاهدات دیرینه و پاک‌دستانه پدرانی باتقوا را مخدوش کنند. با نگاهی به نقل‌های تاریخی از برخوردها و تذکرات حضرت امیرالمؤمنین به فرزندان و بستگان درجه اول خود و الهام از برخوردهای بدون تبعیض بزرگان انقلاب اسلامی با فرزندان متخلف خود، می‌توان تکلیف امروز مسئولان را به روشنی کشف کرد.

اگر خدای ناکرده از فرزندانتان تخلفی، بزرگ یا کوچک، سر زد و افکار عمومی جامعه تصور تبعیض و تفاوت میان فرزندان خود و فرزندان شما کردند، از خدا تقوا کنید و مقابلشان بایستید و عدالت را اجرا کنید؛ که فرزندان شما عزیزتر از فرزندان علی نیستند. اگر تخلف و لغزشی از نزدیکانتان به اثبات رسید، بگذارید همه در برابر قانون برابر باشند و کسی به پشتوانه نام پدر بر گرده‌های مردم نتازد. که نزدیک بود زبیر از اهل‌بیت شود، تا وقتی پسرش پا به جوانی گذاشت!

از شهر

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خبر داد

کشتی حامل ۵۰ اتوبوس برقی به بندرعباس رسید

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از رسیدن کشتی حامل ۵۰ دستگاه اتوبوس برقی جدید به بندرعباس خبر داد.

احمد قیومی در تشریح ورود اتوبوس‌های برقی جدید به کشور گفت: کشتی حامل اتوبوس‌های جدید برقی به بندرعباس رسیده و روند تخلیه آن در حال انجام است. وی افزود: پیشتر ۱۰۱ دستگاه اتوبوس جدید به بندرعباس رسیده بود و با ۵۰ دستگاه جدید به ۱۵۱ دستگاه رسید. قیومی با اشاره به انتقال تدریجی این ناوگان به پایتخت افزود: در مجموع ۱۵۱ دستگاه اتوبوس برقی به کشور رسیده که قرار است ظرف هفته‌های آینده از بندرعباس به تهران منتقل شود.

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران تأکید کرد: تمامی اتوبوس‌های برقی جدید به محض رسیدن به تهران وارد ناوگان خواهند شد و برای خدمت‌رسانی به شهروندان فعال خواهند شد.

«تهران به ۶ هزار اتوبوس جدید نیاز دارد»، این را رئیس شورای شهر تهران مهدی چمران می‌گوید. دو سال پیش شهرداری تهران قرارداد خرید ۲هزار و ۵۰۰ دستگاه اتوبوس برقی (به‌اندازه اتوبوس‌های فعال فعلی) بست. تا اسفند سال گذشته حدود ۲۰۰ دستگاه از این اتوبوس‌ها به تهران رسید. معاون شهردار تهران محسن هرمزی با بیان اینکه تا پایان خرداد ۵۰۰ اتوبوس چینی به تهران می‌رسد می‌گوید که اتوبوس‌های جدید در حال ترخیص هستند و به محض رسیدن به تهران وارد خطوطی می‌شوند که ازدحام جمعیت و کمبود اتوبوس دارند.

خبر کوتاه

- اداره کل هواشناسی استان تهران از افزایش نسبی دما طی روزهای آینده خبر داد.
- سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: حدود ۲۰ میلیون قطعه ملک فاقد سند رسمی مالکیت و دارای سند عادی در کشور داریم.
- رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه تا هفته دیگر نرخ شهریه مدارس غیردولتی ابلاغ خواهد شد، گفت: قرار بوده پیش ثبت‌نام‌ها دانش‌آموزان با نرخ شهریه سال گذشته، انجام شود.
- رئیس سازمان بهزیستی گفت: مجوز تأسیس مراکز ترک اعتیاد که قبلاً از طریق این سازمان صادر می‌شد بر اساس تصمیمات جدید، به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی محول شده‌است.
- مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد: سریال سووشون به دلیل نداشتن مجوز قانونی و تمکین نکردن از مراجع ذیربط توقیف شد.
- رئیس کل دادگستری هرمزگان از پرداخت خسارت ۸۳ خودروی فاقد بیمه بدنه آسیب دیده در حادثه بندر شهید رجایی خبر داد.

یادداشت

پول همین جا بود!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

۴۶هزارو۵۰۰ میلیارد تومان پول رسماً معوق، در سکوت سال‌های گذشته، در حساب‌های شرکت‌های دولتی تلنبار شده بود؛ پولی که نه تحریم مانع وصولش بود، نه فقدان قانون. فقط مدیرانی نبودند که بخواهند آن را به خزانه کشور بازگردانند. حالا دیوان محاسبات اعلام کرده است با اجرای حساب واحد خزانه، این رقم سرسام‌آور بالاخره وصول شده است. یک اقدام ساده، یک پیگیری حقوقی و یک اراده اداری کافی بود تا پرده از واقعیتی تلخ کنار برود: کشورمان درگیر فقر منابع نیست، گرفتار فقر مدیریت است. ماجرای این ۴۶هزارمیلیارد، فقط یک عدد نیست؛ پرده‌ای از صورت‌مسئله حکمرانی مالی است. پرسش ساده این است: اگر یک تصمیم اجرایی توانسته است چنین رقم بزرگی را آزاد کند، چه چیزهای دیگری در ساختار اقتصادی کشورمان خاک می‌خورند؟ چقدر پول مردم، صرفاً به‌خاطر بی‌تدبیری مدیران در جایی مانده است که نباید بماند؟

این اتفاق یک موفقیت است، اما نه از آن جنس موفقیت‌هایی که باید برایش جشن گرفت، اتفاقاً برعکس، این عدد، باید موجب خجالت ما باشد، چون نشان می‌دهد پول، سال‌ها بر زمین مانده بود و هیچ‌کس خم نمی‌شد آن را بردارد. این موفقیت، بیشتر از آنکه به‌خاطر هوشمندی یک نهاد باشد، حاصل بیدارباشی است که دیر شنیده شد. اگر حساب واحد خزانه درست اجرا شده بود، این پول باید هر سال به خزانه بازمی‌گشت، نه اینکه سال‌ها در جیب شرکت‌ها بماند. این ماجرا بار دیگر اثبات کرد راه‌حل‌های اقتصادی ما، نه در پایتخت‌های غربی که همین‌جا در تهران مدفون هستند، در نظام اداری‌ای که یا خواب است یا خود را به خواب زده، در سیستم مالی‌ای که اگر کسی دنبالش نرود، حتی سود دولت هم روی زمین می‌ماند.

مفهوم حساب واحد خزانه، سال‌ها در قوانین کشور آمده بود، اما اجرا نمی‌شد، یعنی ساختار قانونی فراهم بود، اما اراده نبود. اینکه امروز این رقم قابل توجه از دل این سیستم بیرون آمده، صرفاً به‌دلیل فعال شدن نظارت، پیگیری و سامانه‌مندی است. همین، باید ما را به تأمل وادارد. چقدر پول دیگر، چقدر فرصت دیگر، فقط به‌خاطر نبود اراده و دقت، بلااستفاده مانده است؟ چندهزارمیلیارد تومان دیگر در دل شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی و نهادهای اقتصادی، به نام بیت‌المال خوابیده است و کسی سراغش نمی‌رود؟

در گزارش دیوان محاسبات، نکته‌ای آمده است که باید چراغ زرد هشدار را در ذهن ما روشن کند: پیشنهاد واگذاری شرکت‌های زیان‌ده یا فاقد صرفه اقتصادی به بخش خصوصی. در ظاهر، این یک ایده منطقی است. چرا دولت باید برای بنگاهی که سود نمی‌دهد، هزینه کند؟ اما همین‌جاست که باید ایستاد و دقیق شد. چه کسی تعیین می‌کند که یک شرکت زیان‌ده است؟ بر چه مبنایی این تشخیص داده می‌شود؟ چه تضمینی وجود دارد که شرکتی عمداً زیان‌ده اداره نشود تا بعداً به ثمن بخس فروخته شود؟ تجربه خصوصی‌سازی در کشورمان، یک دفتر پر از زخم است. ما بارها دیده‌ایم که شرکت‌هایی با ارزش‌های بالا، با حساب‌سازی‌های صوری و مدیریت‌های ضعیف، به سمت زیان‌ده‌شدن سوق داده شده‌اند تا بعداً به نام خصوصی‌سازی، به کسانی واگذار شوند که کمترین صلاحیت حرفه‌ای را نداشته‌اند. نتیجه هم روشن است: تعطیلی کارخانه، بیکار شدن کارگر، سوختن سرمایه ملی.

باید با صراحت گفت که در فضای فعلی، هر واگذاری‌ای لزوماً به معنای نجات نیست. گاهی فروش، دقیقاً به معنای دفن دارایی عمومی است. به جای واگذاری، بیایید از اصلاح بگوییم. به‌جای فروش، برویم سراغ احیا. به‌جای رهایی، به‌دنبال بازسازی باشیم. شرکت زیان‌ده را به مدیر توانمند بده، نه به خریدار بی‌هویت. اگر مدیری هست که می‌تواند یک بنگاه زیان‌ده را به سودآوری برساند، چرا او را به میدان نمی‌آوریم؟ چرا دارایی مردم را چوب حراج می‌زنیم، به‌جای آنکه آن را به شکوفایی برسانیم؟ در همین وصول ۴۶هزارمیلیارد، یک درس دیگر هم هست: با اراده مدیریتی، با حساب‌کشی منظم، با نظارت و با عزم ملی، می‌شود اقتصاد را نجات داد. چرا باید بودجه دولت را از جیب مردم تأمین کنیم، وقتی همین منابع معطل و فراموش‌شده در دل سیستم دولتی، میلیارد‌میلیارد می‌ارزد؟ چرا مالیات بیشتر از کارگر و کارفرما بگیریم، وقتی پول بلوکه‌شده شرکت‌ها هنوز به خزانه نیامده است؟

پیشنهاد دیوان محاسبات مبنی بر درج فهرست کامل شرکت‌های دولتی در پیوست بودجه، کاری است لازم اما ناکافی. باید این فهرست‌ها نه فقط در بودجه که در سایت‌های عمومی منتشر شود. باید مردم بدانند دولت از کدام شرکت‌ها چه میزان سود می‌گیرد و اگر نمی‌گیرد، چرا نمی‌گیرد. شفافیت، آفت فساد است. وقتی مردم ببینند که چقدر منابع در اختیار دولت است و چطور با آن رفتار می‌شود، مطالبه‌گری آغاز خواهد شد.

و اما حرف اصلی: این پول، حق مردم بود، پولی که می‌شد با آن جاده ساخت، مدرسه تعمیر کرد، یارانه تأمین کرد، اشتغال آفرید، اما نه از خارج آمد، نه با جنگ نرم به‌دست آمد، نه با لابی. همین‌جا بود، ولی کسی به آن دست نبرده بود. این یعنی راه‌حل، درون کشور است، نه در پستوی غرب، نه در لبخند فلان مقام، نه در وعده صرافی‌ها. باید باور کنیم که ایران‌مان فقیر نیست، اما گرفتار مدیران کم‌رمق است. ایران بی‌پول نیست، اما بی‌برنامه است. این ۴۶هزارمیلیارد، آیینه‌ای است که چهره واقعی حکمرانی ما را نشان می‌دهد. حال اگر شهامت نگاه‌کردن در این آیینه را داریم، وقت آن است که اصلاح را نه از جامعه، بلکه از حاکمیت آغاز کنیم. چاره‌ای نداریم جز بازسازی اعتماد و این اعتماد فقط با گفتن حاصل نمی‌شود، با دیدن کارآمدی به‌دست می‌آید و این کارآمدی، یعنی: اگر توانستی ۴۶هزارمیلیارد را از دل شرکت‌های دولتی بیرون بکشی، پس می‌توانی فساد را هم از دل ساختارها پاک کنی. فقط باید بخواهی.

اما هنوز، خیلی چیزها مانده که کسی نخواسته سراغ‌شان برود. واقعیت تلخ این است که ما به قناعت تحمیلی عادت کرده‌ایم، به فقر مدیریت و زخم بی‌نظمی. سال‌هاست می‌گویند کشور پول ندارد، منابع نیست، بودجه کفاف نمی‌دهد، اما اینها همه ترجمه‌های مؤدبانه‌ای از یک حقیقت تلخ‌تر است: کسی نیست که دخل‌وخرج این خانه را بلد باشد. خزانه‌ای که با یک تلنگر ۴۶هزارمیلیارد تومان تکان می‌خورد، خزانه‌ای نیست که ته کشیده، خزانه‌ای است که از بی‌تدبیری لبریز شده است. پرسش ما از مسئولان این است: اگر می‌دانستید این پول هست، چرا نگرفتید و اگر نمی‌دانستید، چرا ندانستید؟ این همه سال، چه کسی مسئول پیگیری این درآمدها بوده؟ چه نهادی مسئول کم‌کاری است؟ چه کسی پاسخ می‌دهد به سال‌هایی که پول مردم در حساب شرکت‌های دولتی خاک خورد و خرج امور ضروری کشور نشد؟

اینجاست که باید مفهوم «حاکمیت پاسخگو» را بازتعریف کنیم. مدیران باید بدانند در قبال «ندیدن» و «ندانستن» هم مسئول هستند. همان‌طور که یک کارمند بابت تأخیر در ورود، توبیخ می‌شود، باید مدیرانی که میلیاردها تومان از اموال عمومی را پشت غفلت و بی‌عملی پنهان کرده‌اند نیز مورد مؤاخذه قرار گیرند. ما نیاز به اصلاح قانون نداریم، نیاز به اصلاح کار داریم. نیاز به تغییر آیین‌نامه نداریم، نیاز به تغییر آدم‌ها داریم. حکمرانی خوب، یعنی نظارت دائمی، شفافیت عملی و پاسخگویی واقعی و اینها فقط زمانی اتفاق می‌افتند که باور کنیم این کشور را می‌شود با اراده، صداقت و عقلانیت اداره کرد. بیت‌المال، مال مردم است. خرجش باید شفاف باشد. رفتنش باید معلوم باشد. بازگشتش باید طبیعی باشد و مدیری که این بدیهیات را رعایت نمی‌کند، جایش در ساختار حکمرانی نیست.

گزارش

بهناز قاسمی

نان آزاد می‌شود یا آجر؟!

یکی از برنامه‌های دولت برای ساماندهی نان این است که تا پایان تابستان امسال فاز اول سامانه هوشمند یارانه نان به طور سراسری اجرایی شود
در این سامانه، قیمت نان آزاد می‌شود ولی یارانه مستقیماً به حساب سرپرست خانوار واریز خواهد شد

از زمانی که تعیین قیمت نان به استانداران سپرده شد، هیچ شفافیتی در نوسانات قیمت نان وجود ندارد. مردم از سوی نانوای محله از گرانی قیمت نان مطلع می‌شوند و از آنجا که وحدت رویه‌ای وجود ندارد، تغییرات قیمت نان در نقاط مختلف شهر و استان متفاوت است. آیا انتشار جدول افزایش قیمت‌ها و اعلان عمومی آن از سوی استانداران کار دشواری است؟ شاید هم استانداران نمی‌خواهند تبعات تغییرات قیمت نان را به عهده بگیرند و ترجیح می‌دهند در نزاع نانوا و مشتری، قیمت‌ها اطلاع‌رسانی شود! اسفند سال گذشته، زمانی که مردم در گیرودار ماه رمضان و خریدهای عید نوروز بودند، قیمت نان گران شد. اکنون درکمتر از سه ماه بار دیگر نانوایان برای افزایش قیمت خیز برداشته‌اند. اخیراً قیمت آرد برای نانوایان آزادپز از ۱۲هزار تومان به ۲۱هزارو۷۰۰ تومان افزایش یافته، از این رو نانوایان نان سنگک با هماهنگی اتحادیه‌شان قیمت نان را ۴۸درصد گران کرده‌اند، همزمان برخی از نانوایان دولتی نیز در این آشفته‌بازار نان، قیمت‌ها را گران کرده‌اند. دولت با وعده ساماندهی قیمت نان تا پایان تابستان، ترجیح می‌دهد افزایش قیمت‌ها در فضای غیررسانه‌ای انجام شود و در موعد مقرر از سامانه‌ای رونمایی کند که بر اساس آن قرار است، قیمت نان آزاد و یارانه آن مستقیماً به حساب سرپرست خانوار واریز شود.

■■■

سالانه ۲۵۰همت یارانه به حوزه آرد و نان داده می‌شود و امسال نیز همین مبلغ در قانون بودجه پیش‌بینی شده است تا این محصول با قیمت مناسبی به دست مصرف‌کننده برسد، اما بر اساس مشاهدات میدانی، بسیاری از نانوایی‌ها حاضر به رعایت این نرخ‌ها نیستند و معتقدند نرخ نان باید متناسب با هزینه‌های واقعی تولید، بازنگری شود. عمده نانوایان کشور آرد یارانه‌ای برای پخت نان دریافت می‌کنند و به اصطلاح دولتی‌پز هستند و بر اساس دستورالعمل باید نرخ نان را جلوی دید مشتری قرار دهند اما در بسیاری از نانوایی‌ها علاوه بر اینکه این کار انجام نمی‌شود، نان با قیمت بالاتر به فروش می‌رسد. اتحادیه نان سنگک تهران عملاً به این موضوع اذعان داشته و اعلام کرده است این محصول در اکثر نانوایی‌های دولتی‌پز در حالی ۱۰هزار تومان به فروش می‌رسد که نرخ مصوب آن ۵هزار تومان است. متأسفانه سال‌هاست افزایش قیمت نان علنی نمی‌شود و مردم در جریان صدور مجوز تغییرات قیمت نان قرار نمی‌گیرند. چند سالی است تصمیم‌گیری در خصوص قیمت نان به استانداران واگذار شده اما آنها نیز نمی‌خواهند تبعات گرانی قیمت نان را به عهده بگیرند و ترجیح می‌دهند مردم از طریق نانوایان محله‌شان از افزایش قیمت مطلع شوند. اسفند ماه سال گذشته همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان، قیمت نان گران شد. اکنون در کمتر از سه ماه، از نانوایان خبر می‌رسد قیمت نان گران شده است. آنچه موجب نارضایتی مردم شده، ناهماهنگی نانوایان و افزایش ناهماهنگ قیمت‌هاست.

به عنوان مثال قیمت نان سنگک ساده در نقطه‌ای از شهر ۱۰هزار تومان و در نقطه دیگر به ۷هزار تومان و بعضاً تا ۱۵هزار تومان نیز می‌رسد. نان بربری ساده نیز از ۷هزار تا ۲۰هزار تومان متغیر است.

ظاهراً نان تافتون و لواش کمترین تخلف و ناهماهنگی را در قیمت‌ها دارند. یکی از دلایل استمرار تخلفات، بی‌اطلاعی مشتریان از قیمت مصوب نان است. با وجود تأکید بر نصب نرخ‌نامه در معرض دید مردم، برخی نانوایی‌ها از اجرای این مصوبه سر باز می‌زنند.

■ **ماجرای افزایش قیمت نان**

در روزهای اخیر، اخباری مبنی بر افزایش قیمت نان سنتی در برخی مناطق کشور، بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی و افکار عمومی داشته است، این در حالی است که مسئولان دولتی بارها تأکید کرده‌اند هنوز هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت نان یارانه‌ای اتخاذ نشده و قیمت‌های مصوب همچنان پابرجاست، با این حال زمزمه‌هایی از احتمال تغییر در نحوه پرداخت یارانه و اصلاح نظام عرضه شنیده می‌شود.

محمد سلیمانی، رئیس اتحادیه صنف نانوایان سنگکی تهران اعلام کرد: «قیمت نان سنگک آزادپز به ۲۵هزار تومان افزایش یافته، اما درباره نان یارانه‌ای تصمیمی گرفته نشده است.» وی افزود: «افزایش قیمت گندم برای نانوایان آزادپز، از ۱۲هزار تومان به ۲۱هزارو۷۰۰ تومان باعث شد قیمت نان سنگک آزادپز از ۱۷هزار تومان به ۲۵هزار تومان برسد.»

گرچه هنوز قیمت آزادپزها هم به صورت رسمی اعلام نشده اما برخی نانوایی‌های آزادپز در تهران، قم، شیراز و مشهد قیمت‌های خود را افزایش داده‌اند اما برخی نانوایی‌های دولتی همچنان مطابق قیمت مصوب به فروش نان یارانه‌ای ادامه می‌دهند و برخی نیز مانند آزادپزها قیمت نان را گران کرده‌اند. در برخی شهرها این روند ناهماهنگ موجب افزایش صف‌های طولانی در نانوایی‌ها شده است. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز اعلام کرده است هیچ مجوزی برای افزایش قیمت نان یارانه‌ای صادر نشده و با هرگونه تخلف در این زمینه برخورد خواهد شد.

■ **بازگشت به سال ۱۳۸۹ و ضرورت آزادسازی قیمت نان**

در این آشفته‌بازاری که برای نان به راه افتاده، ظاهراً قرار است از نیمه دوم امسال یارانه نان به سرپرست خانواده پرداخت و قیمت نان آزادسازی شود. برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند تداوم یارانه مستقیم به نان در شرایط فعلی، به اتلاف منابع و فساد در زنجیره توزیع منجر می‌شود. سهراب جلالی، استاد اقتصاد در گفت‌وگو با فارس در این خصوص می‌گوید: «حذف یارانه نان به صورت یک‌باره ممکن نیست، اما دولت باید به سمت پرداخت یارانه به مصرف‌کننده و استفاده از ابزارهایی مثل کارت نان حرکت کند.» در بلندمدت، نظام چندنرخی نه‌تنها ناکارآمد است بلکه عدالت را نیز خدشه‌دار می‌کند.

همچنین محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران معتقد است: مدل فعلی یارانه‌دهی نه تنها به عدالت نزدیک نشده، بلکه سه ضلع اصلی این زنجیره- مردم، دولت و نانوایان- را همزمان ناراضی کرده است. راهکار مؤثر، بازگشت به مدل پرداخت مستقیم یارانه به مردم و واقعی‌سازی قیمت نان است؛ مدلی که پیش‌تر در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ اجرا شده و به زعم وی، تجربه‌ای موفق بوده است. کرمی تأکید دارد: با پرداخت مستقیم یارانه به حساب خانوار و آزادسازی قیمت نان می‌توان رقابت، کیفیت و رضایت عمومی را افزایش داد، در حالی که مدل فعلی با تکیه بر دستگاه‌های نانینو، صرفاً اطلاعات آماری کم‌فایده تولید می‌کند و نظارت مؤثری در پی ندارد.

به نظر می‌رسد دولت تصمیم دارد به این روند افزایش نابرابر قیمت‌ها با مسئولیت استانداران ادامه دهد تا پایان تابستان از طرح جدیدی رونمایی کند.

خبرهای رسیده از وزارت اقتصاد حاکی است دولت در حال بررسی طرح‌هایی مانند کارت نان، پرداخت یارانه به صورت دیجیتال و تقویت نظارت هوشمند بر نانوایی‌هاست. بر اساس اعلام سخنگوی وزارت اقتصاد تا پایان تابستان امسال قرار است فاز اول سامانه هوشمند یارانه نان به‌طور سراسری اجرایی شود. در این سامانه، قیمت نان آزاد می‌شود ولی یارانه مستقیماً به حساب خانوار واریز خواهد شد. این اقدام قرار است هم به حذف فساد و هم به شناسایی دقیق مصرف نان در کشور کمک کند. ناکارآمدی نظام فعلی عرضه، دولت را به سمت اصلاح سازوکارهای یارانه‌ای سوق داده است. آینده نان در ایران به‌نظر می‌رسد نه در افزایش قیمت یارانه‌ای بلکه در تغییر شیوه پرداخت یارانه رقم خواهد خورد.

جوابیه

توانیر در واکنش به دو مطلب «جوان»:

هیچ تبعیضی در خاموشی‌ها وجود ندارد

پیرو انتشار مطالبی با عناوین «لکنت زبان نیرو» در مورخ هشتم اردیبهشت ۱۴۰۴ و «خاموشی‌های طبقاتی!» در مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ آن روزنامه، شرکت توانیر جوابیه‌ای ارسال و حسب ماده ۲۳ فصل ششم قانون مطبوعات و به منظور آگاهی خوانندگان و تنویر افکار عمومی خواستار انتشار پاسخ ارسالی شده است.

در این مطلب با عنوان «بهره‌گیری صنعت برق از همه ظرفیت‌ها برای کاهش ناترازی تولید و مصرف/ تابستان نرسیده، اوج مصرف رسید» گفته شده است: افزایش غیرمتعارف دمای هوا در بهار به ویژه در اردیبهشت‌ماه، منجر به افزایش قابل توجه مصرف برق شده است. بر اساس گزارش‌ها، در برخی روزهای اردیبهشت، مصرف برق کشور به بیش از ۶۵هزار مگاوات رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، افزایش ۶ تا ۷هزار مگاواتی را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، در استان خراسان‌شمالی، میانگین دمای بهار ۱۴۰۴ نسبت به نرمال بلندمدت ۴/۴درجه و در خوزستان تا هفت‌درجه افزایش یافته است.

همچنین در تهران، میانگین دمای اردیبهشت ۱۴۰۴ حدود چهار تا پنج‌درجه سانتی‌گراد بالاتر از میانگین بلندمدت گزارش شده است.

از سوی دیگر بر اساس اعلام شرکت مدیریت شبکه برق ایران، ذخیره مفید آب در نیروگاه‌های برقابی کشور نسبت به سال گذشته ۴۷ درصد کاهش یافته است. این کاهش به دلیل کم‌بارشی و خشکسالی‌های مداوم، منجر به کاهش توان تولید برق از نیروگاه‌های برقابی شده است.

افزون بر این در زمستان ۱۴۰۳، به‌دلیل کمبود گاز، بسیاری از نیروگاه‌ها با تمام ظرفیت در مدار بوده‌اند و امکان انجام تعمیرات اساسی فراهم نبوده است. این موضوع باعث شد که برنامه‌های تعمیراتی به بهار ۱۴۰۴ موکول شود که همزمانی آن با افزایش مصرف برق، فشار مضاعفی بر شبکه وارد کرد و منجر به اعمال محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر در برخی مناطق شد. لازم به ذکر است که برنامه‌های خاموشی احتمالی از ابتدای اجرای طرح مدیریت بار، از طریق رسانه‌های رسمی، سایت شرکت‌های توزیع، سامانه برق من، پیامک به مشترکین و همکاری با شوراها و دهیاری‌ها به‌صورت مستمر اطلاع‌رسانی شده است.

با توجه به مصوبات هیئت محترم دولت و کارگروه مدیریت بهینه مصرف انرژی، به منظور حفظ پایداری شبکه برق کشور و تداوم تأمین برق مشترکین در ایام اوج مصرف و مقابله با ناترازی بین تولید و مصرف برق در سطح کشور، شرکت توانیر موظف به مدیریت مصرف برق و انرژی هستند. لذا ضمن اعلام برنامه قبلی، خاموشی‌های محدودی به مشترکین خانگی، تجاری و عمومی و مشترکان کشاورزی و صنعتی با انعقاد تفاهم‌نامه و با اطلاع رسانی قبلی اعمال شده که بر اساس آن مدت هر نوبت خاموشی برای مشترکین خانگی به‌طور معمول دو ساعت تنظیم می‌شود. اما در برخی موارد خاص، مانند بروز همزمان چند محدودیت (افزایش مصرف غیرقابل پیش‌بینی، اشکالات فنی در شبکه یا نیاز به جابه‌جایی بار در شبکه)، ممکن است مدت خاموشی از سقف پیش‌بینی‌شده فراتر رود.

برخی گزارش‌ها در رسانه‌ها و فضای مجازی مدعی شده‌اند که خاموشی‌ها بیشتر در مناطق خاصی از شهر تهران به‌ویژه مناطق جنوبی و مرکزی اعمال شده و مناطقی در شمال شهر از خاموشی معاف بوده‌اند، این برداشت نادرست است و ناشی از عدم اطلاع از ساختار فنی توزیع برق شهری می‌باشد.

شبکه برق تهران به گونه‌ای طراحی شده که برخی فیدرهای توزیع برق، برق تأسیسات حیاتی نظیر بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، پمپاژهای آب و مراکز مدیریت بحران را نیز تأمین می‌کنند.

مطابق دستورالعمل‌های فنی و مقررات پدافند غیرعامل، این فیدرها حساس محسوب می‌شوند و در لیست اولویت خاموشی قرار نمی‌گیرند تا خدمات حیاتی به مردم دچار اختلال نشود. در نتیجه، ممکن است برخی مشترکین خانگی یا تجاری که در شعاع تحت پوشش این فیدرهای اضطراری قرار دارند، حتی در زمان اعمال خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در سایر مناطق، خاموشی را تجربه نکرده باشند. این مسئله صرفاً فنی بوده و هیچ‌گونه ارتباطی با موقعیت جغرافیایی یا سطح درآمدی مناطق ندارد. همچنین تمام برنامه‌های خاموشی احتمالی در مناطق بیست‌ودوگانه تهران و کشور، شناور و چرخشی بر مبنای الگوی مصرف و ساختار شبکه به‌صورت دو ساعته اجرا شده و هیچ سیاستی مبنی بر تبعیض در اعمال خاموشی‌ها در دستور کار شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ یا شرکت‌های توزیع برق سراسر کشور نیست. لازم به ذکر است با توجه به تجارب خاموشی‌های سالیان گذشته و با هدف به حداقل رساندن ناترازی تولید و مصرف برق، تعداد ۱۴مگاپروژه و ۳۶بسته مدیریت مصرف تدوین، برنامه‌ریزی و اجرایی شده که امید است با بسیج همه پرسنل و امکانات صنعت برق و همراهی مردم فهیم، برق پایدار همه مشترکان به ویژه در ایام گرم تابستان تأمین شود.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

نظر کوتاهی در مکتب اسلام خریدار ندارد

آیت‌الله فاطمی‌نیا (رحمه‌الله):
امام جواد(ع) می‌فرمایند: «القَصدُ إلَـی اللهِ تعالی بِالقُلُوبِ، أبلَغُ مِن إتعابِ الجَوارِحِ بِالأعمالِ» به دل آهنگ خدا داشتن برتر است تا خسته کردن جوارح و اعضای بدن به عبادت. امام جواد(ع) در این حدیث نمی‌خواهند نوافل و مستحبات را کوچک بشمارند، ائمه(ع) خودشان آنقدر عبادت می‌کردند که حد ندارد.
امام جواد(ع) می‌خواهند بفرمایند که اگر عبادات با باطن انجام شود زودتر به مقصد می‌رسیم.
مثلاً فردی شب تا صبح به نماز ایستاده است. صبح آمده دیده همسایه ماشینش را عوض کرده است و پیش خودش می‌گوید از کجا آورده ماشین خریده؟! این نظر کوتاهی است و تمام نماز شبش را ضایع می‌کند! نظر کوتاهی در این مکتب خریدار ندارد، باید نظر بلند باشیم.
منبع: کانال تلگرامی «استاد فاطمی‌نیا(ره)»

این توصیه را جدی بگیرید

راحله امینیان در توئیتی نوشت: مسئولان محترم با دقت توصیه رهبر انقلاب به استانداران را بشنوید و این نکته مهم را خیلی خیلی جدی بگیرید: «با مردم گرم بگیرید. به میان آنها بروید و حرف آنها را ولو تند باشد با حوصله بشنوید. این کار باعث جلب محبت مردم و کمک آنها در مواقع حساس خواهد شد.»

نشانه‌ای نگران‌کننده درباره خانه ملت

سیدعلی موسوی در توئیتی نوشت: وجود ۱۵ رأی سفید و دو رأی باطله در انتخاب رئیس مجلس، نشانه‌ای نگران‌کننده از بی‌تفاوتی و رفتار منفعلانه برخی نمایندگان است. این اقدام، شأن نمایندگی ملت را زیر سؤال می‌برد و شفافیت در تصمیم‌گیری را مخدوش می‌کند.

سانسور تل‌آویو ترک برداشت

حسین پاک در توئیتی نوشت: با گذشت هفته‌ها از پایان نبرد، سانسور تل‌آویو ترک برداشت؛ رسانه‌های صهیونیست بالاخره اجازه یافتند گوشه‌ای از ویرانی موشک‌های حزب‌الله را در شمال اراضی اشغالی نشان دهند. آنچه دیده می‌شود نه تبلیغ مقاومت که اعتراف دشمن است.

اخلاقمدارتر باشیم تا از نظر جسمی سالم‌تر بمانیم!

کانال تلگرامی «مهارت‌های زندگی» خبر داد: نتایج پژوهشی نشون میده افرادی که برای خودشون استانداردهای اخلاقی بالایی دارن (مثلاً دروغ نمی‌گن یا امانت دارند) ۲۱ تا ۵۰ درصد کمتر از دیگران دچار افسردگی می‌شن. این پژوهش مدعیه که استاندارد اخلاقی بالا به سلامت روان و جسم هم کمک می‌کنه.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به کسب مدال طلای دوومیدانی از سوی ریحانه مبینی در مسابقات قهرمانی آسیا

زنده باد آن کس که هست از جان هوادار وطن

در مسابقات دوومیدانی قهرمانی آسیا ریحانه مبینی، نماینده ایران در پرش طول موفق شد با پرشی ۶/۴۰متری قهرمان شود و اولین مدال طلای زنان ایران در این مسابقات را کسب کند. این موفقیت با تشویق کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران ضمن تبریک به مبینی این موفقیت را حاصل تلاش و پشتکار زن ایرانی به رغم همه تبلیغات رسانه‌ای دشمنان ملت ایران دانستند. تحصیل ریحانه مبینی در رشته دندانپزشکی نیز مورد توجه کاربران قرار داشت. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی را مرور کرده‌ایم.

■ **کاربری با نام «وانیا»:**
ریحانه مبینی با پرشی شش‌مترو ۴۰سانتی در مسابقات دوومیدانی قهرمانی آسیا قهرمان شد و اولین مدال طلای زنان ایران در این مسابقات را کسب کرد. دمش گرم.

■ **مجید کوهستانی:**
بعداز مدرک تحصیلی قلابی و دکترای خیالی بیرانوند، باید از یک خانم دکتر واقعی بنویسیم که امشب اولین طلای تاریخ دوومیدانی زنان ایران در آسیا رو کسب کرد. ریحانه مبینی بدون پارتی و پول و سهمیه، دانشجوی ترم آخر رشته دندانپزشکیه. مبارکه خانم دکتر، چقدر طلای شما بعد از اون دروغ‌ها چسبید.

■ **علیرضا رحیمی:**
ریحانه مبینی، خانم دکتر شایسته ایران، قهرمان آسیا شد! درخشش ریحانه مبینی و کسب نخستین طلای تاریخ دوومیدانی بانوان ایران در آسیا، فقط یک مدال نیست، نمادی است از اراده و تلاشی که همزمان در مسیر ورزش قهرمانی و تحصیل در رشته دندانپزشکی شکوفا شده است. این افتخار، حاصل تلاش نسلی است که با خودباوری، انگیزه و امید به آینده‌ای بهتر، برای ایران جوان افتخارآفرینی می‌کنند. ایول ریحانه ایران!

■ **محسن معتمدکیا:**
تماشای شادی ریحانه مبینی پس از کسب نخستین مدال طلای تاریخ دوومیدانی دختران ایران در آسیا، لذت‌بخش و غرورآفرین است. این مدال می‌تواند نشانه‌ای روشن از روزهای پرافتخار ورزش ایران در بازی‌های آسیایی ناگویا و پس از آن، المپیک لس‌آنجلس باشد.

■ **حسین کرمان‌پور:**
خوشحالم که ریحانه مبینی، دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، پس از ۵۲سال طلسم رکورداری بانوان ایرانی در عرصه ورزش جهانی را شکست و هشتم خرداد ۱۴۰۴، با پرشی مثال‌زدنی به طول ۶/۴۰متر، در کره‌جنوبی مدال طلای این رقابت را از آن خود کرد! نوش جانت! تبریک به تو، تبریک به خانواده‌ات، تبریک به جامعه پزشکی و تبریک به مردم ایران به ویژه بانوان این سرزمین.

■ **علی قلی‌زاده:**
زنده‌باد ریحانه مبینی. قهرمان پرش طول آسیا و اولین زن ایرانی برنده مدال طلای دوومیدانی آسیا. پاینده ایران.

■ **محمد اکبرزاده:**
خانم ریحانه مبینی آفرین به غیرتت، هم بابت کسب اولین مدال دوومیدانی زنان ایران در آسیا و هم بابت این احترام ویژه به پرچم مقدس ایران. زنده باد آن کس که هست از جان هوادار وطن.

■ **حاجی محبی:**
اونا که بیرون گود نشستن و میگن «زن تو ایران محدوده و هیچ‌کاری نمی‌تونه بکنه»، بیان ببینن «ریحانه مبینی» دانشجوی دندانپزشکی، با حجاب، با یک پرش فوق‌العاده، چطور تونست اولین طلای زنان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا رو کسب کنه. واقعیت با فیلترهای رسانه‌ای شما فرق داره!

■ **نیره نوری:**
وقتی درس بخونی در کنارش به ورزش مورد علاقه‌ات هم ادامه بدی، میشی خانم دکتر ریحانه مبینی که اولین زن ایرانیه که مدال طلای پرش ارتفاع در آسیا رو گرفته!

■ **فاطمه محمدزاده:**
ریحانه مبینی با پرش ۶/۴۰متری دنیا را به تماشای اقتدار بانوی ایرانی نشاند! مدال طلا گوارای وجودت دختر پرافتخار ایران.

۶ کتاب تقریظ شده از سوی رهبر انقلاب در حوزه فرهنگ مقاومت

شش کتابی که اخیراً از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) تقریظ شده‌اند، حال و هوای خاصی دارند. در ادامه به استناد گزارشی از پایگاه «کتاب‌رسان» به معرفی این کتاب‌ها پرداخته‌ایم.

■ **کتاب هواتو دارم**
کتاب «هواتو دارم» اثر محمدرسول ملاحسنی از نشر شهید کاظمی، در حوزه دفاع مقدس و با تمرکز بر زندگی شهید مدافع حرم مرتضی عبداللهی در ۱۲ فصل به روایت داستان او می‌پردازد. در این اثر، مخاطب به تدریج با شکل‌گیری شخصیت فردی، اجتماعی و سیاسی شهید عبداللهی آشنا می‌شود. نویسنده با تصویرسازی دقیق، وقایع مهم سوریه و جنایات داعش را به تصویر می‌کشد و جان‌فشانی‌های مدافعان حرم را به‌خوبی روایت می‌کند.

■ **کتاب پاییز آمد**
کتاب «پاییز آمد» نوشته گلستان جعفریان، به روایت خاطرات فخرالسادات موسوی، همسر سردار شهید احمد یوسفی می‌پردازد. این کتاب ازسوی انتشارات سوره مهر منتشر شده و به زندگی دو یار عاشق و دلداده، با تمامی ویژگی‌ها و واقعیت‌های زندگی‌شان می‌پردازد. نویسنده با دقت و بی‌اغراق، سعی کرده تا ابعاد مختلف زندگی این زوج را به تصویر بکشد. گلستان جعفریان درباره دلیل نامگذاری کتاب توضیح داده که آشنایی او با همسر شهید در پاییز اتفاق افتاده و زمان شهادت احمد یوسفی نیز در فصل پاییز بوده است.

■ **کتاب معبد زیر زمینی**
کتاب «معبد زیرزمینی» اثر معصومه میرابوطالبی، داستان جوانی به نام الیاس را روایت می‌کند که در دنیای تنهایی و سرخوردگی گرفتار شده است. الیاس به دنبال شناخت خود و تغییر نگرش دیگران نسبت به خود است، اما با انتقادهای مداوم دایی‌اش احساس انزوا و ناامیدی می‌کند. زندگی او با ورود حاج غلامحسین، مقنی‌ای از قم به روستای الیاس دگرگون می‌شود. این آشنایی، الیاس را با دنیای تازه‌ای آشنا می‌کند که پر از چالش‌ها و نیازمند شجاعت و شهامت است. رهبر انقلاب در تقریظ خود بر این کتاب نوشته‌اند: «موضوع این رمان تازه و مبتکرانه است، نگارش آن هم شیرین و جذاب است. پرداختن به بخش‌های حاشیه‌ای، ولی مهم و تأثیرگذار دفاع‌مقدس کار لازمی است که نویسنده این رمان شیوا از عهده آن برآمده است. استفاده از مقنی‌های یزدی را شهید صیاد شیرازی چند بار مطرح کرده بود و ماها از آن مطلع بودیم، اما اهمیت و ظرافت و دشواری آن به گونه‌ای که در این کتاب تشریح شده برای ما و دیگران امثال ما معلوم نبود. رحمت و رضوان خدا بر این هنرمندان کلنگ به دست.»

■ **کتاب مجید بربری**
کتاب مجید بربری، روایتی جذاب و خواندنی از جوان دهه هفتادی، شهید مدافع حرم مجید قربانخانی است. داستان زندگی او در ابتدا رنگ و بویی تاریک و خاکستری دارد؛ او در یافت‌آباد تهران قهوه‌خانه‌دار بوده و درگیر چالش‌های روزمره‌ای مانند درگیری‌ها و دعواهای خیابانی است، اما ناگهان مسیر زندگی او تغییر می‌کند. عنایتی از جانب حضرت زینب او را به دنیای جدیدی می‌کشاند و گرچه او تک‌پسر خانواده است و انتظار نمی‌رود که به سوریه اعزام شود، اما سرنوشت او به عنوان مدافع حرم رقم می‌خورد. این داستان، سفر تحولی عمیق را روایت می‌کند که از تاریکی به روشنایی می‌انجامد و نشان‌دهنده ایمان و فداکاری مجید قربانخانی به عنوان یک شهید مدافع حرم است.

■ **کتاب آخرین فرصت**
کتاب «آخرین فرصت» روایتگر زندگی سراسر عشق و ایمان خانم قافلان کوهی و شهید علی کسایی است. داستان با خواب عجیبی که دختر دوم خانواده قافلان کوهی به نام رفعت در شیراز می‌بیند آغاز می‌شود و به تدریج به برگزاری مراسم خواستگاری و ازدواج این دو می‌پردازد. در طول کتاب، اتفاقات ساده و عاشقانه زندگی خانواده شهید کسایی در شیراز به تصویر کشیده می‌شود. این روایت نه تنها نشان‌دهنده پیوند عاطفی عمیق میان شخصیت‌هاست، بلکه به باورها و ارزش‌های معنوی آنان نیز اشاره می‌کند. با بیان لحظات شیرین و چالش‌های زندگی، این اثر تصویری جامع از عشق، ایمان و فداکاری در بستر یک زندگی واقعی ارائه می‌دهد.

■ **کتاب بیست سال و سه روز**
کتاب «بیست سال و سه روز» زندگینامه سیدمصطفی موسوی، جلد دوازدهم از مجموعه «مدافعان حرم» است که از سوی سمانه خاکبازان نوشته شده و در انتشارات روایت فتح به چاپ رسیده است. این کتاب به زندگی و رشادت‌های شهید سیدمصطفی موسوی، جوان‌ترین شهید ایرانی مدافع حرم می‌پردازد. شهید موسوی در ۲۱ آبان ۱۳۹۴ در شهر العیس حلب به شهادت رسید. باوجود سن کم، او تصمیم گرفت دانشگاه و تحصیلات خود را رها کرده و به میدان جنگ برود تا از حرم اهل بیت دفاع کند.

حفظ زبان فارسی را به سخره نگیرید

لیا آبنوس توئیت کرد: اگه ۵۰سال پیش تو خیابون می‌گفتی «خودرو» مردم متعجب نگاه‌تون می‌کردن، ولی امروزه جا افتاده. اینکه فرهنگستان ادب هر کلمه‌ای معرفی می‌کنه، برای پویایی زبان فارسیه که نابود نشه. قرن‌ها بزرگ‌ترین شاعرانمون زحمت کشیدن تا این زبان به ما برسه. #نماگر

عیب کمال‌گرایی

امید امانی در توئیتی نوشت: از ویژگی‌های یه کمال‌گرا اینه که معتقده ۱۰ دقیقه کتاب خوندن، ۱۰ دقیقه زبان خوندن، ۱۰ دقیقه تمرین چه دردی رو دوا می‌کنه! کتاب خوندن باید از جون و دل و تمام و کمال باشه. اتاق رو تمیز و خلوت کنی و یه ساعت بشینی مشتی بخونه. واسه همین یا شروع نمی‌کنه یا ادامه نمیده.

این رابطه را حداقلی نبین

علی سرزعیم در کانال تلگرامی خود نوشت: با کسی صحبت می‌کردم، گفت برایم کافی است که فرزندم بداند خدایی وجود دارد و اگر نیازمند کمک شد از خدا حاجت بخواهد. خود من وقتی دچار مشکلی می‌شوم نماز غفیله می‌خوانم. همین قدر بس است. فهمیدم که مثل میلیون‌ها ایرانی دیگر از تزویر خرافات و تظاهر دینی زده شده و خرافات دینی وی را از دین رمانده است.
دلم می‌خواست بگویم فرض کن پیش کسی می‌روی که بسیار پولدار و در عین حال بسیار سخاوتمند است. همچنین بسیار عالم و دانشمند است و همچنین فردی است اهل رفیق‌شدن، گپ و گفت و مصاحبت. کمترین بهره از بودن نزد چنین فردی این است که پولی بگیری و مشکلت را حل کنی. می‌توان از وی بهره بیشتری برد و غیر از پول، حکمت را نیز طلب کرد و راه سعادت را از او جویا شد و آنچه از دانش در وجودش ته‌نشین شده را جرعه‌جرعه نوشید و وقتی بیرون آمد به لحاظ فکری سرخوش شد. بهره بالاتر از این دو آن است که با او دوست و رفیق شد تا بتوان هر از گاهی به خانه‌اش رفت و آمد کرد و در این رفت و آمد بزرگ شد! بماند که پول و دانش نیز می‌توان مستفیض شد، اما بهره آدمی از رفاقت با او به مراتب بیشتر خواهد بود. حیف نیست که فقط از او پولی گرفت و زود از خانه‌اش بیرون زد؟
پیامبران به ما انسان‌ها دعاکردن را یاد دادند و به ما گفتند که اگر از خدای بخشنده حاجت طلب کنید اجابت می‌کند (به نحوی، مستقیم یا غیرمستقیم)، از علما یاد گرفتیم که هرجا در موضوعات پیچیده علمی گیر کردیم نماز/دعا بخوانیم و از خدا طلب راه‌حل کنیم، اما عارفان به ما یاد دادند که می‌توان عاشق خدا شد، می‌توان دوست خدا شد، می‌توان چنان با او محشور شد که همه چیز دیگر دنیا در چشمان‌مان کوچک شود (به تعبیر مولا عظم الخالق فی انفسهم و صغر ما دونهم فی اعینهم). چقدر حسرت‌انگیز است چنین رابطه‌ای!
راستی، حظ و بهره ما از رابطه با خداوند چقدر است؟ آیا به رابطه حداقلی از او قانع هستیم؟ حیف نیست؟

رشد فردی چطور اتفاق می‌افتد؟

کانال تلگرامی «تک‌رسا» نوشت: خیلی‌ها فکر می‌کنن رشد شخصی مثل یه خط صاف و رو به بالاست که همیشه به موفقیت ختم می‌شه یا یه مقصد مشخص داره که وقتی بهش برسیم کار تمومه. یا اینکه رشد باید با تغییرات بزرگ و قابل مشاهده برای بقیه همراه باشه، اما واقعیت اینه که رشد شخصی یه مسیر پر پیچ و خم و غیرخطیه، پر از بالا و پایین‌هایی که طبیعیه و باید بپذیریم‌شون. توی این مسیر، لحظه‌های سخت مثل تردید و ناراحتی، شکست‌هایی که درس‌های مهمی بهمون می‌دن و رشد درونی‌ای است که شاید بقیه نبینن. برای موفقیت در این مسیر به صبر، پشتکار و اراده نیاز داریم و باید بفهمیم که خود این تلاش و کار کردن روی خودمون مهمه، نه فقط رسیدن به یه هدف نهایی.

از دام رؤیاها خارج شویم

مهدی شفیعی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: ما همواره از رؤیایی به رؤیای دیگر می‌رویم. چه این رؤیاها را خود ساخته باشیم، چه رؤیاسازان بزرگ.
اینجا، عامِ رؤیاهاست. کارخانه رؤیاسازی است و هر کس در رؤیایی به‌سر می‌برد. رؤیاها می‌توانند تلخ یا شیرین جلوه کنند، بهشتی یا جهنمی به نظر آیند. بسیاری در رؤیاهای آتشین به‌سر می‌برند. آنها تا راه خروج از این رؤیاهای شوم را نیابند یا رهانده‌ای نیاید، همچنان در اسارت این رؤیاها خواهند بود. راه خروج از تمامی رؤیاها فقط با «توقف ذهن» امکان‌پذیر است. برای این کار باید گفت‌وگوی‌های درونی پایان پذیرد. کاملاً بی‌خواهش و بی‌آرزو گردی. یک «سکوت همه جانبه»، سلاحی است که دیواره‌های هر رؤیایی را فرو می‌ریزد و تو را از اسارت رؤیاسازان به در می‌آورد. این توقف و سکوت آگاهانه، تنها راهی است که با آن می‌توانی از تمامی رؤیاها به ویژه رؤیاهایی که چون دام عمل می‌کنند خارج شوی.

گام تازه چین در انرژی همجوشی هسته‌ای

چین تلاش‌های خود برای ساخت نخستین راکتور همجوشی هسته‌ای جهان با قابلیت تولید انرژی خالص را شتاب بخشیده است؛ اقدامی که گامی تاریخی به‌سوی تجاری‌سازی منبعی پاک، ایمن و تقریباً نامحدود از انرژی خواهد بود.
به گزارش ساوت چاینا مورنینگ پست، پروژه‌ای با عنوان توکامک ابررسانای آزمایشی پلاسما سوزان (Best) اکنون وارد مرحله نهایی مونتاژ خود در شهر هفی شده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۷ تکمیل شود.
در همین حال، تأسیسات همجوشی دیگری با نام SPARC نیز در ماساچوست امریکا در دست ساخت است که آن هم با هدف دستیابی به تولید انرژی بیشتر از مقدار مصرف‌شده طراحی شده و جدول زمانی مشابهی دارد. مونتاژ راکتور Best شامل دهها هزار قطعه با وزن کل حدود ۶هزار تن است. راکتور Best نوعی توکامک است - دستگاهی با شکل دونات که به‌طور گسترده به عنوان امیدوارکننده‌ترین طراحی برای دستیابی به انرژی همجوشی شناخته می‌شود؛ فرایندی که از آن برای بازآفرینی مکانیسم تولید انرژی خورشید استفاده می‌شود. نیروگاه‌های همجوشی هسته‌ای همچنین از مزیتی مهم برخوردارند: تولید بسیار کمتر پسماند رادیواکتیو در مقایسه با نیروگاه‌های امروزی.
این پروژه نقش مرحله میانی در نقشه راه انرژی همجوشی چین را ایفا می‌کند. هدف راکتور Best این است که در پالس‌های کوتاه، بیش از پنج برابر انرژی مصرفی را تولید کند و در عملیات طولانی‌تر به نقطه سربه‌سر برسد. تأسیسات SPARC نیز طراحی شده تا دست‌کم دو برابر و در خوشبینانه‌ترین سناریو تا ۱۰ برابر انرژی مصرفی را تولید کند و به‌عنوان یکی از بلندپروازانه‌ترین پروژه‌های همجوشی فشرده شناخته می‌شود. ساخت این تأسیسات از اواخر ۲۰۲۱ آغاز شده و این پروژه نیز هدف‌گذاری کرده تا در سال ۲۰۲۷ به تولید انرژی خالص برسد.

تصویر منتخب

طلوع ماه کامل بر فراز قله ساوالان
عکس از علیرضا موسوی

برترین روزنامه‌ها

آداب خدمت به مردم

روزنامه همشهری در یادداشتی به بهانه توصیه رهبر معظم انقلاب به حضور فعال و مستمر مسئولان در میان آحاد مردم نوشت: در شرایطی که معیشت و زندگی روزمره مردم، به‌عنوان دغدغه‌ای بنیادین در اولویت قرار دارد، همزبانی با مردم، کلید فهم دقیق مصائب آنان و منشأ دریافت پیشنهادهای خلاقانه برای رفع آنهاست. این ضرورت آنچنان اهمیت یافته که حتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز وارد میدان شدند و با تصویب لوایح و طرح‌های تکمیلی، کوشیدند کاستی‌های ارتباطی مابین مردم و مسئولان را ترمیم کنند.

زمانی که مردم، صمیمانه و بدون واسطه در کنار نمایندگان دولت حضور می‌یابند، مرزبندی‌های رسمی و فاصله‌های سلسله‌مراتبی فرو می‌ریزد و فضای گفت‌وگویی برابر و همدلانه حاکم می‌شود. این «نزدیکی» نه‌تنها شفافیت تصمیم‌سازی را به ارمغان می‌آورد، بلکه از بعد روانی نیز تسکین‌بخش آلام عمومی است، چون شنیده‌شدن سخن، خود چاره‌ساز بخشی از دردهای اجتماعی است. بی‌تردید، نظارت مردمی بر سیاست‌ها و عملکرد دستگاه‌ها، زمانی می‌تواند به‌درستی صورت پذیرد که همین ارتباط دوسویه مستحکم باشد. مردم با اشراف به مشکلات و رخنه‌های نظام اداری، می‌توانند نقیصه‌ها و تخلفات را شناسایی کنند و از طریق مجاری رسمی به گوش مسئولان برسانند. با این همه، باید مراقب بود که این انسجام ارتباطی در قالب «گفتار درمانی» محصور نشود، بلکه با برنامه‌ریزی مدون و ارائه گزارش‌های شفاف از دستاوردها و اقدامات انجام‌شده، اعتماد عمومی را مستحکم‌تر سازد. نویسنده اضافه کرده است: اگر استانداران و سایر مدیران ارشد اجرایی، راهبرد ارتباط بی‌واسطه با مردم را سرلوحه کار خویش قرار دهند، بی‌گمان راه دشوار رفع مشکلات هموارتر خواهد شد و آرمان‌های متعالی نظام مردم‌سالار اسلامی در عرصه‌های مختلف تحقق می‌یابد.

همه برای ایران عزیز

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با بیان اینکه زمان زیادی از سوم خرداد، سالروز فتح خرمشهر سپری نشده است، نوشت: یکی از پیام‌های این فتح خدایی، یکپارچگی و همدلی و همبستگی ملت ایران بود. خوزستان در دوران هشت سال دفاع مقدس، مقصد صدها هزار رزمنده از سراسر کشور بود؛ مقصد همه آنهایی که واقعاً ایرانی بودند نه مدعیان ملی‌گرایی که هیچ‌گاه برای وطن‌شان از خود مایه نگذاشتند و در برابر دشمن کوچک‌ترین فداکاری از خود ابراز نکردند، البته بودند جوانانی که تا قبل از حضور در میدان، ظاهرشان دیندار نمی‌نمود و پایبند به مناسک هم نبودند اما وارد میدان شدند و ریشه‌های ایمانی‌شان آنجا شکوفا و سبز شد و اهل نماز شب و پایبند به مناسک گشتند و سرانجام هم شهید شدند!

نویسنده اضافه کرده است: امروز نیز بی‌تردید در میان همین جوانان به ظاهر غیرمذهبی و حتی دین‌گریز، فراوان هستند جوانانی که اگر از ناحیه دشمن بیگانه احساس خطر کنند، به میدان خواهند آمد و ایمانی که در عمق وجودشان هست را به منصه ظهور می‌رسانند و خالق رشادت‌هایی می‌شوند که زبان و قلم از بیان آنها عاجز خواهد بود. ایران و اسلام پیوندی ناگسستنی دارند و خدماتی متقابل و این پیوند با خون شهدا و جانبازان دفاع‌مقدس و مدافعان حرم محکم‌تر و ناگسستنی‌تر هم شد، آن‌قدر که ایران در نگاه سردار رشیدی چون سپهبد حاج قاسم سلیمانی، «حرم» نامیده شد و دفاع از آن، مقدم بر حرم‌های دیگر! مدافعان حرم که اتفاقاً آنها نیز از هر ملی‌گرایی، ملی‌تر بودند، آن‌قدر غیرت اسلامی و ایرانی داشتند که وقتی هزاران کیلومتر آنطرف‌تر هم، احساس خطر کردند بدون هیاهو و فراخوان‌های پرسروصدا، عاشقانه هجرت کردند و مخلصانه جنگیدند و غریبانه شهید و جانباز شدند.

خنجر از پشت

روزنامه کیهان در شماره گذشته خود با بیان اینکه شاید کمتر روزی باشد که در خبرها از کشف محموله‌های انبوه سوخت قاچاق یا کشف خط لوله چند کیلومتری انتقال غیرقانونی سوخت نخوانیم و نشنویم، نوشت: شاید زمانی اگر سخن از قاچاق سوخت می‌شد در ذهن بسیاری، تصویر برخی مرزنشینان محروم و کم‌برخوردار با ظرف‌های چند لیتری سوخت در دست نقش می‌بست اما متأسفانه اکنون با شبکه‌های درهم تنیده و باندهای گسترده‌ای روبه‌رو هستیم که برای خود اسکله اختصاصی قاچاق و کیلومترها خط لوله انتقال سوخت قاچاق دارند و از راه قاچاق سرمایه کشور و مردم، ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند. سؤال مهم این است که آیا این حجم از قاچاق سوخت بدون نفوذ در برخی دستگاه‌ها و آلوده کردن برخی افراد در رده‌های مختلف ممکن است یا خیر؟ در این زمینه حداقل نباید این احتمال را نادیده گرفت. نویسنده اضافه کرده است: اگر باور داشته باشیم که کار قاچاقچیان سوخت در زمان جنگ اقتصادی به طور یقین همراهی و همکاری با دشمن برای آسیب زدن به کشور است، باید با این خائنان گردن‌کلفتی که ملت و کشور خود را به دشمن فروخته‌اند همان کاری را کرد که با خائنان و جاسوسان دشمن در جنگ نظامی می‌کنند. با این توصیف، کار مبارزه با قاچاق و جلوگیری از هدررفت چندین میلیارد دلاری سرمایه کشور و مردم به دست قاچاقچیان، باید جدی‌تر از هر زمان دیگر و با تمرکز و پیگیری جهادی و انقلابی دستگاه‌های مسئول در صدر کارهای جاری کشور قرار بگیرد. در شرایطی که مسئولان محترم برای آزادسازی چند میلیارد دلار پول به ناحق بلوکه شده و رفع تحریم‌ها و دفاع از حقوق مردم و کشور بر روی موضوع مذاکرات تمرکز دارند، در کنار آن باید توجه ویژه‌ای هم به تاراج چندین میلیارد دلاری سوخت و مبارزه با کسانی که در شرایط جنگ اقتصادی از پشت خنجر می‌زنند هم داشته باشند.

منشور استانداران از اختیارات تا اعتراضات

روزنامه قدس به بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع استانداران پرداخت و نوشت: واقعیت این است که در هر سطحی از مدیریت کلان چه در سازمان و چه حتی در سطح مدیریت یک کشور، ترکیبی از مدیریت خرد و کلان وجود دارد. مدیریت کلان و ملی از جنس سیاستگذاری و مدیریت محلی و خرد از جنس اجرایی و عملیاتی است. با این وصف شرط مهم اعطای اختیارات به استانداران این است که برنامه آمایش سرزمین و احصای ظرفیت‌های کاری در هر استان باید نهایی و تبدیل به گفتمان حاکم بر هر استانی شود تا بتوان بر مبنای آن اختیارات را به استان‌ها و استانداران واگذار کرد. موضوع مهم دیگر گستره فعالیت‌هایی است که رهبر معظم انقلاب برای استانداران ترسیم کرده‌اند، گستره فعالیتی که از دیپلماسی منطقه‌ای تا تعامل رودررو با مردم را در بر می‌گیرد. در این میان توصیه معظم‌له به تعامل با مردم و شنیدن سخنان حتی تند آنها باید به عنوان یک دستورالعمل در مواجهه استانداری‌ها با مردم مدنظر قرار گیرد. مردم استانداری‌ها را مهم‌ترین ملجأ رساندن صدای اعتراض خود می‌دانند. همه ما مشهدی‌ها دیده‌ایم که بسیاری از اعتراض‌ها و تجمعات صنفی مقابل استانداری خراسان رضوی برپا می‌شود. انتظار می‌رود بر مبنای آنچه رهبر معظم انقلاب فرمودند، هم فرصت و مجال و مکان مناسبی در نزدیکی استانداری برای تسهیل برگزاری این تجمعات فراهم شود و هم رویه‌ای که بعضاً در شکل برخورد با برخی از این تجمعات وجود داشته مورد تجدید نظر قرار گیرد و از فرصت این دست تجمعات برای تخلیه فشارهای روانی جامعه و پاسخگویی به معترضان استفاده بهتری شود.

تحلیل

فاطمه بصیری

چرا امام خمینی(ره) با استبداد مبارزه کرد

استبداد پهلوی، تسهیلگر تسلط استعمار بود

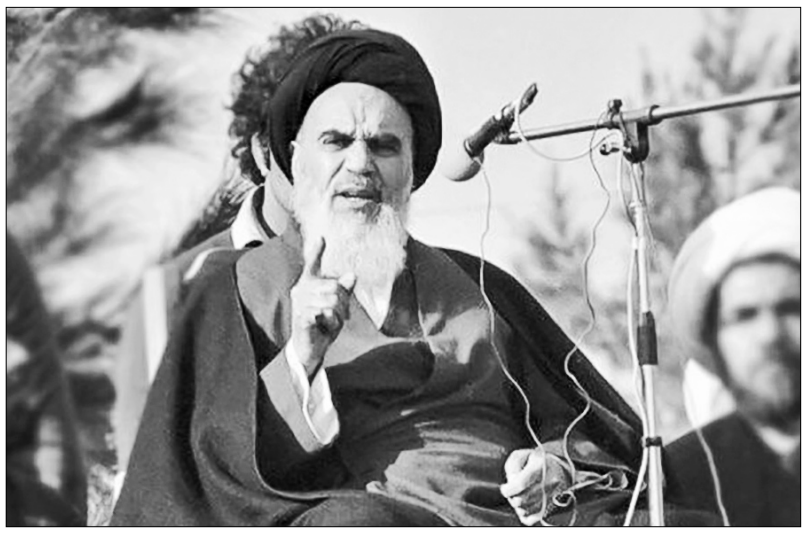

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) انقلابی برخاسته از ارزش‌ها و اصول الهی بود که در برابر استبداد، استکبار، بی‌عدالتی و ظلم ایستاد. در واقع، مبنای فکری و اندیشه ایشان، ریشه در باورهای دینی و الهی داشت و بر پایه اهدافی چون برچیدن فساد و استبداد شاهنشاهی، مقابله با مظاهر جاهلیت مدرن و ایستادگی در برابر استکبار جهانی به‌ویژه امریکا، استوار بود.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مکتب فکری امام خمینی(ره) در طول حیات‌شان، ضدیت با استبداد و استکبار و سرخم نکردن در مقابل سخن زور و مستبدانه رژیم شاهنشاهی پهلوی بود. ایشان از نظام شاهنشاهی و سلطنتی که معمولاً به طور استبدادی حکومت می‌کرده‌اند با نقل قول از طبری از پیامبر(ص) درباره تعبیر «ملک الملوک»، به عنوان منفورترین کلمات، اظهار تنفر می‌کند.

مبارزات امام خمینی(ره) با این نظام مستبد به زمان محمدرضا پهلوی منحصر نمی‌شود بلکه ایشان مبارزه با استبداد را از همان زمان رضاشاه آغاز کرد. امام خمینی(ره) اساس سلطنت پهلوی را بر پایه قلدری و دیکتاتوری می‌دانست و از نظر ایشان حکومت پهلوی نه تنها فاقد مشروعیت مردمی و دینی، بلکه فاقد مشروعیت سیاسی نیز بود. به باور ایشان رضا پهلوی با ایجاد خفقان، همه چیز را در اختیار خود گرفته بود، به گونه‌ای که هیچ قشری از ملت، به ویژه در انتخاب نمایندگان آزاد نبودند.

■ «استبداد پهلوی» تسهیلگر استعمار

همچنین امام از همان ابتدا حکومت پهلوی دوم را تحمیلی می‌دانست که از سوی متفقین به کشور تحمیل شده است، بنابراین همواره از تداوم استبداد رضاخانی و تداوم خط فکری غرب‌گرایان به عنوان تسهیلگر ورود استعمار و عامل اصلی انهدام هویت ملی، مذهبی کشور، نگران بود. رژیم پهلوی و امریکا با مدرن‌سازی غربی و اصرار بر باستان‌گرایی، به دنبال نابودسازی سنت و معرفی اسلام به عنوان عامل عقب‌افتادگی بودند. مهم‌ترین اقدام امام خمینی(ره) بازسازی اندیشه‌های دینی در راستای نفی استبداد، استعمار و فراهم کردن بسترهای ذهنی انقلاب با برجسته کردن آموزه‌های حماسی اسلام و تشیع بود.

آنچه از مستندات نمایان است، مبارزات علنی امام(ره) علیه استبداد پهلوی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی(قدس‌سره) و با تقویت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ آغاز شده است. بر اساس این لایحه، قید اسلام و مردبودن از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان مجلس حذف شد و در مراسم تحلیف، به جای قرآن، کتاب آسمانی گذاشته شد. امام خمینی(ره) با همراهی مردم و مراجع تقلید به مخالفت با این لایحه برخاست و دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد.

■ چرا امام با استبداد مخالف بودند؟

آنچه مسلم است اینکه استبداد دشمن اصلی آزادی و استقلال است. وقتی در جامعه‌ای استبداد برقرار شود، آزادی و استقلال و در نتیجه پیشرفت و پویایی جایگاهی نخواهند داشت، بنابراین لازمه دفاع از آزادی و استقلال، مقابله با استبداد است. امام خمینی(ره) نیز با خاطر نشان کردن این موضوع فرمودند: «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است. رژیم کنونی ایران [رژیم شاه] می‌خواهد و می‌کوشد و تاکنون کوشیده است این بنیادهای مترقی را در هم بشکند. بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد، اما رژیم [شاه] این استقلال را از ما گرفته و بر باد داده است. حضرت امام مبارزه با ظلم، استبداد، استثمار و برقراری عدالت اجتماعی را هدف اساسی انبیا دانستند و با اشاره به خاستگاه طبقاتی و پایگاه اجتماعی آنان فرمودند: «آنان از اشراف نبودند که طرفدار اشراف باشند، بلکه از همین ضعفا و طبقات پایین و توده‌ها و مستضعفین و طرفدار آنها بودند.»

به عقیده امام، دین اسلام هم به نظر امام از طبقه بالا پیدا نشده، بلکه از توده پیدا شده است و برای توده کار می‌کند و در رأس اهداف مقدسه آن، اقامه قسط و بسط عدالت اجتماعی و دفع بیدادگری‌ها و بی‌فرهنگی‌هاست. اساساً اسلام دینی است که به پیروان خود، هم مبارزه با ظلم و نابرابری‌ها را می‌آموزد و هم اینکه چگونه باید یک جامعه سالم، مترقی و پیشرو بنا کنند. با مرور آنچه گفته شد، نهضت امام(ره) به طور صریحی با استعمار خارجی و استبداد داخلی مقابله می‌کرد، زیرا اصول نهضت، بر پایه شریعت آزادی‌خواه اسلام بنا شده بود.

■ مردم‌سالاری مبتنی بر آموزه‌های دینی

انقلاب به رهبری امام خمینی به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد، آنگاه جوانان را میداندار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد، روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد، به برکت تحریم دشمنان، اتکا بر توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

امام خمینی(ره) در استقرار یک نظام مردمی، عادلانه و اسلامی برای دستیابی به پیشرفت و توسعه همت گماشت و سر سازش و تسلیم در برابر هیچ قدرت مستکبر و مستبدی فرود نیاورد تا مسیر مبارزه، آزادی‌خواهی و اصلاحات اجتماعی هر کدام به نحوی و متناسب با شرایط زمان خود در سطحی را محقق کنند.

بر همین اساس، ایشان همواره بر لزوم حمایت از پابرهنگان و دفاع از حقوق مستضعفان و فقرزدایی تأکید کردند و فرمودند: «محرومیت‌زدایی عقیده و راه و رسم زندگی ماست.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب نیز با اشاره به این سیره عملی امام(ره) فرمودند: «من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض می‌کنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود، یعنی تکیه به آرای مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجات‌بخش او بود. قرن‌های متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و به ظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان‌شان گزنده‌تر، سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد. این، بارزترین نمونه عقلانیت امام بزرگوار ما بود.»

دفاعی

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

۸۰ درصد مردم قدرت نظامی ایران را بازدارنده می‌دانند

بر اساس نظرسنجی‌های معتبر، حدود ۸۰ درصد مردم قدرت نظامی ایران را بازدارنده می‌دانند. این باور عمومی، یک سرمایه راهبردی است. در عین حال، فقط حدود ۲۰ درصد به پایبندی امریکا به تعهداتش اعتماد دارند که نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی نسبت به دشمن و موفقیت روایت‌سازی داخلی است.

سردار علی‌محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تحلیلی با اشاره به ابعاد پیچیده جنگ شناختی تأکید کرد: قدرت امروز تنها در سلاح و تجهیزات خلاصه نمی‌شود بلکه جنگ روایت‌ها، ذهن‌ها و ادراک‌ها را هدف گرفته و دشمن به‌دنبال تصرف سرزمین‌ها از مسیر فروپاشی درونی است. سخنگوی سپاه، جنگ شناختی را مرحله تکامل‌یافته جنگ نرم دانست و اظهار کرد: در دوره جدید، با ورود رسانه‌های نوین، هوش مصنوعی و علوم مختلف شکل جنگ به‌صورت چشمگیری تغییر کرده است. دشمن اکنون با روایت‌سازی‌های هدفمند، ذهن تصمیم‌گیران و مردم را هدف قرار داده است. به گفته سردار نائینی، عملیات‌های مرصاد، موصل و حتی تحولات سوریه، نشان می‌دهد بسیاری از شکست‌ها در میدان، ریشه در روایت‌سازی و عملیات روانی دارند، نه لزوماً برتری نظامی دشمن.

نائینی تأکید کرد: جنگ شناختی، حاصل پیوند جنگ اطلاعاتی، عملیات روانی و نفوذ در ادراک جامعه است، هدف آن نه تسخیر سرزمین، بلکه تغییر ذهن و همراه‌سازی افکار عمومی است. روایت‌هایی که علیه مقاومت و پیشرفت‌های ایران ساخته می‌شوند، با چرخش مفهومی به ضد خود تبدیل می‌شوند. وی با اشاره به عملیات «وعده صادق ۲» افزود: با وجود عبور موفق موشک‌های ایرانی از سامانه‌های چندلایه دفاعی دشمن، روایت‌سازی غرب به‌گونه‌ای بود که ضعف به‌پای ما و اقتدار به‌پای آنها نوشته شود. این همان مهندسی ادراک است که می‌تواند حتی شکست را پیروزی جلوه دهد.

■ روایت واقعی ایران در برابر تصویر جعلی غربی‌ها

سردار نائینی با اشاره به دو تصویر متناقض از ایران گفت: تصویر اول، ایران واقعی است، مقتدر، مستقل، دارای قدرت بازدارندگی و نقش‌آفرین منطقه‌ای، اما تصویر دوم، همان ایران روایت‌شده در رسانه‌های غربی است؛ کشوری منزوی، متهم به نقض حقوق بشر و دچار شکاف نسلی. این تصویرسازی هدفمند، تلاش دارد امید، اعتماد و انسجام ملی را تضعیف کند. وی یادآور شد: سردار بزرگ اسلام شهید سلیمانی در بحران سوریه، به‌روشنی این تضاد را توضیح داد؛ دو سوریه وجود دارد، یکی سوریه واقعی در میدان و دیگری سوریه‌ای که رسانه‌ها می‌سازند. امروز نیز دو ایران داریم، یکی ایران موجود و دیگری ایران جعلی ساخته‌شده در جنگ روایت‌ها.

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه با تأکید بر نقش رسانه‌ها در ساخت بازدارندگی ادراکی خاطرنشان کرد: بازدارندگی فقط با قدرت نظامی حاصل نمی‌شود، بلکه سه مرحله دارد: تولید قدرت، انتقال قدرت و تبدیل آن به درک ذهنی در مخاطب. دو مرحله پایانی کاملاً بر عهده رسانه‌ها و فعالان فرهنگی است. بدون انتقال مؤثر، بازدارندگی ناقص می‌ماند.

او افزود: بر اساس نظرسنجی‌های معتبر، حدود ۸۰ درصد مردم قدرت نظامی ایران را بازدارنده می‌دانند. این باور عمومی، یک سرمایه راهبردی است. در عین حال، فقط حدود ۲۰ درصد به پایبندی امریکا به تعهداتش اعتماد دارند که نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی نسبت به دشمن و موفقیت روایت‌سازی داخلی است.

■ تأخیر در روایت میدان را به دشمن می‌دهد

سخنگوی سپاه با اشاره به رویدادهای سال ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ گفت: تجربه نشان داده است دشمن با روایت‌سازی جعلی، تلاش می‌کند مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرد. در بیش از ۲۰ کشور، با همین الگوی جنگ شناختی، نظام‌های سیاسی سقوط کرده‌اند. تفاوت جمهوری اسلامی، در رهبری هوشمند و بصیرت مردم است. وی تأکید کرد: در هر حادثه، اگر روایت صادقانه، بموقع و شفاف ارائه نشود، دشمن روایت خود را بر افکار عمومی تحمیل می‌کند، حتی اگر نمی‌توان بلافاصله جزئیات داد، باید ارتباط حفظ شود و مسیر روایت قطع نشود. سکوت، بزرگ‌ترین خدمت به دشمن در جنگ روایت‌هاست. سردار نائینی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به هشت سال دفاع مقدس اظهار کرد: آنچه قدرت اصلی و سرمایه تعیین‌کننده در تمام دوران دفاع مقدس بود، سرمایه اجتماعی و نیروی مردمی است. ارتش و سپاه، در کنار این قدرت اجتماعی، نقش مکمل داشتند و وحدت و هم‌افزایی آنها تأثیر بسیار مهمی در پیروزی‌های جنگ داشت.

وی افزود: متأسفانه برخی روایت‌های ناقص و تحریف‌شده، این وحدت را نادیده می‌گیرند و پیروزی‌ها را به صورت بخشی روایت می‌کنند، حال آنکه در عملیات بیت‌المقدس که به فتح خرمشهر منجر شد، قرارگاه‌ها و یگان‌های ارتش و سپاه با فرماندهی و سازماندهی مشترک عمل کردند.

■ ماهیت تقابل نظام سلطه ایران تغییری نکرده است

وی با بیان اینکه در طول ۴۶ سال گذشته، ماهیت تقابل و تعارض نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران هیچ تغییری نکرده است، گفت: این تعارض، ذاتی است، زیرا جمهوری اسلامی معادلات قدرت را در جهان تغییر داد. نظامی نوین بر پایه هویت، اعتقادات و شعارهای جدید شکل گرفت؛ الگویی از حکمرانی بر اساس اندیشه حضرت امام(ره) که زمانی ارائه شد که ساختار قدرت جهانی دوقطبی و تحت سلطه امریکا و شوروی بود. هیچ کشوری خارج از این ساختار قدرت حضور نداشت، اما جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت مردم، نظامی متفاوت ایجاد کرد و این نظام، به تدریج شکل گرفت.

■ اگر جنگ نرم را باور نکنیم شکست خواهیم خورد

استاد دانشگاه امام حسین(ع) می‌گوید: آنچه در بستر زمان تغییر می‌کند، فقط ابزارها و روش‌هاست. جنگ، همچنان جنگ است، کف آن، هدف تغییر رفتار است و سقف آن هدف براندازی ساختار، فرقی نمی‌کند جنگ سخت باشد یا نیمه‌سخت یا نرم یا اقتصادی یا فرهنگی. همه اینها در اصل برای فروپاشی از درون و براندازی طراحی می‌شوند.

وی خاطرنشان کرد: در جنگ سخت، وقتی لشکرهای زرهی دشمن از مرزها عبور می‌کردند، مردم برانگیخته می‌شدند، اما در جنگ نرم، چنین واکنشی به چشم نمی‌آید. جنگ نرم، بی‌صدا و تدریجی است و اگر آن را باور نکنیم، شکست خواهیم خورد.

به گفته سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گذشته مفهومی به‌نام جنگ روانی وجود داشت که عمدتاً در حوزه نظامی به‌کار می‌رفت و هدف آن، درهم‌شکستن روحیه دشمن بود، اما امروز جنگ شناختی، تمرکزش بر ساختار ذهنی جامعه، الگوی تصمیم‌گیری در آن و عمق باورهای عمومی است. دیگر مرزها و قلمروهای قدیمی جنگ درهم شکسته‌اند. وی افزود: در دوره جنگ سرد، عملیات‌های روانی و اطلاعاتی مانند نفوذ و جاسوسی مرسوم بود، اما از اواخر دوره جنگ سرد و آغاز عصر جنگ نرم، غرب با راه‌اندازی رسانه‌ها در مرزهای شرق اروپا، پروژه تصویرسازی و روایت‌سازی علیه نظام‌های کمونیستی را آغاز کرد.

گزیده خبر

در گفت‌وگوی رؤسای مجالس دو کشور عنوان شد

تأکید ایران و عراق بر تداوم همکاری‌های دوجانبه

رئیس مجلس نمایندگان عراق، در تماسی تلفنی با دکتر قالیباف، انتخاب مجدد ایشان به ریاست مجلس شورای اسلامی را تبریک گفت و بر تداوم همکاری دوستانه مجلس عراق و مجلس شورای اسلامی تأکید کرد.

به گزارش ایسنا، محمود المشهدانی، رئیس مجلس نمایندگان عراق در تماس تلفنی با دکتر محمدباقر قالیباف، انتخاب مجدد ایشان به ریاست مجلس شورای اسلامی را تبریک گفت و بر تداوم همکاری دوستانه مجلس عراق و مجلس شورای اسلامی تأکید کرد.

در این گفت‌وگو، دو طرف بر اهمیت توسعه روابط دوجانبه ایران و عراق در همه سطوح تأکید کردند و آن را موجب تقویت ثبات و پیشرفت منطقه دانستند. دکتر قالیباف با اشاره به تحولات منطقه‌ای، بر ضرورت حمایت کشورهای اسلامی از مردم فلسطین و محکومیت اقدامات رژیم‌صهیونیستی تأکید کرد. همچنین بررسی وضعیت سوریه و تحرکات داعش در این کشور از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این گفت‌وگوی تلفنی بود. در ادامه، المشهدانی بر تداوم تعاملات سازنده بین دو کشور در تمامی سطوح، به‌ویژه گسترش مناسبات پارلمانی تأکید کرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

ایران به هر اقدام خصمانه‌ای پاسخی ویرانگر خواهد داد

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تأکید کرد: ما در طول تاریخ بارها به اثبات رسانده‌ایم که هیچ تهدیدی قادر به شکستن اراده پولادین ملت ایران نیست و هرگونه اقدام خصمانه، با پاسخی قاطع، ویرانگر و متناسب مواجه خواهد شد.

ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با خانه‌ملت، با اشاره به ادعاها و تهدیدات ترامپ علیه کشورمان گفت: رؤیاهای برخاسته از توهمات دونالد ترامپ، ریشه در تحلیل نادرست و نادیده‌گرفتن اقتدار و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران دارد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: ما در طول تاریخ بارها به اثبات رسانده‌ایم که هیچ تهدیدی قادر به شکستن اراده پولادین ملت ایران نیست و هرگونه اقدام خصمانه، با پاسخی قاطع، ویرانگر و متناسب مواجه خواهد شد.

وی افزود: توان دفاعی و تعهد به دفاع ملی ما، خیال خام «تخریب بدون هزینه» را برای همیشه در گورستان توهمات مدفون کرده است. ایالات متحده باید این واقعیت را درک کند که امنیت ایران، خط قرمزی است که عبور از آن، عواقب غیرقابل جبران و سنگینی به دنبال خواهد داشت. این نماینده مجلس در دوره دوازدهم تصریح کرد: درعین حال جمهوری اسلامی ایران همواره در مذاکرات، با حفظ منافع ملی، در پی احقاق حقوق ملت، تأمین منافع اقتصادی و مقابله با تحریم‌های ظالمانه بوده است و هرگز از حقوق مسلم و ذاتی خود چشم‌پوشی نخواهد کرد.

معاون سیاسی وزیر کشور:

تجمیع انتخابات نیاز به سازوکارهای قانونی دارد

در صورت رفع موانع قانونی و فراهم شدن زمینه‌های حقوقی، امکان تجمیع انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و حتی مجلس خبرگان رهبری، وجود دارد و وزارت کشور مخالفتی با برگزاری همزمان انتخابات نخواهد داشت.

علی زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به موضوع احتمال برگزاری همزمان انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی، گفت: با توجه به حادثه تلخ شهادت آیت‌الله رئیسی، اگر بخواهیم انتخابات ریاست‌جمهوری را طبق قانون برگزار کنیم، زمان آن حدود خرداد ۱۴۰۷ خواهد بود، در حالی که انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه ۱۴۰۶ برگزار می‌شود.

وی اضافه کرد: بحثی که مطرح شده مبنی بر این است بتوانیم این دو انتخابات را تجمیع کنیم تا مردم مجبور نباشند در فاصله‌ای کمتر از دو ماه، دو بار به پای صندوق‌های رأی بیایند. علاوه بر این، برگزاری همزمان انتخابات به مدیریت بهتر دوره انتقال قدرت و استقرار دولت نیز کمک می‌کند. ما به‌صورت کلی با این دیدگاه موافقیم، اما این موضوع نیاز به بررسی دقیق سازوکارهای قانونی دارد.

زینی‌وند افزود: شایان توجه است مجلس شورای اسلامی باید ابتدا تشکیل و سپس مراسم تحلیف رئیس‌جمهور برگزار شود. در این میان نکات ریز و پیچیده حقوقی و قانونی وجود دارد که باید درباره آنها بحث کارشناسی شود. ما با انجام گفت‌وگو و بررسی‌های کارشناسی مشکلی نداریم. در صورت رفع موانع قانونی و فراهم شدن زمینه‌های حقوقی، امکان تجمیع انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و حتی مجلس خبرگان رهبری، وجود دارد و ما به‌صورت کلی با این تجمیع موافق هستیم. معاون سیاسی وزیر کشور یادآور شد: هرچند حادثه تلخ و غیرقابل جبرانی مانند شهادت رئیس‌جمهور کشورمان اتفاق افتاد، اما از دل این اتفاق ناگوار یک فرصت برای هم‌راستا شدن دوره‌های مجلس و دولت فراهم شده است. این هماهنگی زمانی می‌تواند به هم‌افزایی و انسجام بیشتر در اداره کشور منجر شود، بنابراین اگر تصمیمی در این خصوص اتخاذ و بستر قانونی آن نیز فراهم شود، وزارت کشور مخالفتی با برگزاری همزمان انتخابات نخواهد داشت.

امیر سرتیپ صباحی‌فرد:

پدافند هوایی پرندگان متخاصم را با چالشی سنگین مواجه کرده است

فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا از منطقه راهبردی پدافند هوایی جنوب شرق کشور بازدید کرد و میزان آمادگی رزمی این منطقه پدافندی را مورد ارزیابی قرار داد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی روابط عمومی ارتش، در این بازدید امیر سرتیپ صباحی‌فرد ضمن ادای احترام به مقام والای شهدا گفت: آمادگی رزمی و دفاعی ما باید روز به روز در حال پیشرفت باشد تا به دشمنان حتی اجازه گستاخی و لفاظی هم ندهیم.

فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا اظهار کرد: منطقه پدافند هوایی جنوب شرق با وجود نیروی انسانی شجاع، با غیرت و متدین در آزمون‌ها سربلند بوده و سد مستحکمی در آسمان خلیج فارس ایجاد کرده که تمام پرندگان متخاصم را با چالش سنگین مواجه کرده است. وی تأکید کرد: نیروی پدافند مدافع امنیت کشور است و با دشمنانی که قصد برهم زدن امنیت آسمان کشور را داشته باشند، برخورد می‌کند.

گفت‌وگوی «جوان» با جانباز سیدعبدالکریم محمدی
از رزمندگان دفاع مقدس که در ۱۵سالگی به جبهه رفته بود

آیه جهاد که آمد بابا اجازه داد به جبهه بروم

جانباز محمدی

زینب محمودی‌عالمی

تاریخ دفاع مقدس پر است از فداکاری و ایثار جوانان و نوجوانانی که از سنین کم به جبهه‌های جنگ می‌رفتند و در فضای جبهه‌ها رشد و تربیت جسمی و روحی می‌یافتند. سیدعبدالکریم محمدی به عنوان یک جانباز ۵۰درصد یکی از همین نوجوانانی است که در سن ۱۵سالگی برای اولین بار به جبهه رفته بود. او در ۱۳عملیات بزرگ و کوچک جنگ شرکت کرده است که عملیات طریق‌القدس و الی‌بیت‌المقدس از جمله این عملیات‌ها به شمار می‌روند. جانباز محمدی به همراه برادرانش سیدعبدالخالق محمدی، جانباز ۴۵درصد و بیسیمچی شهید محمود کاوه و سید عبدالرزاق محمدی جانباز شیمیایی ۱۵درصد و بیسیمچی فرمانده گردان یازهرا(س) ماه‌ها در جبهه بودند و هیچ‌گاه فضای جبهه‌ها از وجود این سه برادر خالی نبود. گفت‌وگوی «جوان» با جانباز سید عبدالکریم‌محمدی را پیش رو دارید.

چطور می‌شود از یک خانواده چند برادر با هم به جبهه اعزام می‌شدند؟ این خانواده‌ها چطور فضای تربیتی داشتند؟

زمان جنگ خیلی از خانواده‌های ایرانی که خودشان در پیروزی انقلاب نقش ایفا کرده بودند، به دلیل فضای مذهبی که داشتند، فرزندانی تربیت می‌کردند که داوطلبانه برای حفظ کشور و نظام اسلامی به جبهه‌ها اعزام می‌شدند. خیلی از ما که آنموقع نوجوان بودیم، آنقدر شوق داشتیم که حتی اگر جلوی اعزام‌مان را می‌گرفتند، با اصرار خودمان را به مناطق عملیاتی می‌رساندیم. قضیه جبهه رفتن من و برادرانم هم چیزی غیر از این نبود. ما که از کودکی پای روضه امام‌حسین(ع) بزرگ شده بودیم، در کربلای جبهه‌ها شرکت کردیم و به ندای حسین زمان که حضرت امام بودند، لبیک گفتیم.

برادران‌تان در چه یگان‌هایی بودند و شما در چه یگانی؟

من که در طول دوران حضورم در چند یگان مختلف بودم. با بچه‌های شیراز، با بچه‌های لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و... در مقاطع مختلف حضور داشتم. برادرانم سید عبدالخالق و سید عبدالرزاق هم هر کدام در یگان‌های متعددی بودند. سید عبدالخالق یک مقطعی بیسیمچی شهید کاوه، فرمانده لشکر ویژه شهدا بود. سید عبدالرزاق هم در گردان یازهرا(س) فعالیت می‌کرد و بیسیمچی فرمانده این گردان بود. من هم در برخی مقاطع جنگ جزو تیم اطلاعات شناسایی بودم. البته مسئولیت‌های دیگری هم داشتم و چون از نوجوانی به جبهه رفته بودم، سمت‌ها و مسئولیت‌های زیادی را در طول دوران حضورم در منطقه تجربه کردم.

گویا شما در ۱۵سالی به جبهه رفتید، نحوه آشنایی‌تان با بحث جبهه و دفاع مقدس چطور بود؟

من متولد سال ۴۵ در یاسوج هستم و زمان انقلاب از طریق صحبت‌های دو نفر از معلم‌های‌مان به نام آقای وفاپیشه و آقای عباس‌پور با نهضت حضرت امام آشنا شدم. یک روز مدیر به جرم اینکه مدرسه را بهم ریخته بودم، من را به شدت کتک زد که آقای وفاپیشه جلویش را گرفت. خلاصه همین‌طور در جریان تظاهرات بودیم تا اینکه انقلاب پیروز شد و بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ با بسیج همکاری می‌کردم. اسم بسیجیانی که اولین بار از استان کهگلویه‌وبویراحمد به منطقه غرب کشور اعزام می‌شدند را در کارت بسیجی‌شان می‌نوشتند. نهایتاً خودم ۲۰مهرماه ۱۳۶۰ عضو سپاه پاسداران شدم و همان سال ۱۳۶۰ در ۱۵سالگی برای اولین بار به جبهه اعزام شدم.

شرایط جسمی‌تان در آن سن و سال اجازه حضور در جبهه را می‌داد؟

راستش خیلی نحیف و لاغر بودم. اولین عملیاتی که می‌خواستم شرکت کنم عملیات حصرآبادان بود. سوار ماشین که شدم پدرم آمد داخل ماشین گفت بابا! تو نمی‌توانی حتی یک اسلحه برداری چطور می‌خواهی به جبهه بروی؟ بیا پایین الان موقع جبهه رفتنت نیست. گفتم نمی‌آیم. میله وسط اتوبوس را گرفتم. بابا دستم را کشید گفت الان وقتش نیست هر وقت توانستی به جبهه برو. خلاصه هرچه گریه و زاری کردم نتوانستم به جبهه بروم. به مرکز آموزش بسیج رفتم و به بسیجیان آموزش می‌دادم. همزمان به پدرم فشار می‌آوردم می‌خواهم به منطقه بروم. حصر آبادان که شکسته شد عملیات بعدی طریق‌القدس (آزادسازی بستان) بود. می‌خواستم بروم باز پدرم گفت نه! اصرار کردم و قرآن را باز کرد. آیه جهاد آمد. گفت: به سلامت! خوش آمدی. من دیگر کار ندارم. خدا حافظت برو. خیلی خوشحال شدم بابا رضایت داد.

بعد از اعزام در چه عملیاتی شرکت کردید؟

هفت خان بابا را رد کردم، رسیدم اهواز. مربی ما آقای فیاض اهل اصفهان بود. نیروها را برای عملیات طریق‌القدس آموزش می‌داد. قدم خیلی کوتاه‌تر از بقیه بود ولاغر بودم. مربی بین ۴هزار نیرو فقط مرا می‌دید! گفت تو از صف بیرون بیا. قایم شدم و دوباره گفت بیا بیرون. هر کاری کردم دیدم فایده ندارد.

حاج شیرعلی سلطانی، اهل شیراز بود. ما را در پادگان به خط می‌کرد و دست برادر فیاض می‌داد. رفتم پیش حاج شیرعلی و گفتم شما ضمانت کنید با بچه‌ها به عملیات بروم. ایشان ضامن من شد. آقای فیاض گفت: سه بار دور پادگان ۹۲ زرهی بدو. اگر توانستی سه دور بدوی اجازه می‌دهم به عملیات بروی. من به عشق اینکه به عملیات بروم دویدم. آخرای کار بود گفتم خدایا کمکم کن دور آخری را بتوانم. لحظه آخر به زمین افتادم. اما به هر شکلی بود قبول کردند و به عملیات طریق‌القدس یا آزادسازی بستان و تنگه چذابه رفتم. در مورد حاج شیرعلی سلطانی بگویم که بسیار انسان معنوی بود. می‌دانست چطور شهید می‌شود. خودش قبرش را در شیراز کوتاه‌تر از قدش کنده بود. به او گفتند حاج شیرعلی! چرا قبرت را بدون سر می‌خواهی؟ گفت: خجالت می‌کشم با سر پیش امام‌حسین بروم. می‌خواهم بدون سر شهید شوم. در عملیات فتح‌المبین سرش از تنش جدا شد و همانطور که خودش می‌خواست حسینی شد و رفت.

جانباز محمدی نفر اسلحه به دست در جبهه‌های دفاع مقدس

> خیلی نحیف و لاغر بودم. اولین عملیاتی که می‌خواستم شرکت کنم، عملیات حصرآبادان بود. سوار ماشین که شدم پدرم آمد داخل ماشین گفت: تو نمی‌توانی حتی یک اسلحه برداری چطور می‌خواهی به جبهه بروی؟ بیا پایین الان موقع جبهه رفتنت نیست. گفتم نمی‌آیم. میله وسط اتوبوس را گرفتم. بابا دستم را کشید گفت الان وقتش نیست، هر وقت توانستی به جبهه برو...

چند ماه در جبهه ماندید؟

حدوداً ۵۰ماه درجبهه بودم و در ۱۳عملیات بزرگ و فرعی حضور داشتم. عملیات الی‌بیت‌المقدس یکی از این عملیات‌ها بود.

مرحله اول عملیات بیت‌المقدس از رودخانه کارون رد شدیم. ما در لشکر علی‌ابن‌ابیطالب بودیم. لشکر جلوتر از ما، محمد رسول‌الله بود که آنها رفتند در مرحله اول عملیات خط را شکستند. ما پشت سرشان به ادامه عملیات رفتیم. مرحله اول و مرحله دوم رفتیم تا نزدیک شلمچه آنجا پدافند ادامه داشت. ماندیم تا شب آخر یعنی سوم خرداد و خلاصه تا آزادسازی خرمشهر درخط پدافند بودیم.

روز آزادسازی خرمشهر کجا بودید؟ چه خاطراتی از آن روزهای تاریخی دارید؟

در مرحله آخر عملیات الی‌بیت‌المقدس از دوم خرداد زیر آتش شدید دشمن بودیم. درگیری با عراق برای آزادسازی خرمشهر از ساعت ۱۶دوم خرداد ۶۱ شروع شد. خاطره جالبی از این درگیری دارم. کامیون‌ها نیروها را جابه‌جا می‌کردند و بسیجی‌ها به خط می‌شدند. نزدیک عراقی‌ها خاکریز زده بودیم. خاکریز آنقدر کوتاه بود که وقتی بچه‌ها از کامیون پیاده می‌شدند، زیر آتش دوشکای عراقی‌ها بودند. بین‌شان تیر به زمین می‌خورد و هیچ واکنشی نشان نمی‌دادند! راه خود را ادامه می‌دادند و شکر خدا آنجا حتی یک مجروح هم نداریم. در همان لحظات در زاویه و سنگری که نشسته بودیم، خمپاره‌ای آمد و به جلوی یک تویوتا که چهار نفر داخلش نشسته بودند اصابت کرد. هر چهارنفر شهید شدند. وقتی خمپاره منفجر شد، من دویدم ببینم کسی از بچه‌ها زنده است، دیدم همه شهید شدند و بیرون افتادند. خمپاره بعدی آمد و من شیرجه زدم. موج انفجار باعث شد با سر و کتف زیر تلی از خاک بروم. کتفم سوخت. آنجا بچه‌ها مظلومانه شهید می‌شدند.

همان شب بچه‌ها خط اول را شکستند. از شهرک ولیعصر(ع) رفتیم و از پل معارب که خرمشهر را به شلمچه وصل می‌کرد، داخل رفتیم و مستقر شدیم. بچه‌هایی که رو به خرمشهر و پشت به دجله بودند داشتند برمی‌گشتند که سردار فضلی را دیدم. گفتم بچه‌ها دارند برمی‌گردند، احتمال دارد عراقی‌ها از طرف دجله بیایند. ایشان چهره نورانی داشتند. رو به من کردند و خندیدند. من قدم کوتاه بود ایشان قدی بلندی داشت، خم شد صورتم را بوسید. گفت نگران نباش خدا کمک می‌کند و نیروها جایگزین می‌شوند. کمی بعد رفتیم و در خرمشهر موضع گرفتیم. عراقی‌ها کلاً در محاصره افتاده بودند.

> سردار فضلی را دیدم. گفتم بچه‌ها دارند برمی‌گردند، احتمال دارد عراقی‌ها از طرف دجله بیایند. ایشان چهره نورانی داشتند. رو به من کردند و خندیدند. من قدم کوتاه بود، ایشان قد بلندی داشت، خم شد صورتم را بوسید. گفت نگران نباش خدا کمک می‌کند و نیروها جایگزین می‌شوند. کمی بعد رفتیم و در خرمشهر موضع گرفتیم. عراقی‌ها کلاً در محاصره افتاده بودند

همین محاصره هم منجر به تسلیم‌شدن نیروهای دشمن شد؟

بله، موقعی که دشمن را محاصره کردیم تیرها از هر طرف به سمت‌مان می‌آمدند. جوانی خیلی خوش سیما کنارم ایستاده بود. ناگهان تیری به سمت راست سینه‌اش اصابت کرد. وضعیتش بسیار وخیم بود. یکی از بچه‌های بهداری با آمبولانس همراه ما بود و این برادر مجروح را برد. بعداً فهمیدم آن جوان مجروح زنده مانده است.

حین درگیری‌هایی که منجر به آزادی خرمشهر شد، تک‌تیراندازهای عراقی خیلی اذیت‌مان می‌کردند. همیشه حسرت می‌خوردم چرا بچه‌های ما آنقدر در تک‌تیراندازی ماهر نبودند. به هر شکلی بود در برابر تک‌تیراندازهای عراقی و دیگر نیروهای‌شان مقاومت کردیم تا خونین شهر آزاد شد.

یادکرد

آمارهای عجیب از شهدای غیرنظامی شهر دزفول در دفاع مقدس

۱۳۱ خانواده دزفولی به صورت گروهی شهید شدند

شهرشوش در دوران دفاع مقدس بیشترین بمباران دشمن را تحمل کرده بود. در جریان این بمباران‌ها، تعداد قابل توجهی از مردم این شهر به شهادت رسیدند که شهادت ۱۳۱خانواده به صورت گروهی، بخشی از جنایات ارتش بعث عراق بود. متن زیر برگرفته از فصلنامه نگین ایران و همینطور خاطرات عبدالرضا سالمی‌نژاد، (از رزمندگان دزفولی) پیرامون همین مسئله است.

خانواده‌های پرشهید

خانواده‌های پرشهیدی همچون خانواده آریان‌پور با ۲۳شهید، خانواده سازش با هشت‌شهید، خانواده خوشروانی با هشت‌شهید، خانواده تمدن با سه‌شهید، خانواده خلف نوره با ۹شهید، خانواده چرمبریان با هفت‌شهید، خانواده اسدی ذاکر با هفت‌شهید و خانواده خانی با ۹شهید از جمله خانواده‌های پرشهید دزفول بودند. در کل جمع خانواده‌هایی که به‌صورت گروهی به شهادت رسیده‌اند، ۱۳۱خانواده است. آنان خانواده‌های شریف، مظلوم و صبوری بودند که با تکیه بر اندیشه‌های اسلامی، نه‌تنها کمترین اعتراضی علیه انقلاب از خود نشان ندادند، بلکه مصیبت وارده را لطف الهی می‌دانستند. آنها ضمن اینکه حمایت قاطع خود را از دولت اسلامی اعلام می‌کردند، مردم را نیز به مقاومت و پایداری در مقابل دشمن فرا می‌خواندند.

دزفول ردیف اول

تا پایان جنگ هرگز نه از شدت حملات و نه از حجم آنها به این شهر کاسته نشد و حتی وقتی عراق در تهدیدات مکرر خود، در میانه جنگ، تهران، پایتخت ایران را به لیست حملات موشکی خود افزود، دزفول هرگز از ردیف اول لیست تنزل نکرد. مقاومت حیرت‌انگیز مردم دزفول به عوامل و عناصر مختلفی متکی بود که پیشینه وابستگی و علاقه‌مندی آنها به مذهب و اطاعت از فرامین ائمه اطهار(ع) و تعصب خاص دینی - سیاسی به انقلاب اسلامی و حضرت امام‌خمینی(ره) از جمله شاخص‌ترین آنها به‌حساب می‌آمد که بیشترین سهم زیرساخت مقاومت را به خود اختصاص داده بود. عادت به زندگی در شرایط سخت‌وقدرت تحمل بسیار در برابر ناملایمات و پایین بودن سطح توقعات از زندگی از ویژگی‌های خاص مردم این دیار است که به نظر می‌رسد، خود را به‌خوبی در جریان جنگ شهرها نیز نشان داد.

> **خانواده آریان‌پور با ۲۳شهید، خانواده سازش با هشت‌شهید، خانواده خوشروانی با هشت‌شهید، خانواده تمدن با سه‌شهید، خانواده خلف نوره با ۹شهید، خانواده چرمبریان با هفت‌شهید، خانواده اسدی ذاکر با هفت‌شهید و خانواده خانی با ۹شهید از جمله خانواده‌های پرشهید دزفول بودند. در کل جمع خانواده‌هایی که به‌صورت گروهی به شهادت رسیده‌اند، ۱۳۱خانواده است**

بلدالصواریخ

این شهر قهرمان که به شهر موشک‌ها و توپ‌ها و به قول عراقی‌ها «بلدالصواریخ» معروف شد، در طول سال‌های دفاع‌مقدس و در جریان جنگ شهرها، صدها بار مورد هجوم و دشمنی حزب بعث عراق و ارتش اشغالگر آن قرار گرفت و در طول ۲هزارو۷۰۰ روز مقاومت، ۲هزارو۶۰۰ شهید، ۴هزار جانباز، ۴۵۲ آزاده و ۱۴۷مفقودالاثر تقدیم اسلام و آرمان‌های حضرت امام کرد. دزفول در طول جنگ ۱۷۶بار از سوی موشک، ۴۸۹بار به وسیله بمب و راکت و ۲هزارو۵۰۰بار به وسیله توپ موردحمله قرار گرفت که از این رهگذر ۱۹هزارو۵۰۰واحد مسکونی، اداری و آموزشی این شهر ویران شد. اگرچه شهرهای مورد هدف در الفبای ارتش عراق، تغییر، کم و زیاد یا جابه‌جا می‌شد اما تا پایان جنگ، جایگاه (الف) هرگز از دزفول جدا نشد و این سؤال بی‌پاسخ جنگ را تاکنون در ذهن ما باقی گذاشت.

شهری افسانه‌ای

آنچه این شهر را شهری افسانه‌ای در مقاومت و پایداری نشان داده است و در همان سال‌ها حیرت دوستان و دشمنان را برانگیخته بود، جاری و ساری بودن جریان زندگی در زیر انواع تهدیدات و حملات بوده است. مردم قهرمان دزفول برای حمایت از رهبری نظام و حفظ دستاوردهای انقلاب خود متحمل خسارات جانی و مالی فراوانی شدند اما نه‌تنها به خواست دشمن، در برابر انقلاب اسلامی نایستاد، بلکه تا آخرین روز جنگ دست از حمایت امام خویش برنداشتند. حضرت امام نیز قدرشناسانه بارها مردم این دیار را ستود و حتی بر برگزاری نماز جمعه‌اش در زیر تهدیدات دشمن مباهات نمود. مردم و دولت اسلامی نیز به‌پاس دلاوری‌ها و شهادت‌های مردم دزفول، در ۴خرداد ۱۳۶۶ رسماً این شهر را پایتخت مقاومت مردم ایران معرفی کرد و سال‌ها بعد آن روز به‌یادماندنی را در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران قرار داد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۱۸

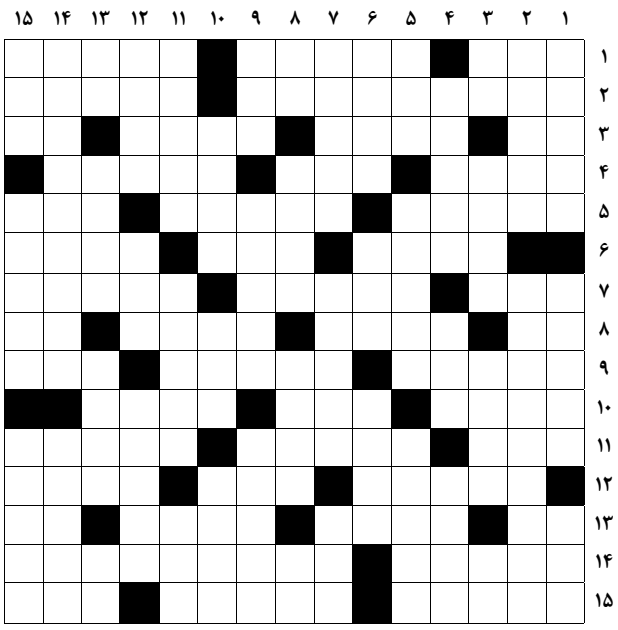

از راست به چپ

■ ۱- از شهرهای همیشه بیدار فلسطین - انتخاب شده - از شهرهای استان فارس ■ ۲- از نام‌های روز قیامت - از مناطق جنگی استان خوزستان ■ ۳- صدمتر مربع - مکان و آشیان - واحد ورزش مشت‌زنی - علامت جمع ■ ۴- غیرقابل شمارش - پرنده سعادت - سگ معروف فضانورد ■ ۵- صندوق نگهداری لباس - گردنه بین آستارا و اردبیل - طلای سیاه ■ ۶- مردبی‌زن - گردنبند اسارت - قطب منفی پیل ■ ۷- نام - دینام شکسته - کسی که آب را به مزارع می‌رساند ■ ۸- نوعی موسیقی - پوشش لباس در جالباسی - روش‌ها - ماه سرد ■ ۹- صندلی چرخدار معلولان - دیوانه نمای عاقل - ایالتی در افغانستان ■ ۱۰- اهرم زیر پای راننده - چهارچوب عکس - معمار آلمانی سازنده ساختمان سازمان ملل ■ ۱۱- ابوالبشر - گاوچران ینگه دنیا - به برنده مسابقه داده می‌شود ■ ۱۲- حیله‌گر و زیرک - گریستن - حنا ■ ۱۳- اسم آذری - خبرگزاری سوریه - میوه‌ای شیرین با هسته درشت - حرف فقدان ■ ۱۴- گاه بر ضابطه چیره می‌شود - تیم فوتبالی در اسپانیا ■ ۱۵- عتیقه و باستانی - از فرماندهان شهید جنگ تحمیلی - از شهرهای آلمان

از بالا به پایین

■ ۱- غیر حضوری - قاره سبز - نظرات ■ ۲- از شهرهای سوئیس - رمانی از جک لندن ■ ۳- اراده - همیشه - شتر بی‌کوهان - صنم ■ ۴- وقت گذراندن - تاس - نوعی خرید کالا ■ ۵- درس خوانده - از درختان جنگل‌های شمال - قسمت منفجر شونده موشک ■ ۶- روش و شیوه - پول رومانی - شاه مغولی ■ ۷- کوتاهی و سهل‌انگاری در کار - سرور رعیت - رود روسیه ■ ۸- پسوند شباهت - مراسم - وزیدن باد - یک و یک ■ ۹- گربه سان تندرو - سلطنتی - یکی پس از دیگری ■ ۱۰- انکرالاصوات - شهر نورانی مازندران - میوه خونساز ■ ۱۱- همسایه سوریه - پنبه جدا شده از پنبه دانه - شرارت ■ ۱۲- سراینده گرشاسب‌نامه - مرزبان - سر و صدای همراه با فریاد ■ ۱۳ - یار کارتونی پت - درخت سدر - بیماری پوستی که بر اثر حساسیت به مواد غذایی و دارویی به وجود می‌آید - طایفه کریم‌خان ■ ۱۴- حرکت کردن - سبد ■ ۱۵- رشته کوه زاگرس - چاره‌اندیشی - آهنگساز بزرگ اتریشی قرون ۱۸ و ۱۹ و نخستین استاد بزرگ سمفونی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

								۴
۵	۹		۴	۸				
				۲				۳
					۷	۳		
۸	۱	۷						
			۶		۵	۹		
۱								
		۴	۹				۸	
	۳	۹	۷				۱	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۳۱۷

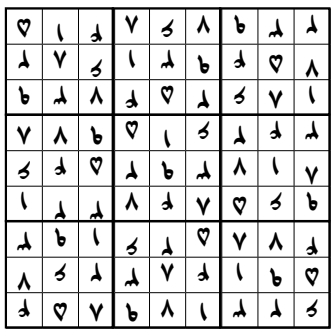

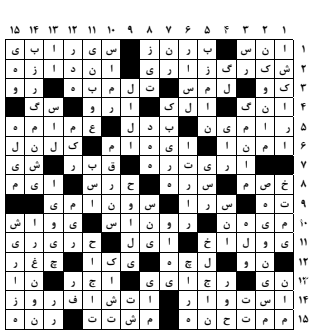

چالش

احسان شیخون

چین و اروپا
سرگردان بین نزدیکی اقتصادی و مواجه ژئوپلتیک

در حالی که چین تلاش دارد روابطش با اروپا را از مسیر اقتصاد و گفت‌وگو احیا کند، سایه سنگین جنگ اوکراین، نزدیکی پکن به مسکو و فشارهای واشینگتن، روابط طرفین را وارد مرحله‌ای از «اعتماد شکننده» کرده است. حال باید دید که آیا دیدارهای اخیر شی جین‌پینگ با سران فرانسه و اتحادیه اروپا، آغازگر فصل جدیدی از تعامل یا تقابل خواهد بود؟

چندی پیش، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، برای نخستین بار پس از پنج سال به اروپا سفر کرد. اولین مقصد او فرانسه بود؛ جایی که امانوئل مکرون تلاش کرد توازنی میان نگرانی‌های امنیتی غرب و منافع اقتصادی اروپا با چین برقرار کند. در کنار او، اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا نیز در نشست حضور داشت تا بر موضع بروکسل در خصوص نگرانی‌های تجاری و ژئوپلتیکی تأکید کند. با وجود لبخندها و وعده‌های همکاری، لایه‌ای از بی‌اعتمادی بر فضا حاکم بود؛ اروپایی‌ها نگرانند چین با حمایت غیرمستقیم از روسیه عملاً در حال زیر سؤال بردن نظم امنیتی اروپاست.

در حالی که ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای بر مهار چین تمرکز کرده، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند راهی مستقل‌تر در پیش بگیرد، اما این استقلال به شدت شکننده است. فشارهای واشینگتن برای تحریم صادرات فناوری‌های حساس به چین و همزمان هشدارها درباره صادرات تجهیزات دوکاربردی چینی به روسیه، فضای مانور بروکسل را محدود کرده است. فرانسه متمایل به گفت‌وگو و حفظ پیوندهای اقتصادی با چین است. آلمان، در گیر بازنگری سیاست صنعتی خود و وابستگی بالا به بازار چین، موضعی محتاط‌تر دارد. لهستان و کشورهای بالتیک، به‌دلیل نزدیکی به جبهه جنگ اوکراین، با دیده تردید به هرگونه نزدیکی با پکن نگاه می‌کنند.

دو راهی پکن واشینگتن

واشینگتن، چه در دوران ترامپ و چه بایدن، همواره تلاش کرده میان اروپا و چین دیوار سیاسی و اقتصادی بلندتری بکشد؛ گاه با زور تعرفه، گاه با فشار ژئوپلتیک و گاه با هراس‌افکنی فناورانه. در سال ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ رسماً وارد یک جنگ تجاری تمام‌عیار با چین شد. او با اعمال تعرفه‌های سنگین بر صدها میلیارد دلار از واردات چینی، پکن را متهم کرد که با «سرقت مالکیت فکری»، «دستکاری در ارز» و «یارانه‌های غیرمنصفانه»، قواعد بازی جهانی را زیر پا گذاشته است، اما چیزی که کمتر مورد توجه قرار گرفت، این بود که ترامپ تقریباً همزمان جنگی گمرکی با اروپا نیز به‌راه انداخت؛ به ویژه با تهدید به اعمال تعرفه بر خودروهای آلمانی، صنایع فولاد و آلومینیوم اروپا. این وضعیت باعث شد که چین و اروپا به‌طور موقت، به‌دنبال ائتلافی گفتمانی برای دفاع از چندجانبه‌گرایی برآیند. با روی کارآمدن بایدن در سال ۲۰۲۱، انتظار می‌رفت رویکرد خصمانه واشینگتن به چین تعدیل شود، اما در عمل، استراتژی بایدن نه تنها تغییر نکرد، بلکه ساختارمندتر شد. ایالات متحده، با تشکیل ائتلاف‌هایی نظیر Quad، AUKUS و تعمیق روابط با تایوان، پیام روشنی به پکن داد: مهار چین، دستور کار ثابت سیاست خارجی امریکاست.

در حوزه فناوری نیز ایالات متحده صادرات تراشه‌های پیشرفته، تجهیزات تولید نیمه‌هادی و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی به چین را ممنوع کرد. این سیاست‌ها نه تنها چین، بلکه شرکت‌های اروپایی فعال در زنجیره تأمین جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر، واشینگتن با لابی گسترده تلاش کرد اروپا را نیز به مسیر محدودسازی چین بکشاند. در بسیاری موارد موفق هم بود: از ایجاد «سیاست کاهش ریسک» در بروکسل گرفته تا آغاز تحقیقات ضدامپینگ علیه صنایع چینی. این مهم با روی کار آمدن مجدد ترامپ و جنگ تعرفه‌ها با شدت بیشتری در حال پیگیری است.

اقتصاد، بازی‌ساز در هماوردی ژئوپلتیک

با وجود همه اختلافات، چین دومین شریک تجاری اتحادیه اروپاست. مبادلات اقتصادی طرفین در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۸۵۰ میلیارد یورو رسید. اروپا به واردات مواد اولیه و کالاهای ارزان‌قیمت چینی نیاز دارد و چین نیز بازار پرظرفیتی همچون اروپا را نمی‌خواهد از دست بدهد، اما تنش‌ها در حال سرریز به حوزه‌های اقتصادی هستند. اتحادیه اروپا تحقیقات ضدامپینگ علیه خودروهای برقی چینی را آغاز کرده و هشدار داده در صورت اثبات یارانه‌های غیرمنصفانه، تعرفه‌های سنگینی اعمال خواهد کرد. چین نیز تهدید به اقدامات متقابل کرده است.

بنابراین، اتحادیه اروپا در وضعیت دشواری قرار دارد. از یک‌سو، چین برای صنایع اروپا از خودروسازی تا داروسازی یک شریک حیاتی و بازار بی‌بدیل است. از سوی دیگر، جنگ اوکراین بار دیگر نشان داد که امنیت قاره، بدون چتر نظامی ایالات متحده شکننده است. این دوگانگی باعث شده سیاستگذاران اروپایی اغلب میان «منافع اقتصادی» و «هم‌راستایی ژئوپلتیکی» گرفتار شوند.

مهم‌ترین نقطه اختلاف، رویکرد چین به جنگ اوکراین است. هر چند پکن از آغاز جنگ، نقش «میانجی صلح» را تبلیغ کرده، اما نزدیکی‌اش به کرملین در اروپا با سوءظن نگریسته می‌شود. گزارش‌های اطلاعاتی غرب از ارسال قطعات دوکاربردی چینی به روسیه حکایت دارند. اروپایی‌ها هشدار داده‌اند که اگر چین از خط قرمزها عبور کند، روابط دو طرف وارد مسیر پرهزینه‌ای خواهد شد. چین در واکنش به این نگرانی‌ها، با زبان دیپلماسی پاسخ داده است. سخنگوی وزارت خارجه چین در بیانیه‌ای اعلام کرد: چین هیچ‌گاه به هیچ طرفی در جنگ اوکراین سلاح نفرستاده و به‌دنبال صلحی پایدار از مسیر گفت‌وگوست. در عین حال، رسانه‌های رسمی چین، امریکا را متهم می‌کنند که با دامن‌زدن به جنگ سرد جدید اروپا را از مسیر منافع اقتصادی‌اش با شرق دور می‌کند.

> روابط آینده چین و اروپا، نه مبتنی بر «شراکت راهبردی» گذشته و نه خصومت آشکار، بلکه براساس منافع متقاطع، گفت‌وگوهای حساب‌شده و فاصله‌گذاری ژئوپلتیکی شکل خواهد گرفت

آیا دوران جدیدی آغاز شده؟

دیدارهای اخیر، نشانه‌ای از تلاش متقابل برای کاهش تنش و یافتن نقاط مشترک است، اما کارشناسان معتقدند تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه دارد و رقابت امریکا و چین ابعاد استراتژیک عمیق‌تری پیدا می‌کند، «اعتماد کامل» میان پکن و بروکسل یک هدف دوردست خواهد ماند. به نظر می‌رسد روابط آینده چین و اروپا، نه مبتنی بر «شراکت راهبردی» گذشته و نه خصومت آشکار، بلکه براساس منافع متقاطع، گفت‌وگوهای حساب‌شده و فاصله‌گذاری ژئوپلتیکی شکل خواهد گرفت. پکن با درک شکاف‌های درونی اروپا و وابستگی مزمن کشورهای عضو به بازار چین، به‌جای رؤیارویی مستقیم، سیاست «جذب از درون» را در پیش گرفته است، یعنی تمرکز بر روابط دوجانبه با کشورهای کلیدی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و مجارستان به‌جای گفت‌وگو با کل اتحادیه.

در مجموع، اروپا در یک بزنگاه تاریخی ایستاده است. رابطه با چین، همزمان می‌تواند موتور رشد اقتصادی باشد یا تهدیدی برای امنیت ژئوپلتیکی اروپا. در این میان چین نیز تلاش می‌کند نشان دهد که یک شریک جهانی مسئول است، اما نزدیکی‌اش به مسکو، این تصویر را با چالش روبه‌رو کرده است. آزمون بزرگ سیاست خارجی برای هر دو طرف تازه آغاز شده است.

پرونده

ترجمه: زهراسادات آفرینی

آموزش در غزه، نمادی از مقاومت است

در غزه، جایی که پژواک درگیری در زندگی روزمره منعکس شده، آموزش از یک سو قربانی وضع موجود شده و از سویی دیگر به نمادی از مقاومت تبدیل شده است. دانش‌آموزان و اساتید، در میان کلاس‌های درس ویران، ارتباطات اینترنتی قطع شده و ترس مداوم از آوارگی یا مرگ تلاش می‌کنند آموزش را حتی زمانی که همه چیز در اطراف‌شان از هم می‌پاشد، زنده نگه دارند. اینجا آموزش دیگر مسیری به سوی فرصت نیست، بلکه مبارزه‌ای برای بقاست. از زمان تشدید جنگ نسل‌کشی در اکتبر ۲۰۲۳، مدارس و دانشگاه‌های سراسر غزه با خاک یکسان شده و به پناهگاه‌هایی برای فلسطینی‌های آواره تبدیل شده‌اند. زندگی، رؤیاها و سلامت روان هزاران دانش‌آموز و دانشجو دگرگون شده است. به گفته کارشناسان سازمان ملل، بیش از ۸۵ درصد از مدارس غزه به طور کامل یا جزئی تخریب شده‌اند. گزارش دیده‌بان حقوق بشر یورو-مدیترانه هم حاکی از این است که سه رئیس دانشگاه و بیش از ۹۵ رئیس و استاد دانشگاه از جمله ۶۸ نفر که دارای عنوان استادی بوده‌اند، در حملات هوایی اسرائیل کشته شده‌اند، اما با وجود ویرانی و نسل‌کشی در غزه، آموزش همچنان ادامه دارد در این مطلب به تلاش چهار نفر اشاره شده است.

تلاش، بدون حداقل منابع مالی

سرین نصرالله، استادیار زبان انگلیسی در دانشگاه اسلامی غزه می‌گوید: جنگ نقش او را به یک «میانجی» تغییر داده و معنای آموزش را از نو تعریف کرده است. تأثیرگذارترین چالش، کمبود برق و اینترنت در سراسر نوار غزه است. وی اضافه می‌کند: «من نمی‌توانم به راحتی با دانشجویانم ارتباط برقرار کنم و حتی ارتباط برقرارکردن با کارکنان دانشگاه هم دشوار شده است.» او احساس می‌کند که از یک مدرس به یک هماهنگ‌کننده بین دوره و دانشجویان تبدیل شده است: «من فقط اسلایدها را به اشتراک می‌گذارم. نمی‌توانم توضیح دهم. نمی‌توانم درگیر شوم. از تلفن همراهم برای مدیریت همه چیز - حتی نمره‌دهی - استفاده می‌کنم.» از آغاز جنگ، سرین چالش‌های متعددی را در دانش‌آموزانش مشاهده کرد. تمرکز از مسئله یادگیری، صرفاً به انجام تکالیف تغییر یافته است. «آنها در محاصره اضطراب، ترس و انتظار هستند؛ سطح علمی آنها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است.» این جنگ، زمان لازم برای تمرکز و جمع‌آوری ظرفیت ذهنی در مواقع لزوم را از دانش‌آموزان گرفته است. سرین بدون حقوق و با حداقل منابع و حمایت، به کار خود ادامه می‌دهد. او خاطره‌ای غم‌انگیز تعریف می‌کند که هنوز هم آزارش می‌دهد. این موضوع به دانش‌آموزی مربوط می‌شود که به شدت زخمی شد و پس از مدتی درگذشت. با وجود خستگی، سرین به تدریس ادامه می‌دهد. او اعتراف می‌کند: «من این کار را به این امید انجام می‌دهم که تجربه آن، روزی به من کمک کند بورسیه تحصیلی یا شغلی در خارج از کشور بگیرم، اما بیشتر از همه، این کار را برای پاداش الهی انجام می‌دهم.» سرین می‌گوید: «مهم‌ترین نیاز، منابع نیست، بلکه امنیت است. تنها زمانی که بمباران‌ها متوقف شوند و نسل‌کشی پایان یابد، یادگیری واقعاً آغاز می‌شود.»

امیدواری با تکیه بر سخنی از پیامبر اسلام

هبه العجوز دانشجوی سال سوم پزشکی در دانشگاه الازهر اگر چه از دانشگاه انصراف داده، اما از تحصیل دست نکشیده است. او می‌گوید: «اساتید در دسترس نیستند. برخی کشته شده و عده‌ای دیگر در بیمارستان‌های پر از جمعیت خدمت می‌کنند. ما به طور مستقل درس می‌خوانیم و وقتی برق یا اینترنت باشد، از هر منبعی آنلاینی که به آن دسترسی داریم، استفاده می‌کنیم.» تحصیل هبه حدود هشت ماه است که متوقف شده است. دانشگاه او ویران شده است او عمیقاً از اینکه نتواند تحصیلاتش را تمام کند، نگران است و هنوز نتوانسته است آسیبی را که او و همسالانش متحمل شده‌اند را به طور کامل هضم کند. او از آسیب‌های ناشی از آوارگی‌های متعدد، تخلیه خانه‌های‌شان زیر آتش و فقدان وسایل شخصی یا کتاب‌های درسی می‌گوید. او هم دوستان نزدیک و هم اعضای خانواده‌اش را از دست داده است؛ پدربزرگش به دلیل دسترسی نداشتن به درمان درگذشت و پسرعمویش در جریان حملات کشته شد. او می‌گوید: «اینجا هیچ جای امنی وجود ندارد.» جنگ درک او از آینده را کاملاً تغییر داده است. با این حال، او از گفته‌ای از پیامبر اسلام الهام می‌گیرد: «اگر قیامت فرا برسد در حالی که یکی از شما نخلی در دست دارد، باید آن را بکارد.» چنین باوری او را سرپا نگه می‌دارد.

اراده شکست‌ناپذیر ما فلسطینیان

خانه و دانشگاه فاطمه شیخ، دانشجوی سال سوم معماری در دانشگاه اسلامی غزه، ویران و او چندین بار آواره شد. فاطمه امیدوار بود که به عنوان معمار آزاد در دبی کار کند. او زمانی رؤیای پروژه فارغ‌التحصیلی خود را در سر می‌پروراند و بر پیشرفت فناوری در معماری غزه متمرکز بود، اما حالا تنها رؤیای او، زنده‌ماندن، تمام‌کردن تحصیلات و کمک به بازسازی غزه است. فاطمه مجبور شد تحصیلاتش را از اکتبر ۲۰۲۳ تا آگوست ۲۰۲۴ متوقف کند. او می‌گوید: «حتی دسترسی به اینترنت هم همچنان مانع بزرگی برای ادامه تحصیل من است.» چالش‌های فاطمه شامل کمبود ابزار و فضای مورد نیاز برای آموزش معماری است. با این حال او با انعطاف‌پذیری عمیقی صحبت می‌کند: «ما استادان مهربانی داشتیم. وقتی من به دلیل قطعی اینترنت ناپدید می‌شدم، با من تماس می‌گرفتند و همین باعث می‌شد ادامه دهم. ما فلسطینی‌ها اراده‌ای شکست‌ناپذیر داریم.» او از اعتقادش به قدرت آموزش به عنوان نوعی مقاومت، قدرت می‌گیرد و تأکید می‌کند: «ما نه تنها با سلاح، بلکه با دانش، پشتکار و انعطاف‌پذیری مقاومت می‌کنیم. خود آموزش نوعی مبارزه است.» فاطمه می‌گوید: «ما قوی، باهوش و سختکوش هستیم و فقط می‌خواهیم در صلح درس بخوانیم. می‌خواهیم به دنیا نشان دهیم که با وجود همه چیز ما ادامه می‌دهیم. ما الهام‌بخش دانش‌آموزانی شده‌ایم که به دلایلی بسیار کمتر از جنگ احساس ناامیدی می‌کنند.»

کمک به غزه حتی با کلمات

نادره مشتهه دانشجوی سال آخر رشته زبان انگلیسی در دانشگاه اسلامی غزه، شرح می‌دهد که چگونه جنگ کنونی، عمیقاً بر زندگی تحصیلی و سلامت عاطفی او تأثیر گذاشته است. او تحصیلاتش را آنلاین ادامه می‌دهد و می‌گوید: «دانشگاه ما ویران شده، دوستان‌مان کشته شده‌اند و ما دیگر در کلاس‌های دانشگاه شرکت نمی‌کنیم.» او در اضطراب مداوم زندگی می‌کند، غرق در افکار و نگرانی‌های مداوم است. او و خانواده‌اش بارها آواره شده‌اند و اقوام و دوستانش از جمله پدربزرگش را از دست داده است. نادره می‌گوید: «در کل شهر هیچ جای امنی وجود ندارد. رؤیاها و برنامه‌های ما از بین رفته‌اند، اما من هنوز تلاش می‌کنم.» او عمیقاً دلتنگ زندگی دانشگاهی‌اش است. او می‌گوید: «دلم برای دوستانم، خنده‌های‌مان و آن صبح‌های پرجنب‌وجوش تنگ شده است. جنگ اشک‌هایم را خشک کرده است. دیگر گریه نمی‌کنم - حتی موقع خداحافظی.» قطعی برق و اینترنت یک چالش روزانه است. او توضیح می‌دهد: «شب‌ها به دلیل قطعی برق نمی‌توانم درس بخوانم و شب تنها زمانی است که می‌توانم تمرکز کنم.» وقتی از او درباره آینده‌اش سؤال می‌شود، با تردید و ترس پاسخ می‌دهد: «صادقانه بگویم، نمی‌دانم. اگر جنگی نبود، می‌توانستم به این سؤال پاسخ دهم که جایگاه خودم را کجا می‌بینم.» با این حال، با وجود ویرانی‌ها او می‌گوید: «امید هنوز هم زنده است، حتی در میان مرگ. من سعی می‌کنم به نوشتن و یادگیری ادامه دهم، زیرا شاید بتوانم به این شهر کمک کنم - حتی با کلماتم.»

هدی شیخ دانشجوی ادبیات انگلیسی و نویسنده و روزنامه‌نگار اهل غزه اینترسپت

رویکرد

دومین دوست اسرائیل بعد از امریکا

جمهوری آذربایجان حتی بعد از جنگ غزه تغییری در مناسبات با رژیم‌صهیونیستی ایجاد نکرده است

سجاد مرادی کلارده

جمهوری آذربایجان از متحدان رژیم‌صهیونیستی است، متحدی که حتی بعد از جنگ غزه نیز روابط راهبردی و نزدیکی را با این رژیم دنبال می‌کند. اخیراً سفیر رژیم‌صهیونیستی در آستانه پایان مأموریت خود در باکو به تعریف از روابط باکو - تل‌آویو پرداخت و با تأکید بر روابط دو طرف در دوره بعد از جنگ غزه گفت که جمهوری آذربایجان با وجود فشارهای خارجی از جمله از سوی ایران و ترکیه برای تضعیف روابط این کشور با اسرائیل نه تنها هیچ اقدامی نکرد، بلکه بر تعهد راهبردی خود به روابط دوجانبه تأکید و ثابت کرد که شرکای قابل اعتماد در مواقع بحران آشکار می‌شوند. جورج دیک بر مبنای همین روند حمایتی تأکید کرد که آذربایجان نقش یک هاب استراتژیک غیرقابل جایگزین را در منطقه برای اسرائیل ایفا می‌کند.

برای تحلیل نقش جمهوری آذربایجان در حمایت از رژیم اشغالگر باید چند نکته را مود نظر قرار داد.

وابستگی متقابل

نکته اول ماهیت روابط رژیم‌صهینیستی و آذربایجان است. از دیدگاه رهبران تل‌آویو به ویژه بعد از تحولات یک دهه اخیر، جمهوری آذربایجان فقط یک کشور دوست یا یک متحد ساده نیست، بلکه برآورد این رژیم از آذربایجان در سطح یک متحد راهبردی است. شاید دلیلی که باعث پایداری این رابطه در طی ۳۰ سال گذشته بوده، نیاز متقابل دو طرف است. کارشناسان معتقدند که رژیم‌صهیونیستی، آذربایجان را به عنوان یک منبع نفت پایدار انرژی و مسیر امن تجارت با سایر کشورهای آسیای مرکزی و منطقه خزر نگریسته و در مقابل آذربایجان نیز سیستم‌های دفاعی و نظامی رژیم اشغالگر را برای تجهیز ارتش خود مناسب دیده است. داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI) نشان داد که در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۵، آذربایجان ۶۰درصد از خریدهای تسلیحاتی خود را از رژیم‌صهیونیستی تأمین کرده است که نقش اصلی را در پیروزی باکو در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ علیه ارمنستان داشت، با این حال به نظر می‌رسد که بعد از جنگ ابعاد جدیدی از روابط دو طرف بروز پیدا کرده است. جمهوری آذربایجان همچنین اولین کشور با اکثریت مسلمان است که تعریفی از یهودستیزی را در کتب درسی مدارس پذیرفت که با روایت‌های حامی رژیم‌صهیونیستی در موضع بی‌طرفی در درگیری با فلسطینیان همسویی دارد. آذربایجان پس از عملیات طوفان‌الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ متعاقب آن در غزه به صورت رسمی رژیم اشغالگر را محکوم نکرد. در عین حال این کشور به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که خواستار آتش‌بس فوری بشردوستانه منجر به توقف خصومت‌ها بین طرفین جنگ بود رأی مثبت داد. در همان اکتبر ۲۰۲۳ شرکت سوکار آذربایجان مجوز اکتشاف و توسعه ذخایر جدید گاز طبیعی در مدیترانه شرقی و ۱۰ درصد از سهام میدان گازی تامار را به دست آورد. با اینکه این امتیاز به دلیل آغاز جنگ در غزه متوقف شد، اما وزارت انرژی رژیم‌صهیونیستی و وزارت اقتصاد آذربایجان ضمن انتشار بیانیه مشترکی در آوریل ۲۰۲۵ بر آن تأکید کردند.

تصمیم سوکار برای ادامه فعالیت به عنوان اپراتور این پروژه در بحبوحه جنگ تل‌آویو و غزه به نوعی تأکید مجددی بر تعمیق روابط بین دو طرف ارزیابی می‌شود. این اقدام باکو نشان داد که قصد آذربایجان برای تعمیق جایگاه اقتصادی و ژئوپلتیکی خود در غرب آسیا به همراه تقویت اتحاد راهبردی با رژیم‌صهیونیستی جدی است. به علاوه گسترش حوزه عمل یک شرکت آذری به حوزه مدیترانه، به معنای افزایش قدرت نرم این کشور و گشاش چشم‌انداز صادرات گاز بیشتر به جنوب شرقی اروپا بود. اندیشکده بگین - سادات در گزارشی در این باره نوشته است: «زمان‌بندی تعهد سوکار چیزی بیش از تمایل باکو برای شرکت در پروژه‌های بین‌المللی گاز فراساحلی است و این واقعیت را برجسته می‌کند که اختلافات اخیر بین تل‌آویو و آنکارا تصمیمات اقتصادی آذربایجان را شکل نمی‌دهد و همکاری باکو - تل‌آویو را کاهش نمی‌دهد، چراکه آذربایجان با احترام به اتحاد خود با اسرائیل بدون رهاکردن روابط نزدیک فرهنگی و سیاسی خود با ترکیه، مسیر خود را حفظ کرده است.» از این منظر می‌توان گفت، همکاری انرژی آذربایجان با رژیم‌صهیونیستی که عمدتاً در پروژه‌های صادراتی انجام می‌شود، در فضای بعد از پایان جنگ غزه اهمیت راهبردی خود را نشان خواهند داد.

آذربایجان همچنین در سال ۲۰۲۳ سفارت خود در تل‌آویو را نیز افتتاح کرد. در ماه فوریه ۲۰۲۴ رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با همتای صهیونیست خود اسحاق هرتزوگ دیدار کرد. در آوریل همان سال از وزرای انرژی دو طرف در دیداری که در دبی داشتند، درباره گسترش روابط دوجانبه با محوریت انرژی تبادل نظر کردند. در ماه دسامبر مایکل توچین و برنی کامینتسکی رهبران لابی آیپک برای نخستین مرتبه به آذربایجان سفر و با الهام علی‌اف دیدار کردند. در ماه دسامبر حکمت حاجی‌اف مشاور ارشد رئیس‌جمهوری آذربایجان با مقامات صهیونیست دیدار کرد. حاجی‌اف بعد از اجرای آتش‌بس بین رژیم‌صهیونیستی و حماس در ژانویه ۲۰۲۵ مجدداً با سفر به تل‌آویو با نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم دیدار کرد. مهم‌ترین زمینه حمایتی آذربایجان از رژیم‌صهیونیستی در جنگ غزه، در زمینه تأمین انرژی مورد نیاز این رژیم بوده است. آذربایجان و اسرائیل که مدت‌هاست روابط نزدیکی در زمینه‌های دفاعی و اطلاعاتی دارند، در حال تقویت همکاری در حوزه انرژی هستند. طبق آمارهای تخمینی، آذربایجان حدود ۴۰ درصد از نیازهای نفتی این رژیم را تأمین کرده است. خط لوله باکو - تفلیس - جیحان (TBC) نفت آذربایجان را از طریق گرجستان به بنادر مدیترانه‌ای ترکیه منتقل می‌کند و از آنجا به سراسر جهان، از جمله سرزمین‌های اشغالی ارسال می‌شود. در عین حال همکاری امنیتی نیز بین دو طرف با محوریت اشتراک اطلاعات و همکاری‌های دفاعی در جریان است. ارتقای سطح همکاری‌ها بین دو طرف بعد از هفتم اکتبر حتی گمانه‌زنی را برای پیوستن آذربایجان به توافقنامه ابراهیم ایجاد کرد. در مارس ۲۰۲۵ طرحی در کنست رژیم‌صهیونیستی برای تقویت و تجدید اتحاد راهبردی با آذربایجان ارائه شد. این طرح افزودن نام باکو به توافقنامه مذکور را مورد حمایت قرار داد. دفتر نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی نیز این موضوع را تأیید کرد که این رژیم در حال مذاکره با امریکا برای ایجاد یک چارچوب محکم برای همکاری سه جانبه بین تل‌آویو، باکو و واشینگتن است. باکو همچنین در مقطع بعد از آتش‌بس در غزه، در نقش میانجی بین تل‌آویو و ترکیه بعد از درگیری آنها در سوریه ظاهر شده است. ترکیه از دهه ۱۹۹۰ مهم‌ترین متحد آذربایجان است. روابط نزدیک آذربایجان با رژیم‌صهیونیستی و ترکیه نیز نقش باکو را به عنوان میانجی در سیاست خارجی تل‌آویو تثبیت کرده است. البته آذربایجان و الهام علی‌اف در ایفای این نقش دارای سابقه هستند. باکو در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۸ تلاش زیادی برای برقراری مجدد گفت‌وگوها بین آنکارا و تل‌آویو کرد. حتی در دوره بعد از سقوط دولت بشار اسد در سوریه و به قدرت رسیدن گروه‌های افراطی به رهبری ابومحمد الجولانی که نزدیک به ترکیه است نیز احتمال میانجی‌گری علی‌اف برای از سرگیری مجدد روابط دمشق - تل‌آویو وجود دارد. اتحاد راهبردی که اکنون بین باکو و تل‌آویو در جریان است از این گفته جوزف اپستین مدیر پژوهشی بنیاد حقیقت در خاورمیانه (EMET) به خوبی مشخص می‌شود: «همه می‌دانند که اسرائیل نزدیک‌ترین متحد ایالات متحده در خاورمیانه است و ایالات متحده نزدیک‌ترین دوست اسرائیل در جهان است، اما بسیاری نمی‌دانند که آذربایجان دومین دوست نزدیک اسرائیل است. باکو هرگز در مورد مناقشه اسرائیل با فلسطینیان یا هر موضوع دیگری به اورشلیم فشار یا تهدیدی وارد نکرده و حتی با وجود اینکه بسیاری از شرکای غربی به دلیل جنگ غزه علیه اسرائیل موضع گرفتند، به اسرائیل وفادار ماند.»

> از دیدگاه رهبران تل‌آویو به ویژه بعد از تحولات یک دهه اخیر، جمهوری آذربایجان فقط یک کشور دوست یا یک متحد ساده نیست، بلکه برآورد این رژیم از آذربایجان در سطح یک متحد راهبردی است

پیشخوان

ناگفته‌هایی از بینش و منش شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در آیینه یک یادمان نوانتشار

«هارداسان» در بازنمایی شهید جمهور

■ **شاهد توحیدی**

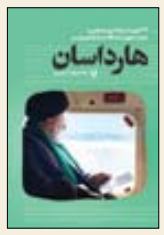

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در بازنمایی سیره شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی به نگارش درآمده است. این پژوهش از سوی محمد مهدی رحیمی انجام شده و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب کرده است. نویسنده در جلسه رونمایی از این تحقیق به نکات پی آمده اشارت برده است:

«دوست داشتم امروز در آستانه ۲۲ اردیبهشت، به بهانه دیگری در مصلی بودم، کما اینکه سال گذشته در دقایق اولیه طلوع آفتاب، همراه با شهید رئیسی به نمایشگاه کتاب آمدیم تا بازدیدی از آن داشته باشیم، پیش از آنکه مزاحمتی برای مردم ایجاد کنیم. دوست داشتم امسال هم همراه با او به نمایشگاه کتاب می‌آمدیم، نه آنکه اینجا بنشینیم و با حسرت به بیان خاطراتی از او بپردازیم. آغاز دغدغه نگارش این کتاب به صورت جدی از فردای شهادت شهید رئیسی و همزمان با روز میلاد امام رضا (ع) بود. تقدیر اینچنین بود که در شب میلاد امام رضا (ع)، این کتاب درباره خادم الرضا منتشر شود. این روز در سال گذشته، به پیدا شدن پیکرهای شهدا در کوهستان ارسباران می‌گذشت، همان نقطه که دیگر احساس کردم، کار تمام شده است! زمانی که در پشت آمبولانس بودم، تک تک خاطرات در ذهنم تداعی می‌شد. پیش از آنکه به تبریز برسم، با خودم عهد کردم که همه مطالبی را که به دلیل ملاحظات مختلف نتوانستم در زمان حیات شهید رئیسی منتشر کنم، در کتابی تکمیل کنم که نتیجه‌اش هارداسان شد. هر خاطره‌ای را که به ذهنم می‌رسید، می‌نوشتم. حتی در ایام تشییع که شهر به شهر می‌رفتیم و شاهد اظهار لطف‌های عجیب و دستنوشته‌های غیر تشریفاتی و غیرسازمانی بودم که با ادبیات خاصی نوشته بودند، برایم یادآوری خاطراتی بود که در قالب صوت ذخیره کردم. پس از شهادت شهید رئیسی با همکاران روابط عمومی ریاست جمهوری و دوستان صحبت کردم و همکاری کردیم که البته باید بگویم بخشی از کتاب را همراهی و زحمات آنها می‌دانم و به نوعی کار را با آنها آغاز کردم. در بخشی هم به سایت ریاست جمهوری مراجعه کردم تا عکس‌ها و فیلم‌های منتشره را مرور کنیم. همه آنها برایم یک خط زمانی بود. تک تک آنها گنجینه‌ای از عکس‌های منتشر شده یا منتشر نشده بودند. ما از تک تک لحظه‌هایی که با شهید رئیسی بودیم، خاطره ثبت کردیم. در آن زمان فکر نمی‌کردیم این خاطرات برای تهیه کتاب هارداسان مورد استفاده قرار بگیرد. در آن زمان به سردار موسوی می‌گفتیم لطفاً هر جا که آقای رئیسی هستند، اجازه بدهند ما حضور داشته باشیم. در آن مقطع دلیل‌مان اهمیت ثبت تاریخ کشور بود. این جمله که رهبری فرمودند: دلم برای رئیسی سوخت، به مطالبی برمی‌گردد که به دلیل ملاحظاتی نتوانستیم از شهید رئیسی منتشر کنیم، زیرا در آن مقطع با فضای رسانه‌ای و مجازی سازمان‌هایی روبه‌رو بودیم که غیرمنصفانه و به دور از اخلاق فضای سفید را سیاه می‌کردند. ریشه‌اش وطن فروشی‌ها بود. دلمان از آنهایی سوخت که توقع داشتیم از رئیسی حمایت کنند و نکردند. از آنهایی که توقع نداشتیم در حق او جفا کردند! وگرنه که ذات عقرب، نیش زدن است و کسی از آن انتظار ندارد. آدم از کسانی انتظار و توقع دارد که می‌توانستند و نکردند. دل آدم از آنجا سوخت...»

شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در واپسین ماه‌های حیات

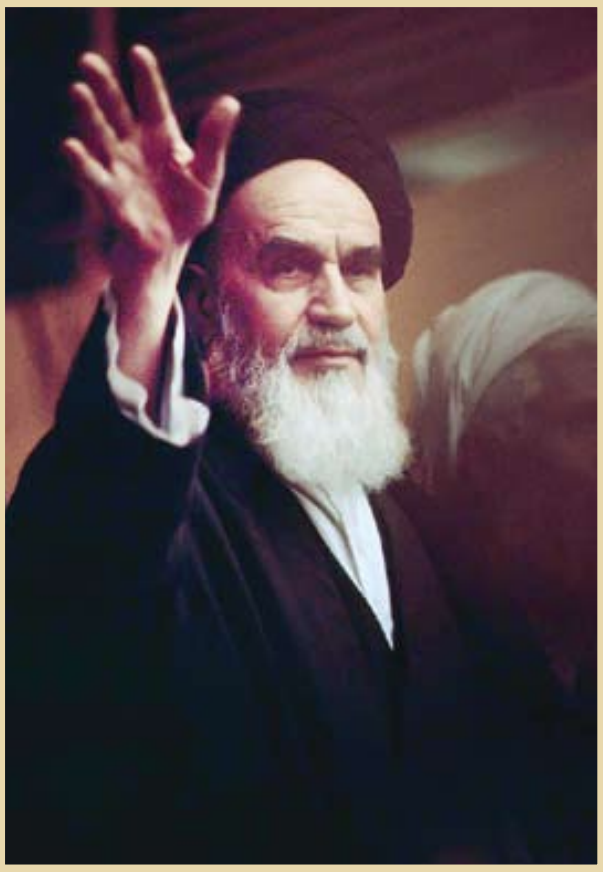

بهمن ۱۳۵۷. مدرسه علوی تهران

تلاش‌های بی‌وقفه و مخلصانه آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری طی ۱۵ سال و بعد از وفات ایشان ثمره مجاهدت‌های علمای ثلاث و سپس مدیریت درخشان آیت‌الله‌العظمی بروجردی موجب شد حوزه علمیه قم دارای ساختاری قدرتمند و کارا شود. تربیت هزاران طلبه عالم طی چند دهه باعث شد وقتی امام خمینی در سال ۱۳۴۱. ش اعتراضات خود را نسبت به حکومت پهلوی دوم آغاز کند، طیف وسیعی از حوزویان با وی همراه شوند

نظری بر رویکردهای آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و امام خمینی در برابر حکومت سلسله پهلوی

تدبیری که بسترهای یک قیام را مهیا کرد

■ **انوشه میرمرعشی**

برخی پژوهشگران تاریخ و تحلیلگران با مقایسه روش و منش سیاسی آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و رویکرد سیاسی حضرت امام خمینی(ره)، این دو شخصیت بزرگ را دارای دو رویکرد کاملاً متفاوت دانسته‌اند. گروهی رویکرد آیت‌الله حائری یزدی را در مواجهه با حکومت پهلوی اول صحیح معرفی کرده و روش امام راحل را زیر سؤال برده‌اند. گروهی نیز روش امام و قیام او را مورد تأیید قرار داده و رویکرد مؤسس حوزه علمیه قم را نپذیرفته‌اند. اما آیا رویکرد این دو عالم بزرگ در امور مربوط به سیاست و مقابله با حکومت جور، در تضاد باهم بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال بسیار مهم، قطعاً باید شرایط فکری، فرهنگی و اجتماعی هر دو مرجع بزرگ را در زمان زعامت امور شیعیان ایران در نظر گرفت. در مقال پی آمده نگاهی داشته‌ایم به این موضوع و علت واکنش‌های متفاوت آیت‌الله حائری یزدی و امام خمینی(ره) درباره آن. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه مندان را مفید و مقبول آید.

■ **او که حدوث و بقایش خرق عادت بود!**

آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرزند محمدجعفر، در سال ۱۲۳۸. ش در محله مهرجرد میبد یزد به دنیا آمد. او تنها فرزند پدر و مادرش بود و خداوند وی را به معجزه و توسل بسیار و بعد از سال‌ها استغاثه به پدر و مادرش عنایت کرده بود. ایشان تحصیل علوم دینی را در حوزه علمیه یزد آغاز کرد و بعد از طی دوره مقدمات و در حالی که ۱۸ سال داشت و پدر را چند سالی بود از دست داده بود، به همراه مادر عازم عراق شد. مدتی را در حوزه علمیه کربلا تحصیل کرد، اما پس از آن راهی سامرا شد و نزد مرجع بزرگ شیعیان آیت‌الله‌العظمی میرزا حسن شیرازی به تحصیل ادامه داد. حاج شیخ تا زمان وفات استاد گرانقدر خود آیت‌الله میرزای شیرازی در سامرا بود، اما بعد از آن و به مدت کوتاهی، به نجف و سپس به کربلا رفت و تدریس در حوزه علمیه آنجا را آغاز کرد و از همان زمان نیز به «حائری یزدی» معروف شد.

اما ماجرای برگشت ایشان به ایران داستان عجیبی دارد. فرزند ایشان از قول پدر نقل کرده‌اند: «روزی در وسط هفته در کربلا بودم. در عالم رؤیا دیدم که به من می‌گویند شما از عمرتان چیزی باقی نمانده و به زودی پس از چند روزی از دنیا می‌روید. من مشغول درس و بحث بودم و این موضوع را فراموش کردم. تا شب جمعه‌ای در یکی از باغ‌های اطراف کربلا با دوستان بودیم که برای من حالت غشی به وجود آمد و از حال رفتم! دوستان مرا سوار بر چهارپایی کردند و به منزل آوردند. در آن وقت دیدم در عالمی هستم که یک نفر یا دو نفر آمدند و گفتند می‌خواهیم جانت را بگیریم. ایشان می‌فرمود من خیلی ناراحت و به حضرت سیدالشهدا(ع) متوسل شدم و گفتم آقا مُردن حق است و باید بمیریم، ولکن دست من خالی است. شما عنایت بفرمایید تا حال من بهتر شود و کاری انجام دهم که منجر به این شود که دست پر پیش خداوند بروم و وارد محشر شوم. در این حال، کسی آمد و کسانی را که برای گرفتن جان من آمده بودند، از این کار منصرف کرد. به آنها گفت حضرت سیدالشهدا(ع) خواسته تا ایشان عمر طولانی داشته باشند. ایشان در لحظات مرگ به واسطه عنایت خاص سیدالشهدا(ع)، دوباره به این عالم بر می‌گردند. به همین دلیل آیت‌الله اراکی که از شاگردان برجسته و خاص ایشان بودند، درباره استادش می‌فرمود او حدوث و بقایش خرق عادت بود...»[1]

■ **احیاکننده حوزه علمیه قم**

حوادثی که در نجف و کربلا بر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری گذشت و به ویژه پس از رحلت شهادت گونه آیت‌الله آخوند خراسانی موجب شد تا تصمیم قاطع بگیرند که به وطن هجرت و بساط علم و عالم پروری را در ایران احیا کنند. به این ترتیب زمانی که حاج اسماعیل اراکی برای احیای حوزه علمیه این شهر از ایشان دعوت کرد، بار سفر بست و با خانواده به ایران و شهر اراک مهاجرت نمود. اقامت ایشان در شهر اراک و احیای حوزه آن باعث شد طلاب زیادی از شهرهای مختلف به اراک وارد شوند و آن حوزه رونق خوبی پیدا کند. تا اینکه در سال ۱۲۹۹. ش حاج شیخ تصمیم به سفر به مشهد و زیارت مضجع امام رضا(ع) را گرفت. بعد از سفر مشهد و در راه برگشت به اراک، اراده زیارت حرم حضرت معصومه (س) را کرد.

ایشان در زمان اقامت در شهر قم متوجه شد مدرسه فیضیه و دارالشفا - که میراث علمای بزرگ دوره صفویه بود- رونق گذشته را ندارد و به انبار مغازه‌داران تبدیل شده است! این در حالی بود که علما و فضلای قم از وضعیت حوزه علمیه شهرشان ناراحت بودند و چاره را در دعوت از حاج شیخ برای ماندن در قم و احیای حوزه قم توسط ایشان می‌دیدند. آن بزرگان از ایشان خواستند برای احیای حوزه علمیه قم در این شهر اقامت کنند به ویژه که آنها حدیث امام صادق (ع) درباره قم و حوزه علمیه‌اش در آخرالزمان را یادآور شدند.[2] اما از آنجا که آیت‌الله شیخ حائری چند سالی بود که حوزه علمیه شهر اراک را احیا کرده و آن حوزه در حال رونق گرفتن بود، برای لبیک به دعوت علما و مردم قم در تردید قرار داشت. به همین دلیل وقتی با اصرار زیاد مردم مواجه شد، گرفتن تصمیم را موکول به استخاره کردن کرد، چون برای استخاره آیه ۹۳ سوره یوسف آمد: «وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» - و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید- مصمم شد حوزه علمیه قم را سامان دهد و شاگردان خود را از اراک به این شهر فرا خواند.[3]

■ **همزمانی رشد حوزه قم و قدرت گرفتن پهلوی اول**

شیخ پس از تأسیس اولیه حوزه علمیه قم شروع به بازسازی مدارس قدیمی و از رونق افتاده کرد و از طرف دیگر شخصاً تمام همّ خود را مصروف تأسیس مدارس جدید و رسیدگی به کار طلاب کرد به ویژه مهاجرت جمعی از شاگردان با فضیلت وی از اراک و یزد به قم باعث رونق گرفتن این مدارس می‌شد؛ علما و فضلایی چون سید احمد و سید حسن خوانساری، سیدروح‌الله خمینی، سیدمحمدرضا گلپایگانی و شیخ محمدعلی اراکی. چنانچه مهاجرت علمای بزرگی چون ابوالحسن رفیعی قزوینی، سیدمحمدرضا مسجدشاهی، میرزامحمدعلی شاه آبادی (استاد عرفان امام) از شهرهای مختلف ایران به قم و سپس ورود میرزا ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی از عراق به قم روز به روز به عظمت یافتن حوزه تازه تأسیس قم می‌افزود.[4]

البته باید در نظر داشت در همان مقطع که سال به سال بر رونق حوزه علمیه قم افزوده می‌شد، روز به روز بر قدرت رضاخان هم اضافه می‌شد تا جایی که در سال سوم تأسیس حوزه، مجلس تصویب کرد که رضاخان، رضاشاه شود. علمای بصیر که سیر قدرت‌گیری رضاشاه را دیده بودند، می‌دانستند که انگلستان دارد همان بلایی را بر سر مردم ایران می‌آورد که سر مردم عثمانی آورده بود. بلایی که ارمغانی جز دین زدایی و هویت زدایی از مردم مسلمان نداشت. در آن سال‌ها روش و عملکرد شیخ عبدالکریم حائری، عدم همراهی با رضاخان و طرفدارانش بود تا جایی که در جریانات و حوادث منجر به تغییر سلطنت قاجار به پهلوی، آیت‌الله حائری قدمی به نفع رضاخان برنداشت و حتی تلگراف تبریک هم برای او نفرستاد! همچنین ایشان از شرکت در جشن تاج‌گذاری هم خودداری کرد و در پاسخ دعوت به این جشن اظهار داشت: «من به الکفایه» موجود است و به وجود من احتیاجی نیست!...[5]

■ **آقا، مردم با ما نیستند!**

با گذشت زمان و رو شدن خود واقعی رضاشاه، اقدامات ضددینی و ضدهویت ملی و قومی وی آغاز شد. چنانچه در عرض چند سال، اقدامات مخربی چون «قانون متحدالشکل کردن لباس»، «ممنوعیت استفاده از زبان و لهجه‌های محلی در ادارات و مدارس» و «سرکوب شدید عشایر» مشاهده شد، اما در مقابل این اقدامات، به دلیل نبود روح جمعی و اتحاد ملی میان ایرانیان تنها اعتراضات پراکنده‌ای از سوی مردم به وجود می‌آمد. حتی در شهرهای مختلف، زمانی که علما نسبت به اقدامات رضاشاه اعتراض می‌کردند، جزو گروه اقلیتی از مردم، لبیک عمومی به علما و بزرگان دینی دیده نمی‌شد! دلیل این وضعیت را البته باید در تضعیف روحیه دینی جامعه به واسطه فعالیت فرهنگی عناصر غربگرا بعد از مشروطه جست‌وجو کرد. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌هایی که پر از مطالب تمسخرکننده عقاید دینی و ترویج دهنده سبک زندگی غربی بود و باسوادها با خواندنش و بی‌سوادها با شنیدن مطالبش تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. به همین دلیل نیز وقتی در نوروز ۱۳۰۷. ش همسر و دختران رضاشاه بدون چادر وارد حرم حضرت معصومه (س) شدند و با تذکر آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی مواجه گشتند، رضاشاه آنگونه وقیحانه با جناب شیخ برخورد کرد و در آن روز و روزها هیچ‌گونه قیام و غلیانی نسبت به این رفتار شاه با یک عالم دینی از سوی مردم مشاهده نشد. این درحالی بود که حاج شیخ عبدالکریم، کاملاً متوجه این موضوع بود و از طرف دیگر نسبت به عمق دیکتاتوری و سفاکی رضاشاه، آگاهی کامل داشت. او می‌دانست قیام در برابر وی، به دلیل عدم همراهی مردم تنها نتیجه‌اش نابودی کامل حوزه علمیه قم و پایمال شدن اسلام است. چنانچه رضاشاه در تاریخ هشتم فروردین ۱۳۰۷. ش و در بخشنامه‌ای به رؤسای لشکرهای سراسر کشور، ضمن یادآوری حادثه حرم حضرت معصومه (س) در شب عید نوروز (برخورد با آیت‌الله بافقی به خاطر تذکر به همسر و دختران شاه جهت نداشتن حجاب)، وعاظ، ذاکرین و روحانیون را «افراد پست و بی‌وجدان و طبقه مفسد حکومت» نامیده بود و به رؤسای نظامی تحت امرش فرمان داده بود در برابر آنها مسامحه نکنند. در قسمتی از آن بخشنامه، ضمن توبیخ مسامحه کنندگان با روحانیون آمده است: «ممکن بود اشخاص آن حوزه همه اعدام شوند و خود آن محوطه نیز محو و معدوم گردد. اما به اقتضائات سیاسی خودداری شد. با وجود این اگر غفلتی در اجرای تنبیه روحانیون ضددولتی شود، شخصاً مسئول و مورد مجازات و سیاست خواهید بود...»

آیت‌الله حائری به همین دلیل نیز مقابل سیاست‌های ضد دینی رضاشاه، رویکرد سکوت و در ظاهر بی‌طرفی را در پیش گرفت، اما در جلسات درس خصوصی و زمانی که برخی طلاب و روحانیون به وی اعتراض می‌کردند که چرا جلوی رضاشاه در نمی‌آید، می‌فرمود: «آقایان اسلام رفت، ما باید اسلام را حفظ کنیم، اصحاب امام حسین(ع) می‌دانستند در روز عاشورا کشته خواهند شد، اما می‌گفتند، باید بجنگیم و لشکر کوفه را سرگرم کنیم، تا عمر حجت خدا یک ساعت زیاد شود. ما هم وظیفه‌مان همین است. آقایان اسلام رفت، ما باید با درس خواندن‌مان کاری کنیم که اسلام دیرتر برود... آقا! مردم که با ما نیستند، ما برای مردم حرف می‌زنیم، حرف‌هایمان برای مردم است، مردم که با ما نیستند، حرف بزنیم از بین می‌رود...»[6]

■ **انقلاب اسلامی ثمره احیا و حفظ حوزه علمیه قم**

تلاش‌های بی‌وقفه و مخلصانه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری طی ۱۵ سال و بعد از وفات ایشان ثمره مجاهدت‌های علمای ثلاث و سپس رهبری و مدیریت درخشان آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین بروجردی موجب شد حوزه علمیه قم دارای ساختاری قدرتمند و کارا شود. تربیت چند هزار طلبه و روحانی عالم طی چند دهه باعث شد وقتی حضرت امام خمینی(ره) در بهمن ۱۳۴۱. ش اعتراضات خود را نسبت به حکومت جور پهلوی دوم آغاز کند، طیف وسیعی از علما و طلاب با وی همراه شوند. همراهی و مجاهدتی که طی ۱۵ سال بعد، توانست بیداری عمیق و روحیه دینی و غیرت و اتحاد ملی را در اکثریت مردم ایران ایجاد کند. درک این موضوع که اگر رویکرد حاج شیخ عبدالکریم در حفظ حوزه قم نبود، امام خمینی(ره) بازویی برای قیام نداشت را می‌توان در چند جا و در اشعار بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و در دیوان اشعارش به عیان دید:

«ابر عطا، فیض عمیم، بحر سخی، کنز عظیم
کان کرم عبدالکریم، پشت و پناه مسلمین
گنجینه علم سلف، سرچشمه فضل خلف
دادش خداوند از شرف بر کف زمام شرع و دین
در سایه‌اش گرد آمده اعلام دین از هر بلد
بر ساحتش آورده رو، طلاب از هر سرزمین»

چنانچه امام خمینی در مسمط طولانی‌ای که در مدح آیت‌الله حائری یزدی سروده، به این مطلب اشاره کرده و اذعان دارد:

«راستی این آیت‌الله گر در این سامان نبودی
کشتی اسلام را از مهر پشتیبان نبودی
دشمنان را گر که تیغ حشمتش بر جان نبودی
اسمی از اسلامیان و رسمی از ایمان نبودی»[7]

در واقع اگر نیروسازی‌های آیت‌الله حائری، همراه با احیای حوزه علمیه قم نبود، امام خمینی یارانی عالم و مجاهد و کارآمد برای جنگ عقیدتی و فرهنگی با سیاست‌های دین زدایی پهلوی دوم و از خودباختگی فرهنگی آنها نداشت تا بتواند روحیه مردم ایران را به سمت اسلام خواهی و حق طلبی سوق دهد و در نهایت، انقلاب اسلامی را پیروز و نظام اسلامی را برقرار سازد.

■ **کلام آخر**

از واقعه تحریم تنباکو تا تأسیس رسمی حوزه علمیه جدید قم به دست آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، نزدیک به شش دهه فاصله بود. در فاصله این دهه‌ها و به واسطه وقایع گوناگونی که دست دولت استعماری انگلستان به عیان در آن قابل مشاهده بود، نگرش و بینش مردم ایران تغییرات زیادی پیدا کرده بود. بینش و نگرشی که حاصل کمرنگ شدن اعتقادات دینی، هویت زدایی از فرهنگ ملی و قومی و ترویج تفکر غربی به وسیله عناصر فراماسونر و وابسته به کشورهای اروپایی، در میان مردم ایران بود. نتیجه اینکه اگر روزگاری مردم برای الغای حکم تبعید نماینده میرزای شیرازی در تهران قیامی کردند که باعث لغو امتیاز رژی شد، در سال‌های حکومت سیاه رضاشاه و مقابله او با دین و علما و ممنوعیت عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) به اسم مبارزه با خرافات، قانون متحدالشکل کردن لباس (فرنگی کردن لباس مردم) و در نهایت قانون کشف حجاب، تنها قیام‌هایی پراکنده، مقطعی و سریع از شور افتاده در ایران مشاهده شد.

اما دقیقاً پنج دهه پس از تأسیس حوزه علمیه قم و تربیت انبوهی از طلاب فهیم و با سفرهای تبلیغی و سپس مبارزات مجاهدانه روحانیون و مردم به رهبری امام خمینی(ره)، روحیه‌ای شدیداً دینی در مردم ایران پدید آمد. در واقع با ترویج مفاهیم دینی در میان مردم، ایرانیان درک عمیق و مهمی از استعمار و استکبار و لزوم مقابله با آن روحیه حق گرایی و فداکاری در راه عقیده تا پای جان و فهم لزوم مطیع بودن در برابر اوامر رهبر (ولایت فقیه) و داشتن غیرت و اتحاد ملی پیدا کردند. روحیه‌ای که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت در هشت سال دفاع مقدس و حرکت به سوی ایجاد تمدن نوین اسلامی شده است.

آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (نفر وسط)

اگر نیروسازی‌های آیت‌الله حائری همراه با احیای حوزه علمیه قم نبود، امام خمینی یارانی عالم و مجاهد و کارآمد برای جنگ عقیدتی و فرهنگی با سیاست‌های دین زدایی پهلوی دوم و از خودباختگی فرهنگی آنها نداشت تا بتواند روحیه مردم ایران را به سمت اسلام خواهی و حق طلبی سوق دهد و در نهایت، انقلاب اسلامی را پیروز و نظام اسلامی را برقرار سازد

■ **منابع:**

۱- محمدی اشتهاردی، محمد، «خورشید حوزه‌های علمیه»- آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری-، مؤسسه انتشاراتی امام عصر(عج)- قم، چاپ اول ۱۳۷۹. ش، صفحات ۴۳،۱۳ و ۴۴

۲- «به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم و دانش از آنجا رخت برمی‌بندد و چون ماری که در گوشه‌ای چنبره زده است، محدود می‌گردد و از شهری که آن را قم می‌نامند، ظهور می‌کند و آن‌جا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می‌گردد، به گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعفی [فکری] نمی‌ماند که از دین آگاهی نداشته باشد حتی زنان پرده‌نشین و این زمان نزدیک زمان ظهور قائم (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) ما خواهد بود.» (علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد ۶۰، ص ۲۱۳)

۳- اشتهاردی، ص ۶۱ تا ۶۳

۴- طباطبائی‌فر، سیدمحسن، «حوزه علمیه قم و امر سیاسی»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۴۰۱. ش، ص ۹۴

۵- بصیرت‌منش، حمید، «علما و رژیم رضاشاه»، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۲۴۰ و ۲۴۱

۶- طباطبائی‌فر، صص ۱۱۶ و ۱۱۷

۷- خمینی، روح‌الله، «دیوان امام»- مجموعه سروده‌های امام خمینی(ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هجدهم ۱۳۷۷. ش، صفحات ۲۶۲ و ۲۷۸

نقل قول

سینما جای خود را به سریال‌سازی داده است

سینما پرس: فرزاد مؤتمن از کارگردانان باسابقه ایران با انتقاد از وضعیت فعلی سینما گفت: در ایران مشکل اصلی این است که به‌جای واگذاری مسیر طبیعی به سینما، مدام نهادهای دولتی ساخته می‌شوند که با بودجه‌های انبوه وارد میدان می‌شوند و به‌جای همکاری با فیلمسازان توانمند، کار را به دست افرادی می‌سپارند که از پشت کوه آمده‌اند، بی‌تجربه هستند، اما پول و امکانات عجیب و غریبی در اختیارشان قرار می‌گیرد؛ از زمان و سرمایه گرفته تا تکنیسین‌های درجه یک. طبیعتاً چیزی از دل این پروژه‌ها درنمی‌آید و در واقع، فقط پول نفت است که هدر می‌رود. از طرف دیگر، سینما عملاً نابود شده و جای خود را به سریال‌سازی داده است. تمام بودجه‌هایی که قبلاً در مسیر تهیه و تولید فیلم بود، حالا صرف تولید سریال‌هایی می‌شود که برخلاف تصور، نه مخاطب دارند و نه اثرگذاری خاصی. بیشترشان فقط درگیر تولید ترافیک جعلی هستند و به‌نوعی می‌توان گفت مشغول «فروش ترافیک» شده‌اند. اکنون اوضاع به همین منوال است، یعنی شرایط بسیار بحرانی است و این سیستم دیگر پاسخگو نیست. طبیعی‌ترین اتفاقی که در حال حاضر رخ می‌دهد، همان بخشی است که مورد حمله قرار می‌گیرد، یعنی سینمای کمدی، در حالی که این ژانر یکی از طبیعی‌ترین نیازهای جامعه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، به‌جای آنکه به کمدی‌ها حمله شود- زیرا جامعه ما به‌شدت به این گونه سینمایی نیاز دارد- باید تلاش شود فیلمنامه‌های بهتری در حیطه کمدی نوشته شود و سطح این ژانر ارتقا یابد.

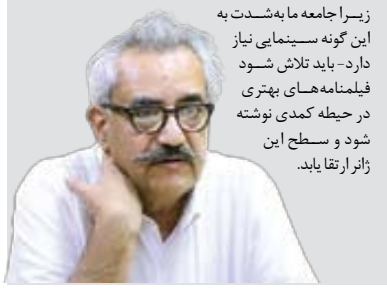

تئاتر ما این روزها به یک ژان والژان نیاز دارد

ایرنا: سمیه مهری از کارگردانان تئاتر با ابراز نارضایتی از شرایط حال حاضر تئاتر بیان کرد: مخاطبان دوست ندارند کارهایی که دردمند هستند و مسائل روز اجتماعی را مطرح می‌کنند، ببینند. هجمه بدی علیه کارهای تئاتر ارزشمند به راه افتاده است، طوری که مردم ترجیح می‌دهند تئاتر سخیف، آزاد و طنز ببینند که با آن ۱۰دقیقه بخندند. سینمای امروز، واقعاً سطح سلیقه مردم را پایین آورده است. همانطور که کارهای اجتماعی در گیشه سینما جایی ندارند، به همان شکل کارهای اجتماعی هم در گیشه تئاتر جایی ندارند. شما کارهای طنز ضعیف مانند «فسیل» را بساز، چون جواب می‌دهد اما به هیچ عنوان این مدل کار کردن (کارهای اجتماعی) دیگر جوابگو نیست و موجب پشیمانی است. بسیاری از دغدغه‌های اجتماعی ما فقط به شکلی است که برای آدم‌ها زحمتی نداشته باشد و اگر کاری دغدغه‌مند انجام دهید، کسی به خودش زحمتی برای دیدن تئاتر نمی‌دهد. تئاتر ما این روزها به یک ژان والژان نیاز دارد؛ کسی که از دل رنج برخاسته، طرد شده، جنگیده، بخشیده، فریاد زده و همچنان ایستاده است. نیاز به هنرمندی داریم که مانند ژان والژان، درد جامعه‌اش را زندگی کرده است، نه فقط بازی. کسی که به جای شهرت، مسئولیت را انتخاب کند. کسی که از دروغ خسته شده و حاضر نیست سکوت کند، حتی اگر هزینه بدهد. کسی که وقتی همه خوابند، بیدار بماند و وقتی همه می‌خندند، از گریه نترسد.

لزوماً با یک فیلمنامه خوب نمی‌توان فیلم خوب ساخت

ایبنا: نوید پورمحمدرضا از مدرسان و منتقدان سینما گفت: به صورت مکرر می‌گویند مشکل از فیلمنامه است، اما وقتی ما درباره مدیوم یک فیلم صحبت می‌کنیم نتیجه نهایی، آن چیزی نیست که به عنوان یک روایت متنی روی کاغذ آورده شده است، بلکه مؤلفه‌های بسیار دیگری در آن دخیل است. سینما، یعنی قصه‌گویی در پهنه میزانسن و میزانسن سینمایی، مؤلفه‌های زیادی را در بر می‌گیرد که پرفورمنس یکی از مهم‌ترین آنهاست، ما نمی‌توانیم به چیزی زندگی ببخشیم که خودش فاقد زندگی است. شما نمی‌توانید به واسطه یک بازیگر که قادر به نقش‌پردازی نیست، به فیلم زندگی ببخشید! بنابراین حتی بازی کاراکتر در پهنه فیلمنامه مهم است و ظرفیت‌ها و امکانات نهفته بسیاری در خود دارد. یک پرفورمنس ضعیف، یک بازی تیپیک و فکر نشده و قراردادی می‌تواند همه آن زندگی‌های ساخته‌شده در فیلمنامه را بر باد دهد. این نکته درباره چشم دوربین، تدوین و سایر عوامل هم صدق می‌کند، پس نمی‌توان امید به این بست که لزوماً با یک فیلمنامه خوب می‌توان به فیلم خوب دست پیدا کرد، گرچه حقیقتاً پیش‌شرط امیدوارکننده‌ای است، اما کافی نیست.

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از پیشکسوتان تصویرگری درباره مرحوم غلامعلی مکتبی، پدر تصویرگری کودکان

وجود استاد مکتبی یک اتفاق نادر در زمینه هنر تصویرسازی ایرانی بود

گفت‌وگو
معصومه طاهری

سعید رزاقی را باید پدر داستان مصور ایران لقب داد؛ تصویرگری که خیلی از دهه شصتی‌ها با کارهای ایشان مخصوصاً مجله «رشد» خاطره دارند. درگذشت استاد غلامعلی مکتبی از اولین تصویرگران کودکان و کتاب‌های درسی که دنیای هنر تصویرسازی را به بهت و ناراحتی فرو برد و بر آن شدیم دقایقی با سعید رزاقی که کار هنری خود را در محضر مرحوم مکتبی شروع کرده است به گفت‌وگو بپردازیم. رزاقی بسیار تحت تأثیر منش، اخلاق و آزادگی استاد مکتبی بود و گفتنی‌های زیادی از ایشان دارد.

شما از شاگردان مرحوم مکتبی بودید که متأسفانه خبر درگذشت‌شان در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب تهران همزمان شد. آشنایی شما با ایشان چگونه بود؟

سال ۱۳۶۶ جوانی بودم که دوست داشتم وارد کار هنری و تصویرگری برای کودکان شوم، برای همین به دفتر مجله «رشد» رفتم تا شاید پذیرفته شوم. بعد از استخدام اولیه و مشغول شدن در میان همکاران، آنجا شخص جاافتاده‌ای را دیدم که قیافه‌ای با جذبه داشت کاملاً معلوم بود که در کنار بقیه همکاران جایگاه استادی دارند و دیگران در حد و حدود دانشجویی ایشان. راستش را بگویم اول می‌ترسیدم سمت‌شان بروم و نگران بودم مبادا تحویلم نگیرد ولی اشتباه فکر می‌کردم، چون همیشه با لبخندی آرامش‌بخش با جوان‌ترها برخورد داشت، به همین ترتیب فعالیت حرفه‌ای‌ام از همان زمان شروع شد.

مرحوم مکتبی چه فعالیت‌هایی داشت؟

استاد یک هنرمند واقعی و فعال بود؛ نقاشی و تدریس تصویرگری در دانشگاه‌های مختلف، همکاری با انتشارات و سازمان کتاب‌های درسی، کارشناس تصویرگری در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای تولید کتاب‌های درسی، تصویرگری در نشریات پیک و رشد کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و جوان نمونه‌ای از فعالیت‌های‌شان بود. تصویرگری حدود ۵۰کتاب برای کودکان و نوجوانان و داوری چندین جشنواره داخلی تصویرگری را انجام دادند و اواخر عمرشان شعر هم می‌سرودند.

خاطره‌ای هم از استاد دارید؟

بله، بسیار زیاد! یادم است درابتدای شروع کار برای اینکه میزان علاقه‌ام را به هنر بسنجد، می‌گفت: برو و از کتابخانه نشریات رشد، فلان کتاب از فلان نقاش مشهور را بیاور! اگر اشتباهی می‌آوردم می‌گفت برو دوباره نگاه کن و بیاور. یک بار کتابی از آثار پیکاسو، نقاش سبک کوبیسم را آوردم، درحالی که حس می‌کرد من با نقاشی‌های پیکاسو ارتباط نمی‌گیرم و گیج و منگ به او نگاه می‌کنم، گفت: راحت حرفت را بزن و بگو نظرت چیست! من هم بی‌تعارف گفتم: استاد از کارهای پیکاسو اصلاً خوشم نمی‌آید، خیلی مزخرف است! ولی ایشان در مقابل این جواب جاهلانه من گفت یادت باشد که اینقدر راحت و بدون اطلاع درباره هنر حکم صادر نکنی. اول باید شناخت کافی پیدا کرده و بعد نقد کنی. این شیوه صریح که می‌گویی مزخرف، اشتباه است و بعد از آن نصیحت استاد آویزه گوشم شد.

اخلاق‌شان چگونه بود؟

بسیار خونگرم، متواضع و مردمدار بود، البته درکنار ظاهر مهربان و خوش‌اخلاقی، وقاری داشت که اجازه نمی‌داد کسی حرمت‌شکنی یا در پیش ایشان از کسی غیبت و بدگویی کند. خلاصه اینکه جاذبه اخلاقی رفتاری خاصی داشت که همگی و به خصوص جوانان را جذب خود می‌کرد.

مرحوم مکتبی سال‌ها قبل و بعد از انقلاب با چه هنرمندانی هم دوره و مرتبط بود؟

دوست و هم‌دوره ایشان مرتضی ممیز پدر گرافیک ایران و استاد ژانت میخاییلی بودند، البته خانم ژانت به عنوان تصویرگر کودکان قلمی ماندگار و بسیار زیبا داشتند. غیر از این دو مرحوم مکتبی با استاد پرویز کلانتری و استاد صادق صندوقی هم همکار بودند.

به نظر شما بهترین آثار مرحوم مکتبی کدام است؟

نگاه من برای جواب دادن به این سؤال کامل نیست، چون مسیر کار هنری‌ام با استاد فرق دارد. من بیشتر شاگرد اخلاق، منش و آزادگی او بودم. استاد غلامعلی مکتبی بیش از ۵۰کتاب شعر و داستان برای کودکان تصویرگری کرده است، مانند کتاب‌های خاطره‌انگیزی چون «حسنی تو شهر قصه»، «حسنی نگو یه دسته گل» و «بازی ابر و باد». به نظرم بهترین کارهای‌شان تصویرگری‌های کتاب‌های دهه ۶۰است که هنوز تازگی و جذابیت دارد، همچنین کتاب «زخم زبان» داستانی که با تصویرگری‌های زیبا و خلاقانه او به تصویر کشیده شده است. در ابتدای ورود استاد مکتبی از فرانسه به ایران آثارشان ملهم از کارهای اروپایی بود، ولی قلم‌شان متوقف به سبک اروپایی باقی نماند و دائماً به سمت و سوی حال و هوای ایرانی تغییر کرده و در حال جوش و خروش و زایندگی در کارهای‌شان بود و هیچ‌گاه دچار یکنواختی و روزمرگی در خلق آثار خود نبود. این بزرگوار کنار تصویرگری، نقاشی و نویسندگی، شعر در قالب غزل هم می‌سرود، همچنین در طراحی گرافیک، آرم و نشانه هم دستی به آتش داشت. ایشان دارای شخصیت هنری پویا و فعال و چندوجهی در خلق اثر هنری بود، با وجود این همیشه می‌گفت دوست دارم من به عنوان تصویرگر کودک شناخته شوم، نه چیزی به غیر از این!

و چرا در اوج کار کنار کشیدند؟

استاد بعد از تصویرگری مجموعه کتاب چهارجلدی که ۲۰سال پیش آن را نقاشی کرده بود، قلمش را بوسید و کنار گذاشت! خوب یادم است که روزی با من تماس گرفتند که هرچه سریع‌تر به خانه ایشان بروم، پس با نگرانی راه افتادم تا ببینم چه اتفاقی افتاده است، وقتی رسیدم دیدم مشتاقانه تصاویر رنگ‌شده را پیش روی خود چیده و با هیجان بسیار سعی دارند شیرینی لذتبخش تماشای خلق اثر هنری‌اش را با دیگری شریک شوند. ایشان با وجود آن همه سابقه هنری و تجربه کاری همچنان مانند جوانی که از تولید اثری جدید به هیجان می‌آید خوشحال بود ولی متأسفانه بعد از آن نشر «منادی تربیت» کارهای‌شان را چاپ نکرد، دلیلش را هم نمی‌دانم، ولی ایشان دوست داشتند در اوج کنار بروند و بعد از آن کتاب، دست از تصویرگری کشیدند و در سال‌های پایان عمر با برکت‌شان شعر می‌سرودند.

اشعارشان را هم چاپ می‌کردند؟

نه دنبال چاپ غزل‌های‌شان نبودند و بیشتر برای دل خودشان می‌سرودند و البته برای دوستان و نزدیکان‌شان می‌خواندند.

نسبت ایشان با انقلاب چگونه بود؟

آقای مکتبی ایران را خیلی دوست داشتند و با اینکه شش سال در فرانسه زندگی کرده بودند و خوب می‌توانستند در آنجا به موفقیت برسند، اما حاضر نشده بودند در اروپا بمانند و در جوانی به کشور برگشتند. استاد فردی مقید به ارزش‌های اخلاقی و انسانی بودند و کتاب‌های مذهبی هم تصویرگری کرده بودند، از طرفی هیچ‌وقت با رژیم پهلوی همراه و موافق نبودند، چون آن زمان قشر دانشجویان روشنفکر مخالف استبداد رژیم ستم‌شاهی و البته که ایشان هم جزئی از دانشجویان معترض و مطالبه‌گر بودند.

چرا هیچ وقت مستندی از این استاد گرامی ساخته نشده است؟

کلیپ‌های زیادی از استاد داریم ولی در قالب مستند کامل از زندگی هنری‌شان هنوز کاری انجام نشده است، چون آدم بی‌حاشیه‌ای بودند و دوست نداشتند در معرض شهرت و دیده شدن قرار بگیرند و رسانه‌ای شوند. استاد از جمله هنرمندان جریان‌ساز و اثرگذار بودند برای همین با خیلی از هنرمندنماهایی که ادای هنری و ژست هنرمندانه از خود درمی‌آوردند، کاری نداشتند، چون هنرمندی واقعی و اثرگذار بود و فقط سفارشاتی را می‌پذیرفت که با فکر و قلم و مشی هنری‌شان نزدیک بود.

درباره تصویرگری کتاب‌های درسی هم حرف زده بود؟

کارهای آن زمان مرحوم مکتبی بسیار عالی بود. شاید ماندگارترین دوره کتاب‌های درسی آن زمان، کتاب‌هایی با تصاویر ایشان بود که هنوز هم تازگی، جذابیت، وقار و پختگی در آنها وجود دارد. من هنوز نمی‌دانم چطور به آن هنر رسیده بودند و گاهی فکر می‌کنم وجودشان اتفاقی نادر در زمینه هنر تصویرسازی ایرانی بود.

نکته خاصی هست که درباره ایشان بگویید؟

استاد مکتبی به شدت آزاده و آزادمنش بود و به هیچ عنوان اهل کرنش و تملق گویی نبود ولی چنانچه اگر به مدیری یا مسئولی اطمینان می‌یافت، به او کمک می‌کرد. ضابطه‌مندی برای‌شان مهم‌تر از رابطه‌مندی و پارتی‌بازی بود و هنرمندان واقعی و متعهد را خیلی تحویل می‌گرفتند. استاد مکتبی با جوانان بسیار خوش‌برخورد بودند. خوب یادم است که وقتی ۱۶سال پیش می‌خواستند در مراسمی به ایشان نشان زرین مفاخر هنر تجسمی را بدهند، قبول نمی‌کردند ولی بالاخره با اصرار و خواهش فراوان ما شاگردان‌شان پذیرفتند! بسیار متواضع و فروتن بودند و اگر کسی مقابل‌شان از دیگری غیبت می‌کرد به شدت با او برخورد می‌کردند. هیچ‌گاه دنبال پول و شهرت نبودند و می‌گفتند: اگر به دنبال پول و ثروت‌اندوزی بودم، در جوانی بهترین فرصت‌ها برای شهرت و پول برایم فراهم شده بود. خداوند روح این استاد فرهیخته را قرین رحمت کند.

تئاتر

نگاهی به چالش‌های تهیه‌کنندگی تئاتر ایران در گفت‌وگوی «جوان» با تهیه‌کننده نمایش «کمدی مرد کمدی»

برخلاف سینما نقش تهیه‌کننده در تئاتر کمرنگ‌تر است

یک تهیه‌کننده تئاتر گفت: تهیه‌کنندگی تئاتر در ایران هنوز به طور دقیق تعریف نشده است. نبود ساختار قانونی و حمایت‌های کافی، باعث شده است افراد بدون تجربه و دانش کافی وارد این حرفه شوند و کیفیت کارها تحت تأثیر قرار گیرد.

سیاوش عباسی، از تهیه‌کنندگان تئاتر در گفت‌وگو با «جوان» بیان کرد: تهیه‌کننده در تئاتر ایران هنوز آن‌طور که باید جدی گرفته نمی‌شود، این بی‌توجهی به جایگاه تهیه‌کننده، علت اصلی نبود کارت رسمی و ساختار مشخص در این حرفه است. هنگامی که جایگاه یک فرد به‌طور دقیق مشخص نباشد، نمی‌توان از او توقع حرفه‌ای بودن داشت و به تبع آن، حمایت‌های لازم از وی صورت نمی‌گیرد. این وضعیت به تئاتر آسیب می‌زند و باعث می‌شود افرادی که با دلسوزی و سرمایه وارد این حرفه می‌شوند، در فضایی بی‌قاعده و بی‌پشتوانه فعالیت کنند و نتوانند از ظرفیت خود بهره‌برداری بهینه داشته باشند.

مسیر ورود به این حرفه روشن و سالم نیست

او ادامه داد: جایگاه تهیه‌کننده در تئاتر ایران هنوز به طور دقیق تعریف نشده است، بسیاری از افراد هنوز برداشت‌های مختلفی از این جایگاه دارند، برخی آن را صرفاً تأمین مالی می‌دانند و برخی دیگر آن را محدود به کارهای اجرایی می‌کنند. این برداشت‌های سلیقه‌ای باعث شده است نقش تهیه‌کننده در پروژه‌ها جدی گرفته نشود و حتی در برخی موارد نادیده گرفته شود. زمانی که چیزی به طور رسمی تعریف نمی‌شود، سلیقه‌ها به معیار و قانون تبدیل می‌شوند که این امر برای هیچ حرفه‌ای مطلوب نیست.

مجری طرح نمایش «ژن زامبی» بیان کرد: دلیل اینکه تنها تعداد محدودی از افراد در تئاتر کشور به‌طور مستمر تهیه‌کنندگی می‌کنند، به بی‌ثبات‌بودن ذاتی این حرفه بازمی‌گردد. نبود حمایت قانونی مشخص و نبود درآمد پایدار، باعث شده است فقط تعداد خاصی از افراد قادر به ادامه فعالیت در این زمینه باشند، این انحصار از نبود ساختار و نظارت صحیح نشئت می‌گیرد، وقتی مسیر ورود به این حرفه روشن و سالم نباشد، تنها عده‌ای خاص قادر خواهند بود راه خود را در این حوزه ادامه دهند.

او افزود: از دیگر مشکلات موجود در این حوزه، می‌توان به نبود نظارت و چارچوب قانونی اشاره کرد، این نبود نظارت باعث شده است برخی افراد که حتی از دانش و آگاهی لازم برخوردار نیستند، خود را تهیه‌کننده معرفی کنند و وارد پروژه‌ها شوند. این افراد ممکن است تنها سرمایه‌گذار باشند و بدون داشتن تخصص کافی، تصمیم‌هایی بگیرند که به پروژه آسیب وارد کند. این وضعیت به پایین آمدن کیفیت کار منجر می‌شود، چراکه نه کارگردان از حمایت کافی برخوردار است و نه گروه اجرایی در امنیت شغلی قرار دارند.

نقش تهیه‌کنندگان واضح تعریف شود

او ادامه داد: در مقایسه با سینما، جایگاه و نقش تهیه‌کننده در تئاتر ایران به مراتب کمرنگ‌تر است. در سینما، تهیه‌کننده نقشی اساسی و کلیدی ایفا می‌کند، اما در تئاتر هنوز این جایگاه به‌طور کامل برجسته نشده است. این امر ممکن است به این دلیل باشد که در تئاتر، از تهیه‌کننده توقع می‌رود بیشتر با عشق و علاقه کار کند، در حالی که واقعیت این است که تنها عشق کافی نیست. برای تقویت جایگاه تهیه‌کننده در تئاتر، باید نخستین گام این باشد که نقش این افراد به‌طور واضح و روشن تعریف و سپس حمایت‌های قانونی و حقوقی از تهیه‌کنندگان انجام شود.

تهیه‌کننده نمایش «کمدی مرد کمدی» خاطرنشان کرد: در وضعیت فعلی، ورود نیروهای تازه‌نفس و متخصص به حوزه تهیه‌کنندگی تئاتر بسیار دشوار است. نبود ساختار مشخص و نظارت‌های کافی باعث شده است کار جوانان به راحتی به‌رسمیت شناخته نشود. افرادی که استعداد و تخصص دارند، به دلیل عدم‌حمایت‌های لازم و مسیرهای شفاف، نمی‌توانند وارد این حرفه شوند. این فضا عمدتاً در دست افرادی است که تجربه طولانی یا ارتباطات گسترده دارند. اگر این فضا بازتر و مسیرهای ورود به این حرفه شفاف‌تر شود، قطعاً نیروهای جوان‌تر می‌توانند وارد این عرصه شوند و تحولی مثبت ایجاد کنند.

سیاوش عباسی در پایان تأکید کرد: پیشنهاد برای ایجاد یک ساختار مشخص، مانند صدور کارت تهیه‌کنندگی یا تشکیل صنف تهیه‌کنندگان تئاتر، می‌تواند گامی مهم در حرفه‌ای‌تر شدن تئاتر ایران باشد. با این اقدامات، تهیه‌کنندگان از یک‌سو باید استانداردهای خاصی را رعایت کنند و از سوی دیگر از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند. این اقدام نه تنها باعث جدی‌تر شدن جایگاه تهیه‌کننده خواهد شد، بلکه فضای تئاتر را به سمت حرفه‌ای‌تر شدن هدایت خواهد کرد، البته این امر نیازمند همکاری و هم‌افزایی نهادهای مختلف است تا بتوانند فرایند مذکور را به‌درستی آغاز کنند.

سینمای مستند

فرشاد افشین‌پور از کارگردانان سینمای مستند در گفت‌وگو با «جوان»:

مطالبات درباره ساخت آثار محیط زیستی افزایش داشته است

کارگردان «دنیای وحشی زاگرس» می‌گوید: فرهنگ‌سازی و توجه افکار عمومی نسبت به مسائل حیاتی از جمله حفظ محیط زیست وظیفه مهمی است که مستندسازان می‌توانند بخشی از آن را بر عهده بگیرند.

فرشاد افشین‌پور درباره افزایش مطالبات برای ساخت مستندهایی با مضمون محیط زیست و مسائل اقلیمی ایران گفت: تغییر به لحاظ فنی و تکنیکی به سرعت در حال انجام است و مطالبات و خواسته‌های جامعه به آن سرعت می‌بخشد. این روزها، انتظار و توقعی که از سوی فعالان محیط زیست و طبیعت دوستان از فیلمسازان می‌رود به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ۱۰سال پیش دیده می‌شد. باید اذعان کرد شناساندن استعدادها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی کشور و نمایاندن خطرها و تهدیدهای موجود، یکی از مهم‌ترین وظایف مستندسازان است و وظیفه دارند با تمام توان در این راه قدم بردارند.

او افزود: سمت دیگری از وظایف مربوط به مسئولان و متولیان فرهنگی و نیز زیست محیطی کشور است. اگر مسئولان بودجه کافی برای این امر تأمین و شرایط را برای ساخت فیلم مهیا کنند، مسلماً گشایش و پیشرفتی قابل توجه در امر مستندسازی ایجاد و به مثابه آن طبیعت با شکل بهتری حفظ می‌شود. اگر مسئولان بودجه‌های لازم را برای ساخت فیلم‌ها تأمین کنند فیلمساز خواهد توانست ایده‌های خود را به نمایش بگذارد و اهداف خود را پیاده کند.

کارگردان «سفر به آمادای» با بیان اینکه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ کوشش قابل توجه در سیمای استان‌ها به سینمای مستند شده بود و تولیدات فراوانی آنجا کلید خورد و روی آنتن رفت، گفت: از جمله این فیلم‌ها «پرندگان در سرزمین برف و آفتاب»، «سفر به آمادای»، «در جست‌وجوی پلنگ ایرانی»، «حیات در رگ‌های سرد» و «در پناه بلوط» بود و نهضت مستندسازی بزرگی با کمک مسئولان وقت سیمای استان‌ها در این زمینه شکل گرفت، اما متأسفانه در سال‌های اخیر این فعالیت‌ها متوقف شد و از مستندسازان حمایتی نشد.

او افزود: جای خوشبختی است که مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و آقای حمیدی‌مقدم، مدیر مرکز توجهی ویژه به مستندهای محیط زیست دارد و از ساخت فیلم مستند حیات‌وحش حمایت کرده است.

افشین‌پور گفت: متأسفانه بسیاری از این چالش‌های محیط زیستی خودساخته است و با بی‌تدبیری و اهمال انسان‌ها به وجود آمده است. امروز بحران‌های جدید و مختلفی به وجود آمده است، از آلودگی و پسماند تا موارد دیگر. اینکه ما نسبت به سایر کشورهای منطقه چالش‌های بیشتری داریم، جای اندیشه و تفکر بسیاری دارد. باید ببینیم چه اتفاقی افتاده است که این موضوع روی داده و هر چه سریع‌تر جلوی این بحران‌ها را بگیریم.

او گفت: فرهنگ‌سازی و تنویر افکار عمومی وظیفه مهمی است که بر عهده مستندسازان قرار گرفته است و باید در این زمینه اهتمام، تلاش و کوشش کنند. مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌ها و نهادها باید به این مقوله توجه جدی و نگاه ویژه داشته باشند. بهتر است سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری مستندسازان دست به تولید فیلم‌هایی بزند و بودجه لازم را برای این تولیدات فراهم آورد. سازمان‌ها و ارگان‌های دیگر باید با سازمان حفاظت محیط زیست و مستندسازان همکاری داشته باشند و آنها را در این راه کمک کنند.

افشین‌پور درباره فیلم جدیدش گفت: این روزها در مراحل پایانی ساخت فیلم مستند «البرز وحشی» به تهیه‌کنندگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هستم. تصویربرداری به پایان رسیده است. این فیلم به سیمای طبیعی و حیات‌وحش کوهستان البرز و استان‌های البرزنشین می‌پردازد و تصور می‌کنم جامع‌ترین و کامل‌ترین فیلمی باشد که در خصوص طبیعت و حیات‌وحش البرز ساخته می‌شود.

این کارگردان در پایان گفت: از مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی انتظار دارم همچنان به حمایت از سینمای مستند، به ویژه سینمایی که به محیط زیست می‌پردازد، ادامه دهد و نهضتی را که شروع کرده است، رها نکند. در تلاشم فیلمی ماندگار و در خور شأن طبیعت و حیات‌وحش ایران بسازم، این فیلم نیاز به بودجه‌ای چندمیلیاردی دارد. امیدوارم مدیران مرکز که همواره در کنار سینمای مستند هستند، نگاهی حرفه‌ای و حمایتی به این فیلم داشته باشند.

یادداشت

محمدرضا هادیلو

محیط زیست نیازمند نسخه‌ای شفابخش

ایران با تنوع زیستی و اکوسیستم‌های منحصربه‌فرد در دهه‌های اخیر با بحران‌های زیست‌محیطی گسترده‌ای روبه‌رو شده است. این چالش‌ها نه تنها سلامت انسان‌ها و گونه‌های جانوری را تهدید می‌کند، بلکه منجر به مهاجرت‌های اجباری، تشدید فقر و ناآرامی در حوزه‌های مختلف شده است.

بحران آب و خشکیدگی دریاچه‌ها و فرونشست از جمله چالش‌های زیست محیطی بسیار مهم در ایران به شمار می‌آید. دریاچه ارومیه که زمانی ششمین دریاچه بزرگ آب شور جهان بود، اکنون به بیابانی نمکی تبدیل شده است. خشک‌شدن آن ناشی از سدسازی‌های بی‌رویه، کشاورزی ناپایدار و تغییرات اقلیمی است. این وضعیت، خطر ایجاد طوفان‌های نمکی و مهاجرت میلیون‌ها نفر را افزایش داده است.

هامون در سیستان و بلوچستان سومین دریاچه بزرگ ایران است که به دلیل قطع حقابه رودخانه هیرمند از سوی افغانستان و مدیریت نادرست منابع آب داخلی، خشک شده است. این مسئله باعث تشدید طوفان‌های شن و افزایش بیماری‌های تنفسی در شرق کشور شده است.

فرونشست زمین دامان بسیاری از استان‌ها را گرفته است. به عنوان نمونه، برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی در دشت مشهد- چناران، این منطقه را به بحرانی‌ترین نقطه ایران از نظر فرونشست تبدیل کرده است. در اصفهان نیز فرونشست سالانه تا ۱۵ سانتیمتر ثبت شده که زیرساخت‌های شهری را تهدید می‌کند، اما آلودگی هوا در ابعاد مختلف آن نیز چالش دیگر محیط زیست به شمار می‌آید.

آلودگی هوا از تهران تا خوزستان راه نفس شهروندان را بسته است. حدود ۸۰درصد آلودگی هوای پایتخت ناشی از خودروهای فرسوده، موتورسیکلت‌ها و سوخت‌های کم‌کیفیت است. غلظت ذرات PM ۲/۵ اغلب فراتر از حد استانداردهای جهانی است. آلودگی ناشی از صنایع نفتی، ریزگردهای ناشی از خشک‌شدن تالاب هورالعظیم و رودخانه کارون، خوزستان را به یکی از آلوده‌ترین مناطق کشور تبدیل کرده است. این در شرایطی است که حدود ۹۰درصد شهرهای خوزستان با کمبود آب شرب سالم مواجهند.

در آذربایجان شرقی هم نیروگاه حرارتی تبریز با سوزاندن مازوت و خودروهای فرسوده، نقش اصلی در آلودگی هوای این کلانشهر دارند. روزانه ۸۵۰ هزار خودرو در خیابان‌های تنگ تبریز تردد می‌کنند.

کمی آن‌طرف‌تر جنگل‌های هیرکانی قرار دارند که ۴۰درصد از مساحت این جنگل‌های ۴۰ میلیون ساله در چهار دهه اخیر نابود شده است. قاچاق چوب، آتش‌سوزی‌های عمدی و تغییر کاربری زمین، اصلی‌ترین عوامل هستند.

جنگل‌های زاگرس در کردستان، کرمانشاه و لرستان هم حال خوبی ندارند چون آتش‌سوزی‌های مکرر، قطع درختان برای کشاورزی و چرای بی‌رویه دام، این اکوسیستم را به شدت آسیب‌پذیر کرده است. تنها در تابستان ۱۴۰۳، بیش از یکهزار و ۸۳۵ هکتار از جنگل‌های کردستان سوخت و خاکستر شد.

تالاب‌های خشکیده از دیگر اتفاقاتی هستند که حال محیط زیست را خراب کرده‌اند. تالاب گاوخونی در اصفهان و بختگان در فارس به دلیل انتقال آب به صنایع و کشاورزی ناپایدار خشک شده‌اند. این امر باعث از بین رفتن زیستگاه پرندگان مهاجر و تشدید ریزگردها شده است.

بی‌شک مدیریت ناکارآمد و سیاست‌های ناپایدار عامل بروز چنین اتفاقاتی است. ساخت بیش از ۶۵۰ سد در ایران، جریان طبیعی رودخانه‌ها را مختل کرده و استقرار صنایعی مانند فولاد و پتروشیمی در مناطق کم‌آب فشار بر منابع آبی را افزایش داده است.

احداث خانه‌های سازمانی جدید فراجا در چهارمحال و بختیاری

چهارمحال و بختیاری

پروژه بزرگ ۴۵۰ واحدی مجتمع مسکونی ویژه کارکنان فراجا در شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در حال اجراست و به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

فرمانده انتظامی استان چهارمحال و بختیاری در جریان سفر سردار احمدرضا رادان، فرمانده انتظامی کشور به شهرکرد گفت: از زمان تشکیل قرارگاه جهادی، در راستای تأمین مسکن سازمانی برای کارکنان انتظامی استان، طرح ساخت ۵۴۷ واحد مسکونی کلید خورده که از این تعداد، ۴۱ واحد تعمیر و آماده بهره‌برداری شده و مابقی نیز با پیشرفت فیزیکی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد در حال ساخت هستند.

سردار حسین امجدیان با بیان اینکه پروژه بزرگ مجتمع مسکونی ۴۵۰ واحدی در شهرکرد، در زمینی به مساحت ۵ هکتار در حال اجراست، افزود: با پیگیری‌های مستمر و برگزاری جلسات با دستگاه‌های ذیربط، کاربری این زمین از اداری و انتظامی به مسکونی تغییر یافته و همین امر موجب تسریع روند اجرای پروژه شده است.

وی ادامه داد: این مجتمع در قالب ۱۱ بلوک هشت طبقه با زیربنای ۷۲ هزار متر مربع و عملیات خاک برداری و سنگ‌برداری به حجم ۲۵۰ هزار متر مکعب طراحی شده که مراحل پایانی آن در کمتر از چهار ماه به سرانجام رسیده است. این مسئول انتظامی تصریح کرد: این مجتمع دارای امکاناتی نظیر پارکینگ، انبار، فضاهای آموزشی و ورزشی، فضای بازی کودکان، نمازخانه، فضاهای مذهبی و پارکینگ روباز برای میهمانان خواهد بود.

سردار امجدیان با بیان اینکه مبلغ قرارداد این پروژه هزار و ۶۴۰ میلیارد تومان است، افزود: بهره‌برداری از این پروژه تا پایان سال جاری هدفگذاری شده است. به گفته وی تأمین اعتبار این پروژه از محل مولدسازی، تهاتر املاک و استفاده از اعتبارات عمرانی فراجا در حال انجام است.

فرمانده انتظامی استان چهارمحال و بختیاری همچنین از پیش‌بینی تهیه زمین در شهرستان‌های شهرکرد، بروجن، اردل، کیار، فلارد و لردگان به مساحت ۸ هزار و ۵۹۰ متر مربع برای ساخت ۱۸۴ واحد مسکونی سازمانی خبر داد و افزود: کارهای اداری این زمین‌ها انجام شده و مراحل طراحی و نقشه‌کشی برای ساخت این واحدها نیز در دست اقدام است. سردار امجدیان تأکید کرد: هدف ما تحویل سریع و باکیفیت این پروژه‌ها با همکاری مسئولان استانی، خیران و حمایت‌های مسئولان عالیرتبه کشور است.

راه‌اندازی نخستین مرکز آموزش انرژی‌های تجدیدپذیر در خرمشهر

خوزستان

در راستای بهینه‌سازی مصرف انرژی، نخستین مرکز آموزش انرژی‌های تجدیدپذیر در شهرستان خرمشهر استان بوشهر راه‌اندازی شد.

معاون آموزش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در سفر به استان خوزستان با اشاره به راه‌اندازی نخستین مرکز آموزش انرژی‌های تجدیدپذیر و نو در خرمشهر با هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی گفت: این مرکز با هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی، اجرای ممیزی انرژی، کاهش مصرف و همچنین تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه انرژی‌های نو و تجدیدپذیر فعالیت خود را آغاز کرده است. سیدجمیل احمدی همچنین از توسعه زیرساخت‌های آموزشی در این حوزه خبر داد و افزود: بر اساس این تفاهمنامه، بیش از ۱۰ کارگاه تخصصی دیگر در سراسر کشور تکمیل و تجهیز خواهند شد تا آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین انرژی در سطح ملی توسعه یابد. وی توضیح داد: انرژی تجدیدپذیر انرژی تولید شده از منابعی مانند خورشید و باد است که به طور طبیعی دوباره جایگزین می‌شوند و تمام نمی‌شوند.

مریوان و مرز باشماق، موتور محرک توسعه اکوتوریسم کردستان

با تأمین زیرساخت‌ها، مریوان در حوزه‌های مختلف گردشگری، تجارت و اقتصاد حرف‌های زیادی برای گفتن دارد

گزارش
شهرزاد رحمتی‌پور

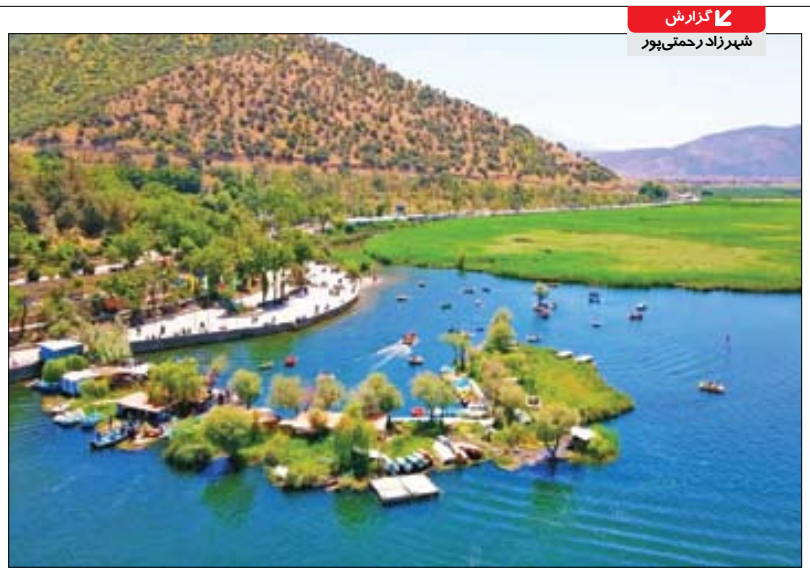

مرز بین‌المللی باشماق مریوان در استان کردستان به عنوان یکی از پرتردد‌ترین مرزهای غرب کشور، نقش کلیدی در مبادلات تجاری و اقتصادی ایران به خصوص با اقلیم کردستان عراق دارد، اما مشکلات انباشته شده طی سال‌ها این مرز را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است؛ از نبود زیرساخت‌های اساسی گرفته تا ضعف در ارائه خدمات به گردشگران. این مرز با ظرفیت‌های طبیعی می‌تواند به موتور محرک توسعه اکوتوریسم در کردستان تبدیل شود اما حجم بالای تردد و چالش‌های زیست‌محیطی ناشی از آن نیازمند اتخاذ تدابیر هوشمندانه است.

مرز باشماق مریوان، با ظرفیت‌های بی‌بدیل طبیعی و موقعیت استراتژیک خود می‌تواند به موتور محرک توسعه اکوتوریسم در استان کردستان تبدیل شود، با این حال حجم بالای تردد و چالش‌های زیست‌محیطی ناشی از آن ضرورت اتخاذ تدابیر فوری و هوشمندانه را برای حفاظت از این گنجینه طبیعی دوچندان می‌کند.

چند روز پیش بود که جلسه‌ای با حضور نمایندگان ارتش، پایانه مرزی، دانشگاه و اداره حفاظت محیط زیست مریوان برگزار شد تا راهکارهایی برای بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت‌ها و مقابله با تهدیدات بررسی شود.

نکته حائز اهمیت در مورد باشماق اینکه به عنوان سومین مرز مهم کشور، روزانه شاهد تردد هزاران گردشگر و صدها کامیون است. در این میان، حضور بیش از ۸۰۰ تانکر حامل مواد و مشتقات نفتی و اسیدی، نگرانی‌های جدی را برای محیط زیست منطقه ایجاد کرده است.

این تانکرها از کنار پناهگاه حیات وحش و تالاب بین‌المللی زریبار، یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های طبیعی کشور عبور می‌کنند، این تردد فزاینده، خطر آلودگی و تخریب این اکوسیستم حساس را به شدت افزایش می‌دهد و رعایت دقیق نکات ایمنی و کنترل مستمر، امری حیاتی محسوب می‌شود.

از همین رو، تأکید بر اطلاع‌رسانی به رانندگان و شرکت‌های حمل و نقل در خصوص رعایت استانداردهای ایمنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر تهدیدات ناشی از تردد تانکرهای سوخت، وضعیت نامناسب زیرساخت‌های پایانه مرزی باشماق نیز چالش‌هایی را به همراه دارد. خاکی بودن محوطه و نبود فضای سبز کافی، نه تنها بر منظر بصری پایانه تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند موجب افزایش گرد و غبار و مشکلات تنفسی برای کارکنان و مسافران شود.

> **در بحث گردشگری تفریحی و گردشگری سلامت، روزانه افراد بسیاری از طریق مرز باشماق مریوان وارد ایران می‌شوند، با این حال بی‌برنامگی زیادی در حوزه حمل و نقل و حتی اسکان آنها وجود دارد و به نوعی یک باند دلالی در مرز شکل گرفته که گردشگران را آزرده خاطر می‌کند**

همچنین مدیریت پسماند در این منطقه پرتردد از دیگر دغدغه‌هایی است که در جلسه اخیر مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. ساماندهی این موارد و ایجاد فضایی سبز و بهداشتی، گامی اساسی در جهت ارتقای کیفیت محیطی پایانه و افزایش جذابیت آن برای گردشگران خواهد بود.

مهدی بالیده، رئیس اداره حفاظت محیط زیست مریوان ابراز امیدواری کرد با همفکری و توجه بیشتر به اصل مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست، بتوان با تلاش مضاعف، همکاری و همدلی، در راستای حفاظت از محیط زیست موفق عمل کرد. در همین راستا، مدیر پایانه مرزی باشماق از حضور معاون وزیر در این منطقه و تلاش برای رفع مشکلات موجود خبر داد که نویدبخش اتخاذ اقدامات عملی و فوری در این زمینه است و رئیس گروه ژئوپلتیک دانشگاه خوارزمی نیز بر لزوم استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های منطقه و مرز باشماق با رویکردی متناسب با اقتصاد و محیط زیست تأکید کرد و معتقد است این نگاه به معنای برنامه‌ریزی برای توسعه‌ای است که هم مزایای اقتصادی به همراه داشته باشد و هم آسیبی به محیط زیست وارد نکند.

■ فصلی تازه در روابط اقتصادی

فرماندار شهرستان مریوان با تأکید بر اینکه مرزها نقطه عطف توسعه اقتصادی با کشورهای همسایه هستند و روابط استراتژیکی که بین ایران و اقلیم کردستان عراق وجود دارد، فرصت بزرگی است تا این روابط را عمق بخشیم، می‌گوید: «با این حال مشکلاتی در این حوزه وجود دارد که بخشی از آنها نیاز به رایزنی در حوزه کلان کشوری برای رفع و بهبود وضعیت دارد و بخشی نیز از سوی مسئولان خود استان کردستان قابل حل است.»

نژاد جهانی ادامه می‌دهد: «البته بخشی از مشکلات نیز که از سال‌ها قبل در این مرز باقی‌مانده، مربوط به بخشنامه و دستورالعمل‌هایی است که نیاز است در نشست‌های مختلف مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. اگر بتوان اهمیت این روابط استراتژیک را به خوبی تشریح کرد می‌توان فصلی تازه در روابط اقتصادی ایران و اقلیم کردستان عراق ایجاد کرد.»

مریوان و مرز باشماق توانایی و ظرفیت این را دارند که در حوزه‌های مختلف گردشگری مانند گردشگری سلامت، گردشگری ورزشی، گردشگری طبیعت، گردشگری آموزشی، گردشگری ورزش‌های هیجانی و... و حتی ترانسفر گردشگران به دیگر نقاط گردشگری کشور سرآمد باشند، اما متأسفانه بسترهای لازم تا امروز فراهم نشده است و مسئولان امیدوارند با ورود بخش خصوصی بتوانند این بسترها را فراهم کنند.

در بحث گردشگری تفریحی و گردشگری سلامت، روزانه افراد بسیاری از طریق مرز باشماق مریوان وارد ایران می‌شوند، با این حال بی‌برنامگی زیادی در حوزه حمل و نقل و حتی اسکان آنها وجود دارد و به نوعی یک باند دلالی در مرز شکل گرفته که گردشگران را آزرده خاطر می‌کند.

در همین رابطه فرمانده مریوان با بیان اینکه متأسفانه در بسیاری از مواقع کاری را شروع می‌کنیم که هنوز زیرساخت و ظرفیت‌های لازم پیشبرد اهداف آن کار احداث نشده است، می‌گوید: «کارهایی در گذشته در حوزه حمل و نقل و هتلینگ برای مسافران انجام شده است اما شایسته و در شأن مسافران و گردشگران خارجی نیست و نه تنها در مرز، بلکه در خود مریوان هم این امکانات فراهم نشده است. مریوان ظرفیت‌های طبیعی بسیاری در حوزه گردشگری دارد اما این ظرفیت‌ها به خوبی ساماندهی نشده‌اند و امکانات و زیرساخت‌ها در حد گردشگران داخلی هم نیست چه برسد به گردشگران خارجی، از این رو به دنبال این هستیم تا زیرساخت‌هایی را ابتدا در مرز باشماق فراهم کنیم.»

وی می‌افزاید: «در مرحله بعد به دنبال ایجاد زیرساخت و ارائه خدمات عام در داخل شهر مریوان هستیم که بسیار ضعیف است و به عنوان مثال یک پایانه مسافربری مناسب در این شهر وجود ندارد. اگر بتوانیم سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را جذب این حوزه کنیم می‌شود ظرفیت‌های بالقوه را به ظرفیت‌های بالفعل تبدیل کرد اما بدون ورود بخش خصوصی باید اعتراف کنم کار بسیار سخت است، چراکه بودجه دولتی نمی‌تواند این همه مشکل را که در مریوان وجود دارد حل کند.»

نباید فراموش کرد با ابراز امیدواری‌ها و تقدیر و تشکر از یکدیگر، مشکلات رفع نمی‌شوند و اگر برنامه‌ریزی درست و مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست وجود نداشته باشد، هر روز وضعیت بدتر از این خواهد شد.

در مجموع، مرز باشماق مریوان، با وجود چالش‌های موجود، فرصت بی‌نظیری برای ایجاد سازوکار اکوتوریسم و توسعه پایدار در استان کردستان محسوب می‌شود و دستیابی به این مهم، مستلزم تعهد تمامی دستگاه‌ها، رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در تمامی مراحل توسعه و مشارکت فعالانه مردم در حفاظت از میراث طبیعی این منطقه است.

آغاز ساماندهی گلزار شهدای شیراز با طراحی جدید

فارس

با هدف ترویج و توسعه فرهنگ شهید و شهادت، ساماندهی گلزار شهدای شیراز با طراحی جدید آغاز شد.

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران فارس از آغاز طرح ساماندهی گلزار شهدای دارالرحمه شیراز خبرداد و گفت: این طرح با هدف حفظ شأن و جایگاه شهدا، ترویج و توسعه فرهنگ شهید و شهادت در حال اجراست. ابراهیم بیانی گفت: ساماندهی مزار مطهر شهدای گلزار دارالرحمه شیراز یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بنیاد شهید در سال جاری است که با همکاری شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز درحال انجام است.

وی افزود: در مرحله نخست ساماندهی قطعه حسین بن علی (ع) که ۱۵۶ شهید در آن مدفون هستند از نظرات جمعی از خانواده‌های معظم شهدا، مردم، هنرمندان و طراحان بهره بردیم که در نهایت یک طرح به عنوان الگوی نهایی انتخاب شد. این مسئول گفت: در طراحی جدید، محدوده‌ای مشخص با دیواری زیبا و مزین به درهایی با نام‌های مقدس از جمله «باب فاطمه زهرا (س)» و «باب امیرالمؤمنین (ع)» برای ورود مردم به صحن اصلی گلزار در نظر گرفته شد.

افتتاح و کلنگ‌زنی چند طرح آموزشی در جنوب کرمان

کرمان

در سفر وزیر آموزش و پرورش به جنوب کرمان یک باب مدرسه ۹ کلاسه کلنگ‌زنی شد و خوابگاه دخترانه عشایری به بهره‌برداری رسید.

وزیر آموزش و پرورش در جلسه شورای آموزش و پرورش شهرستان‌های کهنوج، منوجان، رودبارجنوب، جازموریان، فاریاب و قلعه گنج که با حضور استاندار کرمان برگزار شد، از تکمیل طرح‌های نیمه تمام در این استان خبرداد و افزود: به‌زودی تعداد ۳۵ باب مدرسه و ۱۵۰ کلاس درس تکمیل خواهد شد. علیرضا کاظمی ادامه داد: برای تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی ۱۵ میلیارد تومان اختصاص می‌دهیم و ۱۰۰ کلاس درس را هوشمندسازی کامل خواهیم کرد. وی تصریح کرد: ۱۵ میلیارد تومان برای تأمین وسایل سرمایشی و ۱۰ میلیارد تومان هم برای سر و سامان دادن به سرویس بهداشتی‌ها اختصاص می‌دهیم. وزیر آموزش و پرورش همچنین در مراسم کلنگ‌زنی یک باب مدرسه ۹ کلاسه و افتتاح خوابگاه دخترانه عشایری از بازسازی و اصلاح ۷۰ کلاس درس خبر داد و افزود: مبلغ ۱۲ میلیارد تومان برای ۳۰ هزار متر مربع آسفالت و ایزوگام مدارس منطقه جنوب کرمان اختصاص خواهیم داد.

نیروگاه زباله‌سوز ساری به زودی تکمیل می‌شود

مازندران

در راستای دفن بهداشتی زباله و تولید برق در ساری به‌زودی نیروگاه زباله‌سوز این شهرستان در استان مازندران وارد مدار تولید می‌شود.

استاندار مازندران با بیان اینکه به همت دولت چهاردهم، هزار میلیارد ریال اعتبار برای تکمیل بخش ابنیه نیروگاه زباله‌سوز ساری تخصیص یافت، گفت: این نیروگاه با هدف دفن بهداشتی زباله‌ها و تولید برق در حال احداث است. مهدی یونسی میانگین پیشرفت فیزیکی نیروگاه زباله‌سوز ساری در بخش ساخت ابنیه و ورود تجهیزات را ۹۷ و در بخش نصب تجهیزات ۹۱ درصد اعلام کرد و افزود: با توجه به درصد بالای میانگین پیشرفت فیزیکی، خرید سه کانتینر تابلوی برق فشار ضعیف با جدیت در دستور کار است و هم اکنون از بندر دبی در کشور امارات در حال حرکت به سمت بندرعباس بوده و در آینده نزدیک از محل سایت حمل خواهد شد. وی مدت زمان مورد نیاز برای تکمیل نیروگاه زباله‌سوزی ساری را در بخش ابنیه دو ماه و در بخش تجهیزات را نیز چهار ماه اعلام کرد. این مسئول تصریح کرد: برای تکمیل نیروگاه زباله‌سوز ساری سرمایه‌گذاری مشارکتی در نظر گرفته شد.

خبر

نوزادان خراسان جنوبی غربالگری شنوایی می‌شوند

خراسان جنوبی

در راستای شناسایی نوزادانی که در بدو تولید دچار مشکلات شنوایی هستند، همه آنها پس از تولد در مراکز درمانی استان خراسان جنوبی شنوایی سنجی می‌شوند.

مدیرکل بهزیستی خراسان جنوبی گفت: با همکاری معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، تمامی نوزادان در بدو تولد قبل از ترخیص شنوایی سنجی می‌شوند.

دکتر وحیدرضا گازرانی با اشاره به اینکه به دلیل کمبود مجری شنوایی شناس در شهرستان‌های بیرجند، قائن، طبس، بشرویه، فردوس و سرایان به صورت ثابت در طول سال در پایگاه‌های غربالگری دائمی شنوایی زیرمجموعه بهزیستی غربالگری انجام می‌شود، افزود: در نیمه دوم سال با همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان و اداره آموزش و پرورش استثنایی در کودکستان‌ها این طرح اجرا می‌شود.

وی تصریح کرد: از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ و در قالب اجرای این طرح، ۳۱ هزار و ۲۵۷ کودک ۳ تا ۵ سال تحت پوشش قرار گرفته‌اند که ۶۹۲ کودک دارای افت شنوایی و ۲۰ نفر نیز نیازمند سمعک دولتی بوده‌اند. این مسئول گفت: سال گذشته ۸ هزار و ۲۵۲ کودک تحت پوشش طرح غربالگری شنوایی پیش دبستانی قرار گرفته‌اند.

کاهش ۳۸ درصدی کشته‌های حوادث رانندگی درون شهری استان مرکزی

مرکزی

به گفته رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی استان مرکزی تعداد متوفیان حوادث رانندگی درون شهری این استان در دو ماه گذشته نسبت به مدت مشابه قبل ۳۸ درصد کاهش پیدا کرده است.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی استان مرکزی با اشاره به کاهش ۳۸ درصدی تعداد متوفیان حوادث رانندگی درون شهری در دوماه گذشته نسبت به مدت مشابه افزود: تعداد مجروحان حوادث رانندگی درون شهری نیز در این مدت ۲ درصد افزایش داشته است. همچنین در این مدت ۷۹۲ فقره تصادف جرحی رخ داده که بر اثر آن ۸۴۴ نفر دچار جراحت شده‌اند. سرهنگ محمد پورشمس ادامه داد: وضعیت تصادفات استان مرکزی در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد در این مدت هزار و ۷۷ نفر درون شهرها جان خود را از دست داده‌اند.

وی با بیان اینکه ۷۰ درصد کشته‌شدگان حوادث رانندگی درون شهری این استان عابران پیاده و موتورسیکلت سواران هستند، گفت: ۲۰ درصد متوفیان در سنین ۷۱ تا ۸۰ سال قرار دارند و بقیه در سنین جوانی هستند. این مسئول انتظامی استان مرکزی یادآور شد: ۵ هزار و ۳۰۰ نفر در حوادث رانندگی درون شهری این استان مجروح شدند و ۹۶ نفر نیز فوت کردند. سرهنگ پورشمس با بیان اینکه یک میلیون و ۹۰۰ هزار تخلف رانندگی نیز سال گذشته برخورد و اعمال قانون شد، تصریح کرد: از این تعداد ۱۰۲ هزار تخلف حادثه‌ساز بود.

به گفته وی، بیش از ۸۰ درصد متوفیان حوادث رانندگی این استان در شهرهای اراک و ساوه است. فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی استان مرکزی تصریح کرد: شهرداری‌های استان باید در موضوع کنترل و مدیریت ترافیک جدی‌تر وارد عمل شوند و هوشمندسازی واقعی در این زمینه رقم بزنند.

گذری بر استان‌ها

■ **البرز:** سرپرست اداره کل ورزش و جوانان استان البرز در ادامه با اشاره به میزبانی موفق البرز از مسابقات بیسبال غرب آسیا گفت: در اردیبهشت ماه موفق به میزبانی رویدادی بسیار مهم برای ورزش استان و کشور شدیم. ما توانستیم در زمینه آماده‌سازی ورزشگاه، نمره ۹۹ از ۱۰۰ و در بحث اجرایی نیز امتیاز بالای ۷۵ را از سوی کنفدراسیون آسیا دریافت کنیم. این موفقیت، نتیجه همدلی و حمایت بین دستگاهی بود. حمیدرضا رضایی از برنامه‌ریزی برای میزبانی چند رویداد بین‌المللی در رشته‌هایی نظیر تنیس، تکواندو و تنیس روی میز طی ماه‌های آینده خبر داد و افزود: نقش ورزش و جوانان در ارتقای سرمایه اجتماعی غیرقابل انکار است و این نقش تنها در سایه حمایت نهادهای بالادستی از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند پررنگ‌تر شود.

■ **سمنان:** مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان سمنان گفت: مجموعاً ۵ هزار و ۵۰۰ خانواده زندانی در استان سمنان تحت پوشش خدمات انجمن حمایت از زندانیان هستند. امید کهربایی با اشاره به اینکه در یک سال اخیر با کمک نهادهای حمایتی، دستگاه قضا، خیران و مسئولان در مجموع بیش از ۸ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و غیرنقدی به خانواده‌های تحت پوشش استان انجام شده است، افزود: در سال گذشته با تلاش‌های انجام شده برای ۱۶۰ خانواده زندانیان اشتغال‌های خرد و خانگی ایجاد و به ۱۰۰ خانواده تحت پوشش تسهیلات اشتغال خانگی، در مجموع مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌ایم.

■ **خراسان شمالی:** رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی بجنورد گفت: بر اثر خشکسالی و کاهش شدید بارندگی‌ها در سال زراعی جاری، ۶۲ هزار هکتار از گندمزارهای خراسان شمالی به‌طور کامل نابود و حدود ۶۰ درصد گندم دیم و آبی استان از چرخه خارج شد. محمد محمدی افزود: بر اساس برآوردها، ۵۰ هزار هکتار از مزارع دیم و همچنین ۱۳ هزار هکتار از اراضی آبی استان در سال جاری با خسارت صددرصدی روبه‌رو شده‌اند.

■ **همدان:** رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان در همایش از «شفا تا قانون» از برگزاری رویدادهای علمی با محوریت فلسفه، اخلاق و پزشکی با عنوان کنگره اخلاق پزشکی در شهریورماه امسال خبر داد. بهروز کارخانه‌ای با اشاره به برگزاری همایشی همزمان با روز پزشک افزود: این رویداد با همکاری سازمان نظام پزشکی همدان و با موضوع «علوم انسانی در پزشکی» برگزار و با استقبال گسترده مواجه شد به‌گونه‌ای که بیش از ۷۰۰ نفر در آن شرکت کردند.

■ **هرمزگان:** مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمزگان گفت: بیش از ۲ میلیون و ۲۲۸ هزار تن انواع کالای نفتی و غیرنفتی در دو ماهه امسال در بنادر غرب این استان تخلیه و بارگیری شد. مرتضی سالاری افزود: از مجموع عملیات تخلیه و بارگیری انجام شده، یک میلیون و ۱۷۰ هزار و ۱۸۷ تن با افزایش ۲۶ درصدی مربوط به کالاهای غیر نفتی و یک میلیون و ۵۸ هزار و ۵۶ تن نیز با افزایش ۲۱ درصدی به فرآورده‌های نفتی اختصاص دارد.

■ **فارس:** شهردار شیراز از رونمایی المان و یادمان عاشورایی در میدان امام حسین(ع) همزمان با اربعین حسینی خبر داد و گفت: این اثر با الهام از فرهنگ عاشورایی طراحی شده است و نماد هویت دینی و فرهنگی این کلانشهر خواهد بود. محمدحسن اسدی افزود: نصب المان مذهبی در این کلانشهر اقدامی برای ارج نهادن به باورهای مذهبی شهروندان به‌شمار می‌رود.

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت‌ماه همزمان با میلاد با سعادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و در سالی که با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند. ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات الهام‌بخش، محورهایی مهم همچون ارزش‌گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت‌افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیط کار و توجه به تنوع نیروی کار با نگاهی آینده‌نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند، مسائلی که می‌توانند نقشه راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاستگذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود. چهارمین گزارش به امنیت شغلی کارآفرین می‌پردازد.

گزارش

هادی اسماعیلی

فرزاده منتی | تسنیم

سلسله گزارش‌های «جوان» درباره مسائل کارگری - ۴

امنیت شغلی کارآفرینان رؤیای دست‌نیافتنی نیست!

کارآفرینان با خلاقیت و ریسک‌پذیری امنیت شغلی را باز تعریف می‌کنند و آینده‌ای متفاوت می‌سازند اما آیا این مسیر پرچالش، ثبات واقعی را تضمین می‌کند؟

«جهان را تغییر بده اما اول خودت را نجات بده!» این شعار نانوشته کارآفرینان است که با جسارت قدم در مسیری ناشناخته می‌گذارند. کارآفرینی، برخلاف مشاغل سنتی، وعده ثبات نمی‌دهد اما رؤیای خلق ارزش را در دل‌ها زنده می‌کند. امنیت شغلی برای کارآفرین، نه در قراردادهای ثابت، بلکه در توانایی سازگاری با طوفان‌های اقتصادی و نوآوری مداوم نهفته است. این مسیر، پر از فراز و نشیب، گاهی به قله‌های موفقیت ختم می‌شود و گاهی به دره‌های شکست. اما چه چیزی کارآفرینان را به ادامه این راه پرمخاطره وا می‌دارد؟ آیا امنیت شغلی در دنیای کارآفرینی، افسانه‌ای دست‌نیافتنی است یا واقعیتی که با تلاش و هوشمندی ساخته می‌شود؟ این پرسش همچنان وجود دارد که چگونه کارآفرینان کشورمان با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، تا امنیت شغلی خود را در جهانی پرتلاطم تضمین کنند؟

■■■

کارآفرینی، برخلاف تصور رایج، نه تنها راهی برای فرار از ناامنی شغلی نیست، بلکه خود می‌تواند منشأ مخاطرات جدیدی باشد. در دنیای مدرن، جایی که تغییرات اقتصادی و فناوری با سرعتی سرسام‌آور پیش می‌روند، کارآفرینان در خط مقدم این تحولات ایستاده‌اند. آنها نه تنها با رقبای داخلی و خارجی، بلکه با موانع ساختاری مانند قوانین پیچیده، تحریم‌ها و بی‌ثباتی بازار مواجه‌اند. در کشورمان، این چالش‌ها دوچندان است. دسترسی محدود به سرمایه، زیرساخت‌های ناکافی و نوسانات اقتصادی، کارآفرینان را در تنگنای دائمی قرار می‌دهد. با این حال، کارآفرینی به معنای تسلیم شدن نیست. کارآفرینان موفق، امنیت شغلی را در توانایی خود برای خلق فرصت‌ها می‌یابند. آنها به جای وابستگی به یک کارفرما، خود خالق شغل می‌شوند. نمونه‌های موفق استارتاپ‌های ایرانی نشان می‌دهند، حتی در شرایط دشوار، می‌توان با خلاقیت و پشتکار، کسب‌وکارهایی پایدار ایجاد کرد. اما این پایداری به چه قیمتی به دست می‌آید؟

کارآفرینان برای رسیدن به امنیت شغلی، باید مهارت‌های چندگانه‌ای را در خود پرورش دهند: از مدیریت مالی و بازاریابی گرفته تا تاب‌آوری روانی در برابر شکست‌ها. برخلاف کارمندان که امنیت شغلی‌شان به قراردادهای سازمانی وابسته است، کارآفرینان خود مسئول سرنوشت‌شان هستند. مدیریت ریسک، کلید موفقیت در این مسیر است. در کشورمان، نوسانات ارزی، تورم و تغییرات ناگهانی سیاست‌های اقتصادی می‌توانند یک کسب‌وکار نوپا را به سرعت نابود کنند. کارآفرینان موفق با تنوع‌بخشی به محصولات، بهره‌گیری از فناوری و ایجاد شبکه‌های همکاری، آسیب‌پذیری خود را کاهش می‌دهند. برای مثال، کسب‌وکارهای کوچک در حوزه صنایع دستی با استفاده از سکوهای برخط (پلتفرم‌های آنلاین)، توانسته‌اند بازارهای بین‌المللی را هدف قرار دهند و از این طریق، امنیت شغلی خود را تقویت کنند.

دولت نیز در سال‌های اخیر با ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تسهیلات بانکی، تلاش‌هایی برای حمایت از کارآفرینان انجام داده است. اما این حمایت‌ها اغلب با دیوان‌سالاری پیچیده و عدم شفافیت همراه‌اند. بسیاری از کارآفرینان معتقدند قوانین دست‌وپاگیر و نبود زیرساخت‌های مناسب، بیش از آنکه کمک کنند، مانع رشد کسب‌وکارها می‌شوند. با این حال، کارآفرینانی که با تکیه بر خلاقیت و نوآوری، جایگاهی در بازار پیدا کرده‌اند، نشان داده‌اند امنیت شغلی در کارآفرینی، دستاوردی است که با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید.

■ **بازتعریف امنیت شغلی در دنیای کارآفرینی**

امنیت شغلی در کارآفرینی، مفهومی چندوجهی است که فراتر از درآمد ثابت یا بیمه تأمین اجتماعی تعریف می‌شود. کارآفرینان، به جای تکیه بر ساختارهای سنتی، امنیت را در شبکه‌سازی، یادگیری مداوم و انعطاف‌پذیری می‌جویند. در جهانی که مشاغل سنتی به دلیل اتوماسیون و تغییرات اقتصادی در معرض خطرند، کارآفرینان با خلق ارزش‌های جدید، خود را از این تهدیدات مصون می‌دارند. انعطاف‌پذیری، رمز ماندگاری کارآفرینی است. در ایران اسلامی ما، کارآفرینان باید دائماً خود را با تغییرات محیطی هماهنگ کنند. برای مثال، در دوران همه‌گیری کرونا، بسیاری از کسب‌وکارهای سنتی از بین رفتند اما کارآفرینانی که به سرعت به سمت پلتفرم‌های دیجیتال و فروش برخط (آنلاین) حرکت کردند، نه تنها دوام آوردند، بلکه بازار خود را گسترش دادند.

شبکه‌سازی نیز نقشی حیاتی در تأمین امنیت شغلی دارد. کارآفرینان موفق، اکوسیستمی از شرکا، مشتریان و حتی رقبا می‌سازند که در مواقع بحران به کمک‌شان می‌آید. در کشورمان، این شبکه‌سازی گاهی به شکل غیررسمی و از طریق روابط شخصی شکل می‌گیرد. برای مثال، کارآفرینان در حوزه کشاورزی با ایجاد تعاونی‌ها، توانسته‌اند ریسک‌های مالی و بازار را به اشتراک بگذارند و امنیت شغلی خود را تقویت کنند. یادگیری مداوم، یکی دیگر از ارکان موفقیت است. در دنیایی که فناوری هر روز چهره‌ای جدید به خود می‌گیرد، کارآفرینانی که از یادگیری بازمی‌مانند، به سرعت از گردونه رقابت خارج می‌شوند. کارآفرینان ایرانی، به‌ویژه در حوزه فناوری، با مطالعه روندهای جهانی و تطبیق آنها با نیازهای محلی، کسب‌وکارهایی پایدار ایجاد کرده‌اند. برای نمونه، استارتاپ‌های فین‌تک در کشورمان با ارائه راهکارهای پرداخت دیجیتال، توانسته‌اند نیازهای روزمره مردم را برآورده کنند و در عین حال، امنیت شغلی خود را تضمین کنند. اما کارآفرینی بدون چالش‌های روانی ممکن نیست. استرس، اضطراب و ترس از شکست، همراهان همیشگی کارآفرینان‌اند. در کشورمان، این فشارها ممکن است با مشکلات اقتصادی و اجتماعی تشدید شوند. با این حال، کارآفرینان موفق، این چالش‌ها را به عنوان بخشی از مسیر رشد می‌پذیرند. آنها می‌دانند، امنیت شغلی، نه در ثبات محیط، بلکه در توانایی آنها برای مدیریت بحران‌ها نهفته است.

■ **تلاش برای آینده**

کارآفرینی در کشورمان، بیش از هر جای دیگر، نیازمند روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر است. در کشوری که اقتصاد آن تحت‌تأثیر تحریم‌های تحمیلی، تورم و بی‌ثباتی قوانین قرار دارد، کارآفرینان باید با موانع بی‌شماری دست‌وپنجه نرم کنند. با این حال، همین شرایط دشوار، فرصتی برای نوآوری و خلاقیت فراهم کرده است. کارآفرینان ایرانی با تکیه بر منابع بومی و دانش محلی، توانسته‌اند کسب‌وکارهایی خلق کنند که نه تنها در بازار داخلی، بلکه در سطح جهانی نیز رقابت‌پذیرند. یکی از حوزه‌های موفق کارآفرینی در کشورمان، فناوری اطلاعات است. استارتاپ‌هایی با درک نیازهای جامعه ایرانی، توانسته‌اند جای خود را در زندگی روزمره مردم باز کنند. این کسب‌وکارها نشان می‌دهند امنیت شغلی در کارآفرینی، تنها به درآمد وابسته نیست، بلکه به توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و خلق ارزش‌های پایدار گره خورده است. حمایت اجتماعی و فرهنگی نیز در موفقیت کارآفرینان نقش دارد. در سال‌های اخیر، تغییر نگرش جامعه نسبت به کارآفرینی، به‌ویژه در میان نسل جوان، انگیزه‌ای مضاعف برای نوآوران ایجاد کرده است. جوانان ایرانی دیگر کارآفرینی را تنها یک شغل نمی‌دانند، بلکه آن را راهی برای تحقق رؤیاها و ساختن آینده‌ای بهتر می‌بینند. با این حال، برای تقویت امنیت شغلی کارآفرینان، نیاز به اصلاحات ساختاری است. ساده‌سازی قوانین، بهبود دسترسی به سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های فناوری می‌تواند راه را برای رشد کسب‌وکارها هموار کند. دولت و بخش خصوصی باید دست در دست هم دهند تا اکوسیستم کارآفرینی در ایران به بلوغ برسد. کارآفرینی در کشورمان، داستانی از امید و تلاش است. کارآفرینان با وجود همه سختی‌ها، نشان داده‌اند می‌توانند با خلاقیت و پشتکار، نه تنها برای خود، بلکه برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، امنیت و ارزش خلق کنند. این مسیر، شاید پرمخاطره باشد، اما برای آنها که جرئت رؤیاپردازی دارند، پاداشی بی‌نظیر درپی دارد.

■ **حمایت هدفمند از کارآفرینان**

کارآفرینی با خلاقیت و پشتکار و موانع اقتصادی و ساختاری گره خورده است. در این میان، نقش دولت به‌عنوان بازیگری کلیدی در تقویت امنیت شغلی کارآفرینان، غیرقابل‌انکار است. کارآفرینان ایرانی، با وجود تحریم‌ها، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی، توانسته‌اند با تکیه بر نوآوری، کسب‌وکارهایی خلق کنند که نه‌تنها برای خودشان، بلکه برای جامعه ارزش‌آفرینی کنند. اما این تلاش‌ها بدون حمایت هدفمند دولت، شکننده باقی می‌ماند. مطالبه اصلی کارآفرینان از دولت، مدیریت هوشمندانه واردات و ایجاد فضایی است که در آن تولید داخلی و نوآوری‌های بومی، فرصت شکوفایی پیدا کنند. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کارآفرینان ایرانی، رقابت نابرابر با محصولات وارداتی است. درهای باز واردات، به‌ویژه در حوزه‌هایی که توان تولید داخلی وجود دارد، مانند شمشیری دولبه عمل می‌کند. از یکسو، دسترسی به کالاهای خارجی می‌تواند رقابت را تقویت کند اما از سوی دیگر، واردات بی‌رویه و بدون توجیه اقتصادی، کسب‌وکارهای نوپا را به ورطه نابودی می‌کشاند. دولت باید با مدیریت دقیق و هدفمند واردات، از کارآفرینانی که با سرمایه و انرژی محدود، در حال خلق ارزش‌اند، حمایت کند. برای مثال، در حوزه فناوری و صنایع خلاق، استارتاپ‌های ایرانی توان رقابت با محصولات خارجی را دارند، مشروط بر اینکه سیاست‌های وارداتی، عرصه را بر آنها تنگ نکند.

مدیریت واردات تنها بخشی از پازل است. دولت باید ارزش واقعی کارآفرینان را به رسمیت بشناسد و آنها را به‌عنوان موتور محرک اقتصاد ملی، در اولویت قرار دهد. این ارزش‌گذاری، نه در شعار، بلکه در عمل باید نمود یابد. ساده‌سازی قوانین کسب‌وکار، کاهش بوروکراسی و ارائه تسهیلات هدفمند، از جمله اقداماتی است که می‌تواند امنیت شغلی کارآفرینان را تقویت کند. برای نمونه، کارآفرینان در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی بارها از موانع دریافت مجوز و دسترسی به سرمایه گلایه کرده‌اند. دولت می‌تواند با ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی و شفاف، این موانع را برطرف کند. علاوه بر این، دولت باید از باز شدن بی‌ضابطه درهای واردات جلوگیری کند. هر کالای وارداتی باید توجیه عقلانی و اقتصادی داشته باشد و اولویت با حمایت از تولید داخلی باشد. برای مثال، در برخی حوزه‌ها، کارآفرینان ایرانی توانسته‌اند با طراحی‌های خلاقانه و کیفیت قابل رقابت، بازارهای داخلی را تسخیر کنند، اما ورود بی‌رویه محصولات ارزان‌قیمت خارجی، این دستاوردها را تهدید می‌کند. سیاستگذاری هوشمندانه در این حوزه، نه‌تنها امنیت شغلی کارآفرینان را تضمین می‌کند، بلکه اشتغالزایی گسترده‌ای را به دنبال دارد.

ارزش‌گذاری به کارآفرینان، نیازمند تغییر نگاه فرهنگی نیز است. دولت می‌تواند با ترویج فرهنگ کارآفرینی و معرفی الگوهای موفق، انگیزه‌ای مضاعف در نسل جوان ایجاد کند. برنامه‌های آموزشی، جشنواره‌های نوآوری و حمایت از استارتاپ‌های محلی، راه‌هایی برای نشان دادن این تعهد است. کارآفرینان ایرانی، با وجود همه سختی‌ها، نشان داده‌اند می‌توانند در برابر طوفان‌های اقتصادی ایستادگی کنند اما این ایستادگی زمانی پایدار خواهد بود که دولت، نه به‌عنوان مانع، بلکه به‌عنوان حامی در کنارشان باشد. در نهایت، امنیت شغلی کارآفرینان در گرو سیاستی است که نوآوری را ارج نهد و تولید داخلی را در برابر هجوم بی‌رویه واردات مصون دارد. کارآفرینان، سربازان خط مقدم اقتصاد ایران‌اند و شایسته حمایت‌هایی‌اند که نه‌تنها رؤیاهایشان را زنده نگه دارد، بلکه آینده‌ای روشن برای کشور رقم بزنند.

یادداشت

شروط حمایت از «سرمایه‌گذاری برای تولید»

صادق بشیری
مدرس و فعال اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

صادرات و واردات دو رکن اصلی تجارت بین‌المللی هستند. صادرات اغلب به عنوان موتور رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. شناسایی بازارهای هدف، بهبود زیرساخت‌های تولید و عرضه، تسهیل قوانین و مقررات، توسعه فناوری‌های نوین، اصلاح الگوهای مختلف تولید، توزیع و مصرف، متناسب‌سازی تولید و خدمات با نیازهای مصرف‌کنندگان خارجی، تولید کالاهای رقابت‌پذیر از حیث کیفیت، قیمت و... از ضرورت‌های حمایت از صادرات است که می‌تواند به تقویت اقتصاد، افزایش اشتغال و بهبود تعادل مراودات خارجی کمک کند. اساساً محصولات خدمات رقابت‌پذیر می‌توانند در مقوله صادرات ارزش آفرین باشند.

اما در خصوص واردات لازم است، اولاً در راستای تأمین کالا و خدمات مورد نیاز کشور باشد. ثانیاً به بهبود رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی اثرگذار باشد، ثالثاً انتقال فناوری و دانش فنی به داخل کشور را درپی داشته باشد. چند وقت پیش بخشنامه‌ای خبرساز شد که بر اساس آن ابزار تعرفه‌ای به جای ممنوعیت واردات مورد تأکید قرار گرفته بود. تعرفه‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از صنایع داخلی و افزایش درآمدهای دولت عمل کنند اما باید با دقت و با توجه به شرایط اقتصادی و نیازهای فعلی کشور تعیین شوند. همچنین، فقدان اطلاعات دقیق و بی‌طرفانه می‌تواند به اشتباهات در تصمیم‌گیری منجر شود و در نهایت به آسیب به تولید داخلی و اقتصاد کشور بینجامد.

از سوی دیگر، اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای بدون وجود زیرساخت‌های مناسب، می‌تواند به نتایج معکوس منجر شود، از جمله افزایش واردات بی‌رویه که خود می‌تواند به تضعیف تولید داخلی منجر شود. بنابراین، لازم است که هر گونه تغییر در سیاست‌های تجاری بر اساس تحلیل‌های جامع و اطلاعات معتبر صورت گیرد و ملاحظات لازم برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز نیز مدنظر قرار گیرد.

در نهایت، دستیابی به تعادل میان حمایت از تولید داخلی و نیاز به واردات کالاها و خدمات ضروری، نیازمند رویکردی جامع و هم‌افزاست که بتواند منافع ملی را در مقاطع مختلف زمانی تأمین کند.

خلاصه اینکه: خلأ حمایت‌های سنجیده و هوشمندانه از تولید، شکلگیری انحصار و رانت‌های آسیب‌رسان را موجب می‌شود و عوامل حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در این زمینه شرط و شروط مقتضی خودش را دارد که باید مورد امعان نظر قرار گیرد.

اندوه این است که به هر دلیلی (تحریم‌ها یا سؤمدیریت‌ها) عملکرد دولت‌ها در سنوات گذشته به گونه‌ای بوده که ناترازی‌ها و انحصارها را به میراث گذاشته است. از طرفی دولت یکی از بدهکاران مهم کشور است و چه بسا به دنبال مبادی درآمدهای مختلف است، تعرفه‌های گمرکی نیز محلی برای تحقق درآمدهای دولت است. به هر حال از نظر منطقی چنانچه این رویکرد به طور صحیح مدیریت شود می‌تواند برای حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید ارزش آفرین باشد منتها مشروط به شرطها و شروطها.

واقعیت انکارناپذیر آن است که وضعیت فعلی کشور درجذب سرمایه‌گذاری و تولید حاصل عملکردها و مدیریت‌های سنوات گذشته و پر واضح است، برای هرگونه توفیق در حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید آرایش و اقدامات متفاوت‌تر از گذشته لازم است:

- شناخت واقع‌بینانه از وضعیت موجود (نیازها، کمیت و آمارها، کیفیت، چگونگی تأمین منابع، رفتار تولید کنندگان و مصرف‌کنندگان، نرخ‌های بهره‌ورها، رفع موانع تولید، تکمیل واحدهای نیمه تمام، برنامه‌ریزی برای تولید اقتصادی و استفاده حداکثری از ظرفیت واحدها و...) می‌تواند مبنای هر اقدام ارزش آفرینی باشد.
- اساساً تعرفه باید سوق دهنده تولید ساخت داخل به سمت بهبود و صادرات باشد.
- تعرفه باید متضمن تکامل و بهبود باشد و رضایتمندی تولیدکنندگان واقعی و دلسوز و آحاد مصرف‌کنندگان را درپی داشته باشد.
- شکستن انحصارات داخلی یکی از سنگ بناهای توسعه اقتصادی است. تعرفه نباید به انحصار دامن بزند، رقابت‌پذیری در تولید و عرضه از دستاوردهای سیاست‌های تعرفه‌ای صحیح است.
- ناترازی‌ها و کمبودهای موجود حکایت از آن دارد که عوامل تولید از کنترل تولیدکنندگان خارج و مدیریت تولید دچار بحران شده است، تولیدکنندگان برای هر مدل از برنامه‌ریزی موفق نیازمند اطمینان از تأمین منابع و بهره‌مندی از زیرساخت‌ها هستند.
- قاچاق کالا و تولیدات زیر پله‌ای همواره تهدیدی برای تولید داخل هستند، ساماندهی این دو معضل از ضروریات تقویت تولید است.
- بی‌ثباتی‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی برای تولید و استفاده بهینه از منابع را متزلزل کرده و تثبیت آن حداقل انتظار صاحبان صنایع است.
- ایجاد تمایل برای سرمایه‌گذاری در کشور، چه سرمایه‌گذاری خارجی و چه سرمایه‌گذاری‌های داخلی نیازمند تضمین سرمایه است. در این خصوص خلأ جدی در کشور وجود دارد.
- تحریم‌ها و انزوا و قطع رابطه با منابع خارجی فرصت‌های بین‌المللی را از کشور سلب کرده و از منظری تهدید برای حمایت از تولید داخلی محسوب می‌شود. لازم است برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها تدبیر شود.
- مراودات اقتصادی با منابع خارجی مستلزم هماهنگی نظام بانکی کشور با نظام‌های پولی، مالی و بانکی کشورهای هدف است، تحریم‌ها محدودیت‌هایی را در این خصوص به وجود آورده است که عملاً هزینه تولید و صادرات را بالا برده و صرفه اقتصادی را متزلزل کرده است. این مشکل باید حل شود.
- قطعی برق، کمبود گاز، مشکلات حمل‌ونقل، کمبود منابع مالی، ضعف‌های مدیریتی، ضعف‌های نظارت و... تهدیدات جدی برای سرمایه‌گذاری و تولید هستند و حل فصل این مشکلات زمانبر و در طولانی مدت میسر خواهد شد.
- اغلب در صنایع کشور شاهد هستیم سازوکارهای تولید از نسل قدیمی بوده که عملاً صرفه اقتصادی در تولید را به قهقرا برده است به‌روزرسانی تجهیزات و امکانات تولید از نیازهای تقویت تولید است که سرمایه‌گذاری‌های قابل تأملی را می‌طلبد.

در هرحال هر دولتی امانتدار موقت در دوره زمان مشخصی برای امور کشور است. صحیح آن است که امانتدار شایسته‌ای برای اداره امور کشور و هزینه کردهای بودجه باشد. دولت باید در خصوص اثربخشی هزینه کردها، کنترل و پایش آنها، دستاوردها و هدررفت‌ها به مردم و دستگاه‌های نظارتی گزارش دهد و از سؤ جریانات احتمالی پیشگیری به عمل آورد.

مقصود تمام برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها تحقق شعار سال بر اساس منویات مقام معظم رهبری در نهایت تأمین رضایت همه ذی‌نفعان از جمله مردم و تأمین منافع ملی با توجه به محدودیت‌های موجود است با حرف و شعار و تابلو مقصود حاصل نمی‌شود ابتکار عمل و خلاقیت در اجرا لازم است.

در پایان با تأسی از تجربیات سال‌های گذشته در تحقق اهداف تعیین شده سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنم که به‌رغم تأکیدات و سازوکارهای ایجاد شده از جمله: ایجاد پژوهشکده اقتصاد مقاومتی و برگزاری همایش و... هنوز کارنامه قابل قبولی در خصوص تحقق اهداف برنامه‌ها به صورت شفاف به مردم گزارش نشده است.

امید می‌رود در خصوص شعار سال جاری متفاوت‌تر از سنوات گذشته عمل شوند و در همین رابطه خوشبختانه دولت چهاردهم برنامه اقدامات برای افزایش سرمایه‌گذاری را در دستور کار خود قرار داده و کارگروه ویژه‌ای برای پیگیری و تحقق سال ۱۴۰۴ به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور، با عضویت وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذینفع تشکیل داده و ماهیانه تشکیل جلسه بدهند. ایراد وارده به این کارگروه نیز این است که نماینده آحاد مردم در این کارگروه دیده نمی‌شود که بتواند مطالبات مردم را در تصمیم‌سازی‌ها تأثیرگذار باشد اگرچه ممکن است از اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی دعوت به عمل آید.

نگاه

مترجم: شیوا نوروزی

قهرمانی لیگ کنفرانس آغاز راه پیشرفت چلسی

جیمز اولی
ESPN

قهرمانی لیگ کنفرانس اروپا می‌تواند سکوی پرتابی باشد برای چلسی و آنزو مارسکا. پیروزی در ورزشگاه تارژینسکی کار آسانی نبود، به‌ویژه که بتیس در فینال در نهمین دقیقه بازی گلزنی کرد. اما فرناندز، نیکولاس جکسون، جیدون سانچو و کایسدو انتقام تلخی از حریف گرفتند و جام قهرمانی را با خود به لندن آوردند. دو پاس گل کول پالمر هم قطعاً بی‌تأثیر نبود و این اولین قهرمانی تاد بولی و شرکایش از زمان خرید چلسی در سال ۲۰۲۲ است. این افتخار درست چهار روز پس از آنکه خیال آبی‌های لندن از چهارمی در لیگ‌برتر و کسب سهمیه لیگ‌قهرمانان راحت شد، به دست آمد. چلسی با این افتخار به اولین تیم اروپایی تبدیل شد که هر سه جام قهرمانی در رقابت‌های یوفا (لیگ‌قهرمانان، لیگ‌اروپا و لیگ کنفرانس اروپا) را در ویترین افتخاراتش دارد. با این حال سرمربی تیم معتقد است چلسی تازه در شروع مسیر موفقیت قرار دارد: «برای آنکه ذهنیت برنده را شکل دهید باید در بازی‌ها پیروز شوید، رقابت‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارید و جام را تصاحب کنید. بدون شک قهرمانی در لیگ کنفرانس باعث پیشرفت چلسی خواهد شد. از همه بیشتر من به مسیری که طی کردیم و سفر سختی که در لیگ‌برتر داشتیم، افتخار می‌کنم. این سخت‌ترین فصل فوتبالی‌ام بود و حفظ ثبات در ۳۸ بازی کار سختی بود که خوشبختانه بازیکنان توانایی انجامش را داشتند. کار کردن با تیم جوان آسان نیست و به شکل عجیبی این فصل را تمام کردیم.» از زمانی که تاد بولی و شرکایش مالکیت چلسی را به دست گرفتند بیشتر از یک میلیارد پوند برای تیم خرج نکرده‌اند و مجموعه‌ای از اشتباهات مدیریتی باعث شد تیم لندنی در لیگ کنفرانس به میدان برود. منتها آنها باید از یک‌جایی شروع می‌کردند. در تورنمنتی که یوفا چهار سال پیش آن را ابداع کرد، چلسی پس از آ.اس.رم، وستهام و المپیاکوس، چهارمین تیمی است که جام قهرمانی کنفرانس اروپا را تصاحب می‌کند. در سه سال اخیر چلسی تغییرات زیادی داشته، از کادر فنی گرفته تا بازیکنان. با این حال عملکرد تیم در این مدت فراز و نشیب‌های زیادی داشته و کسی تصور نمی‌کرد آبی‌ها با این شرایط دست‌شان به یک جام اروپایی برسد.

فوتبال اروپا

اشرف رامین

پاری‌سن‌ژرمن و اینترمیلان قهرمانی اروپا را می‌خواهند

حمله فینالیست‌ها به جام

پاری‌سن‌ژرمن و اینترمیلان به مونیخ آمده‌اند تا در آخرین گام و برای فتح اروپا در آلیانس‌آرنا با هم بجنگند. هر دو تیم برای رسیدن به فینال هر تیمی سر راه‌شان بوده کنار زده‌اند و حالا وقت آن است که ثمره یک فصل تلاش خود را بگیرند. پاریسی‌ها طبق اعلام یوفا، میزبان جدال سرنوشت‌ساز امشب هستند و نروآتروزی میهمان. تیم ایتالیایی به جای آنکه با پیراهن دوم (سفیدرنگ) به میدان بیاید، به‌خاطر تفکرات خرافی پیراهن سوم (زردرنگ) را برای این جدال اروپایی انتخاب کرده است! اینتر در مصاف با لورکوزن با پیراهن سفید شکست خورده است.

قهرمان فرانسه در حالی به فینال رسیده که حتی نتوانست مستقیماً به مرحله حذفی راه پیدا کند. برست، لورکوزن، استون‌ویلا و آرسنال، هیچ‌کدام نتوانستند مقابل تیم آماده لوئیز انریکه قدعلم کنند. منتها پاریسی‌ها قبلاً نیز یک‌بار چنین شرایطی را تجربه کرده‌اند. در سال ۲۰۲۱ این تیم به فینال اروپا رسید، ولی در آخرین گام با یک گل مغلوب چلسی شد و حسرت جام به دل پاریسی‌ها ماند. آنها تلاش می‌کنند پس از المپیک مارسی، دومین تیم فرانسوی لقب بگیرند که فاتح لیگ‌قهرمانان شده است. پاری‌سن‌ژرمن پس از فتح لوشامپیونه، در جام‌حذفی فرانسه نیز جام را تصاحب کرد و همه هواداران این تیم برای کسب سه‌گانه خود را آماده کرده‌اند. از فرانسه خبر می‌رسد که مسئولان شهر پاریس خود را برای برگزاری اولین جشن قهرمانی اروپا آماده می‌کنند و گویا قرار است تیم قهرمان با جام در خیابان شانزلیزه رژه برود. از بین بازیکنان این تیم، اشرف حکیمی سابقه بازی در اینتر را دارد. این بازیکن در سال ۲۰۲۱ اینتر را به مقصد پاری‌سن‌ژرمن ترک کرد و امشب باید رودرروی تیم سابقش به میدان برود.

لوئیز انریکه در صحبت‌هایش تأکید کرده تنها با قهرمانی در اروپا مأموریت پاری‌سن‌ژرمن در این فصل به پایان می‌رسد: «مأموریت ما تمام نشده، زیرا هدفمان تاریخ‌سازی است. سبک بازی و آمادگی خود را حفظ کرده‌ایم و درک عمیقی از چگونگی پیش افتادن از حریف برای پیروزی داریم. آمار ما تیمی را نشان می‌دهد که در بیشتر مسابقات از حریفان خود بهتر عمل کرده، موقعیت‌های بیشتری به وجود آورده و گل‌های کمتری دریافت کرده است. فینال لیگ قهرمانان در برلین (بارسلونا – یوونتوس در سال ۲۰۱۵) را به یاد دارم. کسب سه‌گانه دستاورد بزرگی برای بارسا و کادر مربیگری بود. بعد از ۱۰ سال، خودم را در موقعیتی مشابه می‌بینم.»

■■■

پس از دو سال انتظار اینترمیلان دوباره به فینال اروپا رسیده، آن هم در شرایطی که نه در سری آ، نه در جام‌حذفی و نه در سوپرکاپ ایتالیا موفق به کسب جام نشده است. برخلاف رقیب، افعی‌ها عملکرد پرفراز و نشیبی در این فصل داشته‌اند و با اینکه در اروپا موفق بودند، ولی اینزاگی و شاگردانش در ایتالیا منتقدان زیادی دارند. در اولین رویارویی دو تیم در لیگ‌قهرمانان، اینزاگی همه امیدش به ستاره‌هایش است تا دست پر مونیخ را ترک کند. اگرچه گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که مهدی طارمی در ترکیب اصلی فینال جا ندارد، اما مهاجم ایرانی در هفته‌های اخیر شایستگی و انگیزه بالایش را به سرمربی ثابت کرده و هر زمان بازی گره بخورد اینزاگی می‌تواند روی او حساب کند. هواداران نروآتروزی امیدوارند اتفاقات تلخ فینال ۲۰۲۳ و شکست برابر منچسترسیتی تکرار نشود. صعود مستقیم به‌عنوان تیم چهارم اینتر را به یکی از مدعیان تبدیل کرده است؛ پس از آن هم فاینورد، بایرن‌مونیخ و بارسلونا مغلوب انگیزه‌های تیم اینزاگی شدند. سرمربی اینترمیلان با امیدواری از تاریخ‌سازی در آلیانس آرنا صحبت کرد: «دو سال از فینال ۲۰۲۳ گذشته و حالا با احساسی فوق‌العاده برگشته‌ایم تا دوباره تاریخ‌سازی کنیم. آماده‌ایم تا بهترین اینتر ممکن باشیم. برای بردن این جام باید قدمی بلندتر برداریم. پاریس تیمی در کلاس جهانی است، مثل بایرن و بارسلونا. مربی‌شان را می‌شناسم و آنها را تحسین می‌کنم.»

■■■

در بین اعضای دو تیم، مهدی طارمی از ایران، هنریک مخیتاریان از ارمنستان، کریستیان اصلانی از آلبانی (اینتر)، لی کانگ این از کره‌جنوبی و ویلیام باچو از اکوادور (پاری‌سن‌ژرمن)، اولین بازیکنان از کشورهای خود هستند که شانس قهرمانی در لیگ‌قهرمانان را دارند.

گزارش
دنیا حیدری

علی کریمی | ایرنا

فرار از بحران با جام رقابت‌های حذفی

جام حذفی خود را به استقلال رساند

نقش پررنگ VAR را که در نظر نگیریم، جباری یک تنه یک جام برای استقلال به چنگ آورد تا این فصل با ناکامی مطلق برای آبی‌پوشان به پایان نرسد.

■■■

جباری برخلاف سایرین از همان نخستین روز حضورش روی نیمکت استقلال چسبید به کار. او نه شو و نمایش اجرا کرد و نه حتی گلایه از شرایط موجود. جباری در سکوت به کار خود ادامه داد و شاید به همین دلیل هم بود که از نخستین روزهای حضورش روی نیمکت آبی‌پوشان حمایت صددرصدی هواداران را داشت و دست‌آخر هم با صید طلا از اقیانوس سختی‌ها ثابت کرد فوتبال فقط حاشیه نیست. هرچند که بعد از عنوان قهرمانی با زدن کنایه به مسئولان باشگاه نشان داد دل خوشی از شرایط ندارد، اما به گفتن اینکه «از باشگاه دلخورم، انگار کسی ما را نمی‌دید»، بسنده کرد و انتقادها را برای زمانی مناسب گذاشت تا شیرینی قهرمانی در رقابت‌های حذفی کشور را به کام هواداران استقلال تلخ نکند.

جباری خوب می‌دانست کنار زدن ملوان برای رسیدن به جام کار سختی است. تیمی مستحکم در خط دفاعی و خطرناک در ضدحملات که با تکیه بر همین تاکتیک، سپاهان مدعی و سپس گل‌گهر را حذف کرده بود. به همین دلیل مهم بود که استقلال با سیستم ۴-۱-۴-۱ راهی میدان شد تا بتواند از عهده انزلی‌چی‌ها برآید. جباری طی این مدت توانسته بود با کاهش فاصله خطوط استقلال، نظم قابل توجهی به تیم بدهد و در مصاف با ملوان هم با تکیه بر این مهم، تمرکز خود را روی خط دفاع و هافبک‌های دفاعی گذاشته بود تا قبل از هر چیزی دروازه تیمش را بسته نگه دارد. شاید به همین دلیل هم بود که در طول ۹۰ دقیقه توپی از خط دروازه‌ها عبور نکرد و هم تفکرات دفاعی مازیار زارع جواب داد و هم تفکر مشابه مجتبی جباری. اما تساوی در این بازی سودی در پی نداشت، نه برای آبی‌پوشان پایتخت و نه برای قوی سپید انزلی. همین مسئله باعث شد در وقت‌های اضافه، مجتبی جباری بعد از ۹۰ دقیقه دفاع متقابل برابر ملوان، دست به تغییر تاکتیک بزند و با تعویضی طلایی، شرایط را به سود تیم خود تغییر داد تا کارش را با کسب جام به پایان ببرد. جباری در طول بازی با تغییر سیستم بازی به ۱-۲-۳-۴ و در آخر ۳-۳-۴ تفکرات دفاعی خود را به هجومی تغییر داد تا بتواند ملوانی را که حریفان قدری را زمین‌گیر کرده بود از سد راه بردارد.

جباری بعد از یک جلسه تنبیه انضباطی از اندونگ به عنوان برگ برنده استفاده کرد و او را در وقت‌های اضافه فینال جام حذفی روانه میدان کرد تا کمتر از ۱۰ دقیقه بعد، هافبک گابنی استقلال با نخستین پاس فصل خود، زمینه گلزنی را برای روزبه چشمی مهیا کند و به رقابت تنگاتنگ آبی‌پوشان تهرانی با سفیدپوشان انزلی پایان دهد. پایانی به سود استقلال (یک بر صفر) مجتبی جباری که در اندک زمانی کوتاه از فرش به عرش رسید و توانست تمام ناکامی‌های این فصل را با کسب قهرمانی در رقابت‌های حذفی کشور کمرنگ کند، آن‌هم توسط دو بازیکنی که این فصل عملکرد قابل قبولی نداشتند، اما درست در مهم‌ترین بازی فصل با جاگیری درست، کاری کردند کارستان تا هرگز از خاطر هواداران استقلال پاک نشوند.

مازیار زارع برخلاف جباری که سر از پا نمی‌شناخت، بعد از به صدا درآمدن سوت موعود بنیادی‌فر به شدت عصبانی و دلخور بود، خصوصاً از نحوه قضاوت داوران. او معتقد بود آرمین سهرابیان باید از زمین مسابقه خارج می‌شد و با وام گرفتن از نظر کارشناسان، عدم اخراج او، یعنی نظرها روی قهرمانی استقلال بود، نه ملوان: «عوامل فوتبالی دوست نداشتند ملوان ببرد. چرا ملوان پیروز شود تا در تهران بازی‌های آسیایی را برگزار کند و برای خیلی‌ها دردسر شود؟ شش کارشناس داوری درباره اخراج سهرابیان هم‌نظر بودند و یک نفر هم این صحنه را مشکوک ندانست. اما بنیادی‌فر اصلاً صحنه را ندید و VAR، سیستم خنده‌داری هم که آوردیم احتمالاً قطع بود و داوران صحنه را ندیدند.» اما این تنها مازیار زارع نبود که با تشکر از جنگندگی شاگردانش نتیجه را زیر سؤال برد و باشگاه ملوان نیز موعود بنیادی‌فر را متهم کرد به هدیه دادن جام به استقلال: «اخراج دقیقه ۴۵؟ خیر، جام رو بدید تیم حریف.»

هرچند مجتبی جباری مدعی بود استقلال لیاقت قهرمانی را داشته و به حق خود رسیده، اما مازیار زارع که تیمش در اکثر دقایق بازی مالکیت توپ و میدان را در دست داشت، تصورش را هم نمی‌کرد یک اشتباه داوری، جامی را که آماده بود با خود به انزلی ببرد، تقدیم آبی‌پوشان کند. به همین دلیل هم تمام مدت از کنایه زدن به مسئولان و کوبل داوری دست نکشید و تأکید داشت این جام حق قوی سپید انزلی بود، نه آبی‌پوشان پایتخت. اما ادامه حضور سهرابیان در زمین بازی باعث شد جام روانه تهران شود. اتفاقی که می‌تواند بهانه‌ای برای پایان دادن به جست‌وجوی مدیران استقلال در سراسر دنیا برای انتخاب سرمربی باشد. اما بعید است مدیران این تیم توجهی به این مهم داشته باشند. شاید به همین دلیل هم بود وقتی در پایان بازی از جباری در خصوص آمادگی برای ادامه حضور روی نیمکت آبی‌پوشان سؤال شد با کنایه گفت نه، این آمادگی را در خود نمی‌بینم!

چهره‌ها
شیوا نوروزی

فقط طلا می‌خواهم

قهرمان کاراته آسیا برای درخشش در قهرمانی جهان به شکل مضاعف تلاش خواهد کرد. آتوسا گلشادنژاد تنها مدال طلای کاروان ایران در رقابت‌های کاراته قهرمانی آسیا را به گردن آویخت. این ملی‌پوش ۲۱ ساله در گفت‌وگو با ایرنا از انگیزه و امیدهایش در مسیر موفقیت‌های بیشتر گفته است: «همیشه برای رسیدن به فینال راهی مسابقات می‌شوم، اما امسال آمادگی فوق‌العاده‌ای داشتم و مطمئن بودم به هدفم می‌رسم. هم‌تیمی‌ها و مربیانم می‌دانند وقتی به فینال می‌رسم، اصلاً به نقره فکر و به آن بسنده نمی‌کنم. من فقط طلا می‌خواهم. بدون تردید پگاه زنگنه، سرمربی تیم‌ملی نقش بسیار مهمی دارد. وقتی کنارم در مسابقات حضور دارد، نیمی از راه موفقیت را طی کرده‌ام. حمیده عباسعلی از بزرگان کاراته بانوان ایران است که بیشترین مدال را دارد. دوست دارم به رکورد او برسم و برای آن تلاش می‌کنم. هدف بعدی‌ام مسابقات جهانی مصر است. حالا که سهمیه این رویداد را گرفته‌ام باید خیلی تلاش کنم تا در تاتامی جهانی به مدال دست یابم. در شهر خودم (کرمانشاه) باید یکسری امکانات داشته باشم تا بدون دغدغه زیر نظر مربی تمرین کنم و به هدفی که دارم، برسم. صادقانه بگویم، امکانات زیادی در شهرم نداریم. وقتی به اردوی تیم‌ملی می‌آییم شرایط خوب است، اما در کرمانشاه هم باید امکانات داشته باشیم.»

شاید خیرمان در این بود طلا نگیریم!

سرمربی تیم‌ملی کاراته مردان بابت نتایج ضعیف شاگردانش در ازبکستان عذرخواهی کرد. ملی‌پوشان کومیته ایران در قهرمانی آسیا یک نقره در بخش انفرادی و یک برنز تیمی به دست آوردند. شهرام هروی در گفت‌وگو با تسنیم تأکید کرد ملی‌پوشان با تمام وجود جنگیدند: «اگر مسابقات آسیایی را در دو بخش انفرادی و کومیته تیمی بخواهیم تحلیل کنیم، در بخش انفرادی متأسفانه نتایج ضعیف بود. در بخش تیمی تا فینال بچه‌ها خیلی خوب مسابقه دادند. در فینال باز مشکل ثانیه آخر گریبانگیر تیم ما شد و دو دیدار را در ۱۰ ثانیه آخر واگذار کردیم. اگر در بخش تیمی به مدال طلا می‌رسیدیم، شاید همه اتفاقات بخش انفرادی تحت‌الشعاع مدال طلا قرار می‌گرفت. شاید خیر بر این بود به این مدال نرسیم تا بابت این نتایج واکاوی بیشتری داشته باشیم. یکی از ایرادات این مسابقات برگزاری تمامی اوزان در یک روز است و متأسفانه وقتی باخت به تیم ورود می‌کند، مثل یک ویروس آن را فرا می‌گیرد. به‌عنوان سرمربی مقصر اول و آخر این نتایج هستم و از همه عذرخواهی می‌کنم. باخت شریک ندارد و همیشه تنها خواهید بود و در بردهاست که همه شریک هستند. همانقدر که این تیم را نقد می‌کنیم، یک مقدار با بچه‌ها مهربان باشیم که جوانان این کشور هستند.»

بازتاب
شمیم رضوان

۲ طلا سهم دوومیدان ایران از سومین روز قهرمانی آسیا

سرانجام پای ورزشکاران ایران به سکوی مسابقات دوومیدانی قهرمانی آسیا رسید. رقابت‌هایی که بیست و ششمین دوره آن از ششم خردادماه در کره‌جنوبی آغاز شده است. هشتمی حسن تفتیان، سریع‌ترین مرد ایران در این رقابت‌ها و همچنین حذف مریم طوسی، دختر باد ایران از ۲۰۰ متر نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده بود، اما جور باتجربه‌های کاروان ایران را ریحانه مبینی و محمدرضا طیبی در روز سوم کشیدند تا با ثبت دو مدال طلا به نام کاروان ایران، امیدواری‌ها برای ادامه این مسیر بیش از پیش شود.

کمتر کسی شاید از ریحانه مبینی جوان این چنین انتظاری داشت. دانشجوی دندانپزشکی که برای دستیابی به آرزوهایش از آران و بیدگل به کره‌جنوبی آمده بود تا شبی تاریخی را برای ایران رقم بزند. دختر ۲۴ ساله‌ای که با پرش تاریخی به اولین بانوی تاریخ دوومیدانی ایران تبدیل شد که با ایستان بر سکوی نخست مسابقات قهرمانی آسیا، گردن‌آویز طلا را به نام خود ضرب کرد.

تاریخ‌سازی دانشجوی دندانپزشکی

طلای ریحانه مبینی در ماده پرش طول، اما تنها مدال کاروان ایران در روز سوم نبود و محمدرضا طیبی، رکورددار پرتاب وزنه ایران نیز با پرتابی جسورانه در رقابت تنگاتنگ با رقبای چینی و عربستانی توانست با کسب خوشرنگ‌ترین مدال بر سکوی قهرمانی تکیه بزند. موفقیتی که پای ایران را به جدول رده‌بندی تیم‌های مدال‌آور باز کرد، آن‌هم با دو طلای باارزش که یکی نمایشی از اقتدار و پرش بی‌نقص ریحانه مبینی، رکورددار پرش طول ایران را به تصویر کشید و دیگری توسط پرتاب جسورانه طیبی که اجازه پیشی گرفتن را به حریفان نداد. موفقیتی که واکنش جالب توجه رئیس فدراسیون دوومیدانی را به دنبال داشت، به‌طوری که احسان حدادی روز گذشته با حضور در جمع دوومیدانی‌کاران حاضر در گومی ضمن صحبت با آنها، پاداش پای سکو (۱۰۰۰ دلار) قهرمانان و مدال‌آوران ایران را پرداخت کرد تا ضمن تشکر از مدال‌آوران، انگیزه و روحیه سایرین را هم افزایش دهد: «البته این دو طلا ابتدای راه ماست. پس باید بیشتر تمرین کنیم که یک تیم باشیم و گاهی باید برای هم فداکاری کنیم.»

قاب

دیدید به ما جشن قهرمانی نیامده!

در اتفاقی عجیب، بلافاصله پس از جشن قهرمانی استقلال در جام حذفی پروژکتورها خاموش شد و بازیکنان بین مردم گیر افتادند! درست دو هفته قبل بود، زمان برگزاری جشن قهرمانی تراکتور؛ جشنی که با وجود تمام اعلام‌های قبلی مثل همیشه لبریز بود از بی‌برنامگی و شلوغ‌بازی‌های بیهوده. جشنی که پر بود از آدم‌های اضافه، به‌گونه‌ای که اصلاً بازیکنان در آن دیده نمی‌شدند. حالا دو هفته بعد از آن جشن، ماجرا به‌گونه‌ای دیگر در اراک برای قهرمانی استقلال در جام حذفی تکرار شد. البته این‌بار چراغ‌ها را هم خاموش کردند تا حسابی کار بالا بگیرد. چاره‌ای جز تکرار نیست که به ما جشن قهرمانی نیامده است.

یادداشت

فریدون حسن

قراردادهای میلیاردی عیب اصلی فوتبال

فصل فوتبال ایران پنج‌شنبه شب با قهرمانی استقلال در جام حذفی به پایان رسید. یک فصل پرحاشیه‌تر از تمام دوران فوتبال ایران. فصلی که بیراه نیست اگر عنوان کنیم به‌لحاظ حاشیه‌های زشت و بی‌اخلاقی‌های افسارگسیخته روی تمام فصل‌های بد فوتبال ایران را سفید کرد.

مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال بعد از آخرین بازی این فصل گفت: «فصل سختی بود، این را قبول داریم. قطعاً بی‌عیب و نقص نبود، اما امیدواریم فصل آینده شرایط بهتر شود. با پایان مسابقات، حالا وارد فصل نقل‌وانتقالات شده و طبیعتاً بحث‌های مالی و قراردادها داغ‌تر شده‌اند.»

جای شکرش باقیست که رئیس فدراسیون به عیب و نقص‌ها واقف است، اما اینکه تنها ابراز امیدواری کند برای اصلاح آنها طبیعتاً کافی نیست. البته برخی عیب و نقص‌های موجود از جمله مسائل اخلاقی و فرهنگی اصلاً چیزی نیست که مهدی تاج با تمام سوابق مدیریتش بتواند آنها را حل کند که اگر حل شدنی بودند طی تمام سال‌های ریاست تاج بر فدراسیون فوتبال و جرایم مالی هنگفتی که بابت این بی‌اخلاقی‌ها اخذ شد، حداقل تغییری دیده می‌شد که البته نشد.

اما منظورمان بخش دوم حرف‌های رئیس فدراسیون فوتبال است که با بی‌خیالی تمام از ورود به فصل نقل و انتقالات حرف می‌زند و داغ شدن بحث‌های مالی و قراردادها! بنا بر آنچه جناب تاج با همفکری سایر فدراسیون‌نشینان در نظر گرفته‌اند، قرارداد فوتبالی‌ها امسال تنها باید ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته باشند. ۳۰ درصدی که فدراسیون اعلام کرده همان میزان افزایشی است که برای حقوق کارمندان و کارگران و بقیه اقشار حقوق‌بگیر جامعه در نظر گرفته شده، اما به قول معروف «میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.» ۳۰ درصد حقوق‌های چند میلیونی زحمتکشان جامعه کجا و ۳۰ درصد قرار چنده‌ده میلیاردی فوتبالی‌ها کجا؟! بدتر اینکه فدراسیون در حالی مجوز چنین افزایشی را داده که خودش معترف است فصلی که پشت سر گذاشته شده به لحاظ کمی و کیفی «بی‌عیب و نقص» نبوده است. طبیعی است وقتی خود فدراسیون به این موضوع اعتراف می‌کند قطعاً وضعیت به مراتب وخیم‌تر و بدتر از این حرف‌هاست.

آنچه طی فصل گذشته از فوتبال ایران در مقایسه با فوتبال حرفه‌ای جهان دیدیم، چیزی جز حسرت به دلمان باقی نگذاشت. به خوشحالی این روزهای هواداران تراکتور و استقلال نگاه نکنید؛ فوتبال ایران چه به لحاظ ساختاری و چه از بعد فنی وضعیت خوبی ندارد و هر مسئولی که بگوید چنین نیست در خوشبینانه‌ترین حالت باید گفت که می‌خواهد چشمش را روی عیوب بی‌شمار فوتبال ایران ببندد. فوتبالی که کم‌کم فاصله‌اش حتی با رقبای غرب آسیا هم در حال زیاد شدن است و به‌طور حتم با این روند فصل آینده وضعیت نمایندگان ایران در آسیا بسیار وحشتناک‌تر از فصلی خواهد بود که آن را پشت سر گذاشتیم.

فصلی که پشت سر گذاشته شد از نظر اخلاقی فاجعه‌بار بود. از نظر مسائل فنی هم فوتبال باشگاهی‌مان در پایین‌ترین رده‌های فوتبال قرار داشت این را ما نمی‌گوییم، این را کاهش سهمیه ایران در لیگ نخبگان و حتی لیگ دسته دوم آسیا فریاد می‌زند! حالا چرا باید برای چنین فوتبال و فوتبالیست‌هایی از بیت‌المال و پول مردم میلیاردی خرج کرد و تازه برای فصل بعد هم ۳۰ درصد آن را افزایش داد؟! مگر این جماعت چه گلی بر سر ورزش ایران زده‌اند که هر فصل متوقع‌تر از فصل قبل می‌شوند و تعداد صفرهای رقم قراردادهایشان بیشتر می‌شود؟!

آقای تاج، ریاست محترم فدراسیون فوتبال، یکی از عیوبی که به آنها معترف هستید همین مسئله قراردادهای نجومی فوتبالیست‌هاست که البته برای فصل بعد خودتان به آتش آن دامن زدید. قراردادهای میلیاردی که از جیب مردم زحمتکش ایران سرازیر جیب دلال‌ها و فوتبالی‌ها می‌شود. حداقل اگر نمی‌توانید جلوی بی‌اخلاقی‌ها را بگیرید، جلوی حیف و میل پول مردم را بگیرید تا خرج این فوتبال آماتوری نشود.

اعلام تیراندازان مسافر آلمان

تیم ملی تیراندازی ایران با پنج ورزشکار و یک مربی راهی جام جهانی آلمان خواهد شد. جام جهانی تیراندازی از ۱۸ تا ۲۵ خرداد به میزبانی مونیخ برگزار می‌شود و تیم ملی ایران هم قرار است با پنج ورزشکار و یک مربی راهی این مسابقات شود. نجمه خدمتی، شرمینه چهل‌امیرانی، فاطمه امینی و پوریا نوروزیان در تفنگ و هانیه رستمیان در تپانچه نفرات اعزامی به این مسابقات هستند. صفیه صحراگرد نیز هدایت تیم ملی را در این مسابقات برعهده دارد. اعزام تنها پنج ورزشکار به این مسابقات در حالی است که قبلاً در ثبت‌نام اولیه نام ۱۶ تیرانداز به فدراسیون جهانی اعلام شده و همچنین قرار بود تیم به صورت کامل رهسپار این مسابقات شود، اما به دلیل صادر نشدن ویزای همه تیراندازان تیم تنها با پنج ورزشکار راهی مونیخ خواهد شد. همچنین قرار بود تیم ملی تیراندازی قبل از اعزام به مونیخ در اردوی تدارکاتی مجارستان نیز شرکت کند که این اردو لغو شد و قرار است فدراسیون تیراندازی اردوی تدارکاتی دیگری را جایگزین کند.

برخورد قاطع پلیس با شوتی‌ها

فرمانده کل انتظامی کشور از برخورد شدید پلیس با اخلالگران اقتصادی و شوتی‌ها خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار احمدرضا رادان، در جریان سفر به شهرکرد در جمع خبرنگاران استان، با اشاره به جانفشانی نیروهای انتظامی در مسیر حفظ امنیت اظهار کرد: امنیت مردم برای ما خط قرمز است و در برابر تهدیدهایی مانند قاچاق، ناامنی جاده‌ای و اقدامات شبکه‌های شوتی، هیچ مماشاتی نخواهیم داشت.

فرمانده کل انتظامی کشور با بیان اینکه حفظ امنیت عمومی اولویت بی‌قیدوشرط فراجاست، اظهار داشت: همکاران ما در جای‌جای کشور با روحیه‌ای جهادی و از خودگذشتگی، شبانه‌روز در حال تلاش برای تأمین آسایش و امنیت مردم هستند.

وی افزود: در سال گذشته، ۷۶ نفر از همکاران انتظامی ما به درجه رفیع شهادت نائل شدند و در سال قبل‌تر، این عدد به ۹۲ شهید می‌رسید. هر چند امسال کاهش نسبی در آمار شهدا داشته‌ایم، اما این خود گواهی است بر اینکه فراجا با تمام وجود، در میدان امنیت حاضر است و هر لحظه برای دفاع از مردم، جان خود را نثار می‌کند.

سردار رادان با اشاره به شهادت یکی از افسران شجاع انتظامی استان چهارمحال‌وبختیاری در روزهای اخیر تصریح کرد: خون این شهیدان، سند وفاداری ما به امنیت مردم است و تأکید می‌کنیم که تحت هیچ شرایطی از این مسیر عقب‌نشینی نخواهیم کرد.

فرمانده کل انتظامی کشور همچنین به پدیده نگران‌کننده شوتی‌ها اشاره کرد و گفت: این افراد با تخلفات سرعتی و قاچاق کالا و گاهی مواد مخدر، نه‌تنها اقتصاد کشور را دچار آسیب جدی می‌کنند، بلکه جان صدها نفر را در جاده‌ها به خطر می‌اندازند. سال گذشته بیش از ۵۰۰ نفر در اثر حوادث مرتبط با خودروهای شوتی جان خود را از دست داده‌اند که این آماری هشداردهنده است.

وی ادامه داد: برنامه ما برای مقابله با این پدیده، افزایش هزینه اقدامات مجرمانه برای این افراد است. در همین راستا، طرح‌هایی در مسیر تصویب نهایی در شورای عالی امنیت ملی قرار دارد تا علاوه بر توقیف‌های بلندمدت، اقدامات بازدارنده دیگری نیز در دستور کار قرار گیرد. همچنین، پیشنهادهایی برای تشدید جرائم و اصلاح قوانین مقابله با شوتی‌ها در حال پیگیری است.

سردار رادان خاطرنشان کرد: نیروی انتظامی در کنار مردم ایستاده و اجازه نخواهد داد عده‌ای اندک با به خطر انداختن امنیت جاده‌ها و معیشت مردم، آرامش جامعه را مختل کنند. امنیت مردم، خط قرمز ماست و با همکاری نهادهای مسئول، برخوردی قانونی، قاطع و مستمر با اخلالگران خواهیم داشت.

فرمانده کل انتظامی کشور در پایان تأکید کرد: پلیس با حفظ اقتدار و در چارچوب قانون، تلاش می‌کند تا همزمان با ارتقای امنیت، رضایتمندی و اعتماد عمومی را نیز تقویت کند. هر جا امنیت مردم تهدید شود، فراجا با تمام توان ورود خواهد کرد.

توضیحات پلیس در خصوص حادثه رانندگی حوالی میدان ونک

رئیس منطقه ۳ پلیس راهور تهران بزرگ که در حادثه تصادف با فرزند علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در میدان ونک دچار حادثه شده بود ماجرا را شرح داد.

سرهنگ خیشه در توضیح ماجرای تصادفش گفت: روز یک‌شنبه چهارم خردادماه ۱۴۰۴ در خیابان منتهی به ضلع غربی میدان ونک، یک‌دستگاه خودرو که از مسیر یک‌طرفه وارد میدان شده بود، از سوی من متوقف شد که در این اثنا به‌صورت غیرعمد با اینجانب برخورد و من مصدوم شدم. بلافاصله خودرو متوقف و اعمال قانون شد. برخلاف گفته‌ها، این خودرو رها نشده و به خاطر تخلف و ورود به مسیر یک‌طرفه و سانحه اعمال قانون و به پارکینگ منتقل شد و راننده آن نیز به کلانتری جهت سیر مراحل قانونی ارجاع و پرونده قضایی تشکیل شد.

سرهنگ خیشه همچنین گفت: پس از این اتفاق برای مداوا به بیمارستان منتقل شدم که خانواده راننده و شخص آقای علی نیکزاد بلافاصله در مرکز درمانی حضور یافتند و ضمن ابراز تأسف از اتفاق رخ داده از من دلجویی و بر انجام مراحل قانونی تأکید کردند. همچنین در همان ساعات اولیه سردار رادان، فرمانده کل انتظامی کشور با من و همسرم تماس گرفتند و جویای احوال شدند و صریحاً در خصوص پیگیری موضوع و اقدامات قانونی تأکید کردند. وی همچنین رئیس پلیس راهور تهران بزرگ را مأمور پیگیری موضوع تا مرحله آخر قرار دادند. در حال حاضر در محل کارم هستم و برخلاف گفته‌ها و شایعات، حادثه شدیدی رخ نداده و در صحت و سلامت هستم و بخش حقوقی فراجا پیگیر کارها و امور در این خصوص است.

مرگ قاتل ۸ ساعت پس از آزادی از زندان

غلامرضا مسکنی

عامل دو قتل که از اولیای دم‌ها رضایت گرفته‌بود، پس از ۱۹سال از زندان آزاد شد، اما وقتی به نزد خانواده‌اش بازگشت سکته و فوت کرد. متهم در دو حادثه جداگانه همسرش و مردی را که گمان می‌کرد با او ارتباط پنهانی دارد، به قتل رسانده‌بود که در یک قدمی چوبه دار از اولیای دم‌ها رضایت گرفته‌بود، اما هشت ساعت پس از آزادی فوت کرد.

یکی از روزهای پاییز سال ۸۵ مردی در شهر شیراز سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم‌شدن ناگهانی همسر جوانش به نام پروانه شکایت کرد.

وی گفت: «یک روز است که از همسرم بی‌خبرم و الان احتمال می‌دهم برای او اتفاقی رخ داده‌باشد. او بدون هماهنگی من از خانه بیرون نمی‌رفت، اما عصر روز گذشته وقتی از محل کارم به خانه برگشتم، خبری از همسرم نبود. ابتدا احتمال دادم برای خرید به بازار رفته‌است و چند ساعتی منتظرش ماندم، اما وقتی به خانه برنگشت، نگرانش شدم و برای پیدا کردن او به جست‌وجو پرداختم. به هر جایی که تصور می‌کردم همسرم به آنجا رفته باشد، سر زدم، اما ردی از همسرم پیدا نکردم. آنطور که فهمیدم دیروز همسرم از خانه بیرون رفته اما به خانه هیچ‌یک از دوستان و بستگان و حتی خانواده‌اش مراجعه نکرده و به طرز مرموزی گم شده‌است.»

آخرین تماس

با شکایت مرد جوان، مأموران تحقیقات خود را به دستور بازپرس پرونده برای پیدا کردن ردی از زن گمشده آغاز کردند، اما هیچ ردی از وی پیدا نکردند. مأموران پلیس در تحقیقات فنی دریافتند پروانه آخرین بار با مرد جوانی به نام هومن ارتباط تلفنی و پیامکی داشته‌است. پروانه به مرد جوان پیامک داده از زندگی با شوهرش خسته‌شده و با وی در بیرون از شهر قرار ملاقات می‌گذارد تا با هم از شهر بیرون بروند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت زن جوان از قبل هم به صورت مخفیانه ارتباط تلفنی و پیامکی با هومن داشته‌است و روز حادثه هم پس از تماس تلفنی و ارسال پیامک به طرز مشکوکی ناپدید می‌شود.

فرضیه قتل هومن

بدین ترتیب مأموران برای بررسی موضوع راهی خانه هومن شدند، اما وقتی به محل رسیدند با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. آگهی ترحیم هومن روی در و دیوار محل زندگی‌اش چسبانده شده‌بود و بررسی‌ها حکایت از آن داشت وی همان روز در محلی که با پروانه قرار ملاقات داشته در تصادف با خودروی پرایدی جان باخته و راننده خودرو هم بدون گذاشتن هیچ ردی از خود، از محل فرار کرده‌است. ارتباط پنهانی هومن با زن جوان و مرگ مشکوک وی همزمان با ناپدید شدن پروانه احتمال قتل از سوی شوهر پروانه یا یکی از بستگانش برای مأموران مطرح شد. از سوی دیگر مأموران در ادامه بررسی‌ها فهمیدند شوهر زن گمشده به نام کیوان هم خودروی پراید دارد و روز حادثه هم در همان نزدیکی محل حادثه دیده شده‌است. با به دست آمدن این اطلاعات، فرضیه قتل قوت گرفت و مأموران کیوان را به عنوان مظنون بازداشت و برای تحقیق به اداره پلیس منتقل کردند.

اعتراف به ۲ قتل

متهم در بازجویی‌ها ابتدا جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با

دلایل و مدارک روبه‌رو شد، به دو قتل اعتراف کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «من و همسرم چند سال قبل با هم ازدواج کردیم و زندگی خوبی داشتیم، اما کم‌کم با هم اختلاف پیدا کردیم. مدتی بود زنم همیشه از طلاق صحبت می‌کرد و از من می‌خواست به دادگاه بروم و او را طلاق دهم. درخواست او برای من خیلی عجیب بود، چون ما با هم اختلاف زیادی نداشتیم که تصمیم به جدایی بگیریم. از طرفی من خیلی به او سخت نمی‌گرفتم و او به راحتی به بیرون و محل کارش رفت و آمد داشت، اما خبر نداشتم که پروانه به من خیانت می‌کند.»

تصادف ساختگی

کیوان ادامه داد: «او هر روز و شب اصرار می‌کرد از من جدا شود و همین موضوع باعث شد به رفتارهای او مشکوک شوم. مدتی او را مخفیانه زیر نظر داشتم و فهمیدم با مردی ارتباط پنهانی دارد. شب حادثه وقتی خواب بود، تلفن همراهش را بررسی کردم و با پیامک‌های مشکوکی که برای همکارش هومن فرستاده‌بود، روبه‌رو شدم. باورم نمی‌شد که پروانه به من خیانت کرده‌باشد، اما پیامک‌های او گواه خیانتش بود. خیلی عصبانی شدم و همان شب او را در خواب خفه کردم و سپس جسدش را به بیابان‌های اطراف شهر بردم و دفن کردم. سپس به خانه برگشتم و با تلفن همراه همسرم پیامکی به هومن دادم و با او قرار ملاقات گذاشتم. می‌خواستم از همکارش انتقام سختی بگیرم، به همین‌خاطر ساعتی قبل از قرار به محل رفتم و در گوشه‌ای کمین کردم و به محض اینکه هومن سر قرار آمد، او را با خودرویم زیر گرفتم و از محل فرار کردم. پس از این به اداره پلیس رفتم و برای همسرم اعلام مفقودی کردم. می‌خواستم با صحنه‌سازی مأموران را فریب دهم و ردی از خودم بجای نگذارم، اما پلیس دستم را رو کرد.»

حکم دو بار قصاص

پس از اعتراف قاتل، مأموران جسد همسر وی را کشف کردند و متهم نیز با بازسازی صحنه‌های قتل و تکمیل تحقیقات راهی زندان شد. مدتی بعد قاتل به اتهام دو قتل پای میز محاکمه حاضر شد و با درخواست دو اولیای‌دم، قضات دادگاه او را به دو بار قصاص محکوم کردند.

حکم قصاص متهم پس از اعتراض از سوی وکیلش در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور تأیید شد و پرونده برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای محل رفت. بدین ترتیب نفس‌های قاتل به شماره افتاد تا اینکه چند سال قبل وی برای اولین‌بار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت. متهم آن روز با التماس و گریه و میانجیگری تیم صلح و سازش مهلت گرفت و به سلولش بازگشت.

بخشش اول

متهم وقتی برای دومین بار پای چوبه دار حاضر شد، از اولیای دم همسرش با پرداخت دیه رضایت گرفت، اما اولیای دم هومن او را نبخشیدند و فقط به او مهلت دادند. بدین ترتیب متهم برای دومین‌بار هم از چوبه دار فاصله گرفت و به سلولش منتقل شد.

بخشش دوم

متهم همچنان در زندان بلاتکلیف بود و اولیای‌دم هومن هم حکم قصاص را اجرا نمی‌کردند تا اینکه وی پس از گذشت ۱۹ سال از زندانی‌اش نامه‌ای به رئیس قوت قضائیه نوشت و از گرفتاری‌ها و مشکلاتی که او در این سال‌های بلاتکلیفی با آن درگیر بود، گفت و درخواست کرد سرنوشتش تعیین‌تکلیف شود. با درخواست کیوان، پرونده مرد زندانی دوباره به جریان افتاد تا اینکه خانواده هومن به شعبه اجرای احکام رفتند و متهم را به شرط پرداخت دیه بخشیدند. برادران و خواهران مقتول اعلام کردند با توجه به اینکه پدر و مادرشان فوت کرده‌اند، آنها تصمیم گرفته‌اند با گرفتن دیه متهم را ببخشند و دیه را برای شادی روح برادرشان صرف امور خیریه کنند.

مرگ پس از آزادی

بدین ترتیب با اعلام رضایت اولیای‌دم هومن، قاتل از زندان آزاد شد و نزد خانواده‌اش رفت. اعضای خانواده کیوان با آزادی فرزندشان خیلی خوشحال شدند، اما خوشحالی و شادی آنها خیلی دوام نداشت. قاتل هشت ساعت پس از آزادی از زندان، از شدت خوشحالی و شادی زیاد در کمال ناباوری در مقابل چشمان خانواده‌اش سکته و فوت کرد. بدین ترتیب پرونده متهم که در دو حادثه جداگانه مرتکب دو قتل شده‌بود، پس از گذشت ۱۹ سال از حادثه‌ها، زمانی برای همیشه بسته شد که چند ساعت قبل از زندان آزاد شده‌بود.

شکایت تراجنسیتی راز جراحی‌های غیرقانونی پزشک مرده را برملا کرد

غلامرضا مسکنی

شکایت یک تراجنسیتی علیه پزشکی که در یکی از بیمارستان‌های تهران جراحی‌های غیرقانونی انجام می‌داد، سبب شد مأموران پلیس با کشف عمل‌های مشابه متوجه شوند پزشک متخلف مدتی قبل به دلیل کهولت سن فوت شده است. به دستور بازپرس دادسرای جرائم پزشکی، تحقیق از دستیار وی و مدیریت بیمارستان جریان دارد.

چندی قبل فردی به دادسرای ویژه جرائم پزشکی رفت و گفت مدتی قبل پزشکی برای او عمل تغییر جنسیت انجام داده و از آن زمان به بعد با مشکلات و بیماری‌های زیادی روبه‌رو شده است و از آن پزشک شکایت دارد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «من بیماری مادرزادی تراجنسیتی داشتم، اما تا دوران کودکی خیلی توجهی به آن نداشتم و برایم اهمیتی نداشت. وقتی بزرگ‌تر شدم، متوجه بیماری‌ام شدم و فهمیدم نام بیماری من تراجنسیتی است. از آن زمان به بعد مشکلاتم شروع شد. هر روز که بزرگ‌تر می‌شدم این بیماری مرا بیشتر آزار می‌داد و از طرفی هم فهمیده بودم افرادی که به این بیماری دچار هستند برای تغییر جنسیت در بیمارستان‌ها عمل می‌کنند. از این‌رو تصمیم گرفتم من هم با عمل جراحی تغییر جنسیت بدهم، اما بعداً فهمیدم برای گرفتن مجوز این عمل باید مراحل زیادی را طی کنم.»

شرایط سخت

وی ادامه داد: «وقتی تحقیق کردم، متوجه شدم مراحل آن خیلی پیچیده و زمانبر است، چراکه ابتدا باید به دادگاه خانواده مراجعه می‌کردم و پس از رضایت خانواده‌ام برای انجام آزمایش‌های لازم، به پزشکی قانونی و سپس به تیم روانشناسی می‌رفتم و بعد از تأیید این مراحل به پزشکی برای عمل تغییر جنسیت معرفی می‌شدم. خانواده‌ام مخالف بودند و به نظرم آمد که طی کردن این مراحل زمانبر است تا اینکه از طریق دوستانم با پزشکی در یکی از بیمارستان‌های تهران آشنا شدم که به صورت غیرقانونی عمل تغییر جنسیت انجام می‌داد. دوستانم که مرا معرفی کرده بودند هم مشکل من را داشتند و قرار شد با پرداخت مبلغ زیادی پزشک عمل را انجام دهد. روز عمل در بیمارستان بستری شدم و پزشک هم جنسیت مرا از مرد به زن تغییر داد، اما بعد از آن با مشکلات زیادی روبه‌رو شدم. تصور می‌کردم بعد از عمل زندگی‌ام شیرین شود، اما بعداً فهمیدم پزشک جراح در این عمل تخصص نداشته و عمل او آسیب‌های زیادی به من زده است. پس از این عمل دچار خونریزی شدم و به روده‌هایم آسیب وارد شد و الان که مدتی از عمل گذشته، بیماری‌های دیگری نیز گریبانگیرم شده است، به همین دلیل تصمیم گرفتم برای شکایت از پزشک جراح به دادسرا بیایم.»

فوت پزشک

با شکایت این فرد، پرونده به دستور قاضی مهدی صانعی، بازپرس دادسرای ویژه جرائم پزشکی برای بررسی در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت. بررسی‌ها و گفته‌های شاکی حکایت از آن داشت علاوه بر این بیمار، ۹ ترنس دیگر هم که برای عمل جراحی تغییر جنسیت از سوی این پزشک مورد عمل جراحی قرار گرفته‌اند دچار بیماری شده‌اند، اما به خاطر اینکه عمل‌های آنها غیرقانونی و بدون اجازه خانواده‌هایشان بوده برای شکایت به دادسرا مراجعه نکرده‌اند. از سوی دیگر مشخص شد این پزشک جراح که تخصصی در زمینه تغییر جنسیت نداشته، تمامی عمل‌ها را با پزشک دیگری که دستیار او بوده در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به صورت غیرقانونی انجام می‌داده است. این پزشک برای اینکه ردی از عمل‌های غیرقانونی خود به جا نگذارد برای تمامی افرادی که برای تغییر جنسیت به آن بیمارستان مراجعه می‌کردند، پرونده عمل جراحی فتق تشکیل می‌داد. در ادامه بررسی‌ها، مأموران دریافتند پزشک متخلف مدتی قبل بر اثر کهولت سن فوت کرده است.

ادامه تحقیقات

با اعلام فوت پزشک متخلف، پرونده شاکی برای بررسی میزان آسیب‌های وارده حین عمل و تعیین میزان دیه به پزشکی قانونی فرستاده شد. بازپرس پرونده اعلام کرد پس از اعلام نظر به پزشکی قانونی دستیار پزشک متخلف برای بازجویی و تحقیق به دادسرا احضار می‌شود و تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

۳ کشته در تصادف پراید با تریلی

برخورد سواری پراید با یک دستگاه تریلی در جاده سلفچگان به ساوه سه کشته برجای گذاشت.

به گزارش ایسنا، صبح روز جمعه ۹ خردادماه تصادف خونینی در کیلومتر ۱۹ محور جاده قدیم سلفچگان به ساوه به مرکز اورژانس اعلام شد.

با اعلام این خبر، عوامل اورژانس با یک فروند بالگرد به محل اعزام شدند که مشاهده کردند یک دستگاه تریلی و یک خودروی پراید با هم برخورد کرده‌اند.

متأسفانه در این حادثه، مردی ۴۰ ساله، زنی ۳۵ ساله و یک کودک ۵ ساله جان خود را از دست دادند و دو نفر هم مصدوم شدند.

تتلو در بیمارستان بستری شد

امیر حسین مقصود لو، معروف به تتلو بر اثر مسمومیت دارویی از زندان به بیمارستان منتقل و بستری شد. حال عمومی این متهم مساعد اعلام شده‌است.

به گزارش میزان، در پی بروز مسمومیت برای امیر حسین مقصودلو، ملقب به تتلو، وی به یکی از مراکز درمانی تهران منتقل شد و شرایطش تحت‌نظر پزشکان متخصص قرار گرفت.

با درمان‌های تخصصی صورت گرفته و رسیدگی به موقع، شرایط تتلو تحت کنترل و حال عمومی وی مساعد است.

تتلو خواننده پرحاشیه، آذرماه دو سال قبل، وقتی از ترکیه به ایران برگشت در مرز بازرگان بازداشت شد و پرونده‌های او در نوبت رسیدگی قرار گرفت. از جمله اتهام‌های تتلو، تشویق به فساد بود که او در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محاکمه و به ۱۰ سال حبس محکوم شد. این خواننده در مهم‌ترین پرونده‌اش با اتهام سب‌النبی مواجه بود و به همین اتهام نیز به اعدام محکوم شد.

این متهم در حالی با حکم اعدام روبه‌رو است که چندی قبل با نوشتن توبه‌نامه‌ای قرار است حکم او دوباره مورد بررسی قرار گیرد.

قاتل فرزند در ایستگاه محاکمه

آرمین بینا

مردی که متهم است پسر معتادش را در دفاع از جان دخترش به قتل رسانده به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

۱۴ خردادماه ۱۴۰۳، کارکنان بیمارستانی در تهران به مأموران پلیس خبر دادند پسر جوان زخمی که برای درمان به بیمارستان منتقل شده بر اثر شدت جراحات فوت کرده است. با اعلام این خبر، به سرعت تیمی از مأموران راهی بیمارستان و در آنجا با جسد پسر جوانی به نام بهرام روبه‌رو شدند که با چند ضربه چاقو به قتل رسیده بود. لحظاتی بعد تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی همراه بازپرس ویژه قتل در بیمارستان تحقیقات خود را درباره قتل پسر جوان آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل اعضای خانواده‌ای پسر زخمی‌شان را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند و برای نجات جانش درخواست کمک می‌کنند، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه‌ای نمی‌دهد و جوان زخمی بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل فوت می‌کند.

درگیری خانوادگی

از سوی دیگر تیم جنایی در تحقیقات بعدی دریافتند مقتول روز قبل از حادثه با مادر و خواهر بزرگ‌ترش درگیر شده و خانواده او هم حادثه را به پلیس گزارش داده‌اند، اما وقتی مأموران برای بررسی موضوع به محل می‌رسند پسر جوان از محل فرار می‌کند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد مقتول معتاد به موادمخدر بوده و همیشه برای تأمین هزینه موادش با خانواده درگیری داشته، به‌طوری که همسایه‌ها و اهالی محل بارها شاهد درگیری و مشاجره او و خانواده‌اش بوده‌اند. بنابراین مأموران احتمال دادند مقتول در درگیری با یکی از اعضای خانواده‌اش به قتل رسیده است، به همین دلیل برای بررسی حادثه به محل زندگی وی رفتند. در بررسی‌ها معلوم شد محل حادثه خانه سه‌طبقه‌ای است که در طبقه اول مقتول همراه پدر و مادرش زندگی می‌کرده و در طبقه دوم یکی از خواهرانش و در طبقه سوم هم خواهر بزرگ‌ترش همراه شوهرش زندگی می‌کند.

اظهارات خواهر بزرگ

مأموران در بررسی محل حادثه با آثار خون در طبقه سوم خانه مسکونی روبه‌رو شدند، به همین دلیل در نخستین گام از خواهر مقتول که خون‌ها در محل زندگی او کشف شده بود، تحقیق کردند.

وی گفت: «برادرم معتاد به موادمخدر بود و همیشه برای گرفتن پول با ما درگیر می‌شد. صبح روز حادثه برادرم با مادرم برای گرفتن پول درگیر شد، اما پدرم در خانه نبود. من با شنیدن صدای درگیری آنها از طبقه سوم به خانه مادرم رفتم و تلاش کردم مانع درگیری آنها شوم، اما برادرم دست‌بردار نبود و من هم با پلیس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. برادرم وقتی متوجه شد به پلیس زنگ زده‌ام از خانه فرار کرد، اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد.»

وی ادامه داد: «شب در خانه بودم که برادرم به خانه‌ام آمد و مدام در را با دستش می‌کوبید. وقتی در را باز کردم او به زور وارد خانه‌ام شد و در حالی که در یک دستش چاقو و در دست دیگرش گوشتکوب بود به سمت من حمله کرد. او می‌خواست از من انتقام بگیرد و مدام فریاد می‌زد چرا صبح به پلیس زنگ زدم و می‌گفت مرا می‌کشد. با دیدن این صحنه شروع به فریاد و از پدر و مادرم درخواست کمک کردم. برادرم تصمیم داشت به من آسیب برساند و به طرفم حمله کرد که پدرم با شنیدن صدای فریادم به طبقه سوم آمد. پدرم وقتی دید جانم در خطر است با چاقویی که همراه داشت چند ضربه به بهرام زد. برادرم خونین روی زمین افتاد و ما هم بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردیم، اما متأسفانه فوت کرد. اگر آن شب پدرم به کمک من نیامده بود ممکن بود الان من به دست برادرم به قتل رسیده باشم و پدرم برای نجات جان من بود که به برادرم ضربه زد.»

اعتراف

با اظهارات زن جوان، مأموران پدر او را به اتهام قتل پسرش بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل پسرش اعتراف کرد. وی گفت: «بهرام معتاد به موادمخدر بود و من و اعضای خانواده‌ام بارها او را در کمپ ترک اعتیاد بستری کردیم، اما پس از اینکه از کمپ بیرون می‌آمد دوباره به سراغ مواد می‌رفت و معتاد می‌شد. هر چقدر تلاش کردیم فایده‌ای نداشت، از طرفی هم او هر روز با من یا مادر و خواهرانش برای گرفتن پول درگیر می‌شد. کارها و رفتارهایش ما را خسته کرده بود و کاری هم از دستمان ساخته نبود تا اینکه شب حادثه فریاد کمک‌خواهی دخترم را از طبقه سوم شنیدم. سراسیمه به طبقه سوم رفتم و دیدم بهرام در یک دستش چاقو و در دست دیگرش گوشتکوب دارد و می‌خواهد به دخترم ضربه بزند. من برای اینکه دخترم را نجات بدهم با چاقویی که در دست داشتم، سه ضربه به بهرام زدم، اما قصد قتل او را نداشتم. پس از حادثه هم او را به بیمارستان رساندیم، اما متأسفانه فوت کرد.»

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان شد. قاتل که مراحل تحقیقات پرونده‌اش تکمیل شده به زودی در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران به اتهام قتل پسر معتادش محاکمه می‌شود.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای میثم مختارزاده سرستی به وکالت از خانم مریم قاسم زاده کشتلی با ارائه ۲ برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه اسناد رسمی ۶۶ بابل تصدیق امضاء شده و طی درخواست ۱۴۰۴۶۲۶۵۵۳۱۴۰۰۰۰۲۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ اعلام نمودند، که ششدانگ پلاک ۱۰۵۷ فرعی از ۳ - اصلی بخش شش ثبت بابل ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۰۰۰۴۰۱۲۸۶۲ به نام ایشان ثبت و سند صادر گردیده بود در اثر جابجایی اعلام مفقودی نموده اند، لذا در اجرای ماده ۱۲۰ - اصلاحی آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می گردد ، چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در غیر این صورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود ، سریال مفقودی ۶۲۱۸۳۲ سری ب ۹۵ می باشد . ضمنا برابر اسناد ۶۶۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ و ۶۵۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ و ۸۷۱۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ دفترخانه ۲۸۲ گتاب در رهن بانک ملی می باشد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۳/۱۰
شناسه آگهی: ۱۹۳۴۳۵۰
سید مهدی حسینی کریمی – رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابل

گزارش یک

«نه» حماس به نسخه اسرائیلیزه آتش‌بس ویتکاف

نسخه جدید طرح ویتکاف که اسرائیلی‌ها آن را تعدیل کرده‌اند، تضمین توافق جنگ نیست

جنبش حماس اعلام کرد که نسخه تعدیل شده ابتکار ویتکاف برای آتش‌بس در غزه را قبول نمی‌کند، طرحی که از نسخه اولیه آن منحرف شده، تضمینی برای آتش‌بس دائم نیست و مکانیسمی در آن طراحی شده که به جای آتش‌بس ۶۰ روزه، اسرائیل را ملزم به یک آتش‌بس یک هفته‌ای می‌کند.

به گزارش «جوان»، حماس سه‌شنبه قبل اعلام کرده بود با طرح ارائه‌شده استیو ویتکاف، نماینده خاورمیانه‌ای ترامپ برای آتش‌بس در غزه موافق است، زیرا به گفته «باسم نعیم» عضو دفتر سیاسی حماس «شامل رسیدن به آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای دشمن و برقراری آتش‌بس دائمی است»، اما ظاهراً طرح اولیه ویتکاف که با مخالفت اسرائیل روبه‌رو شده بود، طی چند روز گذشته جرح و تعدیل شده و برای حماس قابل‌قبول نیست. «باسم نعیم» عضو دفتر سیاسی جنبش حماس دیروز گفت که پاسخ رژیم صهیونیستی در ذات خود یعنی تأیید اشغالگری و تداوم کشتار و گرسنگی حتی در دوره آتش‌بس موقت که پاسخگوی هیچ یک از خواسته‌های مردم ما و در رأس آن توقف جنگ و گرسنگی نیست. نعیم هرچند گفته که «رهبری حماس پاسخ به این پیشنهاد را با مسئولیت ملی تمام بررسی خواهد کرد» ولی این را هم به صراحت گفت که «این جنبش پیشنهاد آتش‌بس در غزه را که از سوی «استیو ویتکاف» فرستاده امریکا مطرح شده، رد خواهد کرد، زیرا دربرگیرنده پروتکل انسانی که اجازه ورود روزانه صدها کامیون به نوار غزه را می‌دهد، نیست.» یک مقام حماس هم که نام او فاش نشده، گفته که حماس با پیشنهاد استیو ویتکاف، برای یک آتش‌بس ۶۰ روزه در ازای آزادی ۱۰ گروگان زنده اسرائیلی، موافقت نخواهد کرد، چرا که این توافق به توقف دائمی جنگ اشاره‌ای نمی‌کند. در حالی که پیش‌تر، شبکه العربیه از موافقت حماس و رژیم صهیونیستی با طرح پیشنهادی ویتکاف خبر داده بود، یک منبع آگاه در مقاومت اسلامی در گفت‌وگو با شبکه الاقصی گفت: «حماس در حال بررسی طرح پیشنهادی فرستاده ویژه امریکا است و اخبار برخی رسانه‌ها درباره دستیابی به توافق صحت ندارد.» جنبش حماس روز پنج‌شنبه تأیید کرد که رهبران آن از طریق طرف‌های میانجی طرح جدید «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور امریکا را دریافت کرده‌اند و در حال بررسی طرح جدید ویتکاف هستند، به گونه‌ای که منافع ملت ما را محقق کرده و به برقراری آتش‌بس دائمی در نوار غزه منجر شود.

■ تفاوت نسخه اولیه با بعدی

نسخه اولیه ابتکار ویتکاف متضمن یک آتش‌بس ۶۰روزه بین حماس و رژیم صهیونیستی است که شخص دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا آن را تضمین می‌کند. نسخه تعدیل شده نیز شامل یک آتش‌بس ۶۰ روزه است که رئیس‌جمهور امریکا آن را اعلام و اجرای آن را تضمین می‌کند، ولی حماس می‌گوید که نسخه جدید طوری تنظیم شده که اسرائیل می‌تواند در روز هفتم آتش‌بس، به آن پایان دهد. بر اساس طرح اولیه‌ای که ویتکاف ارائه کرده بود و حماس هفته قبل آن را پذیرفت، یک آتش‌بس ۶۰ روزه با آزادی ۱۰ اسیر زنده اسرائیلی طی دو دوره زمانی (پنج نفر در ابتدای آغاز آتش‌بس و پنج نفر در روز پایان آتش‌بس) برقرار می‌شد، ولی در نسخه جدیدی که شبکه الجزیره آن را فاش کرده، ۱۰ اسیر زنده اسرائیلی و ۱۸ زندانی فوت شده آزاد می‌شوند که پنج اسیر زنده و ۹ اسیر فوت کرده در روز اول توافق و پنج اسیر زنده و ۹ اسیر فوت کرده هم در روز هفتم آتش‌بس آزاد می‌شوند. «هانی الدالی» تحلیلگر فلسطینی در امور مقاومت به المیادین گفته است که پیشنهاد جدید ارائه شده به حماس در واقع نسخه‌ای متفاوت از طرح قبلی آن است که بر سر آن با جنبش حماس توافق صورت گرفته بود. به گفته الدالی، توافق جدیدی که ویتکاف ارائه کرده آتش‌بس هفت روزه به منظور گرفتن امتیاز آزادی اسرا از دست مقاومت فلسطین است. الدالی می‌گوید که پیشنهاد جدید ویتکاف، پیشنهادی اصلاح شده از سوی «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی درباره آن چیزی است که با حماس بر سر آن توافق صورت گرفت. «باسم نعیم» عضو دفتر سیاسی جنبش حماس نیز گفته که پیشنهاد امریکا درباره آتش‌بس در غزه که گفته اسرائیل با آن موافقت کرده، پاسخگوی هیچ یک از خواسته‌های مردم ما نیست.

■ نسخه جدید دائمی بودن را تضمین نمی‌کند

در نسخه تعدیل شده از پیشنهاد ویتکاف که الجزیره آن را منتشر کرده، مذاکرات در مورد ترتیبات آتش‌بس دائمی باید ظرف ۶۰ روز تکمیل شود و اگر مذاکرات در مورد ترتیبات آتش‌بس دائمی در مدت زمان ذکر شده به نتیجه نرسد، آتش‌بس موقت می‌تواند با شرایط و برای مدت زمانی که طرفین توافق کرده‌اند، تمدید شود، مشروط بر اینکه آنها با حسن‌نیت مذاکره کنند. در این پیش‌نویس درج شده که میانجی‌ها (ایالات متحده، مصر و قطر) ادامه آتش‌بس را به مدت ۶۰ روز و برای هرگونه تمدید توافق‌شده و بحث‌های جدی درباره توافقات لازم برای آتش‌بس دائمی تضمین می‌کنند و تمام تلاش خود را برای اطمینان از تکمیل مذاکرات فوق‌الذکر انجام می‌دهند. این در حالی است که بی‌بی‌سی از قول یک مقام حماس نوشته که حماس با این پیشنهاد موافقت نخواهد کرد، چرا که این توافق به توقف دائمی جنگ اشاره‌ای نمی‌کند. وبگاه اسرائیلی واللا نیز به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی نوشت: «پیشنهاد جدید نسبت به پیشنهادهای قبلی بیشتر به نفع اسرائیل است و شامل تضمین‌های روشن امریکا برای آتش‌بس دائمی نمی‌شود.» این وبگاه افزود که پیشنهاد جدید به وضوح بیان نمی‌کند که اگر مذاکرات بیش از ۶۰ روز ادامه یابد، آتش‌بس ادامه خواهد یافت. در حالی که کارولین لیویت، سخنگوی دولت دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه به خبرنگاران در کاخ سفید گفت که «اسرائیل این پیشنهاد را قبل از ارسال به حماس تأیید کرد». او این را هم گفته که نمی‌داند آیا حماس این پیشنهاد را پذیرفته است یا خیر؟ آکسیوس به نقل از منابع آگاه گزارش کرده که کاخ سفید درباره موفقیت ابتکار جدید «ویتکاف» برای پر کردن شکاف‌ها میان اسرائیل و جنبش حماس، ابراز خوش‌بینی کرده ولی یک مقام اسرائیلی در گفت‌وگو با تایمز اسرائیل، دیدار این هفته بین ران درمر، وزیر امور راهبردی این رژیم و استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در امور غرب آسیا را «پرتنش» توصیف کرد و گفت ویتکاف از اسرائیل به‌ویژه از «نمایش‌های سیاسی‌اش» خسته و بی‌حوصله شده است. این مقام همچنین به ویدئوی دوشنبه نخست‌وزیر اسرائیل اشاره کرد که در آن مدعی شده بود امیدوار است «امروز یا فردا» درباره اسرا در غزه خبری اعلام کند.

■ اوج جدید اعتراضات در امریکا و اروپا

ایتمار بن گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی خطاب به «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفته که بعد از آنکه حماس بار دیگر پیشنهاد آتش‌بس را رد کرد دیگر هیچ بهانه‌ای وجود ندارد. ارتش اسرائیل نیز با صدور بیانیه‌ای دستور تخلیه فوری مناطقی از شمال نوار غزه را صادر کرده و همزمان، رسانه‌های رژیم صهیونیستی از وقوع یک حادثه سخت امنیتی برای نظامیان این رژیم در نوار غزه خبر می‌دهند. سرایا القدس (گروهان قدس) شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین روز جمعه اعلام کرد که در حمله گروه‌های مقاومت در خان‌یونس ۱۰ نظامی صهیونیست کشته و زخمی شدند که البته خبرگزاری فلسطینی شهاب می‌گوید که این حادثه از سوی نهادهای نظارتی رژیم صهیونیستی تحت سانسور کامل قرار گرفته است. تحت چنین شرایطی، آژانس امداد و کاریابی سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی (آنروا) بار دیگر درخواست خود را برای افزایش دسترسی بشردوستانه به غزه تکرار کرد و هشدار داد که فرصت جلوگیری از قحطی به سرعت در حال بسته شدن است. حماس روز پنج‌شنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که روزهای جمعه، شنبه و یک‌شنبه باید به‌عنوان «روزهای خشم جهانی» برگزار شود. دانشگاه هاروارد، تحت فشار ترامپ یک بار دیگر شاهد اعتراضات علیه اسرائیل است. روز پنج‌شنبه گروهی از فعالان حامی فلسطین، همزمان با برگزاری مراسم فارغ‌التحصیلی دانشگاه هاروارد امریکا، در محوطه بیرونی این دانشگاه، تجمعی در سکوت برگزار کردند. برخی از آنان پلاکاردهایی در دست داشتند با عباراتی مانند «هم‌اکنون آتش‌بس» و «نه به بمب دیگر.» سی‌ان‌ان به نقل از نشریه دانشجویی «هاروارد کریمسون» گزارش داد روز پنج‌شنبه همزمان با برگزاری مراسم فارغ‌التحصیلی دانشگاه هاروارد، دو بنر در حمایت از فلسطین از ساختمان‌های دانشگاه آویخته شد. روی یکی از این بنرها نوشته شده بود: «هاروارد، از نسل‌کشی در غزه خارج شو» و دیگری اعلام می‌کرد: «هیچ دانشگاهی در غزه باقی نمانده است.» اعتراضات در اروپا نیز به یک نقطه اوج جدید رسیده است. پس از موضع چند روز قبل «یوهان دیوید وادفول»، وزیر خارجه آلمان که گفته بود «به‌زور با اسرائیل اعلام همبستگی نمی‌کنیم؛ نباید از مبارزه ما با یهودستیزی و حمایت از امنیت اسرائیل، در جنگ جاری در غزه سوءاستفاده شود»، حالا نظرسنجی مؤسسه «سیو» در این هفته نشان می‌دهد ۵۱ درصد آلمان‌ها مخالف صادرات تسلیحاتی به اسرائیل هستند. همچنین «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا در دیدار با «روبرت گلوب» نخست‌وزیر اسلوونی در مادرید گفته که: «نمی‌توان در مسئله اوکراین یا غزه استاندارد دوگانه داشت. معتقدم که اسپانیا و اسلوونی وقتی از اوکراین و غزه دفاع می‌کنیم، منسجم می‌شوند.» نخست‌وزیر اسلوونی نیز فاجعه غزه را محکوم و در عین حال ابراز امیدواری کرد که جامعه بین‌الملل بتواند به توقف این فاجعه کمک کند. در انگلیس نیز، بیش از ۳۰۰ شخصیت در نامه‌ای خطاب به «کی‌یر استارمر» نخست‌وزیر این کشور، خواستار پایان دادن به همدستی لندن در جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه شدند.

چالش

اولین پاتک داعش به تنش‌زدایی سوریه با امریکا

دو هفته پس از دیدار ترامپ با احمدالشرع برای تنش‌زدایی در روابط امریکا و سوریه، داعش پس از ماه‌ها خودی نشان داد و مسئولیت نخستین حمله به نیروهای وابسته به حکومت موقت سوریه را پذیرفت که طی آن یک عضو وابسته به تحریرالشام کشته و سه تن دیگر زخمی شدند.

به گزارش رأی‌الیوم، گروه تروریستی داعش روز پنج‌شنبه اعلام کرد که نیروهای آن یک بمب را در مسیر نظامیان سوریه در استان سویدا کار گذاشته‌اند. مرکز موسوم به دیده‌بان حقوق بشر سوریه نیز در گزارشی اعلام کرد که در نخستین حمله گروه تروریستی داعش به نظامیان سوری پس از سقوط دولت بشار اسد، یک نظامی عضو تیپ ۷۰ سوریه کشته و سه نفر دیگر زخمی شده‌اند. براساس این گزارش، این بمب در مسیر یک خودرو گشتی منفجر شد و شخص کشته شده در این خودرو بود. از آنجا که حاکمان جدید تاکنون نتوانسته‌اند ثبات سیاسی و امنیتی در سوریه برقرار کنند لذا تحرکات داعش چالش جدیدی برای ثبات و روند صلح در این کشور بحران‌زده به شمار می‌رود. حمله اخیر داعش به عناصر تحریرالشام درحالی صورت گرفته که این دو گروه تروریستی در سال‌های ابتدایی جنگ سوریه متحد و هم‌پیمان بودند.

حمله داعش به سوریه، پس از آن انجام شد که مقامات ارشد امریکا اخیراً با احمد الشرع، رئیس موقت سوریه دیدار کردند تا پس از ۱۴ سال روابط پرتنش را از سربگیرند. بنابراین، واشینگتن اولین گام همکاری دیپلماتیک با دمشق را برداشت و توماس باراک، نماینده ویژه امریکا در امور سوریه روز جمعه برای اولین بار از زمان تعطیلی سفارت واشینگتن در سال ۲۰۱۲، پرچم امریکا را بر فراز محل اقامت سفیر این کشور در دمشق برافراشت. به گزارش الجزیره، باراک گفت که واشینگتن معتقد است صلح بین سوریه و اسرائیل دست‌یافتنی است و این روند باید با توافق عدم تجاوز و تعیین مرزها و حدود آغاز شود. باراک گفت که تلاش‌های رئیس‌جمهور امریکا به نفع دولت جدید سوریه است و افزود: «رئیس‌جمهور ترامپ بدون هیچ قید و شرطی تصمیم جسورانه‌ای در مورد سوریه گرفت.» این مقام امریکایی همچنین گفت: «ترامپ اعلام خواهد کرد که سوریه دیگر کشور حامی تروریسم محسوب نمی‌شود.»

باتوجه به همزمانی حمله داعش و بازگشایی سفارت امریکا، به نظر می‌رسد تحریک هسته‌های خفته داعش تلاشی از سوی امریکا برای تحت فشار قرار دادن رژیم الجولانی برای توافق عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی باشد، زیرا این موضوع یکی از درخواست‌های ترامپ از الجولانی در ازای لغو تحریم‌های سوریه و بهبود روابط با آن بود.

گزارش ۲

دروغ انگلیسی در مسیر توافق!

ادامه از صفحه یک

خبرگزاری انگلیسی رویترز در اخباری که یکی از آنها به پیام عربستان به ایران درباره مذاکرات هسته‌ای اشاره دارد، مطالبی را منتشر کرد که همگی در تأیید خواسته‌های امریکا از ایران بود. روزنامه وال‌استریت‌ژورنال هم از برنامه امریکا برای ارائه برگه شرایط به ایران یاد کرد. تمامی این اخبار که از جانب دستگاه دیپلماسی ایران رد شدند، در یک جهت و آن‌هم هدف قرار دادن موضوع غنی‌سازی در ایران شکل گرفتند. غنی‌سازی اورانیوم یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف در مذاکرات ایران و امریکا است و به جرئت می‌توان گفت که با چند دور مذاکره، یکی از دلایل اصلی سر نگرفتن توافق میان طرفین، ساز مخالف طرف امریکایی بوده است. اینکه امریکایی‌ها این موضوع را از طریق مجاری رسانه‌ای هم پیگیری می‌کنند، حالا با انتشار یک رشته اخبار کذب، عیان شده است. در این بین، بیراه نیست اگر به رویترز انگلیسی عنوان «سردمدار خبرسازی درباره مذاکرات هسته‌ای ایران» داده شود. این خبرگزاری غربی فقط در یک مورد و به نقل از منابع آگاه مدعی شد: «وزیر دفاع عربستان سعودی در سفر به تهران، حامل پیام فوری ملک‌سلمان به سران ایران بود، مبنی بر اینکه پیشنهاد دونالد ترامپ برای مذاکره درباره توافق هسته‌ای را جدی بگیرند، چرا که این فرصت می‌تواند از خطر جنگ با اسرائیل جلوگیری کند.» اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه روز جمعه در پاسخ به خبرگزاری فارس، تصریح کرد: «خبرسازی رویترز درباره محتوای پیام عربستان به ایران کذب است.» در مورد دیگر، این رسانه غربی به نقل از دو منبع ایرانی اعلام کرد: «اگر امریکا حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم با اهداف غیرنظامی را به رسمیت بشناسد، ایران ممکن است با توقف موقتی فعالیت‌های غنی‌سازی هسته‌ای موافقت کند.» همچنین، رویترز به نقل از منابع دیپلماتیک مدعی شد که با توجه به پیچیدگی‌های موجود در توافق احتمالی، اینکه ایران و امریکا تا پیش از تابستان امسال به توافقی قطعی درباره برنامه هسته‌ای تهران دست یابند، از لحاظ فنی غیرممکن است. این رسانه، به نقل از یک مقام ارشد ایرانی دخیل در مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم با امریکا، مدعی شد که اگر واشینگتن درخواست غنی‌سازی صفر را رها کند، دستیابی به توافقی سیاسی امکان‌پذیر است.

■ توافق باید شامل همه حقوق هسته‌ای باشد

روزنامه وال‌استریت‌ژورنال، به نوعی دیگر رشته این خبرسازی‌ها را به دست گرفته و اخیراً به نقل از یک مقام ارشد امریکایی مدعی شد که واشینگتن در حال آماده‌سازی یک «برگه شرایط» term sheet برای ارائه به ایران است که توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران را شامل می‌شود. این مقام امریکایی هشدار داد: «اگر ایران این شرایط را نپذیرد، روز خوبی برای ایرانی‌ها نخواهد بود.» گزارش این روزنامه امریکایی حاکی از این است که ترامپ، هنوز درباره شیوه محدودسازی غنی‌سازی در ایران تصمیمی نگرفته است. اخبار رویترز و گزارش این روزنامه امریکایی، آن‌هم در شرایطی که طرف ایرانی هیچ‌گونه چراغ سبزی در زمینه موافقت با خواسته‌های امریکایی‌ها نشان نداده است، تلاش برای تحمیل نگاه‌های رئیس‌جمهور امریکاست که سعی دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به توافقی هر چند شکننده و نامطلوب برسد تا افتخار دستیابی به آن را به نام خود بزند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز پنج‌شنبه در شبکه اجتماعی ایکس به این مواضع، واکنش نشان داد: «رسانه‌ها همچنان در حال گمانه‌زنی درباره توافقی قریب‌الوقوع میان ایران و امریکا هستند. مطمئن نیستم که واقعاً در چنین نقطه‌ای قرار داشته باشیم.» وزیر خارجه ایران با تأکید بر این نکته که جمهوری اسلامی ایران با صداقت به‌دنبال راه‌حل دیپلماتیکی است که منافع همه طرف‌ها را تأمین کند، نوشت: «این مستلزم توافقی است که همه تحریم‌ها را لغو و حقوق هسته‌ای ایران، از جمله غنی‌سازی، را محقق کند.» وی افزود: «اما درباره آخرین خبر جعلی علیه دیپلماسی ایران و امریکا؛ استفاده ابزاری از نام ایران برای حمله به منتقدان داخلی در امریکا، حتی برای اسرائیل نیز اقدامی بی‌ارزش است.»

■ ترامپ در موقعیت اوباما

اظهارات وزیر خارجه ایران، اشاره‌ای نیز به سخنان روز چهارشنبه ترامپ دارد. او در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که آیا شما به نخست‌وزیر اسرائیل در مورد اقداماتی که می‌تواند مذاکرات را مختل کند، هشدار دادید، این‌گونه پاسخ داد: «می‌خواهم صادق باشم، بله، من این کار را انجام دادم. من به نتانیاهو گفتم که ما به یک توافق و راه‌حل نزدیک هستیم و ایران خواستار یک توافق است.» او درباره سخنانش به نتانیاهو با تکرار ادعاهای همیشگی خود در عین تمایلش برای دستیابی به توافق با ایران، با بیان اینکه «این یک هشدار نبود» افزود: من به او (نتانیاهو) گفتم چنین اقدامی مناسب نیست. ما مذاکرات بسیار خوبی داریم. می‌توانیم به یک سند بسیار قوی دست پیدا کنیم و موضوع را حل کنیم. ممکن است توافق با ایران در چند هفته آینده حاصل شود. این اظهارات پس از آن مطرح شد که روزنامه نیویورک تایمز جزئیاتی از این تماس را منتشر کرد و نوشت که مقامات امریکایی نگران هستند مبادا اسرائیل بدون اطلاع قبلی، دست به حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران بزند و فرصتی برای ایالات متحده جهت متقاعد کردن نتانیاهو به انصراف از چنین اقدامی باقی نماند. پایگاه تحلیلی GZERO در گزارشی در تشریح وضعیت کنونی رئیس‌جمهور امریکا نوشت: «ترامپ اکنون با همان مسئله‌ای روبه‌روست که یک دهه پیش باراک اوباما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد.» وی اضافه کرد رئیس‌جمهور امریکا خواهان توافق با ایران است، نتانیاهو از احتمال توافقی تازه بین ایران و امریکا خوشحال نیست.

پرونده

موشک یمنی تماشاگران صهیونیست را از ورزشگاه فراری داد

پس از شلیک موشک از یمن به سمت فلسطین اشغالی و به صدا درآمدن آژیرهای خطر، تماشاگران فینال جام فوتبال این رژیم از ترس موشک یمنی‌ها پا به فرار گذاشتند و برخی از آنها مجبور شدند برای خروج از ورزشگاه از دیوارهای آن بالا بروند.

رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کردند که در پی شلیک موشک از یمن به سمت سرزمین‌های اشغالی و به‌صدا درآمدن آژیرهای خطر، مسابقه پایانی «جام اسرائیل» در شهر یافا متوقف و استادیوم محل برگزاری آن از تماشاگران تخلیه شد. این رسانه‌ها مدعی شدند که این موشک بر فراز دریای سرخ رهگیری و منهدم شد. شلیک موشک از یمن، هزاران صهیونیست را به سوی پناهگاه‌ها فراری داد. رسانه‌ها همچنین از توقف فعالیت فرودگاه بن‌گوریون خبر دادند. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارانوت هم گزارش داد که «اسحاق هرتزوگ» رئیس رژیم صهیونیستی و همسرش هم پس از به صدا درآمدن آژیر خطر و حمله موشکی یمن در جریان مسابقه فوتبال بین بیتار اورشلیم و هاپوئل بئرالسبع از ورزشگاه فرار کردند.

علاوه بر این، نیروهای مسلح یمن پنج‌شنبه شب، فرودگاه بن‌گوریون را هدف حمله موشکی قرار داد. سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد که یگان موشکی این کشور با یک فروند موشک فراصوت، به فرودگاه اللد موسوم به بن‌گوریون در منطقه یافای اشغالی (تل‌آویو) حمله کرده است. سریع افزود: «این حمله موشکی موفقیت‌آمیز بوده و به اهداف خود دست یافته است و میلیون‌ها صهیونیست اشغالگر را وادار به فرار به سوی پناهگاه‌ها کرده و فعالیت‌های فرودگاه بن‌گوریون را متوقف کرده است.» سریع تصریح کرد: «هر تجاوز رژیم صهیونیستی به یمن با عملیات‌های بیشتری در پشتیبانی از ملت فلسطین و جلوگیری از فعالیت فرودگاه بن‌گوریون پاسخ داده خواهد شد.» تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز پیش‌تر در گزارشی از تداوم تعلیق پروازهای شرکت‌های هواپیمایی خارجی به سرزمین‌های اشغالی خبر داده و تأکید کرده بود که بحران پروازهای خارجی در مدت کوتاه حل نخواهد شد. نصرالدین عامر، معاون سازمان اطلاع‌رسانی انصارالله یمن در اظهاراتی تأکید کرد که فرودگاه اللد (بن‌گوریون) دیگر امن نیست و عملیات نظامی یمن به سمت آن و سایر اهداف ادامه خواهد یافت. معاون سازمان اطلاع‌رسانی انصارالله یمن گفت: «تمام خطوط هوایی خارجی باید برای امنیت خود و مسافران‌شان تا زمان توقف تجاوز و لغو محاصره غزه، از ورود به فرودگاه اللد اجتناب کنند.»

اخبار کوتاه

■ اردوغان خواستار حمایت ایران از «کریدور زنگه‌زور» شد

رئیس‌جمهور ترکیه روز پنج‌شنبه در سفر بازگشت از جمهوری آذربایجان گفت: اکنون می‌خواهیم شاهد صلح و آرامش در قفقاز جنوبی باشیم. از ایران انتظار داریم از اقداماتی که در خدمت صلح در منطقه است، حمایت کند. به گزارش خبرگزاری آذربایجانی آپا، اردوغان افزود: صلح دائمی در منطقه به نفع همه خواهد بود. ما خوشحالیم که اکنون صلح بین آذربایجان و ارمنستان در دسترس است. ما از نزدیک این روند را دنبال می‌کنیم و کمک‌های لازم را ارائه می‌دهیم. صلحی که باید حاصل شود نه‌تنها برای آذربایجان و ارمنستان بلکه برای کشور ما نیز ارزشمند خواهد بود. ما همچنین در حال گذراندن یک روند محتاطانه عادی‌سازی روابط با ارمنستان هستیم. اردوغان گفت: کریدور زنگه‌زور فقط یک مسیر زمینی برای آذربایجان و نخجوان نیست، بلکه یک خط ادغام جدید است که از طریق ترکیه به جهان ترک امتداد یافته و در کوتاه‌مدت باعث تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی در قفقاز جنوبی خواهد شد.

■ رایزنی سفرای ایران، چین و روسیه در آستانه شورای حکام

سفیران ایران، چین و روسیه در وین در آستانه برگزاری نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار و درباره هماهنگی مواضع سه کشور در قبال موضوعات آتی این نشست گفت‌وگو کردند. به گزارش ایرنا، میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین روز پنج‌شنبه با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «امروز با همکاران عزیزم، نمایندگان دائم چین و ایران دیدار کردم تا در آستانه نشست پیش‌روی شورای حکام آژانس، درباره موضوعات موردنظر تبادل‌نظر کنیم. این قالب سه‌جانبه بسیار مفید واقع شده و به ما کمک می‌کند مواضع‌مان را به‌خوبی هماهنگ کنیم.» این دیدار درحالی انجام می‌شود که بر اساس برنامه اعلام شده، نشست آتی شورای حکام از اواسط خردادماه در ساختمان مرکز بین‌المللی وین برگزار خواهد شد. موضوع ایران، از جمله راستی‌آزمایی و بازرسی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در چارچوب توافق پادمان و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، بار دیگر در دستور کار این نشست قرار دارد.

■ کره شمالی چند مقام ارشد نظامی را برکنار کرد

خبرگزاری مرکزی کره (KCNA) روز جمعه گزارش داد، در جلسه «کمیسیون مرکزی نظامی» حزب کارگران کره شمالی که روز چهارشنبه به ریاست کیم جونگ اون رهبر این کشور برگزار شد، شش مقام ارشد نظامی از جمله مدیر اداره توپخانه و مدیر اداره امنیت برکنار شدند. برکناری این افراد پس از آن صورت گرفت که یک ناوشکن ۵ هزار تنی کره شمالی هفته گذشته دچار «حادثه» شد و تعدادی از مقام‌های این کشور بازداشت شدند. این حادثه ۱۰ روز پیش در یک کارخانه کشتی‌سازی در شهر بندری چونگجین در شرق این کشور و در آیین به آب انداختن ناوشکن پنج هزار تنی «چو هیون» رخ داد. کره‌شمالی این اتفاق را یک «حادثه جدی» توصیف و اعلام کرد قسمت عقب کشتی ابتدا از بدنه جدا شده و بخش دیگری از این کشتی به گل نشست. کیم جونگ اون این اتفاق را یک «عمل مجرمانه ناشی از بی‌دقتی محض» خواند.

■ روسیه جبهه تازه‌ای در شمال اوکراین گشوده است

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با بیان اینکه روسیه دامنه عملیات خود در اوکراین را گسترش داده است، نوشت: «نیروهای روسی پس از ماه‌ها پیشروی تدریجی اکنون با بالاترین سرعت در سال جاری در حال پیشروی به داخل خاک اوکراین هستند، حملات موشکی و پهپادی به شهرهای اوکراین نیز به شدیدترین سطح خود رسیده است و روسیه موفق شده جبهه جدیدی در منطقه سومی، نزدیک مرزهای شمالی اوکراین ایجاد کند. این گزارش می‌افزاید: همزمان با این تحولات، وزارت دفاع روسیه به تازگی اعلام کرد که نیروهای این کشور منطقه «اوستروکا» در استان خارکف اوکراین را به تصرف خود درآورده‌اند. اتخاذ این راهبرد ترکیبی از سوی مسکو، چشم‌انداز پایان جنگ را بیش از گذشته مبهم ساخته است. در گزارش نیویورک تایمز آمده است: این در حالی است که دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین پیشتر اعلام کرد که اوکراین هنوز به پیشنهاد مذاکرات صلح در استانبول که در اوایل ژوئن انجام شد، پاسخ نداده است.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۱۸ | شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ | ٤ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۲ |
غروب آفتاب: ۱۹:۱۴ |اذان مغرب: ۱۹:۳۵ |نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۰ |اذان صبح فردا: ۰۳:۰۶ |طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۰ |

دیده‌بان

بازدید ۳ میلیونی «یزدان» در تلویبون

سریال «یزدان» در تلویبون به بازدید ۳ میلیونی رسیده‌است.

این سریال در فاصله پنج قسمت مانده تا پایان، در تلویبون به بازدید ۳ میلیونی رسیده و توانسته نمره رضایت ۹۳ درصدی را کسب کند. سریال «یزدان» از دوشنبه ۱۵ اردیبهشت روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت و به رغم داشتن یک خط داستانی واحد، در هر قسمت به داستان اجتماعی منحصر به فردی پیرامون یک مأمور شهرداری به نام «عماد» با بازی پژمان بازغی پرداخته که در سطح شهر اتفاق می‌افتد. «یزدان» سریالی به کارگردانی منوچهر هادی و تهیه‌کنندگی سلیم ثنائی است که با متنی از امیرمحمد عبدی جلوی دوربین رفته‌است. بازیگران این مجموعه تلویزیونی پژمان بازغی، لعیا زنگنه، سیما تیرانداز، دارا حیایی، فاطیما بهارمست، کوروش ثنائی، علیرضا خمسه، جعفر دهقان، حمید گودرزی، رزیتا غفاری، فقیهه سلطانی، محمود عزیزی و مریم مؤمن نیز در آن ایفای نقش می‌کند.

گرامیداشت همایون خرم در ارکستر موسیقی ملی ایران

ارکستر موسیقی ملی ایران، در تازه‌ترین اجرای خود، ۱۸ خرداد با رهبری همایون رحیمیان کنسرت «مانده با نگاهی» را در گرامیداشت زنده‌یاد همایون خرم در تالار وحدت روی صحنه می‌برد.

به گزارش «جوان»، در این کنسرت که دومین اجرای ارکستر موسیقی ملی ایران در گرامیداشت بزرگان موسیقی ایرانی است، محمد عبدالحسینی ارکستر را به عنوان خواننده همراهی می‌کند. ارکستر موسیقی ملی ایران پیش از این و در نخستین اجرای سال ۱۴۰۴ نیز کنسرت «خاطره‌ای با من هست» را در نکوداشت محمد سریر استاد پیشکسوت موسیقی برگزار کرده‌بود. کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران در گرامیداشت استاد همایون خرم با عنوان «مانده با نگاهی...» به رهبری همایون رحیمیان، هجدهم خرداد از ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

آغاز تولید مستند «نبردهای فانتوم ۳»

تولید مستند «نبردهای فانتوم ۳» سومین بخش از مستند تاریخی و نظامی که به بازخوانی نقش پررنگ فانتوم‌ها در عملیات‌های کلیدی سال‌های پایانی جنگ تحمیلی می‌پردازد، آغاز شد.

به گزارش «جوان»، تولید مستند «نبردهای فانتوم ۳» به کارگردانی سالار بی‌باک آغاز شده و در حال تولید است. این مستند در ادامه دو بخش پیشین خود، روایتگر مقطعی حساس از تاریخ جنگ تحمیلی است، زمانی که نیروی هوایی ایران با تکیه بر توان خلبانان فانتوم و بهره‌گیری از امکانات بومی‌شده، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازپس‌گیری مناطق اشغالی و انهدام زیرساخت‌های حیاتی ارتش عراق را ایفا کردند. «نبردهای فانتوم ۳» در چهار قسمت تولید می‌شود و به پیشرفت‌هایی که در زمینه هواپیماهای فانتوم شده می‌پردازد، در حوزه ساخت شبیه‌ساز، ارتقای رادار و موشک‌های هوا به زمین هوشمندی که در این هواپیما نصب شده‌است. این مستند با هدف ادامه دادن مسیر مستندسازی تاریخ نیروی هوایی ایران، از ورود فانتوم‌ها آغاز شده و اکنون در سومین بخش، به نقطه‌ای حساس و تعیین‌کننده در جریان جنگ می‌رسد. «نبردهای فانتوم ۳» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در خانه مستند به تولید می‌رسد.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

خداوند نهی از منکر را برای باز داشتن سبک‌سران [از زشت‌کاری] واجب فرمود.

نهج‌البلاغه، الحکمه ۲۵۲

محمدمهدی صافی | جوان

صفار هرندی در مراسم بزرگداشت عباس سلیمی نمین:

سلیمی نمین آدم حسابی مطبوعات است

مراسم بزرگداشت عباس سلیمی نمین، پژوهشگر و فعال باسابقه عرصه رسانه، با حضور جمعی از اهالی برجسته مطبوعات و فرهنگ در خانه روزنامه‌نگاران تهران برگزار شد.

به گزارش «جوان»، در ابتدای این مراسم، مسعود رضایی دوست و همکار قدیمی عباس سلیمی نمین، با اشاره به ۴۰ سال رفاقت و همراهی خود با او، به ویژگی‌های بارز سلیمی نمین در دوران همکاری در نشریه کیهان هوایی پرداخت و گفت: سخت‌کوشی و جدیت سلیمی نمین در کار روزنامه‌نگاری بسیار چشمگیر بود. کیهان هوایی هفته‌نامه‌ای بود که برای ایرانیان خارج از کشور منتشر می‌شد و جایگاه ویژه‌ای در میان آنها داشت. یکی از دلایل اصلی این محبوبیت، اخبار و اطلاعات دست اولی بود که سلیمی نمین با تلاش فراوان، از منابع مختلف جمع‌آوری می‌کرد و پس از ارزیابی دقیق، در نشریه به چاپ می‌رساند.

■ رک‌گویی سلیمی‌نمین

محمدحسین صفارهرندی، از دیگر سخنرانان این مراسم، با ابراز افتخار از حضور در این بزرگداشت، به توصیف شخصیت عباس سلیمی نمین پرداخت. او سلیمی نمین را فردی مستقیم و استوار در مسیر اصول دانست و گفت: حرکت آقای سلیمی همواره مستقیم است. استقامت و عمل بر اساس جاده و صراط رستگاری، توصیف مستقیم بودن آقای سلیمی است. صفارهرندی با اشاره به بیش از ۴۰ سال آشنایی با سلیمی نمین، تأکید کرد که او هرگز از اصول خود کوتاه نیامده‌است. «در تمام این مدت، من ایشان را خط استوار اصلی دیدم. خداوند را شکر می‌کنم که انسان در طول دوران عمرش با کسانی مواجه شود که بتواند آنها را آدم حسابی و آدم کافی بنامد.»

صفارهرندی همچنین به ویژگی رک‌گویی سلیمی نمین اشاره کرد و گفت: در برخی موارد، شاید این رک‌گویی قابل تحمل نباشد، اما این ویژگی ذاتی وجود اوست و کسانی که ایشان را خوب می‌شناسند، به دلیل رک و راست بودنشان دلخور نمی‌شوند.

وی تأکید کرد که سلیمی نمین، ترازی از نقد را در رسانه به نمایش گذاشت که قابل تدریس در کلاس‌های روزنامه‌نگاری است.

در بخش دیگری از سخنانش، صفارهرندی به نوآوری‌های سلیمی نمین در عرصه روزنامه‌نگاری اشاره کرد و گفت: هنگامی که ایشان کیهان هوایی را منتشر کردند، واقعاً از اولین کارهای روزنامه‌نگاری بود که پرونده‌بندی در آن موضوعیت داشت.

ای کاش نهادهای رسمی امکانات بیشتری را صرف حمایت از روزنامه‌نگاران و اهالی فرهنگ می‌کردند و مکان‌ها و بودجه‌های بیشتری را به آموزش روزنامه‌نگاری و مسائل رفاهی این قشر اختصاص می‌دادند

در پایان، صفارهرندی به غیرت سلیمی نمین نسبت به انقلاب، امام و رهبری اشاره کرد و آن را از ویژگی‌های بارز او دانست. «این غیرت‌ورزی از همان زمان با ایشان بوده و به آن عمل کرده‌است. امروز نیز همین‌طور است. اگر ایشان ببینید که در گوشه‌ای چیزی گفته می‌شود که به حقیقت امام و این جایگاه رفیعی که حق به گردن آزادی و استقلال این کشور و آحاد مردم دارد، بی‌مهری شده، کسی تعریض بی‌جایی به امام می‌کند، می‌ایستد و مستدل نقد می‌کند.»

■ داشتن گوش شنوا برای مخالفان

در ادامه، رضا پورحسین، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و از مدیران سابق حوزه رسانه از منش و اخلاق کاری سلیمی نمین گفت: او آماده است. سلیمی نمین خودش، اندیشه و قلمش را در معرض داوری قرار می‌دهد و این ویژگی بارز او است. او همچنین گوش شنوایی برای شنیدن حرف مخالف دارد که این ویژگی امروزه در جامعه ما رایج نیست. نقد برای کسی است که بدون سوگیری و با شنیدن حرف دیگری را نقل کند و در نقد امانتدار باشد. سلیمی نمین به دیگری هم حق اندیشه و حرف زدن می‌دهد و احترام می‌گذارد. او حتی در اوج هیجان بحث، هرگز از مدار اخلاق خارج نمی‌شود و مخالفش را با انصاف نقد می‌کند.

■ رعایت عدالت و اخلاق در نقد

مسعود ده‌نمکی، کارگردان هم در تجلیل و بزرگداشت سلیمی نمین صحبت را با ملاحت طبعش آغاز کرد، اما دل پردردی از وضعیت فرهنگی کشور داشت و گفت: سنت قدردانی و بزرگداشت افرادی مانند آقای سلیمی نمین باید در کشور جا بیفتد و نسل جدید ما در رسانه باید بدانند که مدیون چنین افرادی هستند. ما نباید بگذاریم بسیاری از آدم‌هایی که پرورش یافته و صاحب تجربه شده‌اند، گوشه‌نشین شوند. به گوشه و حاشیه نشاندن امثال آقای سلیمی نمین‌ها لطمات بسیاری دارد. اینها عدالت، اخلاق، قانون و انصاف را در نقد رعایت می‌کردند.

■ اختصاص امکانات به بخش فرهنگی

عباس سلیمی نمین در پایان مراسم بزرگداشت خود، ضمن تشکر از دوستان و برگزارکنندگان مراسم، به بیان دغدغه‌های خود در حوزه روزنامه‌نگاری و آینده فکری جامعه پرداخت. وی به عنوان سخنران نهایی در سخنانی اظهار کرد: از دوستان و خانواده عزیز خودم و به‌طور ویژه از همسرم که در دوران روزنامه‌نگاری فشارهای زیادی را تحمل کرد، تشکر می‌کنم. خوشحالم که مکانی برای روزنامه‌نگاران شهر تهران اختصاص پیدا کرده‌است. اما ای کاش نهادهای رسمی امکانات بیشتری را صرف حمایت از روزنامه‌نگاران و اهالی فرهنگ می‌کردند و مکان‌ها و بودجه‌های بیشتری را به آموزش روزنامه‌نگاری و مسائل رفاهی این قشر اختصاص می‌دادند. امیدوارم عزیزان این مهم را در دستور کار قرار دهند.

او در ادامه درباره وضعیت فرهنگی کشور گفت: ما امروز باید از میزان تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای نگران باشیم. هیچ سازگاری میان تحول فکری امام خمینی (ره) با آنچه امروز در رسانه می‌بینیم، وجود ندارد که این موضوع باید پیگیری شود. شبهه‌آفرینی آنچه امروز تولید می‌شود، در خارج از کشور بسیار زیاد است، بنابراین خواهش بنده این است که اختصاص امکانات به بخش فرهنگی کشور را جدی‌تر پیگیری کنیم. شایسته نیست به همه کسری‌های جامعه بپردازیم، اما کسری‌ها در زمینه فکر جامعه را جدی نگیریم.

سلیمی نمین ادامه داد: کم‌توجهی به حوزه اندیشه که امروز شاهد آن هستیم، در خور و در شأن ملت بزرگ ایران نیست. خداوند توفیق بدهد از شأن ملت ایران دفاع کنیم.

نما | حسین کشتکار

موسیقی فیلم، پلی برای ارتقای سلیقه موسیقی مردم

سرپرست و رهبر ارکستر سمفونیک موسیقی فیلم تهران تشکیل شدن ارکستر سمفونیک موسیقی فیلم در ایران را با هدف ارائه موسیقی فیلم‌های مطرح جهانی و ارتقای سطح سلیقه موسیقایی مخاطبان دانست.

عبدالرضا امیرخانی، سرپرست و رهبر ارکستر سمفونیک موسیقی فیلم تهران درباره فعالیت‌های ارکستر گفت: این ارکستر نخستین ارکستر سمفونیک تخصصی موسیقی فیلم در ایران است و همگام با ارکسترهای بین‌المللی فعالیت می‌کند. وی افزود: رپرتوار (مجموعه قطعه‌های موسیقی) ما شامل موسیقی فیلم‌هایی است که بسیار محبوب و مورد علاقه مردم هستند، مانند «بازی تاج و تخت»، «میان‌ستاره‌ای»، «پدرخوانده» و آثار ماندگار دیگر.

امیرخانی ادامه داد: همزمان با اجرای موسیقی، صحنه‌های مربوط به فیلم‌ها را نیز نمایش می‌دهیم تا حس و حال آن موسیقی را بهتر به مخاطب منتقل کنیم. در این کنسرت حدود ۲۰ قطعه از ۱۲ فیلم مختلف اجرا می‌شود که هر قطعه ممکن است شامل بخش‌های متعددی باشد، مانند قطعه «بازی تاج و تخت» که از چهار بخش تشکیل شده است. وی درباره اهمیت همراهی تصویر با موسیقی گفت: موسیقی سمفونیک ساختاری چندلایه و پیچیده دارد و ممکن است برای کسانی که آشنایی زیادی با موسیقی ندارند دشوار باشد، اما تصاویر فیلم به درک بهتر مخاطب کمک می‌کند. هدف ما جذب مخاطب عمومی به این گونه از موسیقی و ارتقای سلیقه موسیقایی مردم است. رهبر ارکستر سمفونیک موسیقی فیلم تهران همچنین افزود: این ارکستر متشکل از حدود ۷۰ نوازنده و خواننده است که با همکاری آکادمی موسیقی هنر فارابی و تنظیم قطعات توسط روزبه پرنده آماده شده‌اند. این پروژه طی دو سال برای اجرا آماده شده و برنامه‌ریزی برای اجرای‌های بعدی نیز صورت گرفته است

دیدگاه

بازیگر پیشکسوت عرصه طنز:

کمدی سخیف را با دستمزد میلیاردی هم بازی نمی‌کنم

بازیگر طناز پیشکسوت رادیو و تلویزیون می‌گوید که کمدی‌های این روزها در تصویر آنقدر سخیف شده است که اگر میلیاردی هم دستمزد بدهند، بازی نمی‌کند.

امیر پارسی که زمانی نمایش‌های طنز «عبدلی و اوستا» را با جواد انصافی در تلویزیون داشت، درباره کیفیت طنزهای امروزی بیان کرد: احساس می‌کنم که طنز، موقعیت‌های نمایشی و شوخی‌ها در کارهای تصویری امروزه بسیار سطحی شده و انگار برای مخاطب ارزشی قائل نیستند. وی اضافه کرد: نگذارید درددل‌هایمان باز شود. واقعاً مدل شوخی‌ها با آن زمان خیلی فرق کرده است. ما آن زمان می‌دانستیم مردم چه می‌خواهند. مردم هم کارهایمان را بسیار دوست داشتند و در کوچه و خیابان می‌گفتند، اما الان طنز به شکل دیگری شده است؛ طنز به حرف‌های سخیف و نامناسب و حرکات بد تبدیل شده است.

این بازیگر با اشاره به نمایش‌های «عبدلی و اوستا» عنوان کرد: در دوره‌ای گفتند زمان این مدل نمایش‌ها به اتمام رسیده و به اصطلاح هنرمندان، کار «تخ‌نما» شده است که حرفشان هم درست بود، اما این روزها هم طنزها چندان چنگی به دل نمی‌زند. بازیگر نقش آمیزرا درباره اینکه چرا در فیلم و سریال‌ها بازی نمی‌کند، گفت: به تازگی، به یک پروژه دعوت شدم و در همان جلسه اول، دیالوگ‌های بسیار نامناسبی مطرح شد و من بلافاصله پیام عذرخواهی دادم که نمی‌توانم در کار حضور داشت باشم. معتقدم وقتی می‌توان مردم را با کلمات زیبا و حرکات قشنگ خنداند، چه لزومی دارد که حرف بد زد. متأسفانه، کمدی‌های ما الان این‌گونه شده است و من اصلاً دوست ندارم حتی اگر میلیاردها تومان هم پیشنهاد دهند در چنین فضایی بازی کنم. وی اضافه کرد: من شخصاً این روزها رادیو را بیشتر می‌پسندم. دلیلش هم این است که معتقدم در میان هنرهای نمایشی مانند رادیو، تلویزیون، تئاتر و سینما، رادیو از همه دشوارتر است، زیرا در رادیو، شما فقط با کلام و گویندگی باید تمام احساسات خود را به شنونده منتقل کنید، درحالی که در هنرهای نمایشی مخاطب بازیگر را می‌بیند، حرکاتش را مشاهده می‌کند، اما در رادیو اینطور نیست و شما باید این حس را القا کنید. پارسی در پایان یادآور شد: دریافتی من از یکی از برنامه‌های رادیویی بعد از یک ماه، یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است که شاید خنده‌تان بگیرد. من دو برنامه رادیویی روزانه دارم که مجموعاً ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت می‌شود، اما می‌گویم که پول رادیو برایم مهم نیست.

نشر

به همت انتشارات حماسه یاران منتشر شد

«روح‌الامین»، روایتی بی‌واسطه از سید مقاومت

مخاطب در «روح‌الامین» بدون فاصله با سیدحسن نصرالله همراه می‌شود و روایت زندگی او را می‌خواند. در واقع کتاب تصویری دقیق و بی‌واسطه از مردی ارائه می‌دهد که نه تنها جهان اسلام که بسیاری از مردم آزادیخواه جهان را تحت تأثیر قرار داد.

کتاب «روح‌الامین» از جمله آثاری است که تلاش دارد به بازنمایی تصویری از سیدحسن نصرالله بپردازد. الهه آخرتی در تازه‌ترین اثر خود تلاش کرده با بررسی مجدد گفت‌وگوها و سخنرانی‌های سید مقاومت، تصویری روشن از زندگی، شخصیت و زمانه او ارائه دهد تا با این شیوه، نمایی بی‌کم و کاست از زبان ایشان ارائه دهد، چراکه گفته‌اند؛ آفتاب آمد، دلیل آفتاب.

«روح‌الامین» در ۱۷ فصل تدوین شده و نویسنده روایت زندگی این شهید عزیز را از دوران کودکی او آغاز کرده، سپس به مراحل بعدی زندگی ایشان رسیده است؛ از دوران نوجوانی و شرایط خانواده گرفته تا سفر به ایران و عراق و ادامه تحصیل. از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی تا چرایی

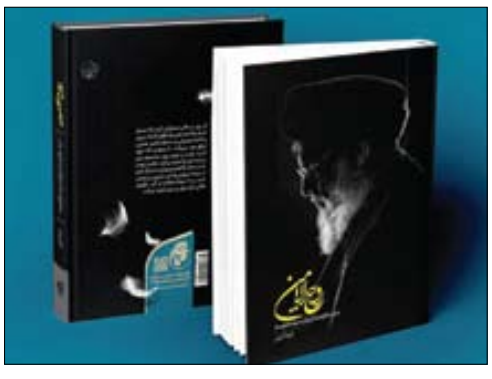

انتخاب‌های مهم و تأثیرگذار در حزب‌الله. از روابط خانوادگی و سبک زندگی سید عزیز گرفته تا تعاملات و روابطش با شخصیت‌های مهمی چون امام(ره)، مقام معظم رهبری، سردار سلیمانی، آیت‌الله بهجت و دیگران.

آخرتی در پاسخ به اینکه کدام بخش از زندگی سیدحسن نصرالله برای شما جالب و قابل تأمل بود، گفت: شهید سردار قاسم سلیمانی یک نکته مهم و قابل تأمل درباره سیدحسن دارند و ایشان را به خاطر ولایت‌شناسی تقدیر می‌کردند و می‌گفتند ایشان باید درس ولایت‌شناسی برگزار کنند. اگر نوع نگاه و باوری که به رهبر انقلاب و امام(ره) داشتند در جامعه ما جا می‌افتاد، بسیاری از مشکلات ما برطرف می‌شد. سیدحسن همیشه از مظلومیت رهبر انقلاب می‌گفت و رمز پیروزی حزب‌الله را ولایتمداری آن می‌دانست. یکی از نکات جالب درباره زندگی سیدحسن برای من همین نکته بود که شخصیت بزرگی مانند ایشان که ما باید مفتخر باشیم که روزگاری او را درک کرده‌ایم، خودش را مطیع و سرباز رهبر انقلاب می‌داند.

وی ادامه داد: از دیگر نکات جالب در زندگی سیدحسن نوع نگاه تربیتی ایشان به فرزندانشان است. ایشان هیچ‌گاه با عتاب و خطاب با فرزندانشان صحبت نمی‌کرد. به عنوان مثال، فرزند ایشان می‌گفت که در خیابان با دوستانش مشغول فوتبال بوده که در همین حین اتفاقی رخ داد و بحثی پیش آمد. فرزند ایشان می‌گوید وقتی دید که پدرش از پنجره دارد او را نگاه می‌کند، از لحن خودش خجالت کشید. بعد از آنکه به خانه آمد، به‌رغم تصورش که فکر می‌کرد پدرش با او برخورد خوبی نخواهد داشت و شماتت خواهد کرد، ایشان با خواندن آیات قرآن و به صورت غیرمستقیم به فرزندشان هشدار دادند که این نوع صحبت کردن درست نیست. از سوی دیگر، ایشان هیچ‌گاه به فرزندشان امر نمی‌کرد. در خاطرات ایشان آمده با وجود آنکه علاقه داشتند فرزندانشان تحصیلات حوزوی داشته باشند، اما هیچ‌گاه آنها را منع نکردند که وارد دیگر حوزه‌ها نشوند.

از جمله دلایلی که «روح‌الامین» را خواندنی می‌کند، اشراف نویسنده به فرهنگ، آداب و رسوم و جغرافیای منطقه لبنان و عراق و تسلط او به زبان عربی است. این امر سبب شده آخرتی با نثری روان سخنان سیدحسن را بازگردانی کند، نثری که اگرچه روان و شیرین است، اما در عین حال استوار است و سستی در آن کمتر دیده می‌شود. از سوی دیگر کتاب «روح‌الامین» از زاویه اول شخص روایت می‌شود و مخاطب بدون فاصله با سیدحسن نصرالله همراه می‌شود و روایت زندگی او را می‌خواند. در واقع کتاب تصویری دقیق و بی‌واسطه از مردی ارائه می‌دهد که نه تنها جهان اسلام که بسیاری از مردم آزادیخواه جهان را تحت تأثیر قرار داد.

دومین چاپ از کتاب «روح‌الامین» از سوی انتشارات حماسه یاران برای علاقه‌مندان عرضه شده است.

۳۰۰ هنرمند انگلیسی خطاب به نخست وزیر این کشور:

همدستی انگلیس در وحشت غزه را فوراً پایان بدهید

بندیکت کامبربچ، آصف کاپادیا، ریز احمد و آنی لنوکس از جمله ۳۰۰ امضاکننده نامه‌ای هستند که در آن از نخست وزیر انگلیس، خواسته شده از همدستی در بحران انسانی غزه دست بردارد.

به گزارش مهر به نقل از ددلاین، ۳۰۰ چهره هنرمند بریتانیا با امضای نامه‌ای سرگشاده از کی‌یر استارمر نخست وزیر انگلیس، خواسته‌اند همدستی این کشور در بحران انسانی غزه را تمام کند. در این نامه آمده‌است: ما از شما می‌خواهیم فوراً برای پایان دادن به همدستی انگلیس در وحشت غزه اقدام کنید. در حال حاضر، کودکان غزه در حالی که غذا و دارو تنها چند دقیقه با آنها فاصله دارد و در مرز مسدود شده، دارند از گرسنگی می‌میرند. استفاده از واژه‌ها کودکان فلسطینی را سیر نمی‌کند، ما به عمل نیاز داریم. هر یک از ۲/۱ میلیون نفر جمعیت غزه، همین الان که شما این متن را می‌خوانید، در خطر گرسنگی هستند. در ادامه نامه آمده‌است: مادران، پدران، نوزادان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها - تمام مردم غزه پیش چشم جهان گرسنه مانده‌اند. ۲۹۰ هزار کودک در آستانه مرگ هستند - دولت اسرائیل بیش از ۷۰ روز است که گرسنگی را به آنها تحمیل کرده‌است. امضاکنندگان این نامه همچنین خواستار تعلیق فوری تمام فروش‌های تسلیحاتی بریتانیا به اسرائیل، دسترسی فوری سازمان‌های امدادرسان باتجربه به مناطق آسیب‌دیده و تعهد دولت بریتانیا برای کمک به برقراری آتش‌بس شدند. علاوه بر بندیکت کامبربچ، دوآ لیپا، ریز احمد و آنی لنوکس، از دیگر چهره‌های دنیای سرگرمی که این نامه را امضا کرده‌اند می‌توان به توبیاس منزیس، تیلدا سوینتون، توبی جونز، استیو کوگان، سادی فراست، روث نگا، لیلی کول و مارک روفالو اشاره کرد. در حالی که نگرانی‌های بین‌المللی درباره عملیات نظامی ۲۰ ماهه رژیم صهیونیستی در نوار غزه، هر روز افزایش می‌یابد، تاکنون بیش از ۵۴ هزار نفر در غزه جان باخته‌اند و اکنون این منطقه پس از محاصره ۱۱ هفته‌ای توسط اسرائیل، در آستانه قحطی قرار دارد. رژیم صهیونیستی هفته پیش اجازه ارسال کمک‌های امدادی را داد، اما سازمان ملل متحد می‌گوید این اقدام برای پایان دادن به کمبود مواد غذایی، کافی نیست. شماری از رهبران اروپایی نگرانی خود را درباره اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه در روزهای اخیر ابراز کرده‌اند. صدراعظم آلمان، از جمله چهره‌هایی بود که بمباران مداوم غزه توسط اسرائیل را محکوم کرد و آن را «فراتر از درک» خواند. پیش از نامه ۳۰۰ چهره هنری، دیگر نامه‌های مشابه و جداگانه‌ای خطاب به استارمر منتشر شده‌بود، که نامه وکلا تا جمعی از نویسندگان انگلیس و ایرلند، با امضاکنندگانی چون زادی اسمیت و ایان مک ایوان، از جمله آنها بودند.